

از بودجه سرمایه جاویدان  
بنامگانه روانشاد فریدون  
اشتری (خسروی) نوبت دوم  
توسط سازمان انتشارات  
فروهر به چاپ رسیده است.

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی  
گاتها: سرودهای زرتشت ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژه‌نامه / عباس شوشتری مهرین -  
[نهران]: فروهر، ۱۳۷۸.  
پانزده [۳۰۶] ص: عکس.  
ISBN 964-6320-08-2  
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
چاپ دوم.  
۱- اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف، مهرین، عباس، ۱۳۵۹ -  
ب. عنوان. ج. عنوان: سرودهای زرتشت: ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژه‌نامه.  
PIR۴۷۳  
۲۹۵/۸۲  
کتابخانه ملی ایران  
الف ۱۳۷۸  
۱۲۵۷۹-۷۸ م



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها (سرودهای) زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

برگردان به فارسی: پروفسور عباس شوشتری (مهرین)

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۸-۲ - I.S.B.N: 964 - 6320 - 08- 2

# گاتھا

## سرودھامی زرتشت

ترجمہ متن اوستایی گاتھا با تفسیر و واژه نامه

پروفیسور عباس شوشتری  
مہرین



سروری) بانو همایون رشید



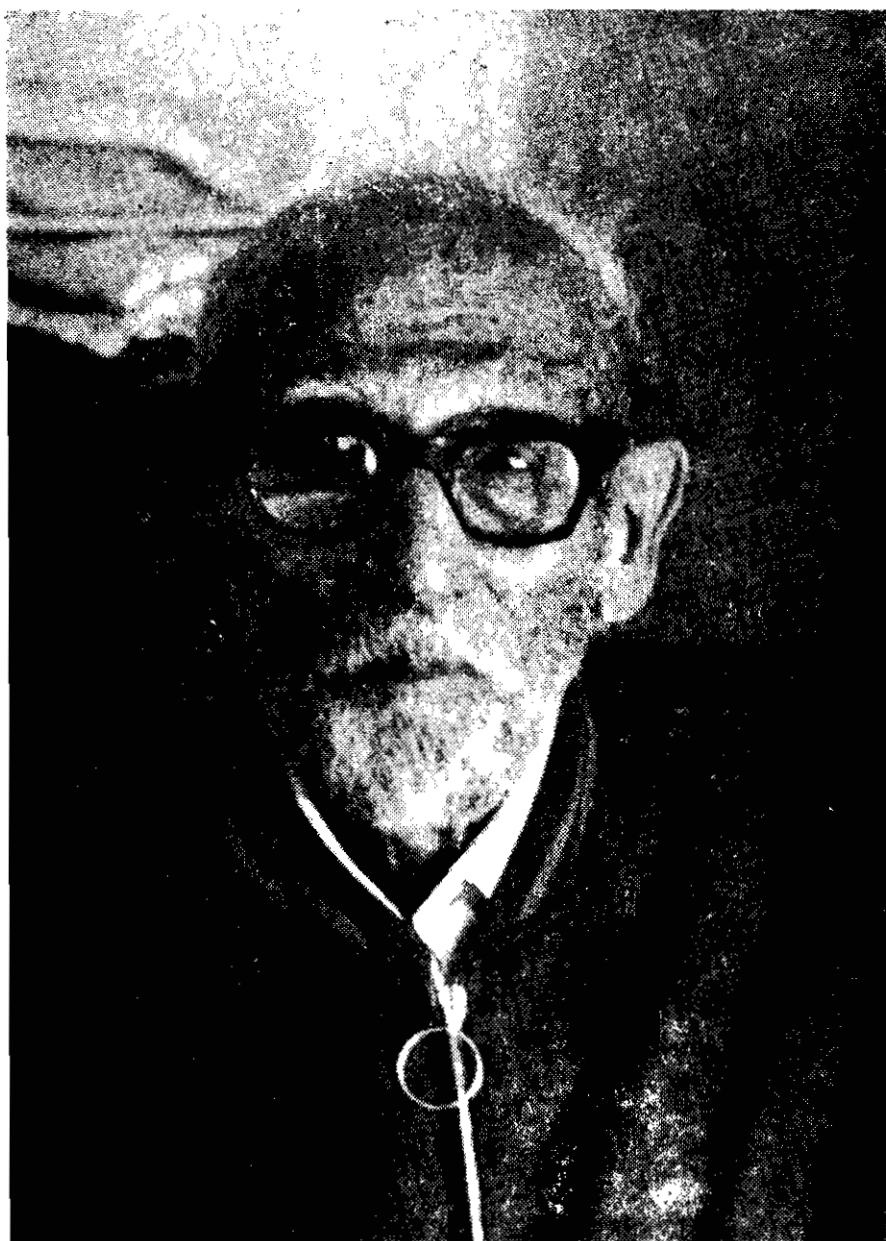
رستم برزوی سروری

اهورا مزدا را سپاس وستایش که آرزوی دیرینم برآورده شد و برگردان پارسی گاتها از دانشمند بلندپایه پرفسور عباس شوشتری (مهرین) به زیور چاپ آراسته گشت . دیرزمانی در این اندیشه بودم که بشود این گوهر تابناک نیز در کنار دیگر برگردان‌های پارسی گاتها جای گیرد و نورافشانی کند. این سخن را با آقای رستم برزو سروری در میان نهادم و ایشان با گشاده‌روئی هزینه چاپ آنرا پذیرفتند. رستم برزو سروری که این کار نیک و جاودانی را بادهش خود از آرزو به کار برآوردند، به سال ۱۲۷۴ در یزد بدنیا آمده در دبیرستان کیخسروی یزد نزد شادروان ماسترخدابخش و دیگر آموزگاران آموزش دیده و از آن پس در یزد و کرمان به پیشه بازرگانی پرداختند و به سال ۱۳۰۰ با دختردائی خود همایون رشید پیمان همسری بستند. رستم سروری با آنکه از توانگران نیستند خوی بی‌نیازی دارند و در نیکوکاری و داد و دهش و دستگیری مستمندان پیش‌گام بوده به اندازه توانائی چیزی فروگذار نکرده‌اند. تندرستی و دیر زیوی ایشان و همسر گرامی‌شان را از خداوند خواستارم

زبان سپاس‌من و همکیشان و دوستان اران فرهنگ ایران از پایمردی و مهربانی و گذشت استاد بزرگوار پرفسور عباس شوشتری (مهرین) دوست چهل‌ساله که همیشه از خوان دانش‌گسترده ایشان بهره‌ها برده‌ایم کوتاه است از درگاه خدای بزرگ آرمان دارم تندرست و شاد کام باشند.

تهران شهریور ۱۳۵۴

دکتر فریدون ورجاوند



پروفیسور عباس شوشتری «مهرین»

## زندگی نامه استاد

محمد عباس شوشتری «مهرین» روزجمعه هشتم ذی‌الحجه سال ۱۲۹۸ قمری در حیدرآباد (دکن) از پدر و مادری ایرانی متولد شد. پدرش محمدعلی و شاعر بود که تخلص «حزین» را برای خود برگزیده بود. محمدعلی حزین مردی فاضل و دانشمند و شاعری خوش ذوق بود. مجموعه‌یی از اشعار وی تحت عنوان «ناله حزین» در هندوستان به چاپ رسیده است.

به سال ۱۳۱۱، یعنی در سیزده سالگی، آقای شوشتری به اتفاق پدر به شهر «پونه» که نزدیک بمبئی بود رفت و در يك دبستان به تحصیل پرداخت. اما حادثه‌یی پیش آمد و دو سال در تحصیل وقفه حاصل شد. لیکن پس از این دو سال، در شهر بنگلور، به مدرسه «سن پاتریک» رفته و به ادامه درس مشغول شد.

تند ذهن بود. بسیار زود در می‌یافت. امین و مورد اعتماد بود. به همین جهت یکی از بازرگانان ایرانی به نام آقای محمد علی شیرازی از وی درخواست کرد تا به «مدراس» رفته و در تجارتخانه ایشان به کار پردازد.

در تجارتخانه مذکور مدت چندماه به کار پرداخت و بیش از حد مورد توجه از لحاظ امانت و درستی و صداقت قرار گرفت. اما حادثه‌یی روی داد. دست روزگار

رقم زده بود که مدتی به سیروسبیاحت به پردازد و تجربه و دانش بیدوزد.  
عمویش در ژاپن تجارت می کرد و آقای علیرضا شوشتری نام داشت. طی نامه‌یی  
به برادر زاده خود اطلاع داد که هرگاه مایل باشد، وسایل سفری را به ژاپن فراهم  
کند تا در تجارتخانه وی به کار مشغول گردد.

این دعوت و فراخوانی مورد قبول آقای شوشتری واقع شد و درحقیقت از آن  
استقبال نیز کرد، چون هم فال بود و هم تماشا. هم کاری برایش فراهم بود و هم به  
سیر و سفر می پرداخت.

به سال ۱۹۰۳ میلادی، از راه دریا عازم ژاپن شد. سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴  
را در ژاپن بود. کار می کرد و سیاحت و از کار دانش اندوزی غفلت نمی ورزید. هر  
چند سفر دریایی طولانی و درازمدت بود و به وی سخت گذشت، اما در عوض، مدت  
اقامت دوساله در ژاپن، دوران بسیارخوشی بود. استاد از این دوران با خوشی و  
شادمانی یاد می کند. مردم ژاپن را بسیار فعال و پرکار و میهن پرست و دلیر و رزم آور  
و دانش پرور توصیف می نماید. مدت دوسال چنان از محبت و پذیرائی و صفات نیک  
مردم این سرزمین برخوردار شد که اینک پس از هفتاد سال، به روشنی آن دوران خوش  
را به یاد می آورد.

در ژاپن، با مرحوم میرزا علی اصغر خان اتابک (امین السلطان) و مرحوم  
مخبر السلطنه آشنا شد. مرحوم اتابک ایشان را تشویق کرد تا به امریکا رفته و به  
تحصیل ادامه دهد و پس از آن به ایران برگردد تا مصدرکاری سزاوار شود. در آن  
هنگام میان روسیه و ژاپن جنگ در گرفته بود و درباره این جنگ، روزنامه‌ها گزارش‌ها  
و مقالاتی مصور به چاپ می رساندند. آقای شوشتری از موقعیت بهره گرفت و  
اندیشید چه بهتر که به عنوان یک خبرنگار جنگی شروع به کار کند. به همین جهت سلسله  
مقالاتی به فارسی نوشت و به تدریج به کلکته فرستاد تا در روزنامه «جبل المتین» به  
چاپ رسد. در واقع وی نخستین خبرنگار جنگی ایرانی بود که گزارش‌های جنگ را  
برای چاپ به کلکته ارسال می داشت.

چنانکه اشاره شد، روزگار رقم زده بود که آقای شوشتری مدتی هم چنان در سیر و سفر باشد. عده‌یی از دوستانش در ژاپن مصمم بودند که به امریکا عزیمت کنند. ایشان نیز بر این عزم شدند که راهی امریکا گردند و به تحصیل پردازند. اما مشکل بزرگ آن بود که پولی در بساط نبود و خرج و هزینه سفر نداشتند. مناعت طبع و بزرگ منشی به ایشان اجازه نمی‌داد که از عمو و یا کسی دیگر چیزی دریافت کنند. از همین روی مدت شش ماه کار کرده و صرفه‌جویی و پس‌انداز نمود تا سرانجام هزینه سفر را فراهم کرد.

ینگه دنیا را در پیش داشت با دلی پر شور و پر امید و آرزو. به کشتی نشست و سفر دریایی مجدداً آغاز شد، اما این بار آن سختی‌ها و ناراحتی‌ها وجود نداشت. عاقبت در بندر «پورت‌لند» پیاده شد. اندوخته‌یی بسیار ناچیز برایش باقیمانده بود. مجبور بود با کمال قناعت و صرفه‌جویی زندگی کند تا شاید موفق شود کاری بیابد. در این ایام که فوق‌العاده از لحاظ معیشت نگران بود و کار نیز نمی‌یافت یکی از دوستان وی خبر کرد که در یک دانشکده کشاورزی که در یکی از شهرهای کوچک «اورینگون» واقع است دانشجوی می‌پذیرند، دانشجویی که در ضمن تحصیل کار هم می‌تواند انجام دهد.

آقای شوشتری که رو به امید یافته بود، بدون اتلاف وقت عازم آن شهر شد. رئیس دانشکده مزبور، مردی بود به نام «دکتروینی کمب». هنگامی که موفق شد دانشکده را بیابد، در حالی که نگران بود و حالت بیم و امید داشت، زنگ دانشکده را به صدا درآورد. پس از مدتی در باز شد و مردی در حالی که جارویی دسته بلند به دست داشت با فروتنی و مهربانی پرسید: «چه خدمتی می‌توانم برای شما انجام دهم؟» این مرد در حقیقت رئیس دانشکده بود. آقای شوشتری در پاسخ، با نهایت صراحت و روشنی گفت: «من از ایران آمده‌ام و می‌خواهم تحصیل کنم، اما نه پولی دارم و نه کسی هست که هزینه تحصیل مرا به‌پردازد. به همین جهت می‌خواهم در این جا هم تحصیل کنم و هم کار تا مخارجم تأمین شود.»

دکتر ویتی کمب از صراحت کلام و سادگی بی‌پیرایه آقای شوشتری که نشانی از اعتماد به نفس و بزرگی منشی داشت خوشش آمده و وی را به عنوان دانش‌جو می‌پذیرد که در ایام فراغت به کار و اموردانشکده سرگرم باشد. پس در این دانشکده آقای شوشتری برای گرفتن درجه «B.A» به تحصیل می‌پردازد. برای تحصیل دروس: شیمی، گیاه‌شناسی، باکترولوژی، رسم، زبان آلمانی و تاریخ را انتخاب می‌کند. از ساعت پنج صبح تا ده‌شب، بی‌وقفه و با پشتکار به فعالیت می‌پرداخت. کوشش می‌کرد که هم به کار برسد و هم از تحصیل غافل نماند. در ضمن درس، متوجه شد که در شیمی استعداد چندانی نداشته و در عوض به باکترولوژی بسیار علاقه مند است. به همین جهت نیروی خود را بر آموختن این علم هرچه بیشتر متمرکز ساخت.

در باکترولوژی به کسب نمرات قابل توجهی نایل آمد. همین امر موجب شد که خود را برای تحصیل در دانش پزشکی آماده نماید. این مسئله را با استاد خود آقای «پروفسور پرنو» در میان نهاد. اما این استاد که از ذوق شاگرد خود آگاهی داشت، وی را منصرف ساخت و اندرز داد بهتر این است که دنبال رشته‌ی بروی که قلباً بدان علاقه واقعی داری.

این راهنمایی و اندرز بسیار در آقای شوشتری مؤثر واقع شد. با خود خلوت کرد تا دریابد به چه رشته و چه دانشی دلبستگی دارد. آنگاه دریافت که علاقه‌نهایی‌اش به ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران است؛ و از همین هنگام بود که بسا پشت‌کار و علاقه همت‌گماشت و عمر خود را وقف تحصیل در تاریخ و فرهنگ و ادب ایران کرد. اینک از آن ایام درست هفتاد سال می‌گذرد و استاد همچنان با همت و علاقه کار خود را دنبال می‌کند.

باری، چند سال در آن دانشکده به تحصیل سرگرم بود و کار می‌کرد اما در نهادش شور و بی‌قراری وجود داشت. هنوز به آنچه که می‌خواست دست نیافته بود. در همین دوران عازم نیویورک شد و با مردی به نام «رگسن» آشنایی یافت.



رگسن دل‌بستگی عمیقی به فلسفه و آیین هندوی به ویژه ودانتیزم و آیین بودایی داشت، طبع انزواکناره‌گزینی از اجتماع و فراهم کردن خلوتی برای دوربودن از گیرودار و هیاهوی زندگی، وی را وادار کرده بود که قطعه زمین وسیعی به مساحت ۵۰۰ جریب خریده و چون «روبنسن کروزو» زندگی کند.

رگسن و همسرش تنها بودند و فرزندى نداشتند. چون نجابت و علوطبع و پاکیزه‌خویی آقای شوشتري در وی مؤثری واقع شده بود، از وی دعوت کرد که در صورت تمایل می‌تواند به آنها پیوسته و در آن زمین زندگی کند.

استاد پیشنهادش را پذیرفت. اما تنهایی و خلوت و تهی بودن زندگی در چنان زمین وسیعی، موجب شد که بیش از يك ماه دوام نیاورده به همین جهت از دوستش خداحافظی کرد و قصد سانفرانسیسکو را کرد.

بایستی برای تأمین معاش کاری پیدا می‌کرد. پس در کارخانه‌یی برایش کاری پیدا شد و مشغول شد. چند ماهی در این شهر بزرگ زندگی بی دغدغه و آرامی راسپری ساخت. اما وقوع يك زلزله شدید روزی وی را که خواب بود هراسان بیدار کرد. این زلزله که فقط پنج دقیقه دوام داشت، يك سوم سانفرانسیسکو را ویران ساخت.

پس از این شهر نیز دل بریده و به شیکاگورفت. در شیکاگو نیز آرامشی پیدا نکرد و دل‌بستگی برایش فراهم نشد. از این روی دوباره به نیویورک برگشت. در نیویورک با عده‌یی از کسانی که بعدها جزو مشاهیر و رجال امریکا شدند آشنایی پیدا کرد. در همین دوران بود که با پروفیسور ویلیام جکسون و دستور دالا آشنایی یافت. جکسون که اطلاعات و معلومات وی را درباره ایران سنجیده بود، پیشنهاد کرد که رساله‌یی درباره ایران بنویسد. گویا در این زمان بود که شرار پنهان در وجودش يك باره زبانه کشید و در پرتو آن مصمم شد تا راهی را ادامه دهد. دریافت که این بی-قراری و عدم دل‌بستگی به کار درینگه دنیا چیست. وی به مشرق زمین تعلق داشت و بایستی رخت بدانسوی می‌کشید.

اما با این حال، سیاحت و جهانگردی پایان نیافته بود. بار سفر بست و به

لندن رهسپار شد. این سفر وی را خسته و کسل کرد. اندوهمند و گمگشته بود. دیری در لندن نپایید؛ به پاریس رفت. سال ۱۹۰۶ بود. چند ماهی در فرانسه برای بازرگانان هندی کارکرد و معاش خود را تأمین نمود. اما آشفته بود و بی‌قرار. با یکی از دوستانش به نام «همبانو» به سویس و از آنجا به رم رفت و مدتی در این شهر و ناپل به سر برد. اوقات استاد در ایتالیا اغلب به گردش و مشاهده آثار تاریخی مصروف می‌شد. در رم نسبت به آثار «ماتسینی» میهن پرست مشهور ایتالیایی کشش فوق العاده‌یی پیدا کرده و به مطالعه آنها پرداخت.

دیگر خسته شده بود. دلش هوای مشرق زمین و دیدار عزیزان داشت. به کشتی نشست و راهی بغداد شد. مدتی در کاظمین میهمان خویشان بود. سپس به سال ۱۹۰۸ راهی ایران شد و در کرمانشاه اقامت گزید. خویشان و اقوام تشویقش کردند تا همسری بگزیند. به همین جهت با دختر عمویش «مریم» ازدواج کرد و به عراق برگشت و در کاظمین در مدرسه اخوت به سمت معلم مشغول کار شد.

پس از ده سال که استاد در عراق و ایران به سربرد، به سال ۱۹۱۹ به هندوستان مراجعت کرد. در این هنگام دانشگاه میسور به استاد نیازمند بود و آقای شوشتری به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی استخدام شده و شروع به کار کرد. مدت بیست و پنج سال سرگرم تدریس بود. در اثر علاقه شدیدی که به فرهنگ ایران باستان داشت در ایام تعطیلات تابستانی دانشگاه به بمبئی مسافرت می‌کرد و در محضر استادانی بزرگ و مسلم چون: بهرام گور انکلسریا، دکتر ابرج تاراپوروالا، آقای پونیگر، رستم دابر، جمشید - جی، مدی شمس‌العلما، جمشید بلسارا و پروفیسور وادیابه تکمیل معلومات خود در زبان و فرهنگ اوستایی می‌پرداخت. از این میان با پروفیسور وادیابه دوستی محکم و استواری داشت و برای این دانشمند به نام ارزش ویژه‌یی قایل بود.

بارهنمایی و همفکری چنین استادانی بود که ترجمه‌یی بسیار منقح و خوب از گاتها، سرودهای زرتشت به فارسی فراهم آورد. ترجمه و تحقیقی که بسیار عالمانه

است، به ویژه که کسانی چون دکتر ناراپوروالا و دکتر انکلسر یا کاملاً در کار آن نظارت داشته‌اند.

هم‌چنین در همین ایام بود که ترجمه فرهنگ اوستایی بارتولومه را نیز با راهنمایی و همکاری استادان مذکور به فارسی برگرداند. دو گنجینه‌ی که جایشان در زبان فارسی بسیار خالی است؛ و در همین دوران بود که یادداشت‌هایی فراوان در باره تاریخ و فرهنگ ایران باستان تهیه می‌کردند و جلد اول مجموعه ایران‌نامه که راجع به تاریخ ایران باستان است در همین دوران به چاپ رسید.

در سال ۱۹۴۰- استاد از دانشگاه میسور، درخواست استعفا کرد. خواست‌شان آن بود که بازنشسته‌شونده‌خستگی از سویی و گرفتاریهای خانوادگی از دیگر سو، انگیزه این کناره‌گیری بود. دانشگاه موافقت کرد. استاد به ایران آمد و مدت چهار سال یعنی تا ۱۹۴۴ در ایران ماند.

در سال ۱۹۴۵- دانشگاه پنجاب در لاهور از ایشان درخواست کرد که به سمت استاد در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پنجاب بکار پردازد. این کار تا سال ۱۹۵۰ به طول انجامید. اما ضعف فوق‌العاده در بینایی و آب مروارید، کهولت سن که وجود ایشان را ناتوان ساخته بود، موجب شد که از کار کناره‌گیرند.

از سال ۱۹۵۰- استاد دیگر تدریس نکرده و تاکنون به کار تحقیق و تألیف پرداخته. دامنه معلومات ایشان بسیار وسیع و عمیق است. اما دویار و دو معشوق جدا نشدنی دارند که اوستا و قرآن است. اغلب عمر استاد صرف تحقیق و ترجمه و واژه‌شناسی و لغت‌نویسی و تفسیر این دو کتاب دینی شد. بهترین گفت‌وگو و بحث برای استاد هنگامی است که از این دو اثر بزرگ سخن به میان باشد، و قسمت اعظم این هر دو کتاب را از حفظ هستند و کتابهایی که در این دوزمینه نوشته‌اند حاکی از شور و شوقی شگرف می‌باشد.

پروفسور شوشتری در زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو بسیار مسلط و ورزیده هستند. آن‌چنان در اردو چیره می‌باشند که آرزو می‌کنند کاش به این زبان

کتابهایی نوشته بودند و می‌گویند هرگاه عشق و علاقه به زبان پارسی و پارسی‌نویسی نبود، ترجیح می‌دادم به اردو چیز بنویسم.

فرانسه و آلمانی را در حدی که احتیاجاتشان در امور ترجمه و تحقیق برطرف شود می‌دانند. از زبانهای باستان، زبان اوستایی و سنسکریت و پهلوی و فرس باستان را نیک میدانند. اغلب کتیبه‌های هخامنشی و اوستا را از حفظ هستند، ترجمه گاتاها از متن اوستایی و ترجمه کتاب «بهگوت گیتا Bhagvat Gita» از متن سنسکریت نشان تبحر ایشان در این زبانهاست.

کتاب «تاریخ ادبیات عصر هخامنشی» و نیز کتاب «تاریخ ادبیات عصر ساسانی» که همراه با مختصر گرامر این دوزبان و ترجمه‌هایی مستقیم از متون پهلوی و فرس باستان است نیز نشان کارآیی و تجربتشان در دوزبان است. هم‌چنین مقالات و دو کتابی که به انگلیسی نوشته‌اند، نشان‌گر آن است که در این زبان چون فارسی، چه ساده و روان می‌نویسند. زبان ژاپنی را نیز در هنگام اقامت در ژاپن فرا گرفته بودند که اکنون چندان به یاد ندارند.

برنامه منظم زندگی روزمره، در خور و خواب و کار و مطالعه و تفریح را آنقدر دقیق به مورد اجرا می‌گذارند که گاه به سرحد وسواس می‌رسد. هر کار و عملی، زمان معین و دقیقی دارد، که به هیچ وجه ترك نمی‌شود. در این مورد، آدمی امانوئل کانت را به یاد می‌آورد. بالفرض هرگاه استاد عصرها از خانه برای قدم زدن خارج شود، اطرافیان می‌فهمند که درست رأس ساعت چهار است و سایر امور نیز از همین دست می‌باشد.

در بسیاری اوقات، با علاقه، اوستا و قرآن را با آواز مخصوص و قرائت ویژه تلاوت می‌کنند و لذت می‌برند. در برنامه غذایی، کم خوراکی را پیشه ساخته و بسیار کم خوراک می‌باشند. از دارو و پزشک‌گریزان بوده و تاکنون به ندرت اتفاق افتاده که درگیر دارو و درمان واقع شوند.

از هر فرصتی برای تحقیق و تألیف بهره‌بری می‌کنند و تاکنون آثار فراوانی

از استاد به چاپ رسیده و به همان نسبتی که چاپ شده، تقریباً آماده چاپ می‌باشد. در این جا فهرستی از آثار چاپ شده و چاپ نشده استاد آورده می‌شود که عبارتند از:

۱- خود را بشناس. به سال ۱۹۱۲ در کرمانشاه چاپ شده است.

۲- نور آسیا «زندگی بودا» ترجمه از انگلیسی که در ایران نامه، جلد دوم مجدداً به چاپ رسیده است.

۳- ایران نامه ، عصر ماد و هخامنشی. در سال ۱۹۲۵ در هند به تعداد ۲۵۰ نسخه چاپ شده و هزینه آنرا مهاراجه میسور پرداخت.

۴- داستان گرشنا ، ترجمه بهگوت گیتاکه به وسیله آقای وحید دستگردی به چاپ رسید.

۵، ۶- ایران نامه «کارنامه اشکانیان» در دو جلد که توسط وزارت فرهنگ در زمان آقای اسماعیل مرآت طبق دستور نخست وزیر وقت جناب آقای علی منصور به چاپ رسید.

۷- چه دیدم و شنیدم - زندگی نامه استاد به قلم خودشان که هنوز به چاپ نرسیده.

۸- قصه پیروز و پروین.

۹- ایران نامه - جلد سوم «تاریخ ساسانیان»

۱۰- جامعه ایران در عصر ساسانیان.

۱۱- کشور داری در عصر ساسانیان.

۱۲- همسایگان ایران در عصر ساسانیان

۱۳- کیشهای ایران در عصر ساسانیان.

۱۴- تاریخ ادبیات ایران در عصر ساسانی.

۱۵- تاریخ ادبیات در عصر اوستایی.

۱۶- تاریخ ادبیات در عصر هخامنشی.

۱۷- تاریخ ادبیات ایران در عصر خلافت عرب.

- ۱۸- تاریخ ادبیات ایران در عصر سامانیان و غزنویان.
- ۱۹- تاریخ ادبیات ایران در عصر سلجوقی «زیر چاپ»
- ۲۰- تاریخ ادبیات ایران در عصر چنگیزیان.
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران در عصر تیمور تا نادر.
- ۲۲- تاریخ ادبیات ایران از عصر کریم خان زند تا احمدشاه.
- ۲۳- تاریخ ادبیات ایران در دوره معاصر.
- ۲۴- نغمه ایزدی - ترجمه بهگوت گیتا- همان داستان کریشناست که از متن سانسکریت مجدداً ترجمه شده.
- ۲۵- تصوف چه بود و چه باید بشود.
- ۲۶- قهرمانان ایران باستان.
- ۲۷- فرهنگ اوستا.
- ۲۸- ترجمه ریک ودا، دو کتاب مذکور با کمال تأسف مفقود شده است.
- ۲۹- ترجمه کاتنها.
- ۳۰- انتخاب از مثنوی مولانا بلخی با توضیحات و یادداشت.
- ۳۱- فرهنگ لغات قرآن.
- ۳۲- خاتم النبیین- جلد اول
- ۳۳- خاتم النبیین - جلد دوم
- ۳۴- زبان و ادبیات ایران خارج از ایران.
- ۳۵- مجموعه مقالات- به انگلیسی و فارسی در مجله «ایران لیگ» و نشریه دانشگاه پنجاب و نشریه سفارت هند در تهران.

### 36- Out lines of islamic culture

کتاب فوق دوبار تاکنون به چاپ رسیده است.

### History of persian Literature

استاد برای کتاب ارزنده «قهرمانان ایران باستان» که از شاه نامه الهام گرفته شده بود، به سال ۱۳۴۴- از طرف یونسکو به اخذ بهترین جایزه نایل آمد. به سال

چهارده

۱۹۶۱- از طرف دانشگاه میسور. دکترای افتخاری به استاد اهدا شد و سمت پروفیسوری در ادبیات یافت. به سال ۱۳۵۰ در اردیبهشت ماه از طرف وزارت آموزش و پرورش، يك قطعه نشان سپاس درجه يك طی تشریفاتی به استاد اهداء شد:

بلند طبعی و مناعت و صفات و سجایای استاد، برای همه آنهایی که از دور و نزدیک ایشان را می‌شناسد، قابل تقدیر است. استاد مهترین تقریباً همه آثار خود را با هزینه شخصی چاپ و منتشر کرده‌اند و برای اکثر آثار دیگری که به وسیله مؤسسات چاپ و انتشار چاپ شده حق التالیفی دریافت نکرده‌اند. اما متأسفانه ضعف فوق-العاده در بینایی و جسم سبب شده که آثار ایشان چنانکه بایستی خوب و بی‌غلط به چاپ نرسد. استاد می‌گوید با کمال تأسف در ایران تألیف و نوشتن، بسیار سهل‌تر است تا به چاپ رساندن.

تنها کتابی که برای استاد درآمدی داشته. کتابی است به انگلیسی به نام «خلاصه تعالیم اسلام»، که به دستور مهاراجه میسور به چاپ رسید و مبلغی در حدود هشت هزار روپیه به ایشان پرداخت شد. استاد با کمال بزرگواری و بلند طبعی، با آنکه خود از این وجه بی‌نیاز نبودند، آن را تماماً در اختیار دانشگاه میسور قرار دادند تا برای کمک به محصلان بی‌بضاعت مصرف شود.

## موبدان

رهبردینی که تدریجاً بمفهوم دانشمند در آمد. موبدانیکه روحانی بودند و به امور آتشکده خدمت میکردند وظایفی داشتند، از جمله:

- ۱- نگهداشت آتش مقدس که نبایستی هرگز خاموش بشود
- ۲- تهیه هوم و نیاز نان و زمزمه و نیایش
- ۳- پاک کردن پلیدیها - بنا به دستوریکه دروندیداد داده شده به اقتضای وقت و محیط گاهی

- ۴- اجرای حدود شرعی
- ۵- اجرای رسومی که در ولادت و کستی بندان بجا آورده میشوند
- ۶- رسم ازدواج
- ۷- خواندن سرود حین نماز
- ۸- تجهیز و بردن میت به دخمه و رسوم دخمه
- ۹- شرکت در رسوم سوگ و سوز
- ۱۰- ستاره شناسی و پزشکی نیز میدانستند

## ترجمه و تفسیر اوستا

احتمال دارد از عصر هخامنشی و اشکانی بسبب قدامت زبان اوستائیکه در آن عصر در دست بود موبدان به ترجمه و تفسیر بزبان وقت نیازمند شدند . تفاسیر گوناگون نوشته شدند بلکه نوعی از علوم کلام نیز وجود یافت و در نتیجه اختلاف در ترجمه و تفسیر، مذاهب تازه ظهور کردند . قدیمترین آنها باید عقیده زروانی باشد که بنا بر نوشته برخی از مورخین مؤسس آن دانشمندی بنام ارشاک بود که در



اواخر عصرهخامنشیان میزیست (برای تفصیل رجوع شود به تألیف نگارنده بنام ایران‌نامه، عصر اشکانیان) کلمه ابن‌الوقت یادگار عصر زروانی است. باستان‌ترین نوشته پهلوی که اکنون در دست داریم از عصر شاهپور دوم و نوشیروان است. نوشته‌های پیش از آن پراکنده در دیگر نوشته‌های اواخر عصر ساسانی و اوایل اسلام پیدا میشوند. ترجمه سرودهای به ویژه گاتا به پهلوی اکنون برای دانستن آموزش زرتشتی کمک‌بزرگی است.

### انتشار و تبلیغ کیش زرتشتی

بزبان پهلوی کلمه فرورانه (EraVarana) بمفهوم تبلیغ است. وظیفه هر زرتشتی، تبلیغ دین و انتشار دادن به آموزش زرتشت است. درینسای ۴۶ در بند ۳ میفرماید:

ای مزدا! چه وقت خواهد بود که برای نگهداری از آفرینش، اشاپدید شود  
چه وقت آموزش نجات دهنده خواهد درخشید  
و به یآوری دانش خواهد رسید  
ای اهورا! برای آموزش کیش تنها ترا برگزیده‌ام

در این قطعه که اشاره به تبلیغ دین است، از خود زرتشت آغاز گشت. از شاهان ساسانی اردشیر بابکان و شاهپور اول و دوم تبلیغ کیش را وظیفه میدانستند. دستور آذربد وزیر شاهپور در کار تبلیغ معین پادشاه بود و مردم را به وعده و وعید به دین یهی دعوت میکرد و اگر بنده‌ی غیر زرتشتی کیش زرتشتی را می‌پذیرفت، از بندگی آزاد میشد، بگفته‌الیسوس (ELisaus) یزدگرد دوم و شاه بانوی او به نیروی شاهی ارمنیهای مسیحی را میخواستند زرتشتی بکنند آنانرا به دادن رتبه و مقام، بخشیدن مالیات و بخشش القاب تشویق میکردند الیسوس کشیش مسیحی بود و ممکن است در آنچه نوشته مبالغه کرده باشد

از مبلغین زرتشتی مهرنرسی وزیر بزرگ یزدگرد دوم بود فرمانی بنام پادشاه خطاب به رعایای ارمنی صادر کرد و آنها را به کیش زرتشتی دعوت نمود و هم چنین در گرجستانی و البانی (قفقاز) و دیگر ممالک کیش زرتشتی تبلیغ میشد که جواب تبلیغات کشیشهای مسیحی بود و مردم مسیحی را به دین زرتشت دعوت مینمود.

بنابر نوشته آقای بدرالدین حی چینی، شاه بانوی لن تای خو (Lin - tai kou) زرتشتی شد و به پیروی او بسیاری از بزرگان چین زرتشتی شدند و آتشکده‌ها بنا کردند تا اینکه در سال چهارم و ته (Wu teu) که مطابق با سنه ۶۲۱ میلادی میشود، یعنی هفت سال پیش از برافتادن و کشته شدن خسرو پرویز در کشور چین به اندازه‌ای کثرت زرتشتی‌ها بود که دولت چین اداره‌ای تشکیل داد که امور آتشکده‌ها را بررسی کند. بنابر تاریخ چین در آنوقت در پایتخت آن کشور که شهر (سی آن) نامیده میشد، چندین آتشکده بنا شدند یکی از آنها در جانب مغرب و جنوب «پوچن فانگ» (Puchin fang) و دومی در سمت غرب شمال در محله لی جوان فانگ (Lichuan fang) و سومی در محله بوئن فانگ (Bunin fang) و چهارمی در محله جن کوفانگ Gan Kuo fang و یکی در استان هونان (hunan) و نیز در شهر لیانگ چاو (Liang chau) بنابر کثرت آتشکده‌ها باید چندین موبدان زرتشتی به آنجا رفته باشند و بعید نیست به این مناسبت یزدگرد سوم واپسین شاه ساسانی با همراهان بجای هند به چین رفته باشد. اگر از شاهان ساسانی یکی آزاد-منش و بی‌تعصب بود، موبدان متعصب، با او مخالفت میکردند و گاهی نوبت به خلع و زندانی شدن او میرسید - هر مزد چهارم پسر انوشیروان دو خصلت بسیار ستوده داشت و مورد و سبب تباهسی او شدند. یکی یاری و حمایت از بینوایان و زبردستان که نمی‌گذاشت بزرگان بر آنهاستم کنند و دیگر آزادمندی او که بایروان هم کیش یکسان رفتار میکرد و این برعکس سیاست پدرش بود، زیرا انوشیروان ظاهراً سخت حامی موبدان بود. هرگاه موبدان بر هر فرد ایراد گرفته گفت تخت من بر چهارپا استوار است و می‌باید با همه رعایا یکسان رفتار کنم و البته این اندیشه او

بسیار درست بود ولی به نظر موبدان نادرست و ناپسندیده درآمد. با وجود تعصب موبدان و کوشش برخی از بزرگان به دعوت کیش زرتشتی روی هم رفته، موبدان در آن کار مسامحه میکردند و سست بودند. کیش زرتشتی در مغرب پیشرفت کرد ولی در مشرق تا مغولستان پیش رفت.

### سوشی.ینت یا نجات دهندگان

دوره‌های انتشار کیش زرتشتی در چهار دور تقسیم میشود به این ترتیب: -

۱- دوره زرین و این نخستین دوره عصر شاه ویشتاسپ است که ایرانیها تازه آموزش مزدیسنی را پذیرفته و در کیش زرتشتی نشاط بی اندازه داشتند، و میکوشیدند که رهبران ایرانی، در ایران و کشورهای همسایه آموزش اشائی را معرفی کنند آنچه فردوسی توصیف از تبلیغ اسفندیار کرده از این دوره هست

۲- دوره سیمین - پس از زرتشت کم کم فساد پدید میشود و در عصر ساسانی

ایران زرتشتی هست ولی نشاط و صداقت عصر ویشتاسپی را ندارد

۳- دوره پولادین - روبه انحطاط میروند

۴- دوره آهنین - فرهنگ آریائی در انقراض دوره‌های ساسانی به نهایت

پستی رسید که هنوز ادامه دارد و زرتشتیها منتظر هستند که مانند پیش گوئی یهود به ظهور مسیح و مسیحیان به ظهور پدرو مسلمانان به ظهور مهدی و هندوان به ظهور اوتار دهم دنیاها از نوبه راستی و نظم درستی تبدیل گردد و برای اینکار سه تن از فرزندان زرتشت را در نظر دارند البته اینها فرزندان معنوی او هستند به این ترتیب:

۱- هوشوار - بزبان اوستایی اخشیت ارتا (Ukshyat ereta) و اودرسن

سی سال از اورمزد الهام خواهد یافت و به نشان پدید شدن او خورشید تا ده روز بزرگ جا ساکن میماند و از این تغییر بزرگ مردم نگران میشوند و منتظر میگردند

که حادثه بزرگ در پیش است، تا اینکه هوشوار فرمانروای جهان میشود و جهان پر از فراوانی و پرهیزگاری میگردد۔ از سه بهره دوبره مردم پاکدامن میشوند و به جانوران تندبار کمتر آزار می‌رسانند .

دوم فرزند بنام هوشدار ماه ، به زبان اوستایی اخشیت نمنگهه ( Ukh - shyat Namangh ) او نیز در سی سال از اورمزد الهام می‌یابد و به نشان ظهور او خورشید بیست روز ساکن میماند و در زمان او مردم ستوده‌تر میشوند و زندیبار شیر بیشتر میدهند. خوراک مردم کمتر و تندرستی بهتر میشود سوم فرزند بنام سوشیوس و او در سن سی سال ظهور میکند و به نشان ظهور او خورشید یکماه برجای میماند . تن سوشیوس چون خورشید روشن و چشم او بینائی شش چشم (شش جفت) را دارد. در زمان او دنیا پر از شادی و آسایش است او را چندین تن یاری خواهند کرد از جمله :

۱- اگرای رتا یا اغریث برادر نیک افراسیاب (فرن رسین)

۲- برسدگاو

۳- ار و تدنرا Ur vatad Nara

۴- نرسی، توس، گیو، پشوتن باچترا مهر و یکصد تن دیگر.

در برخی از نوشته‌های پهلوی نام ابای رز ibai raz و اشاورزه نیز می‌یابیم که با هوارتن در خدمت کیخسرو به یاری سوشیوس می‌رسند برخی نوشته‌اند که یاران او پانزده تن زن و پانزده تن مرد خواهند بود. در آنوقت از دهک از بنددما و ندرها شده جهان را فاسد خواهد کرد و به فرمان اورمزد سرش و نریوسنگ گرشاسب را از خواب طولانی بیدار خواهند کرد و او از دهک را خواهد کشت. سوشیوس و هفت تن از یاوران بنام روشن چشم - خورچشم، فروت گدمن (Fraut cadman) و وروت

گدمن و کامک و و خششن vaKhshishnn و کامک سوو برهفت کشورشاهی خواهند کرد و گرچه از هم دور خواهند بود ولی به نیروی روانی از هم آگاه خواهند شد سوشیوس در خوانیرس (ایران) میماند و چنانکه در جای دیگر این نامه اشاره شد ستاره دنباله دار بر زمین افتاده ، زمین را با آنچه در آن هست، نابود خواهد کرد این افسانه البته ربطی به سرودهای گاتا ندارد و من در آورده‌ی عصر ساسانی است ولی در گاتا نام سوشینت مکرر ذکر شده از جمله در سرود ۴۸ بند ۱۲ سطر اول میفرماید :

یقیناً چنین خواهد بود نجات‌دهنده زمین‌ها و نیز در بند ۹ میفرماید:  
نجات دهنده باید بداند چگونه برکت او جریان خواهد یافت و نیز در سرود ۳۴ بند ۱۳ سطر سوم  
آموزش نجات دهندگان  
سوشینت نخستین خود زرتشت است و عصر زرین ۵م عصری است که او آموزش خود را اعلام کرد.

### گونای سه‌گانه یا کیفیات یا نفس ذهنی

بزبان سنسکرت گونا به فارسی باستان ماین یو بمفهوم احساس یا نفس به عقیده حکمای هند گونا سه نوع میشوند باین ترتیب  
۱- گونای «ست» راست و درست و نظم و پاکی  
۲- گونای «رجس» فعال و چون به یکی از دو نفس دیگر پیوست آنرا تقویت میکند

۳- گونای تمس (Tamas) تیرگی ، تن پروری ، بی‌نظمی و جهل  
مقابل گونای هند قرآن مجید سه نفس دارد یکی نفس مطمئنه دوم نفس لوامه و سوم نفس اماره و در ایران به دو محدود شده‌اند یکی نفس سپنتا یا سپنیا و دیگری انگرا یا اهریمن . اینهاگر چه بهم می‌آمیزند و از آمیزش اینها جهان تن تشکیل

شده ولی به فرموده گاتا سرود ۴۵ بند دوم در عین آمیزش استقلال خود را از دست نمیدهند و به اندازه کاهش یا افزایش اینها دارنده بصورت مخصوص در می آید اینها منحصر به بشر نیستند بلکه در حیوان و نباتات نیز تأثیر دارند . حیوان درنده به تربیت اهلی میشود و موقتاً درندگی را فراموش میکند یا در او تعدیل پیدا میشود ولی باطن او اصل را از دست نداده ، اگر یکی در اخلاق صدی پنجاه ست و بیست رجس و سی تمس باشد مرد نیک و فعال ولی نیکی او محدود است گونا گذشته بر سیرت صورت را نیز تغییر میدهند و اختلاف در صورت و سیرت و رفتار و کردار از آمیزش آنهاست و هر که چنین آمیزش را پذیرفت در عقیده جبری میشود مگر اینکه بگوید به تربیت و اراده قوی گونا ضعیف بلکه موقتاً نابود می گردند .

### ساخت بشر

بنا بر آموزش اوستا ساخت بشر را اگر از ترکیب به مجرد بگیریم چنین می شود .

- ۱ - تنو یا تن - پیوستن عناصر مختلف که ممکن است هر آن از هم گسیخته و متلاشی و پراکنده شوند
- ۲ - گیتا یا گیتی - اعضای حیاتی
- ۳ - اروا - اعصاب
- ۴ - کرپا یا کالبد - تن لطیف
- ۵ - اشتانه نیرو یا نگهدارنده ی زندگی
- ۶ - ته وشی Teuishi نیروی اندیشه
- ۷ - روان عنصری که مظهر آن جنبش است و تن را روشن و متحرک میسازد
- ۸ - بود Baodh شعوریاور روان
- ۹ - دای نه daena وجدان یاور شعور یا عقل
- ۱۰ - فروشی یا فروهر - حقیقت که بسیط و مجرد است

گذشته بر این هر فردی همزاد دارد و پس از مرگ همزاد او که جنبه ذهنی دارد پایدار میماندگر چه آن نیز بوقت معین نابود می گردد .

بنا بر اوستا روان پیش از جهان تن آفریده شده ولی قرآن تن را بر روان مقدم داشته میفرماید : چون تن بشر صورت یافت خداوند در آن روح را دمید .

درگاتا یسنای ۳۴ بند ۱۵ اشاره شده میفرماید :

ای مزدا بنا بر این به من بهترین اندیشه و سخن و کسار بیاموز و اینها یقیناً به وسیله و هومن و اشا( اشتیاق ) مرا به ستایش از تو نشان خواهند داد و به نیروی تو ای اهورا در زیست آینده (تو) مرا چنانکه میخواهی راست نما .

## آغاز سرودهای گاتا

پیش از خواندن سرودگاتائی این دعا که به نثر موزون گفته شده میخوانند:  
 اندیشه وسخن وکار زرتشت پاك وپر از سعادت است  
 (امیدواریم) این گاتاها را امشاسپندان به پذیرند  
 ونماز میبریم بشما ای گاتاهاى پاك.  
 توضیح : این دعا را دانشمندیکه سرود های گاتا را مرتب نموده از خود  
 افزوده است واحتمال دارد از عصر ساسانیان باشد.

### سرود ۲۹ بند نخستین

( ۲۹ بند نخستین )

(۱)  $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   
 $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   
 $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   
 $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   
 $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   
 $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$   $\text{سپنته مینو}$

ترجمه : بشما روان گاو (زمین) مینالد. برای چه مرا آفریدید. که مراسم ساخت





خورشید- شماره ۹ خواننده - ماه - خانه و غیره و غیره نامهای زیاد از آن ترکیب شده اند در فارسی گاو میش - گوسپند - گورنگ - گودرز - گاو و غیره و در زبان سنسکرت - گوپال - گووند و غیره. از گیوش اروا یاروان گاو در این یسنا مقصود روان جهان تن است . در جهان پدید خواه جمادات یا نباتات یا حیوان باکرات آسمانی و ستارگان چیزی نیست که در تحت شعاع روان گاو یعنی روان جهان نباشد.

(۳) ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।  
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।

ترجمه : به او (یعنی اهورا) اشا پاسخ داد که نیست یاوری که آزار را ( از گاو زمین) باز دارد. از آنان ( که اکنون وجود دارند) یکی هم دانسته نشده که نیکان به همراهی او مقابل بدکیشان صف آرا شوند. از میرندگان ( یعنی آدمیزاد ) یکی که بسیار تواناست باید ببایم که بر دعوت او ما بشتاب ( پاسخ دهیم و برویم).

توضیح: بنابر نوشته شادروان دکتر تارا پور والا پاسخ دهنده به پرسش اهورامزدا اشاست که میگوید کسی که بتواند ستم را از مادرگیتی دور کند باید مرد بسیار توانا باشد که دعوت او را همه پاسخ دهند.









(۱۱) وروس. سید علی. واطین. واطین.  
 سید علی. سید علی (سید علی). سید علی. سید علی.  
 سید علی. سید علی. سید علی (سید علی).  
 سید علی. سید علی. سید علی. سید علی.  
 سید علی. سید علی. سید علی. سید علی.  
 سید علی. سید علی. سید علی. سید علی.  
 سید علی. سید علی. سید علی. سید علی.

ترجمه : کی اشاو وهومن وخشتر بشتاب سوی من خواهند رسید. شما ای  
 مزدابرای این آموزش (نو) به مگای بزرگ شناسائی (خود، به بخشید) وای اهورا  
 اکنون که بما یاری رسید ما برای بندگی به مانند شما صمیمانه آماده هستیم .  
 توضیح: این بند بزبان گاوگیتی گفته شده که از اهورمزدا التجا میکند که  
 اشا و وهومن وخشتر (اهورمزدی) شتابانه به یاری او بیایند و آموزش نو از زرتشت  
 که از تیره مگای بزرگ است مورد شناسائی و پذیرفتگی اهورمزد گردد و در آخر  
 عرض میکند اکنون که یاری بما رسید ما برای بندگی و خدمت مشتاقانه آماده هستیم.

### خلاصه سرود ۲۹

گویندگان نوشته مقدس دینی بنا بر اقتضای محیط و صورت جامعه که در آن  
 زندگی میکردند الفاظی از روی استعاره استعمال کرده اند که به محیط مناسب و  
 موزون بوده از جمله در قرآن مکرر از بازرگانی و خرید و فروش و سود و زیان  
 اشاره شده مثلاً میفرماید:

تخم خریدند گمراهی را به هدایت دل. گوینده بشت یا بسنای اوستا چونکه

در اجتماع کشاورزان بود بایستی بگوید کاشتند گمراهی را بجای تخم بدایت و هم چنین در قرآن اشاره از حیوان بسیار سودمند شده میفرماید:

آیا نمی‌نگرند به شتر چگونه آفریده شده. ولی در اوستا و ویدا بجای شتر حیوان سودمند گاو بود. از اینرو مکررانه گاو توصیف کرده‌اند و ستوده‌اند و زمین را به گاو تشبیه نموده‌اند و هم چنین نظم و امنیت دهنده جامعه را شبان و نگهبان گفته‌اند و ایران شناسان اروپا چنین الفاظ را بمعنی لغوی گرفته و در آن تأمل زیاد نکرده به این نتیجه رسیدند که نهضت زرتشتی نهضت کشاورزی بود و او میخواست که قومی پیشه کشاورزی را اختیار کنند و شبان بشوند در صورتیکه طرز زندگی به نهضت دینی نمیشود بلکه به موقع جغرافیائی و علل دیگر است. در سرود ۲۹ که به سبک نمایش سروده شده ولی نمایش نیست زیرا که به قصد نمایش گفته نشده و در حسن بیان بی نظیر است تصور کنید که در دربار اهورمزدی گاو زمین حضور می‌یابد و ناله میکند که زور و ستم مردم فاسد، آبادی را به ویرانی مبدل نموده و تقاضا میکند که اهورمزدا یکی را برگزیند که جامعه فاسد را اصلاح نماید. در دربار صفات ایزدی که امشاسپندان باشند حضور دارند، اهورمزد اولاً به اشا که یار زیست و نظم میباشد رومیکنند و می‌پرسد که در نظر او کدام کس برای چنین وظیفه موزون است؟ اشا پاسخ میدهد که کسی را در نظر ندارد ولی هر که باشد باید توانا باشد و چنین کسی را اهورمزدا بهتر میداند. پس اهورمزد به وهومن که مایه دانش و عقل کل میباشد متوجه شده از او می‌پرسد که در نظر او که میباشد که التماس گاو زمین را عملی سازد و او اشاره به زرتشت مینماید و زرتشت عرض میکند اگر اشا و وهومن و خشر ایزدی مرا یاری کنند این وظیفه را به انجام میرسانم. آنگاه گاو زمین باز ناله میکند و میگوید که زرتشت شخص پارسا و سرود گوست و برای اینکار مرد دلیر و مقتدر موزون تر است - ولی چون دانست که اشا و وهومن و خشر زرتشت را یاری خواهند کرد تسلی می‌یابد و خوشنود می‌شود و میگوید در اینصورت او را که اهورمزدا برگزیده ما (یعنی گاو زمین و میرندگان یا مردم جامعه) می‌پذیرند و



زرتشت عرض میکند که هر گاه اشا (نیروی زندگی) و هوومن (جوهر دانش) بشتاب  
به من برسند و یاری کنند من این آموزش نورا که اهورمزد به فردی از تیره مگای  
بزرگ عطا فرموده انتشار خواهم داد و برای بندگی و بجا آوردن این وظیفه آماده  
هستم .

سرود ۲۸

سپنتامینو . سپنتامینو . سپنتامینو .

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

( سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو ۲۸ )

(۱) سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

ترجمه : اورا اکنون میستایم و نماز می برم

با دستها برداشته برای سعادت کامل







وسروش را (یا بوسیله سروش)  
 وبا داشتن این منتره یعنی سخن مقدس به برترین (راه)  
 ما بتوانیم به زبان (سخن) مردم نادان و گمراه را (به راه راست) برگردانیم  
 توضیح: تمنامیکند که اشا ووهومن را دربار گاه اهورمزدی به بیند، بدکیشان  
 را رهنمائی کند و رهنمائی را به منتره وهروا یعنی سخن پاک و زبان خوش عملی  
 سازد.

(۶) واظنوم. جنسویه. ساسونوس.  
 وسویه. سوسوسوس. وساعوسوسوم.  
 ساسوسوسوم. ساسوسوسوم. ساسوسوسوم.  
 ساسوسوسوم. ساسوسوسوم. ساسوسوسوم.  
 ساسوسوسوم. ساسوسوسوم. ساسوسوسوم.  
 ساسوسوسوم. ساسوسوسوم. ساسوسوسوم.

ترجمه: با ووهومن بسوی ما بیا و بخشش جاوید را بما بده  
 ای مزدا! براستی بنا بر سخنان راست تو به زرتشت شادی زیست باطن را  
 عطا فرما و نیز به (همه) ما ای اهورا! تا (بتوانیم) بر نفرت دشمنان چیره گردیم  
 توضیح: بخشش جاوید اشا (یا زندگی طولانی) و توانائی روان که به  
 دانستن سخنان راست (پاک) میسر میشود از اهورمزد برای خود و پیروانش خواستار  
 است و میگوید با این بخشش بر نفرت گروه مخالف چیره خواهد گشت.

(۷) و س د و ی . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .

ترجمه : ای اشا ! سعادت‌تی که وهومن به پاداش میدهد عطا فرما  
 وای ارمایتی ! آرزوی (خواهش) و شتاسپ و نیز مردم (پیروان) مرا بر آور.  
 ای مزدا ! به خداوندی خود بده (هوش) بما تا ما بندگان گرویده فرمان  
 ترا اجرا کنیم (به ورزیم)  
 توضیح: از اشا بخشش زندگی جاوید و از وهومن دانش و راستی و از  
 ارمایتی آرزوی شاه گشتاسپ و گرویدن مردم به کیش مزدیسنی و از اهورمزد  
 نیروی شنیدن و پی بردن به سخنان الهام ایزدی خواستار است

(۸) و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .  
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .

ترجمه : ای برترین از تو بهترین بخشش (مقام) که یگانه هست یا برترین  
 اشا (از تو میخواهم) و از اهورا به آرزو التجا میکنم برای جوانمرد (قهرمان)  
 فرشا و شتره و نیز برای مردم من و برای همه آنانکه خواهی بخشید سعادت و هومنی  
 در همه زمان (جاوید)

توضیح : بهترین بخشش وهومن (که دانش راست باشد) برای قهرمان فرشا و شتره و نیز برای پیروان خود و مردمیکه در علم ایزدی از سعادت بخشش وهومنی در همه زمان برخوردار خواهند شد از اهورمزد و اشا خواستار است .

(۹) ساسدوسید . واسع . اچایع . سسوسا .  
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .  
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .  
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .  
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .  
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .

ترجمه : هر گزای اهورامزدا شمارا به این نیایش ها برانگیخته نخواهیم کرد و نه اشا و نه وهومن را (که بهترین است) اما که مشتاقانه میکوشیم که سرود ستایش را بشما تقدیم کنیم زیرا شما سزاوارترین هستید که ستوده شوید در نماز با خشتراي نیرومند .

توضیح : هر گزای اهورمزدا سوء استفاده از بخششهای شما نخواهیم کرد و شما و اشا و وهومن را برانگیخته نخواهیم نمود بلکه آرزومندانه میکوشیم که سرود ستایش ما را بشما تقدیم کنیم، شما و خشتراي نیرومند را که سزاوارترین هستید به ستایش .

(۱۰) نبع و سغ سچون . سوبع سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .

ترجمه: ای اهورمزدا! چون میدانی (برخی) به سبب اشائی (نیک) بودن و به سبب دل پر مهر دانشمند و راست هستند پس آرزوی آنانرا به کامیابی در کارشان بر آور- زیر امیدانم از تو نماز نیازمندانه برای اینکه انجام نیک بشود بی پاسخ نمی ماند.

توضیح: آرزو می کند که اهورمزدا آنرا که دل پر مهر و ارادت دارند نیک و دانشمند هستند و برای آرزوهای نیک و هدف راست میکوشند کامیاب کندو

(۱۱) سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .  
 سبب سبب سبب . سبب سبب سبب . سبب سبب سبب .

ترجمه: پس بوسیله این (ستایشها) جاوید خواهم داشت اشا و هومن را با خود نگه دارم و ای اهورمزدا آریا بمن بوسیله مساینیو (نفس) و نیز از دهن خودخواهی آموخت تا من به دنیا اعلام کنم که از کجا (و چگونه) آغاز آفرینش شد و موجودات به وجود آمدند.



## خلاصه سرود ۲۸

در سرود گذشته شت زرتشت به پیامبری برگزیده میشود. در این سرود لازم بود که برای عنایت سپاس گذارد و بنا بر این میتوان گفت که سرود بیست و هشتم اولاً ستایش و بعد به اختصار برنامه ایست که به آن می خواهد مشیت ایزدی را اجرا بکند. در بنداول پس از تشکر و ستایش از اهورمزد و امشاسپندان در وظیفه ای که به آن تعیین شده و پذیرفته از آنان یاری می خواهد و در بند دوم میگوید که تنها به اندیشه نیک و پاکی دل و به پیروی از آئین اشا که آیین راستی و درستی است آدمیزاد به برترین مقام معنوی رسیده به حضور اهورمزد نزدیک میشود - و در بند سوم امیدوار است که به ارادت و ستایش از اهورمزد و سه صفات برجسته ایزدی یعنی وهومن یا عقل کل و اشا یا نفس کل و آرمائی یعنی گرویدگی و عفت جوینده حقیقت برای عمل موافق مشیت ایزدی سعادت مند میگردد - و در بند چهارم میفرماید با اندیشه نیک میتواند در بهشت برین که برترین مقام معنوی و روانی است به وهومن و اشا نزدیک شده و از آنان الهام یافته با ضمیر روشن در میان افراد جامعه آنچه پسندیده اهورمزد است بجا آورد و در تربیت آنان بکوشد و در بند پنجم تمنا میکند که به وهومن و اشا در بارگاه ایزدی نزدیک شده آنها را ببیند، یعنی نسبت به آنان معرفت بیابد و گمراهان و بدکیشان را رهنمائی کند و رهنمائی او باید به سخنان پاک و خوش عملی گردند - و در بند ششم از اهورمزد نخواستار است که زندگی دراز و توانائی روان برای خود و پیروان نیک بیابد تا بیشتر فرصت و وقت داشته بتواند فساد را از جامعه دور سازد و بر معنویات و اعمال مفسدان پیروز گردد - و در بند هفتم از اهورمزد التماس میکند که شاه گشتاسب را در کار انتشار کیش بهی یاری کند و آرزو دارد که بالهام های ایزدی پی ببرد - و در بند هشتم بهترین بخشش اهورمزد که دانش صحیح باشد برای قهرمان کیش مزدیسنی

یعنی فرشاوشتره و دیگر پیروان نیک از اهورمزد و اشا خواستار است. و در بند نهم به اهورمزدا عرض میکنند که هرگز بد هیچ اندیشه و هیچ عمل نکند که سبب برانگیخته شدن او و اشا و وهومن و خشر گردد و همیشه ارادت خود را به سرود ستایش تقدیم بارگاه اهورمزدائی خواهد کرد و در دو بند آخر که دهم و یازدهم باشند عرایض خود را که در حقیقت سپاس نامه اوست به دو تمنا به پایان میرساند: یکی اینکه اهورمزد آنان را که دل پر مهر و ارادت دارند و نیک و دانا هستند در آرزوی آنان که راستی و درستی است موفق کند و دوم هرگز اشاره‌های اشا و وهومن را از یاد نبرد و آنچه به او از اهورمزد الهام میشود به دنیا اعلام کند و به مردم نشان دهد که آنها از کجا آمده‌اند و آفرینش چگونه آغاز شده و چگونه موجودات وجود یافته‌اند .

این است مختصر سپاس نامه و برنامه زرتشتی که گرچه بزبان زرتشت است ولی در حقیقت برای همه پیروان او بلکه نوع بشر است.



(۲) دانا گانه . به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .

ترجمه : بشنوید به گوشه اتان به بهترین (حقیقت) و بسنجید با ذهن روشن  
 پیش از آنکه میان دو راه (یکی را اختیار کنید) (مرد به مرد یا مرد وزن هر يك  
 آزادانه) برای خود پیش از اینکه دوره بزرگ آغاز گردد بیدار شوید هر يك (از  
 شما جدا گانه) و این پیام را انتشار دهید .

توضیح : بند اول و دوم این سرود در سرود ۴۵ تکرار شده و چنانکه  
 در جای دیگر این نامه اشاره شد ممکن است که ازدو راه یکی راه مزدیسنی یا  
 سینتا مینوئی و دیگر راه دیویسنی یا اهریمنی باشد .

(۳) به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .  
 به گشته ها . و به گشته ها .

ترجمه : اکنون بدانید که از ازل این دو مینو بودند که (هر دو) خود را  
 با هم (توأم) به فعالیت آشکار کردند، چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار این  
 دو (آشکار میشوند) بصورت خوب یا بد و از این دو آنانکه دانا هستند راست  
 (خوب) را برمیگزینند ولی آنانکه نادان باشند (بد را) اختیار میکنند .

توضیح : تسلسل فکر دو بند گذشته است.

(۴)  $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$   $\frac{1}{6} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{24}$   $\frac{1}{24} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{120}$   $\frac{1}{120} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{720}$   
 $\frac{1}{720} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{5040}$   $\frac{1}{5040} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{40320}$   $\frac{1}{40320} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{362880}$   
 $\frac{1}{362880} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{3628800}$   $\frac{1}{3628800} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{39916800}$   
 $\frac{1}{39916800} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{479001600}$   $\frac{1}{479001600} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{6227020800}$   
 $\frac{1}{6227020800} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{87178291200}$   $\frac{1}{87178291200} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{1307674368000}$

ترجمه : و اکنون هرگاه این دو ماینیو بهم آمدند و پدید شدند از نخستین زیست و مرگ را آفریدند (علت شدند) و به این ترتیب مقصود آفرینش به انجام خواهد رسید بدترین (در بهره) ناراستان ولی بهترین حالت ذهنی برای پیروان راستی خواهد شد (یا وهومن- دانش، برای پیروان راستی خواهد شد)  
 توضیح : زیست و نازیست یا مرگ، هم به مفهوم تنی است و هم بمعنی زیست و مرگ اخلاقی- هم چنانکه دو ماینیو علت خوبی یا بدی و نظم یا بی نظمی میشوند، دوروش مختلف نیز یکی وسیله اصلاح و خوبی جامعه و دیگر علت خرابی و فساد میگردد و احتمال کلی دارد که گوینده حقیقت نخستین را برای دومی مثال آورده است.

(۵)  $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$   $\frac{1}{6} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{24}$   $\frac{1}{24} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{120}$   $\frac{1}{120} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{720}$   
 $\frac{1}{720} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{5040}$   $\frac{1}{5040} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{40320}$   $\frac{1}{40320} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{362880}$   
 $\frac{1}{362880} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{3628800}$   $\frac{1}{3628800} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{39916800}$   $\frac{1}{39916800} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{479001600}$   
 $\frac{1}{479001600} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{6227020800}$   $\frac{1}{6227020800} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{87178291200}$   $\frac{1}{87178291200} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{1307674368000}$

ترجمه : از این دو ماینیو بر میگزیند او که ناراست است و بدترین (کار) میکند، اما (او که) پاکترین نفس است راستی را- او که خود را به جامعه روشنائی نا



کامیاب شده.

توضیح : بند هفت سلسله بند پنج و هشت از تسلسل فکر بند شش میباشد آهن گداخته بعداً به معنی لغوی آن گرفته شده ولی در گاتاها باید مفهوم آزمایش سخت باشد و آهن برای آن بمفهوم استعاره میباشد.

(۸)  $\text{سپس} \text{سوس} \text{سوس} \text{سوس}$   
 $\text{وسوس} \text{وسوس} \text{وسوس} \text{وسوس}$   
 $\text{سوس} \text{سوس} \text{سوس} \text{سوس}$   
 $\text{سوس} \text{سوس} \text{سوس} \text{سوس}$   
 $\text{سوس} \text{سوس} \text{سوس} \text{سوس}$   
 $\text{سوس} \text{سوس} \text{سوس} \text{سوس}$

ترجمه : ولی زمانیکه کین (سزای) گناهانشان بر آنها فرو خواهد آمد - پس ای مزدا نیروی (آئین) تو آشکار از وهومن پدید خواهد شد و آنگاه ای اهورا آموزش داده خواهد شد تا که بدست اشا آنان ناراستان را تسلیم بکنند (بدهند)

توضیح : این بند سلسله فکر بند شش میباشد که دیویسنی یا ناراستان از اهریمن فریب خورده و در شك و تردید مانده بدی را برگزیدند و به سوی خشم و نفرت رفتند و دنیائی را به اعمال ناشایسته پلید ساختند و هر گاه به سزای گناهانشان رسیدند خشم یعنی نیروی ایزدی از وهومن یعنی دانش ایزدی پدید شد و آموزش درست داده ناراستان را بدست اشای یعنی درستی و راستی تسلیم کرد.

(۱) به تو بشوم و با تو باشم  
 و از تو بشویم (هم چنانکه) می شوند مردمیکه این  
 جهان را نو میکنند. ای مزدا وای اهورا (خداوند آفریده شدگان و خداوند جان)  
 و زندگی به کنیم بوسیله اشا به مهر و عشق (باتو) به این ترتیب (امید) بشویم یکسو  
 در دل - هرگاه که نیروی تمیز ما در شك بشود و تردید  
 تو ضیح : از مزدا (خداوند آفرینش) و اهورا (خداوند جان) سه آرزو  
 می کند :

- ۱ - از تو بشوم و جامعه را از سر نو اصلاح کنم.
- ۲ - بوسیله اشا یعنی راستی و درستی به تو عشق ورزیم و با مشیت تو  
 هم رنگ و همساز گردیم.
- ۳ - هرگاه نیروی تمیز ما به شك و تردید گردد، بکوشیم تا در ذهن یکسوئی  
 پیدا شود .





و سزائی است برای همه (روزهای) عمر (و آن) از ناراستان است.  
پیش رفت رویه بلندی (روانی) از نیکان است و آنگاه بوسیله آئین  
(مردیسنی) روشنائی (روانی) بشما نزدیک خواهد شد.  
توضیح: میفرماید - خطاب به مردم - که دو آئین بشما تقدیم میشوند  
یکی از دیویسنی که برای همه عمر درد ورنج آورنده است و دیگر آئینی که مزدا  
فرمود و آن شما را به بلندی و کمال روانی رهنماست و در انجام روشنائی و  
خورسندی روانی را خواهید یافت.

### خلاصه سرود سی

در این سرود از دنیرو یا کیفیتی که در جهان تن علت تنوع فکر و قیافه و  
شکل و عمل میشوند اشاره شده و بعداً مفسرین آنرا بصورت دیگر در آورده‌اند  
بویژه مانی و مانند او. در اصل از زمان بسیار باستان در میان همه ملل از جمله آریای  
هند و ایران افسانه‌ها و حکایتها ازداد و بیداد و از خوبی و بدی و روشنائی و تاریکی  
گفته میشدند. قهرمانان نیز در دو طبقه یکی مروج عدل و دیگر عامل ستم معرفی  
میگشتند مانند رام و راون در هند و فریدون و ضحاک در ایران. حضرت زرتشت در  
سرود سی این فکر را با اختلافی که در آموزش او و رهبران دیویسنی بود تطبیق  
فرموده و در سرود ۴۵ صریحاً گفته که اندیشه و سخنان و عمل و آموزش و وجدان  
و غیره من و شما یکسان نیستند آنچه شما می آموزید مادی است و آنچه من میگویم  
معنوی و روانی میباشد. در عبادت شما هزاران گاو و گوسفند کشته میشوند و بانای آن  
رسم یا عبادت مبلغ هنگفت به صورت انعام به سرود گویان بخشش میکند و چند ماه  
به ساز و آواز و حیوان کشی مشغول میشوید و من این رسم عبادت را بیهوده می‌شمارم  
و پیروان خود را از ظاهر به باطن متوجه می‌سازم. پروردگار من اهور مزدا صفات یا  
مظاهر او امشاسپندان هستند که در هر یک از آنان حقیقتی معرفی شده که بشر باید به آن

متوجه گردد و متوسل شود و در خود بیافزاید. در بند نخستین این سرود اشاره شده به آنانکه جوینده حقیقت هستند که این دو نیرو در طبیعت و اخلاق و قیافه و شکل هر بشری نمایان هستند و آنانرا از هم ممتاز میسازند. من مزدا را می ستایم و سخن از وهومن و اشا میگویم تا شما آنانرا دانسته به جهان روشن در آید و این پیام مرا بسنجید و بعد پذیرفته در میان مردم انتشار دهید. در ما بد و خوب چه در اندیشه و چه در کار وجود دارند، آنانکه دانا هستند خوب را برمیگزینند و او که نادان است بد را اختیار میکند. یکی زنده سوی مرگ اخلاقی می رود و دیگر از مرگ اخلاقی در آمده روان زنده می یابد و در تاریکی تن و ذهن خود را به جامه روشنائی روشن میکند و مزدا را برمیگزیند. ناراستان یعنی دیویسنها راستی را نمی جویند و در شك و تردید به پاره موهومات چسبیده اند. در بند هفتم اشاره به آزمایشی است که بعداً آنرا آزمایش آهن گداخته گفته اند و مقصود گویا از آزمایش بسیار سخت است که آنرا به آهن تاخته یا گداخته تشبیه کرده اند و در بند هشتم پیشگوئی میکند که در انجام راستی بر ناراستی پیروز خواهند شد و ناراستی شکست خواهد خورد و طنزاً میفرماید که شکست آنها به يك مفهوم پیروزی آنهاست و در بند یازدهم خطاب به پیروان خود میفرماید این آئین که اهورمزدی است و بشما بیان میکنم شما را به سعادت رهنماست و به پیروی به آن روشنائی روانی خواهید یافت و به کمال روانی خواهید رسید.

### سرود سی و یکم

( ویراسته از سرود شماره ۳۱ )

( ۱ ) سرود . وای . ( سرود سرود . سرود سرود )  
 سرود سرود . سرود سرود . سرود سرود . سرود سرود .  
 سرود سرود . سرود سرود . ( سرود سرود ) سرود سرود .  
 سرود سرود سرود . سرود سرود . سرود سرود سرود .  
 سرود سرود . سرود سرود . سرود سرود سرود .  
 سرود سرود . سرود سرود . سرود سرود . سرود سرود .

ترجمه : این آئین شمارا در خاطر داشته - ما پیام (اهورمزدی را) اعلام میکنیم  
 و گوش به سخن آنانکه (بیروی از) آموزش ما راستان میکنند و جهان اشائی را  
 تباه میسازند نمیدهیم .  
 بویژه (شنیدن و دانستن این آئین) بهتر است به آنانکه دلشان را به مزدا داده اند.  
 توضیح: زرتشت میفرماید آئینیکه بمن الهام شده و در ذهنم هست آشکار  
 میکنم و گوش به سخنان آنانکه دیویسنی میباشند و جهان اشائی را تباه میسازند  
 نمیدهم. آنهائیکه دلشان را به مزدا سپرده اند و صمیمی میباشند این آئین را از همه  
 آئینها بهتر خواهند یافت.

(۲) و سوزید سوزید و سوزید و سوزید  
 سوزید سوزید سوزید و سوزید و سوزید  
 سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید

ترجمه : از آنجائیکه بسبب این (گفته‌های گمراه کننده) برای برگزیدن راهی بهتر واضح در نظر نیست- بنابراین بسوی شما همه (به وظیفه) آموزگار آمده‌ام که اهورا تعیین کرده و او را که میان این دو گروه مزدا فرستاده تا که ما (همه) بتوانیم همرنگ با اشا زندگی بکنیم.  
 توضیح: در این بند صریحاً زرتشت پیغامبری خود را اعلام میفرماید و نیز اشاره میکند که میان دو گروه دادور- شده و جانب اشا را ترجیح داده است.

(۳) و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید  
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید

ترجمه : آنچه بوسیله آتش روانی میدهی و سعادتیکه بوسیله اشا به هر دو گروه وعده نموده‌ای و آئینی که برای دانشمند کامل هست ای مزدا برای آگاهی ما اعلام کن از سخنانی که بزبان خودت باشند تا که من همه زندگانی را به آن رهنمائی (تبلیغ) کنم  
 توضیح: ای مزدا آن خورسندی روانی (باطنی) که بوسیله آتش مجرد و

پاك و اشا میدهی و از آن پیمان که مارا به الهام آگاه فرمودی که بتوانیم آئین ایزدی  
مزدائی را درست بدانیم و میان اندیشه دیگران و خود امتیاز دهیم به سخن و زبان  
خود آشکار کن تا من (زرتشت) مردم را به آن دین رهنمائی کنم. از این بند معلوم  
میشود که تبلیغ در کیش زرتشتی امر لازمی بود که اکنون نیست.

(۱۴) ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰  
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰  
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰  
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰

یهیا - وردا - ون اما - دروچم

ترجمه : هرگاه به درخواست (نماز) ما متوجه هستند اشا و نیز مزدا اهورا  
با ارمایتی پاك، پس بوسیله وهومن خواهم خواست خشنرومند را برای خودمان  
که به بالیدگی (توانائی) او در ما برناراستان چیره گردیم.  
توضیح: در این بند نام اشا و ارمایتی و وهومن و خشنر با نام اهورمزدا ذکر  
شده و شباهت دارد به دعای داریوش که در کتیبه‌هایش میگوید اهورمزدا و دیگر  
ایزدان شاهی مرا به پایند.

۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰  
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰  
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰  
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰

ترجمه : آنرا به من برگزینم که بوسیله چه (بما) فرموده‌ای و (آن  
چیست) بهتر برای من که پیروی کنم. آنرا به من آشکار کن بوسیله وهومن تا بدانم



(۷) و سبب آنست که در آن روزگار  
 آنکه در آن روزگار که در آن روزگار  
 در آن روزگار که در آن روزگار  
 و سبب آنست که در آن روزگار  
 آنکه در آن روزگار که در آن روزگار  
 در آن روزگار که در آن روزگار  
 و سبب آنست که در آن روزگار  
 آنکه در آن روزگار که در آن روزگار

ترجمه : او که از آن (سخن پاک) که درازل اندیشید که روشنائی از روشنائی  
 آسمانی روان خواهد شد، خود او در خرد او و آفریننده آئین ابدی است که بواسطه  
 آن او بهترین نفس (وهومن) را دارد وای مزدا! (درخواست میکنم) که از آن روشنائی  
 بوسیله نفس (پاک خودت) باطن ما را روشن کن (آن روشنائی) که ای اهورا! تا  
 کنون همان است که بود.

توضیح: در این بند نکات زیر اشاره شده اند:

- ۱- روشنائی یعنی دانش بشر همان باید باشد که ایزدی و آسمانی است
- ۲- و هم چنین آئین
- ۳- باید باطن پاک و روشن باشد تا ظاهر نیز پاک و روشن گردد بنابراین  
 از خداوند درخواست میکنند که به آئین ایزدی رهنما شود و باطن را از نوری  
 روشن سازد که از خود او هست و جاوید بدون کاهش و تغییر و تبدیل پاینده است.



(۸) ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

ترجمه : تاکه بیانسدیشم (وبشناسم) تراهم چنانکه ازلی (وقدیم) هستی ای مزدا ! همچنان جوانترین هستی درذهنم و پدر (معنوی) وهومن (هستی) و تاکه در چشم من کاملاً (تنها) ترا برگیرم که آفرینندهحقیقی اشا هستی و برترین دادور بر (همه) کارهای موجودات میباشی.  
توضیح: خطاب به اهورامزدا عرض میکنند:  
تو آغاز و انجام وقدیم و جدید هستی و تو پدر معنوی وهومن و آفریننده اشا و برترین دادور براعمال ما موجودات هستی بنابراین تنها ترا کاملاً درچشمم (ذهنم) برمیگیرم.

(۹) ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

ترجمه : از تو هست ارمایتی و نیز ازتو هست دانش آفرینش گاو (گیتی) و نفس ای مزدا اهورا.  
زیرا به او (گیتی) تو دادهای راه (آزادی) در بر گزیدن یا اینکه شبان را



(۱۱)  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$   $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^3} = -\frac{3}{x^4}$   $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^4} = -\frac{4}{x^5}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^5} = -\frac{5}{x^6}$   $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^6} = -\frac{6}{x^7}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^7} = -\frac{7}{x^8}$   $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^8} = -\frac{8}{x^9}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^9} = -\frac{9}{x^{10}}$   $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^{10}} = -\frac{10}{x^{11}}$

ترجمه : از آنجائیکه از ازل ای مزدا توتنها و روانها را آفریدی و نیز نیروی (ذهنی) از اندیشه خودت عطا کردی و از آنجائیکه جان را میان گوشت (تن) نهادی از آنجائیکه نیروی عمل و سخنان آموزنده (نوداده ای) بنا بر این میتواند یکی هر کیشی که پسندیده برگزیند .

توضیح: در این بند به آزادی عقیده و اراده اشاره شده. مقصود خداوند تن و روان را آفریده و خود نیز بخشیده و جان را در قفس تن نهاده و کارها را بر طبق سخنان آموزنده قرارداد . بنا بر این یکی میتواند هر کیشی که پسندید و اراده او بر آن قرار گرفت برگزیند.

(۱۲)  $\frac{d}{dx} x^n = nx^{n-1}$   $\frac{d}{dx} x^2 = 2x$   $\frac{d}{dx} x^3 = 3x^2$   
 $\frac{d}{dx} x^4 = 4x^3$   $\frac{d}{dx} x^5 = 5x^4$   $\frac{d}{dx} x^6 = 6x^5$   
 $\frac{d}{dx} x^7 = 7x^6$   $\frac{d}{dx} x^8 = 8x^7$   $\frac{d}{dx} x^9 = 9x^8$   
 $\frac{d}{dx} x^{10} = 10x^9$   $\frac{d}{dx} x^{11} = 11x^{10}$   
 $\frac{d}{dx} x^{12} = 12x^{11}$   $\frac{d}{dx} x^{13} = 13x^{12}$

ترجمه : بنا بر این (هریک) آوازش را بلند میکند خواه دروغ گو خواه راست گو، خواه دانا خواه نادان (با وجود آن) به دل و به اندیشه هر یک (از آنان) به روان ارمایتی که در پهلو وجود دارد و در آنچه شك دارد (از او) میپرسد.



(۱۴) ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰

ترجمه : این حقایق را از تومی پرسم ای اهورا: در گذشته چگونه شده است  
 و پس از این در آینده چگونه خواهد شد و ای مزدا چه آرزوهای خاموش (باطنی)  
 سنجیده میشوند در نامه زندگی درباره نیکان و چه درباره ناراستان و چگونه اینها  
 خواهند شد (و به کیش خواهند درآمد) زمانیکه کارها به انجام برسند ( و دردهای  
 زندگی به پایان برسند

توضیح: گرچه پرسش از اهوراست ولی همه شخصی میتواند به وجدان خود  
 رجوع کرده چنین پرسش نماید که انجام کارهایی که در این زندگی عملی شده اند  
 چه نیک و چه بد خواهد بود، آیا بهره برداشتیم یا بی بهره از جهان در گذشتیم.

(۱۵) ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰

ترجمه : ای اهورا ! من این میپرسم چه سزا هست (برای او) که نیروی  
 ناراست و کننده ناراستی را حفظ میکنند ( و فزونی میدهد ) و او در زندگی هیچ



(۱۷) وسمه ساءه. سوسه ساءه. ساءه.  
 واهه ساءه. ساءه. ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.

ترجمه : کدام يك از ( دو راه ) نيكان خواه بدان بهتر دانسته خواهند بر  
 گزید، بايد او كه آگاه هست به دانايان توضيح دهد ( و آشكار كند ) و او كه آگاه ( و  
 داناست البته ) مردم نادان را گمراه نخواهد كرد.  
 ای مزدا اهورا ! برای ما پدیدکننده وهومن شو .

توضیح : دو راه یعنی دو مسلك يکى باستانی ديويستی و ديگر  
 زرتشتی و مزدیستی. ميفرمايد به مردم گفته شده و آشكار گشته و آنها يکى از دو  
 راه را بايد برگزينند و بانان دانشمندان بايد هر دو راه را توضيح دهند و خوب و  
 بد هر دو را بگويند و راهنمائی بکنند. پس خطاب به اهورمزد ميگويد كه بر مردم  
 وهومن را كه عقل كل و تميز دهنده ميان خوب و بد است آشكار كن تا حقيقت بر  
 مردم روشن گردد.

(۱۸) ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.  
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.

ترجمه : پس هيچ يك از شما به سخنان و آموزش مرد ناراست گوش ندهيد









یاری و هومن درك کرده است و چنین دانشمند (به یاری) خشتر ایزدی (نیروی نیک) و نیز اشا بزرگی میدهد بسخن و به عمل (این آموزش را) واو ای مزدا اهورا به تو یاور (خادم) بسیار با کفایت میشود .

توضیح : میفرماید به دانشمندی که ذهن او به یاری و هومن (عقل کل) روشن است این آموزش زرتشتی واضح است و چنین دانشمند هر گاه از آموزش پی برد میکوشد که در سخن و عمل مرام خشتر و اشا را عملی سازد یعنی مرد با اراده و درست کار گردد و البته چنین کس در جامعه در انتشار نیکی بهره بزرگ می یابد.

## خلاصه سرود سی و یک

در سرود ۲۹ اعلام پیامبری شت زرتشت شده و در سرود ۲۸ از آن مأموریت شت زرتشت بدرگاه ایزدی سپاس گزار است و در سرود سی سخن از دو حالت یا نیرو هست که در جهان تن علت تنوع در اندیشه‌ها و قیافه و اعمال میشوند و در این سرود مختصر معرفی از کیش زرتشتی و تشویق به تبلیغ و انتشار آن است. در بند نخستین میفرماید که من آنچه آشکار میکنم از آن است که بمن الهام میشود و با دیویسناها که جهان اشا را که جهان راستی و درستی است تباه میسازند مبارزه میکنم. و در بند پنجم از اهورمزدا خواستار است که آئین اشا باو الهام شود و وهومن را نیک بدانند تا به خود اعتماد پیدا کند و پس از آن آنچه برای افراد جامعه نیکو هست بر آنان برگزید و در این اندیشه که شنیدند یا نشنیدند در بند هفتم دو نکته مهم بیان شده‌اند: یکی اینکه اندیشه و عمل بشر باید بر اساس دانش باشد (و دانش نیز بر دو نوع است یکی اینکه نیازمندیهای تن را دور میکند یا فراهم مینماید و دیگر دانشی که روان را از آلودگیها پاک و منزه میسازد و پیروان مزدیسنی باید دانش معنوی و روانی بیابند)،

دوم - تا باطن پاک و روشن نباشد ظاهر پاک و روشن نمیشود.

در بند هشتم خطاب به اهورمزدا عرض میکنند که تو آغاز و انجام و پدر و موی وهومن و آفریننده اشا هستی و تو برترین دادور هستی و تنها ترا باید در نظر

گرفت و در بند دهم میفرماید اگر یکی خود را پرهیزگار بنماید ولسی اندیشه او درست نباشد او نمیتواند بر فکر باطل عمل صحیح را بجا آورد و نمیتواند حامل پیام ایزدی گردد و در بند دوازده میگوید که فیض ایزدی به همه کس میرسد چه خوب و چه بد اگر امتیازی باشد در این است که یکی از آن فیض استفاده میکند و دیگری نمیکند و همین حقیقت در نامه مقدس بهگوت گیتا نیز گفته شده میفرماید :

برای من همه موجودات یکسان هستند نه دوست کسی هستم و نه دشمن ولی او که به صمیمیت و ارادتمندی می آید او در من است و در او هستم.

پس سخن در این نیست که چه از پروردگار میرسد بلکه در این است که از آنچه میرسد چگونه می پذیریم. ارمایتی که صفت بندگی و عفت است همواره در جنب ماست و به پرسش ما پاسخ میدهد در توبه و بازگشت بسوی پروردگار همواره باز و هرگاه ما آماده شویم که از نقصی در آمده بی نقص گردیم مانعی در پیش نیست و اگر باشد صمیمیت و عشق ما او را دور میکند و اشا همواره یار ماست. در بند چهاردهم اشاره میکند که پیش از بجا آوردن عمل بیاندیشیم و از وجدان خود بپرسیم که انجام آن نیک است یا بد و زمان در گذشتن از آن عمل بهره مند میشویم یا زیان می بینیم - و در بند پانزدهم از دو تن دشمنان و مخالفان سر سخت اشاره شده یکی از آنان بنام بندوه و دیگر گروهی و هر دو از رؤسای فرقه دیویسنی بودند و ادعائی داشتند - و در بند شانزدهم خطاب به اهورمزد عرض میکنند که انتشار دهنده فزونی اشائی یعنی راستی در عمل باید چگونه باشد و البته پاسخ آن این است که اولاً خود او نیک گردد، تا دیگران را به نیکی رهنما شود و در بند هفدهم به عموم خطاب کرده میفرماید دو طریق زندگی به شما معرفی شده اند یکی مزدیسنی و دیگری دیویسنی، اکنون برای شماست که یکی از آنان را برگزینید و خطاب به اهورا مزدا عرض میکنند که و هومن را بر مردم آشکار کند تا حقیقت بر مردم روشن گردد و در بند هجدهم پیروان خود را اندرز می نماید که بسخنان گمراه کننده آموزگاران دیویسنی گوش ندهند و با آنان مبارزه اخلاقی کنند و راهی برگزینند که در جامعه نظم و نیکی

افزون گردد و در بند نوزده میفرماید که قضاوت این دو کشمکش یعنی گروه دیویسنی و مزدیسنی در انجام وابسته به فرمان ایزدبست و اوتعیین خواهد کرد و در بند هشتم میفرماید او که به آموزگار نیک پیروی میکند نیک میگردد و پس از پایان این زندگی به جهان روشنائی راه می‌یابد و او که پیرو بد است انجام در تاریکی است. گویا این اشاره را بعداً مفسرین مجسم کرده گفته‌اند که پس از مرگ عمل یا به صورت دوشیزه زیبا یا بصورت ناخوش و زشت پدید می‌گردد. در بند ۲۱ میفرماید کسی که در اندیشه و عمل به اهورمزدمؤمن باشد از همه امشاسپندان بخشش می‌یابد از جمله : ۱ - از خرداد تندرستی ۲ - از مرداد زیست جاوید ۳ - از اشا خداوندی بر خود یا تسلط بر نفس ۴ - از خشر پیروزی در اراده ۵ - از وهومن دانش. و در بند ۲۲ میفرماید ذهن او که به یاری وهومن روشن است آموزش را واضح خواهد یافت و خواهد کوشید که اراده خشر (که مشیت ایزدی است) و اشا را عملی سازد و مرد با اراده و راست و درست گردد .



دارد بعداً صورت گرفته باشد، هم چنین در هند پیروان بودا به دو گروه منقسم شده بودند گروهی بنام گرته یا خانه دار که به امور معیشت میپرداختند و دیگر علم دین بودائی را آموخته به عبادت و ریاضت و رهنمائی به دیگران میگذراندند.

در ایران مقابل سه گروه دینی زرتشتی گروهی بنام دیویسنی بود که با آموزش زرتشت مخالفت میکردند ولی همه اینها اهور مزدا را خدای بزرگ میدانستند، در بند بالا میفرماید چه سه گروه موافق با زرتشت و چه يك دسته مخالف چونکه همه اهورا مزدا را می ستایند و از او سعادت و توفیق میجویند باید اتحاد بکنند و بدان و مفسدان را از جامعه براندازند و تصور بکنند که همه پیامبر و مأمور هستند از جانب اهور مزدا که مشیت اهور مزدی را که نیکی و نظم و درستی اخلاق است در جامعه انتشار دهند و بدی را دور کنند.

برخی از ایران شناسان سه بهره بالا را چنین نوشته اند:

- ۱ - خویتوش - نر = جنگجو - سرباز ۲ - اریمنه - هخامن
- روحانی ۳ - و ستر یا خشوبنت یا ورزنه یا ورزینه = کشاورز.

(۲) سوسرورجی. سوسوس. سوسورجی.  
 دسدا سسجی واطرجم. سسوسوسوس.  
 سسوسوس سسجی. سوسوسوس. سسوسوس سسجی.  
 سسوسوس. سوسوسوس سسجی. سسوسوس سسجی.  
 سسوسوس سسجی. سسوسوس سسجی.  
 سسوسوس سسجی. سسوسوس سسجی.

ترجمه : بآنان بوسیله و هومن و خشر بما (چنین) الهام کرد و پاسخ داد با اشای با فر رفیق پیوسته اوسپنتا ارمایتی پاکرا برای شما بر گزیدم، امید که ارمایتی از ما باشد .

توضیح : عبارت این بند در افکار تسلسل بند گذشته است آنجا که میگوید





(۴) و سوسه . و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه . و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .

ترجمه : بدین سان شما (اعمالتان را) فاسد کردید تا آنجا که مردم بدترین  
 کار (کار) عزیز دیو (یسنها) نامیده شدند. اینان که خود را از وهومن و نیز از اهورامزدا  
 جدا و از (آئین) اشاگمراه گشتند .  
 توضیح : در نکوهش دیویسنها میفرماید که مردم بدترین عمل در نظر آنان  
 گرامی و دوست هستند و اینها مردم را از وهومن و از اهور مزدا جدا و از راه  
 اشاگمراه و روگردان کرده اند.

(۵) و سوسه . و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه سوسه . و سوسه سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .  
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .

ترجمه : بدین سان مردم را فریب دادید به يكزندگی خوش و جاوید هم  
 چنانکه ای دیویسنها از اهریمن در اندیشه شما فریب خوردید ( و راه ناراست را  
 در پیش گرفتید) و اهریمن به سخنان ناراست به این روش زندگی شما را گمراه  
 نمود، هرگاه او بشما پیمان کرد که ناراستان برتری خواهند یافت .

توضیح : از این بند معلوم میشود که کشمکش میان زرتشتی و دیویسنی بسیار سخت بود و رهبر دیویسنها به پیروانش وعده میداد که در انجام برتری از آنها خواهد شد (چنانکه در رزم گشتاسب و ارجاشپ و شاهنامه ذکر شده است) رهبر دیویسنها پیروانش را امیدوار میکرد که شاهی و برتری خواهند یافت و به يك زندگی خوش و جاوید همت آنان را می افزود.

(۶)  $\text{سپنتا مینو} \text{و} \text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   
 $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   
 $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   
 $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   
 $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   
 $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$   $\text{سپنتا مینو}$

ترجمه : سخت ترین گنه کار گر چه به اندازه ای با چنین ( روش زندگی که رهبر او نشان داده) کامیاب گردد ولی ای اهورا از همه (کارهای ما) آگاه هستی ( و ارزش حقیقی آنها را) در برترین نفس (که نفس ایزدی است) میدانی زیرا ای مزدا! در شاهی تو و (خداوندی) اشا فرمان تو روان خواهد شد.

توضیح : ممکن است که سخت ترین گنه کار در کارهایش موقتاً کامیاب گردد ولی اهورامزدا که بر همه کارهای ما ناظر است و بیاد دارد و چیزی از علم او پوشیده نیست و نمیشود در انجام حقیقت را نمایان خواهد کرد و فرمان ایزدی و خداوندی اشائی یعنی درستی و راستی جهان را فرا خواهد گرفت .



کنند - ولی ای مزدا (کوشش من برای بلندی روان است و بنا بر این امیدوارم) در روز واپسین از آنان ممتاز شمرده شوم.

توضیح : مقصود از گنه کار در این بند شخص دنیوی است. زرتشت میفرماید که پیش از او قهرمانانی چون وی ون وت و پوراو جمشید در گذشته اند که به آبادی جهان کوشیدند ولی هدف آنها دنیوی و مادی بود و من برای پاکسی روان و خوبی اخلاقی و نظم جامعه میکوشم بنا بر این روز واپسین از آنان ممتاز و جدا نموده خواهم شد.

(Yima) یما بزبان سنسکریت یما (yama) پور وی ون وت که بزبان سنسکریت وی وس وت تلفظ میشود از قهرمانان بسیار باستانی آریای هند و ایران بودند بلکه یما ایزدی است که به جامه بشر در آورده اند توصیف او دروستا شده می فرماید که اهورا مزدا از او خواست که پیغام روانی ایزدی به بشر برساند و او خود را در آن وظیفه کم زور یافته التماس نمود که او را به عمران و آبادی جهان مأمور کند و خواهش او پذیرفته شد و برای وظیفه اخلاقی و پیغامبری ایزدی زرتشت مأمور گشت از این رو در این بند میفرماید که هم یما و هم من به اصلاح جامعه از جانب اهورمزدا مأمور شده ایم ولی یما جنبه مادی و من جنبه معنوی را دارم و بنا بر این روز واپسین حساب من از او جدا و ممتاز شمرده خواهد .

در رگ ویدا یما یکی از القاب آتش است وی ون وت را به مفهوم آسمان و یما را بمعنی خورشید گرفته اند و البته روشنائی خورشید گیاهها و جانداران را بالیده و شاداب و همه اشیاء زمین را خوش نما میسازد و گویا به همین علت در شاهنامه عصر جمشید (یما) زمان ترقی و آبادی است .





دارائی آنان بزرگ میسازند و نمیگذارند که نیکان به هدفی که اصلاح جامعه باشد برسند و اندیشه آنان را مشوش میسازند و به این ترتیب و هومن یعنی دانش را از آنان دور میکنند

(۱۲) سوسد (سوزن سوزد) بداند سوزد  
سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد  
سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد  
سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد  
سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد  
سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد سوزن سوزد

ترجمه : از اینگونه آموزش مردم از بهترین (روش) عمل روگردان میشوند و البته برای آنان مزدا مکافات فرموده است اینها زندگی مردم گیتی را بسخنان دلکش و بلند فاسد میکنند تا اینکه مردم به جای (روش) اشا به (یکی مانند) گرهه و کرپه و پیروان آنان که در پی بدی هستند برتری دهند.

توضیح : تفسیر و ترجمه این بند را هر مفسری به نوعی بیان کرده است و از سلسله افکار دربندهای گذشته آنچه میتوانیم توضیح بدهیم این است که میفرماید دیویسنیها بسخنان دلکش و گیرنده میکوشند که مزدیسنیهارا از راه راست اشائی برگردانیده به عقیده خود متوجه سازند و رؤسای این گروه کرپه و گرهه میباشند این فکر در سرود ۴۵ در بند نخستین تکرار شده آنجا که میفرماید:

مبادا بار دیگر آموزگاران بد (گرهه و کرپه) جان شما را تباه سازند.

اینها که بدکیش هستند (بدگیرنده یا برگزیننده) ناراست و به زبان پریشان یا از حقیقت روگردان (برتری دهنده؟)



(۱۳) هر نیروی که گره‌ها امیدوار است که بیابد آن در احاطه اهریمن خواهد بود (و این نیرو) تباه کننده زندگی (روانی) او خواهد شد و آنگاه ای مزد! هر یک از (پیروانش) به التجا و فریاد خواهند خواست این پیام را که از سراینده سرود و برای تو گفته میشود و اینکه تهدید آنانرا بر خلاف اشا (راستی) باز میدارد.  
 توضیح : گره‌ها امیدوار است که نیرو بیابد و مردم را به خود متوجه سازد ولی نیروی که او خواهد یافت اهریمنی خواهد بود و او را به مرگ روانی و اخلاقی خواهد برد، ای مزد! در انجام آنانکه به او مایل هستند روزی میرسد که از تو به التجا فریاد خواهند کرد و خواهند خواست پیامی که توسط سراینده سرود برای تو گفته میشود به آنان برسد و تهدیدی که دیویسنیها بر خلاف روش اشائی (راستی) میکنند مزدیسنیها را از آن بیاید و حفظ کند.



(۱۵) ناسدود. سد. وایفاسدسد.  
 ویداسد. ویداسدسدسد. ویداسدسدسد.  
 سدسدود. سدسد. ویداسدسد. ویداسدسد.  
 ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد.  
 ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد.  
 ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد. ویداسدسد.

ترجمه : چنین یقیناً کاملاً به ناکامیابی آورده شدند چه این گروه کرپه و چه کوی توسط (همان مردم که) به آنان مقرر داشتند که بر همه زندگی کاملاً خداوندی نکنند .

و اینها (خرداد و امرداد را یافته) با آن جفت به نمان و هومن (دانش) برده خواهند شد .

توضیح : پیشگوئی - کرپه که به سخن راست گوش نمی دهند و کوی که به دیدن حقیقت نایبنا هستند در انجام نقشه آنان برای تباهی و بازداشتن مزدیسنیها از خداوندی برزیست نقشه ای بر آب خواهند شد و مزدیسنیها به یاری جفت خسر داد و امرداد یعنی تندرستی و زیست جاوید به مکان و هومن که عقل کل و جوهر دانش است خواهند رسید.

بنا بر آموزش زرتشت دوزخ و بهشت در ذهن و نفس خودمان هستند و بنا بر اعمال پدید میگردند اگر اعمال درست و اشائی هستند بصورت بهشت و اگر نادرست و اهریمنی میباشند به شکل زشت ورنج آور در می آیند به اعمال اشائی دوزخ تنی را بهشت و به کارهای ناشایسته اهریمنی بهشت گیتی را دوزخ میسازیم.



از آن دربندهای دیگر شکایت از گرهمه و دیگر مخالفین است و اینها :-

اول کرپه ، دوم کوی ، سوم اوسگک بودند. در بند آخر خطاب به اهورمزد عرض میکنند که زرتشت را یاری دهد که ستم و آزار دیویسنیها را از افراد جامعه دور کند و مزدیسنیها را امیدوار می‌سازد که در انجام از پیروی به آموزش راست و آموزگاران نیک به بهشت برین که مقام دانش و هومنی است رسیده سعادت مند خواهند گشت .

کوی بمفهوم دانا و سرودگونام گروه یا تیره ایست که افراد آن با زرتشت مخالفت میکردند تا اینکه گشتاسپ که از تیره کوی بود با خانوادهاش به آموزش زرتشت گروید و پس از آن آریای ایران دوباره شدند بهره‌ای مخالف بنام دیویسنی و بهره‌ای پیرو زرتشت بنام مزدیسنی. مخالفین کوی را مزدیسنی‌ها کور لقب دادند. دوم کرپه نیز تیره یا گروهی بودند که از مزدیسنی‌ها لقب کر یافتند یعنی سخنان زرتشت را می‌شنیدند ولی اطاعت نمی‌کردند که سهل است مخالفت مینمودند. سوم اوسگک که در رگ‌ویدا نیز این نام ذکر شده .

چهارم شخصی بنام گرهمه که رئیس دیویسنی و خود را هم رتبه زرتشت می‌دانست. از آموزش او اطلاعی در دست نیست در سرودهای گاتا گرچه از او شکایت شده ولی اختلاف او چگونه بوده اشاره نشده زرتشت اهمیت زیاد به امشاسپندان بویژه اشاو و هومن می‌داد و ممکن است که در آموزش گرهمه اینها مهم نبودند یا به شکل دیگر معرفی می‌شدند. بیشتر از ایران شناسان گفته‌اند که عقیده و رسم عبادت دیویسنیها به آریای هند هم مانند بود بنابراین اختلاف دینی را میان هند و ایرانی دانسته‌اند ، ولی اختلاف میان دو گروه ایرانی بود و عقیده گروهی با عقیده آریای هند نزدیک بوده و اگر عقیده میان ایرانی و هندی بود، درگاتا از آن اشاره می‌شد و هم چنانکه مقابل زرتشت یکی مانند گرهمه سر بلند کرد و رقابت و حسادت نمود و ادعائی داشت مقابل بودا و موسی و حضرت محمد نیز اشخاصی بودند که رقابت می‌کردند و ادعائی می‌نمودند مانند عمر ابن هشام معروف به ابوجهل و ولید بن مغیره و در آخر مسیلمه.

### سرود سی و سه

( ویرایش جدید - سرود شماره ۳۳ )

(۱) ویرایش جدید - سرود شماره ۳۳  
 ویرایش و سرود شماره ۳۳ - سرود شماره ۳۳  
 ویرایش و سرود شماره ۳۳ - سرود شماره ۳۳  
 ویرایش و سرود شماره ۳۳ - سرود شماره ۳۳  
 ویرایش و سرود شماره ۳۳ - سرود شماره ۳۳  
 ویرایش و سرود شماره ۳۳ - سرود شماره ۳۳

ترجمه : بنابراین ( اصول ) در ( گیتی ) خواهد ورزید و این ها آئین اساسی  
 زندگی هستند ( از زمان باستان ) و او که ر تو ( یعنی رهبر روانی است ) به کمال داد  
 و راستی عمل خواهد کرد چه به پیروان ناراست ( دیویسنی ) و چه به پیروان راستی  
 ( مزدیسنی ) و هم چنان به هر که خوبی و بدی او آمیخته است ( با هر که نواقص  
 او آمیخته به استعداد و شایستگی است ) .

توضیح : در این بند اندرز بسیار سودمند و عادلانه گفته شده میفرماید که  
 دادور در قضاوت باید کاملاً بیطرف باشد و چه مزدیسنی و چه مخالف او که دیویسنی  
 است چون محاکمه بکند به راستی و درستی و بیطرفی بکند در همه کارهای آنان  
 چه شایسته و چه ناشایسته .

(۲) سمع و سمر . سماع . و (عق و سماع و سمر .  
 و سمر و سمر . و سمر و سمر . و سمر و سمر .  
 و سمر و سمر . و سمر و سمر . و سمر و سمر .  
 و سمر و سمر . و سمر و سمر . و سمر و سمر .  
 و سمر و سمر . و سمر و سمر . و سمر و سمر .  
 و سمر و سمر . و سمر و سمر . و سمر و سمر .

ترجمه : و هر که بدی میکند ( یعنی مبارزه مینماید و خنثی میسازد) کارهای دیویسنیهارخواه به سخن یا به اندیشه یا به دست ( یعنی عمل) یا دوست همکار خود را ( راه خوبی می آموزد او مشیت اهورمزدا را از روی ارادت عملی میکند ( بجای می آورد) .

توضیح: در این بند مفهوم جمله آخر دعای اهنوور گویا بیان شده یعنی میفرماید که:-

اولا- او که راه حقیقت و راستی را یافته باید بکوشد خواه به اندیشه یا سخن یا عمل دیگران را راهنما گردد .

دوم- دوست و همکار خود را از آنچه از خوبی دانسته بیاموزد و به این ترتیب او از ارادتی که به اهورمزدا دارد و مشیت اهورمزدی را میان افراد جامعه عملی میسازد.





نزدیک و از ایریمنه تهمت<sup>۱</sup> (ودشنام)<sup>۲</sup> و از عموم مردم گیتی<sup>۳</sup> بدشبنانی (یعنی بدرفتاری).  
توضیح: آرزوی حضرت زرتشت چنین بود که از اهور مزدمیخواهند اینک:.

- ۱- از مزدیسنیها عموماً بی ایمانی و بداندیشی دور شوند.
- ۲- از خویتوش که اعلا ترین طبقه زرتشتی بودند خود پسندی و به خود بالیدن...

۳- از ورزنه مخالفت به خویشان نزدیک

۴- از ایریمنه بدگوئی! از (مردم)

۵- از عموم مردم زمین بدرفتاری و بی اعتنائی به همدیگر.

و البته در صورتیکه این دعا مستجاب بشود زندگی تنها برای همه زندگی روانی و بهشتی میشود.

(۵) ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

ترجمه : بنابراین بزرگترین همه سروش خودت برای کامیابی خواهد  
خواست ( دعا خواهد کرد ) و به رسیدن به زندگی دراز و به رسیدن تا به مکان  
وهومن (بیاری) اشا از راه راست آنجائیکه خود اهور مزدامیمانند .

توضیح: در این بند فکربند گذشته تکمیل شده یعنی اگر طبقه های جامعه  
فاسد نباشند و اصلاح بیابند بزرگترین همه فرشتگان سروش اهور مزدی برای آنان  
به زندگی دراز و وصول به مکان دانش ایزدی که وهومن باشد بیاری اشا که







توضیح: در این بند آنچه در بند دوم سرود ۴۵ درباره سپنتا ماینیو وانگرا فرموده عکس آن میفرماید یعنی سپنتا هیچ گاه در عمل و روح مانند انگرا نیست و این دو همواره برضد هم کار میکنند ولی امرداد و خردداد در کار یکسان هستند، و روان یعنی حقیقت آنان در عمل به یک نتیجه میرسد که آن سعادت جاوید است و عبارت این بند البته تسلسل عبارت بند گذشته است.

(۱۰) واژه در سع. ددو. در. در سع. در سع. در سع.  
 و سع. و سع. سع. در سع. و سع. در سع. در سع. در سع.  
 و سع. در سع. سع. در سع. در سع. در سع. در سع.  
 و سع. در سع. در سع. در سع. در سع. در سع. در سع.  
 و سع. در سع. در سع. در سع. در سع. در سع. در سع.

ترجمه: ای مزدا! همه نیکان! از تو هستند چه (از آنها) که در زمان پیشین بوده اند و چه آنانکه وجود دارند و چه آنانکه بوجود خواهند آمد از اینها همه به عنایت خود اجازه بده که بهره مند (شريك) شویم و بوسیله هومن و خشر و اشا تن ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند کن.

توضیح: این بند در مناجات است از اهورمزد میخواهد که ما را از نیکانی بکند و توسط هومن و خشر و اشا شخص ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند نماید. هر جا که اشاست آنجا اشتا یعنی روشنایی و خورسندی حقیقی نیز وجود دارد (رجوع شود به دعای اشم و هو و هشتم استی اشناستی).



توضیح: این بند و دو بند دیگر یعنی بند سیزده و چهارده در آغاز آتش نیایش خوانده میشوند و به صورت مناجات پر معنی ترین دعا محسوب میگردند میتوان گفت که در این بندها جنبه عرفانی آموزش زرتشتی است .

(۱۳) اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه .  
 وَ اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه .  
 اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه .  
 اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه .  
 اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه .  
 اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه .

ترجمه : ای اهورای همه بین ! مرا سعادت مند کن به آشکار شدن بخششهای گرانبهای تو ( یعنی ) از خستر که در آن سعادت و هومنی باشد و ای ارمایتی پاك ، واضح توسط اشاما را به درك باطن ما ( وجدان ) موفق ساز .  
 توضیح: از اهورمزد همه بین خواستار است که بخششهای گرانبهای او یعنی نیکوئی و پاکی و راستی و دانش عطا فرماید و در عملی ساختن آنها نیروی خستر بهبخشد که در آن دانش و هومن باشد و ارمایتی توسط اشا ادراك آگاهی به باطن عطا کند تا اشاره های وجدان را بسنجیم و باطن خود را دریابیم .  
 ارمایتی بمفهوم ارادت و گرویدگی و پذیرندگی و تسلیم گفته شده .

(۱۴) بیخ . (سده بیخ) . (سده بیخ) .  
 سده بیخ . سده بیخ . سده بیخ .  
 سده بیخ . سده بیخ .  
 سده بیخ . سده بیخ .  
 سده بیخ . سده بیخ .  
 سده بیخ . سده بیخ .

ترجمه: بنابراین زرتشت همه زیست تن و روان و برجسته ترین عمل خود را به حضور مزدا و وهمنه بصورت نیاز پیش کش میکند و بهترین کار و سخن را به اشاو صمیمی ترین ارادت بندگی را به خشتر اهدا مینماید .

توضیح: در این بند زرتشت زندگی ظاهر و باطن و همه اعمال نیک و اندیشه و سخن خود را به حضور اهور مزدا و سه صفات برجسته او یعنی وهمن و اشاو خشتر تقدیم میکند و غیر مستقیم به همه پیروانش اشاره مینماید که زندگی آنان چه تنها و چه ذهنی باید هدیه و نیاز باشند که به حضور اهور مزدا تقدیم میکنند و البته هدیه ای که آفریده شده به آفریدگار خود پیش کش میکنند باید در بهترین صورت باشد .

### خلاصه سرود سی و سه

از افکار این سرود که اخلاقی و عرفانی میباشد عارف کامل یا ادیب فاضل می تواند يك مثنوی مفصل بگوید ولی متأسفانه در ایران کسی پیدا نشد و این گنج گران بها هم چنانکه در این سرود زندانی بود تا کنون زندانی مانده .  
 در بند نخستین سخن از داوری است میفرماید دادور باید بیطرف باشد چه



به دشمن و چه نسبت به دوست آنچه محاکمه میکنند و حکم میکنند نظر او بر داد باشد کارهای شایسته و ناشایسته هر دو تن شاکتی را نیک بسنجد و هر چه ترازوی داد حکم میکنند بگوید و در بند دوم هر که از خوش بختی راه راست را یافته باید دیگران را راهنما گردد به اندیشه و به کار و به سخن برای دیگران نمونه شود و اراده اهورمزدی که راستی و نظم و درستی است در افراد جامعه بیفزاید در بند سوم پند میدهد که از یکسو باید با فساد مبارزه کرد و از سوی دیگر به آنان که نیک هستند همراهی نماید و در پرورش جانداران بکوشد و در بند چهارم از اهورمزد میخواهد که از پیروان او صفات ناپسندیده خود پسندی و مخالفت به خویشان و بدگویی از افراد جامعه و بدرفتاری و بی اعتنائی به عموم مردم دور شوند و در بند پنجم زندگی دراز را آرزو می نماید نه برای هوسرانی و جاه طلبی و سودمادی بلکه وقت بیا بدتاکارهای نیک را بیشتر بجا آورد و از دانشی که از اهورمزد بوسیله و هومن یافته کاملاً استفاده نماید تا به خوش بختی معنوی و روانی بهره مند گردد و در بند ششم آرزوی دیدار ایزدی و پیوستگی یعنی معرفت به آفریدگار را آرزو دارد و در بند هفتم آرزو دارد نه تنها اهورمزد بلکه به اشای یعنی نفس کل و حیات ایزدی و هومن یعنی عقل کل معرفت یابد و در بند هشتم زیست جاوید معنوی را طالب است و در بند نهم با زیست جاوید سعادت و تندرستی را نیز توأم میکند و در بند دهم نیکان چه آنانکه در گذشته اند و چه آنانکه وجود خواهند یافت همه یکسان هستند و از اعمال و افکار همه آنها باید استفاده کرد و آرزو میکند که پروردگار بوسیله نیروی ایزدی یعنی خشنود و اشای ما را روشنائی و خورسندی روانی عطا فرماید و در بند یازدهم گذشته بر اهورمزد به امشاسپندان خطاب نموده از آنان التجا میکنند که هنگام سنجش اعمال در روز واپسین بر او بخشایش کنند و در بند دوازدهم میخواهد که بوسیله ارمایتی حس گرویدگی و اطاعت به اهورمزد و بوسیله سپنتا ماینو با روان پاک پاداش نیاز و نماز و بوسیله اشانیروی روانی و توسط و هومن همه روی و مهر عمومی یعنی مهری که همه زندگان را فرا

گیرد و در بند سیزده نام خشتر را نیز می‌افزاید و از اهورمزدا التجا میکند که بخشش‌گران بهای نیکوئی و پاکی و راستی و دانش به ما عطا کنند تا باطن ما مانند ظاهر از آلودگیها پاک و آراسته گردد و در بند چهارده همه فعالیت و اعمال خود را چه ذهنی و فکری و عملی و چه آنچه از زبان صادر میشود به حضور اهورمزدا تقدیم میکند و فکر و ذکر و عمل خود را همه نیاز اهورمزدا میسازد.

و این است بسیار مختصر از سرود سی و سه گاتا که میتوان آنرا بصورت نامه‌ای مفصل کرد و از روی آن برنامه زندگی را تعیین نمود، خداوند چنین توفیق

دهد .

### سرودسی و چهار

( و سرتسدلس نرسدرسد . ۳۱۴ )

(۱) و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .  
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .  
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .  
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .  
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .  
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .  
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .

ترجمه : ای مزدا ! توسط اعمال و سخنان و سرود ستایش که امرداد و اشا را سوی آدمیزاد می آورم و نیز خشتر را و ای اهورا توسط خرداد از آنان و از تو به تقدیم نیاز امید که با کمال صمیمیت بمانیم .  
 توضیح: زرتشت به اهورمزد عرض میکند که به عمل و سخن نیک و ستایش خواهد کوشید که امرداد یا زیست جاوید و اشا و نیز خشتر را سوی آدمیزاد بیاورد و امیدوار است که او و پیروان او همواره به تقدیم نیاز به صمیمیت در امشاسپندان و اهورا بمانند .

(۲) سَمْعُ مَرْسَدٍ لِي سَمْعًا رَافِعًا  
سَمْعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا  
رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا  
رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا  
رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا رَافِعًا

ترجمه: و نیز تنها در تو و در همه آئین و هومن و اعمال مردان نیک که روان آنها با اشاهمساز و هم رنگ است رهنماست ما را که در نماز به خواندن سرود ستایش به شما ای مرزا نزدیک شویم .  
توضیح: در این بند به سه نکات مهم اشاره شده که وسیله به نزدیک شدن به پروردگار می شوند .

اول - تأمل و تفکر در اهورمزدا .

دوم - تأمل و مطالعه در آئین و هومن که بر اساس و دانش است .

سوم - تقلید از کارهای مردان نیک که اعمال شان با راستی و درستی همساز بوده هست و با داشتن این سه خصوصیت می فرماید سرودهای ستایش را با آهنگ دلکش می خوانیم تا وسیله آرام روان و اصلاح اخلاق شوند .







شما از بند زنجیری روان آزادگردم .

توضیح: کلمه Ayeni Paiti که بمعنی آزاد گردم ترجمه شده بمفهوم بازگشت بسوی پروردگار و آزادی از تحولات زیست تنی است .

(۷) و دایه وایه . ساجد . ساجد وایه . ساجد وایه .  
 ساجد . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .  
 ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .  
 ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .  
 ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .

ترجمه : ای مرزا ! کجا هستند گرویدگانیکه هومن را دانسته به این آموزش  
 که میراث حقیقی ما هست در نبودن بخت و پریشانی هوش را آزاد ساخته اند از  
 آنان جز شما توسط اشا دیگری را نمی شناسم بنابراین ما را پناه دهید .  
 توضیح: در این بند شکایت از پریشانی گرویدگان نیک زدیسنی میکند و  
 به اهورمزد پناهنده میشود .





از چنین نادان ارمایتی نیز با اشا دوری میجوید چنانکه بدان بی فرهنگ از ما دور میشوند .

توضیح: ارمایتی پاک که نزد پارسای دانشمند گرامی است نزد شخص بدکار نیست زیرا که او از هومن آگاه نباشد و دانشی ندارد که اندازه پاک و خوبی را بکند و از چنین نادان البته ارمایتی یعنی صفت گرویدگی و اطاعت و نیز اشا که راستی و درستی و نظم است دور میشوند و همچنین است برخی از افراد جامعه که بسبب بدی و بی فرهنگی از ما یعنی زرتشت و نیکان زرتشتی دوری میجویند ( اشاره به بعضی از دیویسنیهاست).

(۱۰) ندر دند . و ندر دند . ندر دند . ندر دند .

و ندر دند . ندر دند . ندر دند . ندر دند .

ندر دند . ندر دند . ندر دند . ندر دند .

ندر دند . ندر دند . ندر دند . ندر دند .

ندر دند . ندر دند . ندر دند . ندر دند .

ندر دند . ندر دند . ندر دند . ندر دند .

ترجمه : پارسای دانا به چنین ( مخالفین ) عمل و هومن ( که مهر است ) می آموزد که برگرفته شود و نیز ( می آموزد ) که سینتا ارمایتی جاوید موجود و ریشه اشاست و آنان ( مخالفین ) همه در زیر نیروی تو ای مزدا این حقیقت را دانسته خواهند آمد .

توضیح : میفرماید به آنانکه اکنون مخالفت می ورزند پارسای دانا ( شاید اشاره به خود زرتشت باشد ) عمل و هومن را که دانش و مهراست می آموزد و میگوید که آنان برگیرند و بدانند که سینتا ارمایتی با اطاعت و گرویدگی جاوید موجود و ریشه یا اصل راستی و درستی است و همه آنانکه اکنون مخالفت می ورزند در انجام این حقیقت را دانسته بسوی اهور مزدا بازگشت خواهند کرد .

(۱۱) سَعَّ جَدَّ . رَوَى . بَرَسَدَ (سَعَّ دَرَسَدَ) .  
 سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) . سَعَّ . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ سَعَّ دَرَسَدَ) .  
 وَاسْتَرْسَدَ . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) .  
 سَعَّ سَعَّ . سَعَّ . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) . وَاسْتَرْسَدَ .  
 (سَعَّ سَدَّ) . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) .  
 سَعَّ سَدَّ . سَعَّ . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) . وَاسْتَرْسَدَ . سَعَّ سَدَّ .

ترجمه : و این هر دو چه خرداد و چه امرداد که از تو هستند سوی روشنایی رهنما میشوند و از خشتر و وهومن و ارمایتی با اشا فزونی زیست نو و توانایی روان است و با اینها ای مزدا بردشمنان پیروز هستی .

توضیح: در این بند همه صفات ایزدی ذکر شده اند یعنی خرداد و امرداد و خشتر و وهومن و ارمایتی و اشا- میفرماید از اینها فزونی و بالیدگی زیست تازه و توانایی روان است و هر که به اینها رو می آورد ای مزدا همواره بر دشمنان پیروز است. مقصود هر صفت اهورمزدی یک گونه و اکنش برزندگی بشر دارد.

(۱۲) وَاسْتَرْسَدَ . سَعَّ (عَلَّ سَدَّ) . وَاسْتَرْسَدَ .  
 وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ .  
 وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ .  
 وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ .  
 وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ .  
 وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ . وَاسْتَرْسَدَ .

ترجمه : دستور توجیست و اراده تو درباره ستایش و پرستش چه هست تا شنیده ای مزدا عمل کنیم. بما برگو برای اینکه برنامه ما بشود که چه بهره سعادت


در پاداش خواهیم داشت و ما را به راه اشا توسط وهومن به راهیکه از خودشناسی است راهنمایی کن .

توضیح: فکر این بند واضح است از اهورمزدا خواستار است که درباره ستایش و پرستش الهام فرماید که به چه نوع نیز الهام کند آنچه در پاداش سعادت می یابیم و به راه راست اشائی توسط وهومن که دانش و مهر ایزدی است رهنما گردد.

(۱۳) ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰  
 ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰  
 ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰  
 ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰  
 ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰  
 ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰ ۰۴۴۰

ترجمه : آن راهیکه ای اهورا ! بمن نشان داده ای ( راهی ) از وهومن و دین نجات دهندگان است و کارنیک است ( الهام شده ) و طرح شده از اشا و برای روشن بینان به پاداشیکه هدف آن به پیوستگی مزدا میباشد رهنماست .  
توضیح: عبارت و فکر این بند واضح و محتاج به توضیح نیست.



(۱۵)  سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.  
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.  
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.  
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.  
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.  
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.

ترجمه: بنابراین ای مزدا! بهترین شنیدن و گفتن و کردن را بیاموز تا اینها  
 توسط وهومن و اشا و ارمان ستایش مرا پدید سازند و بوسیله خشر تو مرا زیست  
 نو به بخش و جان تازه مرا چنانچه اراده تو هست راست و پاک نما.  
 توضیح: سه اصل معروف کیش زرتشتی یعنی هومت (اندیشه نیک) هوخث  
 (سخن نیک) و هورشت (کار نیک) در سرود ۴۵ ورنه و اخدا و شیواتنه گفته شده  
 و در این بندسروش و شیواتنه و وجه میباشد ولی مترجمین این فرد را چنین ترجمه  
 کرده اند: - سخنان و کارها بیاموز و هر دو از آنها توسط وهومن و اشا پدیدکننده  
 آرزوی نمازهای من خواهند بود.

### خلاصه سرود سی و چهار

در آغاز این سرود - شت زرتشت میفرماید که به عمل نیک و سخن نیک و سرود  
 ستایش به اهورمزده رهنما خواهد شد - پیروانش را به زیست جاوید و راستی و  
 نیروی اراده و در بند دوم میفرماید: وسیله نزدیک شدن به پروردگار درسه بخشش  
 ایزدی است.

یکی توجه به پروردگار دوم پی بردن به دانشی که وهومنی است، سوم پیروی از کارهای نیکان.

ودر بند سوم میفرماید نماز و ارادت باید به اهورمزدا باشد و اشاکه صفت بارز او هست و زندگی بر اساس دانش و در بند چهارم ستایش از آتش معنوی است که مظهر زیست و دانش است و در بند پنجم به درگاه ایزدی مناجات می کند و آرزو می نماید به پیوستن به اشا و وهومن و یاری به آنانکه نیازمند یاری هستند و آزادی از آنچه مانع پاکی روان است. در بند هشتم شکایت از پریشان گردیدگان است و در بند نهم می فرماید که آموزش زرتشتی بر اساس پیروی به اشاست و هر که از آن رو بر تافت از دانش وهومن محروم است و ارمایتی (اطاعت و بندگی به نیکی) نزد او گرامی نباشد و از تقرب به حضور اهورمزدا محروم است. در بند دهم اشاره می کند که دیویسنی از دانش وهومنی و تسلیم ارمایتی بهره ندارد و از آموزش زرتشتی رو گردان، ولی سر انجام همه آریائی چه دیویسنی و چه مزدیسنی بسوی اهورمزدا راه خواهند یافت و در بند دوازدهم به درگاه ایزدی مناجات می کند و از اهورمزدا خواستار است باو الهام فرماید که چگونه او را ستایش کند و سعادت معنوی یابد و او را براه راست اشا بوسیله وهومن رهنما گردد که انجام پیوستگی بدرگاه ایزدی باشد و البته این نعمت گران بها به آنان داده خواهد شد که در اعمالشان از وهومن الهام مییابند و مادرگیتی (یعنی ارمایتی) را خدمت می کنند و راستی و درستی اشائی را در جهان تن انتشار میدهند و در بند آخر بدرگاه اهورمزدا عرض می کند که به هومت و هومت و هورشت رهنما شود.















(۹) ندرهٔ پیکرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...

ترجمه : یقیناً تورا ایزد می شناسم ای مزداهورا چون بوسیله وهومن نیکی  
 به من درآمد از او پرسیدم به که میخواهی که من نماز برم ( و نیایش کنم ) از آنگاه  
 به آتش پاک تو من نماز میبرم و از همه برتر من تا میتوانم اشا ( راستی و درستی )  
 را گرامی خواهم داشت  
 توضیح: در این قطعه سطر نخستین و دوم از قطعه هفتم تکرار شده اند و در  
 این قطعه پرسش یا از وهومن به زرتشت است یا از زرتشت به وهومن است، بهر  
 صورت در نتیجه آن میفرماید من آتش پاک ایزدی را نماز میبرم و اشا یعنی ناموس  
 و آئین ایزدی را گرامی خواهم داشت .

(۱۰) ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...  
 ندرهٔ... یسوع... کنگ... سوس... پیکرهٔ... ندرهٔ...

ترجمه : بنابراین رهنمائی کن ما را به اشا که همواره اورا میخوانیم ( و میجوئیم )



(۱۲) نوردن سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز (سنگین) سید پارسه عجز  
 سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز

ترجمه: چون فرمودی که برای دانش از اشا پیروی کنم فرمودی که چه نشنوم و نکنم و چگونه رفتار کنم تا سروش همراه روشنائی بابرکت ایزدی در من درآید و پاداش یا کیفر به دو گروه بدهد.  
 توضیح: از دو گروه مقصود گروه مزدیسنی و دیویسنی است.

(۱۳) نوردن سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 نوردن سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 نوردن سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 نوردن سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز  
 نوردن سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز و (سنگین) سید پارسه عجز

ترجمه: ای مزدا اهورا تو را به پاکی میشناسم - چون و هو من مرا فر اگر گرفت (آمد) (من گفتم) از ارمان من (این ارمان) به بخش زیست دراز (زیستی) که هر کس جرأت ندارد آرزو کند یعنی زیست برگزیده وجودیکه در آن خشر تو گفته شده.  
 توضیح: در این قطعه نیز دو سطر اول و دوم قطعه هفت تکرار شده اند.  
 در سرودهای ویدا و گاتها زندگانی طولانی از اهورا مزدا خواسته شده و مقصود این است که بیشتر توفیق خدمت ایزدی را بیابد زیستی که در آن نیروی ایزدی باشد.







## خلاصه سرود ۴۳

این سرود به مناجات آغاز میشود و در دو قطعه آخر به اصول زرتشتی اشاره شده یعنی:

۱- بگانه پروردگار اهورمزداست.

۲- اشایعنی نظم و راستی است که وسیله تندرستی و سکون ذهن میشود.

۳- وهومن عقل یا وجدان است که ذهن ما را روشن میسازد و روان را از آلودگی پاک میگذارد.

۴- ارماینتی تسلیم و رضا است که وسیله سکون و آرام باطن است.

۵- خشنتر، تقویت اراده هست، بشر هر چند آرزو مند باشد که نیک گردد تا- اراده قوی داشته باشد مر او را در نمی یابد. در قطعه اول میفرماید: اگر میخواهید از خداوند روشنی بیابید بهمتو ع خود روشنی بدهید. حضرت مسیح بعد آفرموده خداوند بخاطرها ما را به بخش اگر مانیز از خطای هم نوع خود در گذریم دیگر در این قطعه میفرماید پیش رفت در امور تنی و پاکی روانی درنگه داشتن آئین اشایعنی راستی و نظم و درستی است از ارماینتی مقصود تسلیم و رضا است که ما را توفیق یافتن سعادت می بخشد و آتش ایزدی پاکی باطن است و میفرماید هر جوینده یا بنده است اگر ما برای رسیدن به- حقیقت و برای دانش به رمز زندگی تنی صمیمانه بکوشیم و اعمال راست را وسیله سازیم روزی خواهد رسید که به هدف برسیم اعمال ما باید بامشیت ایزدی و اشاره های طبیعت هم ساز و هم آهنگ باشند و این افکار در سه قطعه به عبارت شاعرانه بیان شده اند. در قطعه چهارم می فرماید دهند آرزوهای نیک ما اهورمزداست و بوسیله آتش یعنی ذهن روشن و پاک و اشا روح نظم

و راستی و از هومن عقل با وجدان می‌بایم. در قطعه پنجم اشاره میکند که اهورمزد خیر محض است آغاز و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی او رهسپار است نیروئی نیست که مانع گردد در آن مقام که روان بشر به حضور ایزدی پذیرفته میشود مکان روشنائی و توانایی و دانش است و ارامیتی ما را رهنماست. قطعه هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید چون وجدان پاک باشد گوئی آئینه‌ایست که هومن یعنی عقل کل و روان تجلی نموده پرسشهای ما را می‌شنود و پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه همواره به وجدان باید رجوع کنیم و فرمان از او بگیریم. در قطعه نهم زرتشت عرض میکند بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه هنوز تن مستعار دنیوی را نداشتم پیمان نهادم که نیکی را دوست دارم و با آنچه بد است مبارزه کنم و در آن کار از نیروی ایزدی یعنی خشنواری جویم، گوهر راستی و نظم در باطن من تجلی کند و به اشاره‌های او اعمال خود را بسنجم پس به سخن در آیم و در پایان عملی سازم من آتش پاک ایزدی را که در هر روان وجود دارد نماز میبرم و آئین ایزدی را گواهی دارم. در قطعه دهم از اهورمزدا خواستار است که او را بسوی راه راستی و درستی رهنما گردد و اعمال او را به تسلیم و رضا هم آهنگ سازد و ما را در کوشش و کوشش اعمال تنی بیازماید و ما نیز بکوشیم که در آزمایش کامیاب گردیم و در آخر میفرماید راست بانا راست هم‌رنگ نمیشود و در نتیجه بدی و زشتی بانیکی همیشه در جنگ و ستیز است. در قطعه دوازدهم همین افکار ادامه دارد میفرماید باید اشاره‌های اشارات عملی کرد گرچه درک کردن اشاره‌های او آسان نیست و باید دانست چه اشاره هست که باید عملی بشود و چه اشاره هست که باید عملی ترک گردد و در این کار سروس ما را رهبر میشود در صورتیکه رهبانهای مسیحی و مرتاضین هند از زندگی تنی فرار میکنند و آنرا مصیبتی و دردی تصور مینمایند زرتشت در قطعه سیزدهم زندگی دراز را طالب است و میخواهد که نیروی ایزدی یعنی اراده توانا اهورمزد به او بخشد تا در زندگی طولانی مظهر مشیت ایزدی شود. در قطعه چهاردهم میفرماید برترین سعادت یافتن دانش است که بوسیله اعمال نیک

از خشتری یعنی نیروی ایزدی به ما میرسد. باید با کلمه مقدس (ماترا) دلیرانه با آنچه بد است مبارزه کنیم. خطاب به اهورمزدا عرض میکنند که تنها تو را به پاکی میشناسم و عقل با وجدان و سکوت و سنجش روان مرا توانا میکند. رهبر دین نباید که از ناراست که با راستی دشمن است بترسد، و در قطعه شانزدهم به اهورمزدا عرض میکنند که اکنون ترا پروردگار خود برگزیده ام اشای پاک ما را زنده (جاوید) میسازد و توانائی می بخشد و ارمائی (تسلیم و رضا) و خشتر (اراده ثابت) چون روشنائی خورشید بروجدان مامی تابند و اعمال ما را برکت میدهند.

در این سرود یک دنیا افکار عرفانی گنجانیده شده اند که در این خلاصه تفصیل آن دشوار است.

## سرود چهل و چهار

( ۱۴۴ )

(۱) کز آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده  
تا آن کس که در راه تو ایستاده

ترجمه : آن از تو میپرسم بگو به من راست ای اهورا - میپرسم با فروتنی  
و نیاز چگونه بپرستد شمارا (ارادت مند شما) یکی که از شماست ای مزدا! رهنمائی  
کن به عاشق شما (چون من) و بوسیله (محبوب ما) اشا بما یاری برسد تا و هومن  
میان ما برسد.

توضیح : از اهورمزد یاری میخواهد که رهنمائی بکند که چگونه نیازمند  
اوبه او نماز برد و به پرستد یاری از اشا میجوید تا و هومن را میان ارادتمندان بیاورد.







کدام سازنده بزرگ جهان روشن و نیز تاریخ را آفرید و کدام سازنده خواب و بیداری را آفرید و کیست که پدیدکننده بامداد و نیمه روز و شب است و که دانشمند را از مقصود زندگی آگاه میسازد.

توضیح : عبارت قطعه واضح است (مقصود از زندگی عبادت و معرفت بریزد متعال است) .

(۶) کلامی که در آن آفرید و تاریخ را آفرید و بیداری را آفرید و خواب و بیداری را آفرید و کیست که پدیدکننده بامداد و نیمه روز و شب است و که دانشمند را از مقصود زندگی آگاه میسازد.

ترجمه : آن از تو می پرسم راست بمن بفرما ای اهورا  
آیا آنچه می آموزم همه راست هستند (یعنی) در نتیجه اعمال ما در ارمایتی  
اشا (نیکی و راستی) افزایش می یابد و اینکه (او ارمایتی) پیمان نموده که توسط  
وهومن خستر شما را ( برای نیکان ) برای که ای اهورا این بارور شادی آورنده  
مادر گیتی را ساختی.

توضیح: شت زرتشت حساس است که آنچه می آموزد راست و گفته ایزدی  
باشد. میفرماید در نتیجه اعمال ما در جهان نیکی و درستی افزوده میشود و هرگاه  
اعمال ما نیک باشند ارمایتی پیمان نموده که توسط دانش نیروی طبیعی ایزدی بما  
برسد و اینکه خداوند مادر گیتی را برای ما آفریده که بما شادی و فراوانی برسد و  
این فکر در سنک نوشت از داریوش نیز دیده میشود که میگوید اهورمزد برای ما  
در جهان شادی آفرید.





(۱۰) مسمی . ککس . رءءءس . ءءوید . ءءر . وائطکس . سبءءس .  
 وءسءءءء . وءسءءءء . وءسء . سبءءءءء . وائسبءءءء .  
 وءسء . ءءر . وءسءءءء . سبءءء . ءءسءءءء . وءسءءءء .  
 سءءءءءءءء . وءسءءءء . وءسءءءءءء . ءءوید . وءسءءءءء .  
 وءسءءءء . وءسءءءءء . وءسءءءء . وءسءءءءء . وءسءءءء .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

آن چه دینی است که از همه دینها برای همه موجودات بهترین است و آنکه  
 به الهام ارمانی اعمال ما را رهنما خواهد شد به حقیقت (راست) این است تمنای عقلم ای  
 مزدا (نشان دهی آنرا) که بسوی تو باز میگردد.

توضیح : دین راست و عمل راست آن است که به سوی راستی و حقیقت  
 که مزدا باشد باز گردد .

(۱۱) مسمی . ککس . رءءءس . ءءوید . ءءر . وائطکس . سبءءس .  
 وءسءءءء . وءسءءءء . وءسء . سبءءءءء . وائسبءءءء .  
 وءسءءءءءء . وءسءءءء . وءسءءءءءء . وءسءءءءء .  
 وءسءءءءءء . وءسءءءءء . وءسءءءءءء . وءسءءءءءء .  
 وءسءءءءءءء . وءسءءءءءءء . وءسءءءءءءء . وءسءءءءءءء .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

چگونه ای مزدا به آنانکه دین تو به دلشان الهام شده ارمانی درمی آید و برای  
 این وظیفه از آغاز آشکارا از تو من شناخته شده ام ولی دیگران هستند که به نظرم از  
 روح مخالفت بمن (ملهم شده اند).

توضیح : چون یکی را خداوند به وظیفه بزرگ رهبری روانی برمیگزیند در او توسط ارمایتی استعداد پیدا میکند که آن وظیفه را درست بجا آورد و ضمناً مخالفین نیز پدید میشوند و البته آنچه آنها میگویند و تصور میکنند الهام ایزدی نیست بلکه اغوای اهریمنی است و قصدشان اصلاح نیست بلکه خرابکاری است .

(۱۲) س... س... س... س... س... س... س... س... س... س...  
 و... س... س... س... س... س... س... س... س... س... س...  
 و... س... س... س... س... س... س... س... س... س... س...  
 و... س... س... س... س... س... س... س... س... س... س...  
 و... س... س... س... س... س... س... س... س... س... س...

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

میخواهم بدانم که پیرو راستی است و که پیرو نارااست است که با او هم سخن شوم (دلبازم) کدام جانب را بگیرم آیا او که قربانی بدی است یا او که خود بدکار است. پیرو ناراستی که خود را برضد بخشش سعادت قرار داده است ؟ آیا چنان کس ( چنانکه ) این می پندارد ( مانند ) بدکار است .

توضیح : چون دو تن بلند می شوند و ادعای رهبری میکنند امتیاز دادن میان آنان تنها به عقل سلیم ممکن است. یکی هست که بد نیست ولی به اغوای بدان از راستی منحرف و از سعادت ایزدی محروم میشود، آیا او نیز از بدکاران شمرده میشود ؟









(۱۹) نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .

ترجمه : بنابراین ای میدیه ای ماه شخص خود را اسپتاما به او تسلیم خواهد کرد که وجداناً احساس کند هر که بسوی زندگی (راست) میکوشد آئین مسزدا را به زندگان بهتر به عمل خود (تا به سخن) می آموزد .  
 توضیح: اینکه رهبر باید به عمل آموزشی خود را به ثبوت برساند و آنچه از خوبی به دیگران میگوید خود او نیز عمل کند. میدیه ای ماه (ماه بدر) فرزندان راستی و عموزاده زرتشت نخستین شخصی بود که به کیش بهی گروید نام پسر او اشاستو بود .

(۲۰) نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .  
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .

ترجمه : ( شما ) هم اراده باشید به ما همه به دادن خوش بختی ( و به دادن ) اشا ( راستی و درستی ) و آموزش و هومنی که از آن ارمایتی ( تسلیم و اطاعت ) می بالد ( ما ) پرستش کنندگان بانیا از زمینیم که چنین سعادت از مزدا ( بیابیم ) .  
 توضیح: خطاب به امشاسپندان هست که هم اراده شده به پیروان زرتشت









(۷) و سزوی و چار و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای

ترجمه : ای مزدا ! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هر روتات و امرتات را بمن وسیله سپنتا ماینیو عطا کن و نیز بوسیله وهومن جاوید نیروی روانی و زندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکار شد .  
 توضیح : هر روتات و امرتات یعنی تندرستی و زیست جاوید را آرزو میکند که اهورمزد بوسیله سپنتا ماینیو به او عطا کند و بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی جاوید توانائی روانی و از کیش مزدیسنی که زندگی نو نامیده چنانچه به الهام ایزدی بهشت زرتشت رسیده آگاه سازد .

(۸) سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای  
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای

ترجمه : اکنون از جانب تو ای مزدا ! بر میگویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بد تهدید میکند و به او که با اشاست و راست است خورسندی (روشنائی) می آورد و تنها او از واژه (ماترای) پاک شاد خواهد بود که



اهورا شما از ازل آموزنده هستی .

توضیح: برای آبادی گیتی بشر باید به فرمان اهورمزدا ( که بوسیله طبیعت پیوسته ) آشکار میشود همراهی کند. اشا یعنی راستی و نظم گوئی زبان اهور است که سخنان یا آموزش دین را بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی برمیگوید و از ازل آموزنده اصل اهورمزداست .

(۴) ودئاسد . سدائید . سدائید (سدهد) .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ترجمه : کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو کجا مهربانی روان است و کجا اشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و ( بهترین منش ) وهومن را وای مزدا ! (خشتر) اراده توانای تو را .

توضیح: به مهر و مودت و پاکی و نظم و بهترین منش و اراده توانا کارها نیک و منظم میگردند. پیمبر این صفات را از اهورمزدا برای جامعه آرزو میکند .

(۵) واپدند . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

ترجمه : همه اینها را پرسیده ( میخواهم بدانم ) چگونه زندگی اشائی را



است که بشر به مدارج عالی می‌رسد و پیمبر می‌فرماید من نیز با عزم ثابت به خدمت نوع خود خواهم کوشید .

(۲) سده طاف سوسه رسته (ا) سده  
 سده (ا) سده سده سده  
 سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده

ترجمه : این اعمال ای مزدا اولاً بشما ( تقدیم می‌شوند ) ( و بعد ) به اشا و ای ارمایتی به شما- به من نیروی اراده بنمائید و بوسیله و هومن توفیق پرستش به بخشید .

توضیح : در این قطعه تسلسل فکر قطعه گذشته است. التماس میکنند که در بجا آوردن کار نیک که به اشا و اهورمزدا تقدیم میشوند ارمایتی اراده را نیرو دهد و هومن سعادت پرستش به بخشد.

(۳) سده طاف سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده  
 سده سده سده سده سده

ترجمه : برای ( آبادی ) گیتی (باید) بهم آئید آنانکه در آن کار با شما همراه هستند، اشا زبان اهوراست که سخنان و هومن را ( برمیگوید ) و به اینها ای

### سرود ۵۱ بنام وهوخشتر

منحصر به يك سرود است در ۲۲ قطعه و هر قطعه در ۶ پادا كه مجموعاً ۱۳۲ پادا ميشوند و هر پادا در هفت سيلاب گفته شده.

( ۵۱ )

۱۳۲ پادا

(۱) ۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

ترجمه : نیروی ایزدی گران بهاست. و بخششی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا- او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بوسیله عمل (به بلند ترین مقام میرسد) (و برای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهم کوشید. (یا خواهم ورزید) .

توضیح: خشتر یعنی نیروی ایزدی به هر که رسید او نعمت گران بها یافت و باطن او توانا شد. اگر خوش بخت باشد به نوع خود خدمت میکند و تنها از عمل

دست را به نیاز و نماز بلند کرده امیدوارم که بوسیله اشا و دانش شگفت و هومن  
بشما نزدیک شوم و به سرود ستایش بسوی شما بازگشته هرگاه کاملاً به مرام خود  
رسیدم آرزو مندم که دارای دانش عالی گردم آنچه در گذشته گفته‌ام و در آینده خواهم  
گفت امید که به الهام و هومن باشد در بر آمدن روز و تجلی اشعه لطیف خور هم  
عظمت و فر شما را ستایش میکنند و در پایان عرض میکنند که همواره اهور مزدا  
را خواهد ستود و تا زمانیکه اشا و خشر ایزدی اراده مرا نیرو میدهند در تبلیغ  
دین بهی که از الهام ایزدی یافتم خواهم کوشید و کامیابی وابسته به مشیت ایزدی  
است .

## خلاصه سرود ۵

در برخی از سرودهای گاتا پیمبر آرزوی خود را بیان میکنند و در بعضی پرسشی میکنند و خود پاسخ میدهد یا پاسخ را به شنونده آنواگذار مینماید. از جمله در آغاز این سرود از اهورا مزدا میپرسد که کدام کس یاور او و پیروان او خواهد شد و در پاسخ میگوید که اشایعنی راستی و نظم و وهومن یا بهترین بینش بشرطیکه آنها به نیت خالص خوانده شوند و در قطعه دوم میپرسد چگونه جای امن و جامعه ایرانی محیط راستی و درستی خواهد شد و پاسخ را به خواننده واگذار می-کند و جایی میخواهد که بر آن خور بتابد و افراد جامعه آسوده زندگی کنند و به امن خاطر به وظایف زندگی برسند. جهان تن که در دیگر ادیان جای دردورنج است برای زرتشت آورنده شادی است و پیمبر امیدوار است که ارمایتی باشا و خشترو وهومن بسوی او خواهند آمد و از یاری ایزد بانسوی خوش بختی پیش خواهند رفت. میفرماید ای مزدا! تنها ترا میستایم و میپرستم و آرزو مندم که جوینده تو به راه راست گام بردارد و به آنچه بر من ارادت مند تو پدید شده گوش دهد ای مزدا! تو از جهان بلند برای ما شادی می آوری و یاری تو آشکار و اشاره های تو ما را بسوی روشنائی رهنماست. نظر پیمبر ایران همواره بر الهام ایزدی است و تمنا میکند که آنچه او میگوید به الهام ایزدی باشد. میگوید ای مزدا! تو را به دلکش ترین عبارت ستایش میکنم تا با اشاو وهومن ما را راهنمایی کنی و یاور ما گردی و هر دو

لطیف خورشید (آئین) اشای مزدا اهورا همه به (فر) وستایش شما هستند.  
توضیح: تقریباً همین فکر در قرآن نیز اشاره شده که موجودات چه از جانداران و بیجان، از نباتات و حیوانات و جمادات هم پروردگارا میستایند بنابراین بشر نیز نباید از یاد او غافل گردد.

(۱۱) سَعِ وَ اَمِّ نَدَمَ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ  
وَمِنَ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ  
وَسَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ  
سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ سَطَمَسَدِ

ترجمه: ای مزدا! خودم را ستایش کننده شما میدانم و آشکار می‌کنم و  
(چنین خواهد بود) تا زمانی که از اشای نیرو دارم و دارای اراده هستم آئین ایسن  
زندگی نو که از وهومن پدیدگشته تکمیل آن بنا بر اراده اهوراست.  
توضیح: پیمبر اعلام می‌کنند که همواره اهور مزدا را خواهد ستود و تا زمانی که  
بوسیله اشای یعنی راستی و درستی دارای اراده و نیرو هست در انتشار دین نو که از  
الهام ایزدی یافته خواهد کوشید و تکمیل آن وابسته به مشیت ایزدی است.



(۷) نَمَعِ . فَاغِ . وَصَرَّطِ نَسِدِ . عَدَدِ نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .  
 نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .  
 نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .  
 نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .

ترجمه: و یقیناً جفت خواهم کرد شما (ای) حافظ آزادی و سزاوارترین که خواننده شوید و به ستایش شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن تا که پیشوای ماشده یاوران ما گردید.

توضیح: ترجمه علامه بارتلومه چنین است . برای شما جفت خواهم تندروترین اسبهای فربه و نیرومند را بوسیله ستایش شما و گویا مقصود از آن به دلکش ترین عبارت شمارا ثنا خواهم گفت تا که شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن مارا راهنمایی بکنید و یاور ما گردید.

(۸) نَمَعِ . فَاغِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .  
 نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .  
 نَمَعِ . فَاغِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .  
 نَمَعِ . فَاغِ . فَاغِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ . نَسِدِ نَسِدِ نَسِدِ .

ترجمه: ای مزدا! با سرائیدن سرود پر ذوق (وجدانی) شایسته شنیدن، هردو دست را بلند کرده بانماز ارادت مندانه بوسیله اشا و دانش شگفت آور وهومن به- شما نزدیک میشوم.

اشاره های نزدیک (که پاسخ هستند) از شما و ما را سوی (مکان) روشنائی رهنما می‌شوند.

(۶) ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری.  
 (۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری.)  
 ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری.  
 ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری. ۱۳۴۰ هجری قمری.

ترجمه: یقیناً من خواننده ماترای (ستایش) توای مزدا! آوازم را به نماز برمی‌آورم و من زرتشت باشا دوست شده (امیدوار است) که دهنده خرد همواره به آنچه از زبان من برمی‌آید (رهنماگردد) و اصول رهنمائی (دین) را بوسیله و هومن (به من) بیاموزد.

توضیح: پیامبر همواره نظر به الهام ایزدی دارد و تمنا میکند که آنچه او در سرودستایش ایزدی میگوید مطابق الهام ایزدی باشد. گوئی همین فکر در شاهنامه از زبان فردوسی گفته شده یعنی قهرمانان فردوسی بویژه رستم هرگاه به کار مهمی دست میزنند یا به انجام میرسانند در آغاز استدعای یاری و رهنمائی ایزدی است و در انجام سپاسگزاری از مرحمت ایزدی است.



سرود پنجاه / ۱۹۵

توضیح: پیمبر خطاب به مزدا عرض میکند که امیدوار است ارمایتی با اشا و خشتر و وهومن چنانکه مزدا پیمان نهاده بسوی او خواهد آمد و به نیروی برکتی که از ایزد بانو اشوئیش خواهد رسید خویشان نزدیک (مزدیسانی) برزمینی که در تسلط دیویستیهاست پیش خواهند رفت. گویا در این قطعه اشاره ای به کشمکش گشتاسپ و ارجاسپ شده.

(۴) ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰  
۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰  
۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰  
۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰

ترجمه: ای مزدا اهورا ترا میستایم و میپرستم با اشا و بامهر بانترین وهومن و خشتر تا که جوینده (تو) بر راه راست به ایستد و به آنچه به ارادت مند تو از (بهشت) گرو دمان پدید شده گوش دهد.  
توضیح: عبارت قطعه واضح است.

(۵) ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰  
۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰  
۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰  
۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰

ترجمه: از جهان بلند بنا بر (آئین) اشا شما ای مزدا اهورا! هرگاه شادی می آورید برای خواننده ماترای شما-یاری (شما) آشکار و درست دیده میشود به-



## سرود ۵۰

(۱۱) وء ذللتك لى. ندم ندم ندم.  
سلاسل ندم ندم ندم. ندم ندم ندم.  
وء. ندم ندم ندم ندم ندم ندم.  
ندم ندم ندم ندم ندم ندم ندم.  
وء. ندم ندم ندم ندم ندم ندم.  
ندم ندم ندم ندم ندم ندم ندم.

ترجمه : آیا روان من بر یکی نفوذی دارد که به یاری بخواند و از مردم که  
(رمه) مرا یاری خواهد کرد و نیز میخوام بدانم که باور من خواهد شد.  
جزاشای شما ای اهورامزدا و هومن (بهترین منش) هرگاه از صدق دل  
خوانده شود.

توضیح: در سرودهای گاتا مکرر برای یاری به اهورامزدا و جائی به وجدان  
خود خطاب میکند و خود پاسخ میدهد به این جمله (جز فلان و فلان) در این قطعه  
هومن بهترین من گفته شده خطاب به اهورامزدا عرض میکند که باور من و پیروان من  
خواهد شد، و پاسخ میدهد مگر اشا (راستی و درستی) و بهترین منش یعنی اراده  
پاك و بیغرض.

در قطعه دهم و یازدهم اشاره به آینده‌ی افراد بشر است که در انجام هر کس بنا بر اعمالش نتیجه خواهد یافت، چنانچه میفرمایدای مزدا: در مکان تو وهومن و روان نیکان ومورد نیاز ونماز آنان ارمایتی باروی خندان فرو می آیند که نیکان را یاری کنند ولی آنانکه روشنائی روانی شان ضعیف است (و همه چیز را سطحی دیده) حقیقت را نیافته اند به مکان رهبران دروغ و نفس های دروغ وبداندیشه وبدسخن و ناراست باز خواهند گشت .

ممکن است که اشاره های قطعه نهم و دهم بعداً به صورت گذشتن روانهای نیک و بد از پل چنود وبر خوردن به چهره زیبا وزشت درآمده باشد.  
 ودر آخر سرود خطاب به اهورمزدا عرض میکنند چه یاری از تو و چه یاری از وهومن خواهد رسید تا سرود ستایش ترا گویم و ترا خوشنود سازم ومشیت تورا خواستار گردم.

## خلاصه سرود چهل و نه

آغاز میشود از شکایت از يك تن بنام بندو (Bendvo) که پیشوای دیویسینیان و از مخالفان سرسخت زرتشت بود و آرزو میکند که ناکامی او را به بیند که کیش مزدیسنی بر اساس سود و خوبی افراد جامعه و دیویسینی بر پایه تباهی و آزار است با پیوستگی به وهومن برای مبارزه با بدان خود را آماده نشان میدهد و میفرماید آنها ناشبانان هستند که به زبان خود ادعای شبانی و رهبری میکنند در صورتیکه باطن آنها از ناراستی پیروی می نمایند و به اهریمنان میگراید. ذوق و جوشش روانی برای او هست که وجدان دارد و به دانش ایزدی می پیوندد و به تسلیم و رضا ارادتمند است و دانش را از اشا می یابد و با همه آنها بر نیروی ایزدی متکی است. در قطعه ششم آرزومی- کند که مشیت مزدا و اراده اشارا بدانند و دانسته آموزش خود را آشکار سازد و گرویده مزدا گردد و خطاب به مزدا عرض میکنند که وهومن و اشا گواه باشند که هر سه طبقه مزدیسنیان یعنی خویتوش و ایریما و ورزنه به آئین ایزدی زندگی میکنند.

در قطعه هشتم برای فروشسترا دعا میکنند که او را اهورمزدا بر ازنده ترین شادی یعنی پیوستگی به اشا عطا فرماید و نیز دیگر پیروانش را به نیروی ایزدی نیرومند کند. قطعه نهم اشاره به جاماسپ داناست میفرماید در این نهضت دینی که يك گونه رستاخیز و زندگی نو هست باید همه به اشا پیوندند تا باطن شان بهترین پاداش روانی یابد و یاوران به آموزش من گوش دهند.



(بشر) آفریده شده- که هرگز گوینده راستی اندیشه پیوستگی به پیروان ناراست نکند تا وجدان آنها بهترین پاداش یعنی پیوستگی به اشا بیابد.

ای جاماسپ دانا! دربر آمدن (رستاخیز) باید هر یک به اشا پیوندد.

توضیح: در قطعه‌های گاتا کلمه سوشینت را بمفهوم یاوران زرتشت باید گرفت اینها آفریده شده‌اند که یاوران کیش مزدیسنی شوند و نباید به هیچ صورت با ناراستان نزدیک گردند و از واژه رستاخیز مقصود عصر جدید زرتشتی است که فساد را دور میکند و مردم را به اشائی یعنی راستی و نظم رهنما می‌شود.

(۱۰) سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو  
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو  
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو  
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو

ترجمه : واین (احساس) را به علاقه درمکان تو (به دلم خواهم داشت) ای مزدا (که دوست دارم) وهومن را و روان نیکان را و نماز آنها را (که) به ارمایتی هست و ذوق اندرونی که به یاری (نوع بشر) پر از نیروی ایزدی با خنده روئی میرسد .

توضیح: پیمبر میفرماید در مکان ایزدی خواهم نوازش کرد دوستی به وهومن و روان نیکان و نماز آنها و به ارمایتی که به یاری (نوع بشر) با نیروی ایزدی و با کمال بشاشت « بر زمین فرو می‌آید » .

اهورا گوش دهید (و گواه باشید) که از ابریما و که از خویتوش بنا بر آئین شما زندگی میکنند و برای (طبقه) ورزن نمونه خوب میگردند.

توضیح: خویتوش و ابریما در طبقه برتر مزدیسنی باید چنان به آئین زرتشتی زندگی بکنند که نمونه خوب برای طبقه سوم یعنی ورزنه گردند و برای آن پیمبر اهورا و اشا و وهومن را گواه میگیرد و ضمناً پندی است برای طبقه اعلای جامعه که در اخلاق باید نمونه خوب برای طبقه پست تر گردند.

(۸) آئین ابریما و ابریما...  
 آئین ابریما و ابریما...  
 آئین ابریما و ابریما...  
 آئین ابریما و ابریما...

ترجمه : ای اهور مزدا ! التماس میکنم از تو که بر از نده ترین شادی (یعنی) پیوستگی به اشابه فروخته شده بدهی و نیز به اراده باک تو کاملاً به (دیگر مردم من) تا برای همه زمان ما پیام دهنده (والهام پذیر) شما باشیم.  
 توضیح: دعا بدرگاه ایزدی که او فروخته شده و پیمبر را به اشا پیوستگی دهد و نیز خشنتر اراده دیگر مردم مزدیسنی را نیرومند کند (که بموجب آئین اشا یعنی راستی و درستی زندگی کنند).

(۹) آئین ابریما و ابریما...  
 آئین ابریما و ابریما...  
 آئین ابریما و ابریما...  
 آئین ابریما و ابریما...

ترجمه : گوش دهد به (این) آموزش باور (سوشینت) که برای نجات







(۲) ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

ترجمه : یقیناً این بندوه مرا نگران کرده آموزش او که پیروی از دروغ است به ریا (مردم را) از اشا دور میسازد (او) هیچ گاه بسرای خاطر اشا ارمایتی (تسلیم و بندگی) را برنگرفت و نه هم ای مزدا با وهومن پرسش کرد و پاسخش شنید (با پیوست).

توضیح : اشا به يك مفهوم راستی و درستی و افزایش نیروی زیست و نظم است و هم چنین ارمایتی بمفهوم تسلیم و رضا و بندگی و وهومن دانش و مهر و مودت است TKaeshe یعنی کیش و نیز بمفهوم آموزش میتوان گرفت.

(۳) ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

ترجمه: یقیناً برای همه از مزدا (اختیار) برگزیدن داده شده است که کیش اشائی بر سود و (خوبی) و پیروی ناراستی بر تباهی و آزار است از اینرو پیوستگی



میفرماید که بهترین آموزش به مرد دانا آن است که از اهورمزدا بوسیله اشا برسد  
پارسایان و دانشمندان که رموز روانی بیاموختند آنرا از وهومن یافتند. از اندیشه  
خوب عمل و سخن خوب و از اندیشه بد عمل و سخن بد پدید میشوند و اندیشه  
نیک آن است که ای مزدا در علم تو هست و انجام آن معلوم است ای ارمایتی!  
فرمانده باید در افکار و اعمال نیک باشد و بشر باید سراسر زندگی خود را وقف  
نیکی و پاکی کند و از مادرگیتی نگهداری نماید که اوبه بالد و به روشنائی برسد  
مادرگیتی پناهگاه ماست و از او زندگی ما نو به نو میشود آرزو میکنم که بخشش  
گران بهای دانش ایزدی یعنی پیروزی روانی بمسا برسد مزدا از ازل گیتی را به  
جامه سبز (شادابی و خرمی) پوشانده. خشم را از خود دور داربد و با ستم مبارزه  
کنید و به وهومن سخت وابسته گردید و برای فزونی راستی رهبر پاک چون پلی  
هست که از روی آن پیروانش را میگذرانند و به مکان اهورمزدی میرسند.

ای مزدا! چه بزرگ است اشتیاق من به نیروی پر مهر تو و بیش از آن به  
سعادتت که به پیروان من میبخشی و چه اندازه پیروان من دیندار شما را شاد آمد  
خواهند گفت. بیا و وهومن رادر کار اویاری کن ای مزدا در چه زمان به یقین خواهم  
دانست که شما بر همه شاهی میکنید چه بر پیروان و چه بر مخالفان من و کی اراده  
وهومنی بر من درست آشکار خواهد شد و چگونه سعادتت که از سوشینت میرسد  
عمل خواهد گشت و چه زمان یاوران من برای انتشار آموزش من خواهند آمد و  
دسیسه کرپن و شاهان بد که توجه مردم را به دروغ جلب میکنند به پایان خواهد  
رسید و در جامعه ارمایتی و اشا باختر ایزدی پدید خواهند شد و دانش وهومنی  
خواهد رسید و سوشینت‌ها و وظیفه خود را عملی خواهند نمود و در آخر میفرماید  
سوشینتها و آنانکه به رهنمائی و وهومن وظیفه را بجا می‌آورند و اعمال‌شان به  
الهام اشا و فرمان تو ای مزدا عملی میگردند یقیناً به زبون کردن نفرت برگزیده  
شده‌اند.

باید بمفهوم آنان نیستند که ... گرفت مقصود به دینان ناراستان را به رامش نمی-گیرند .

(۱۲) س-ع- ه-ج-د- س-ز-ن-ع-ج- د-س-ط-و-س-ر-د-س-س-ر-ج-ا- و-س-ع-ر-د-د-ا-پ-و-ع-  
 و-س-ر-ج-ا- د-ن-س-ع-ج-ا-ج-ا- ط-ا-ط-س-ج-ا- س-س-ا-س-ز-ن-س-د- س-ر-د-س-س-ع-س-س-ر-و-ن-ر-  
 و-س-ر-د-س-ط-ا-ط-ا-س-د-و-ن-د- س-س-ع-س-د- س-ا-ک-ن-د-س-ر-د-س-د- ه-س-ی-و-س-د- د-د-س-ع-ر-و-ن-س-ر-د-س-د-  
 ه-ج-ا-د- س-ع- و-س-د-س-د- س-ر-د-س-ع-د-د-س-د-ا-ط-ا- س-و-ع-س-ع-ع-ع-ا- ه-س-س-ر-د-س-د- ه

ترجمه : چنین خواهند بود سوشینتهای کشورها که به وظیفه شان خواهند رسید و (به راهنمایی) وهومن چونکه ای مزدا اعمال اشائی(بجا می آورند) بر طبق آموزش تو یقیناً نامزد شده اند برای چیرگی بر خشم ( و ستم ) .  
 توضیح: در این قطعه سوشینت یاوران و خدمتگزاران صمیمی دین بهی هستند که آنچه میکنند بر طبق آموزش الهامی و اشائی است و از وظیفه کوتاهی نمیکند و اینها برگزیده شده اند که بر خشم و ستم چیره گردند.

### خلاصه سرود چهل و هشت

این سرود در دوازده قطعه و هر قطعه در چهار مصرع گفته شده. در آغاز میفرماید که روز پاداش پیرواشایی بر ناراستی پیروز میگردد و می باید که آنچه از پیشوایان و پیروان دیویسنی گفته شد وهم و فریب بود و از این سعادت که از اهورمزدا یافت نسبت به مزدا ارادت او افزون میشود و زمان پیروزی را آرزو میکند و

(۱۰) و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد  
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد  
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد  
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد •

ترجمه : ای مزدا کی قهرمانان (یاوران) من به انتشار دین خواهند آمد و  
 کی کثافت و حماقت را از میان خواهند برد (تباه خواهند ساخت) اینان که توسط  
 آنها کربن (مردم را) به خود به دروغ جلب میکنند و نیز شاهان بد کشورها به خرد  
 (نیت بد) میفریبند.

توضیح: در قطعه شماره ۹ مفهوم سوشینت را باید به مفهوم یاور و قهرمان  
 گرفت. کربن گروهی از سرودگویان دیویسنی که با زرتشت سخت مخالف بودند.

(۱۱) و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد  
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد  
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد  
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد

ترجمه : چه زمان ای مزدا ارمایتی و اشا باختر خواهند آمد در جای خوش  
 و چراگاه (برامن) و آنان کیستند که پیروان خونخوار ناراستی را به رامش بگیرند  
 و به که دانش و هومن خواهد رسید.

توضیح: ترجمه سطر سوم آنان کیستند که ناراستان را به رامش بگیرند را

توضیح: اشتیاق بشر به اراده خداوند است و برتر از آن اشتیاق خداوند به بشر در بخشش است و چه اندازه خوش بختی است شناسائی به تو ای خداوند و به اشا (راستی و درستی) مرزا! وهومن را در فعالیت او یاری کن.

(۶) وهومن و اشا و اشا و وهومن  
 وهومن و اشا و اشا و وهومن  
 وهومن و اشا و اشا و وهومن  
 وهومن و اشا و اشا و وهومن

ترجمه : کی خواهم دانست که شما بر همه شاهی میکنید ای مرزا و ای اشا (چه بر ما و چه بر آنانکه) نقشه (اندیشه آنان) به من تهدیدی هستند و آیا طرح ریزی وهومن بر من درست آشکار میشود و چگونه برکت سوشینت (نجات دهنده) روان (عملی) خواهد شد (یا اینکه سوشینت باید بداند که چگونه سعادت می خواهد به بعد عملی خواهد شد.

توضیح: بارتهلومه در ترجمه ای که از سرودهای گاتا نموده ترجمه جمله آخر این قطعه را چنین کرده :

نجات دهنده آینده باید بداند که بخت خود او چگونه خواهد بود. مقصود آیا در وظیفه خود کامیاب خواهد شد و به هدف خواهد رسید.









(۲)  $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$   $\frac{1}{3} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{12}$   $\frac{1}{4} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{20}$   $\frac{1}{5} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{30}$   $\frac{1}{6} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{42}$   $\frac{1}{7} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{56}$   $\frac{1}{8} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{72}$   $\frac{1}{9} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{90}$   $\frac{1}{10} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{110}$   $\frac{1}{11} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{132}$   $\frac{1}{12} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{156}$   $\frac{1}{13} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{182}$   $\frac{1}{14} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{210}$   $\frac{1}{15} \times \frac{1}{16} = \frac{1}{240}$   $\frac{1}{16} \times \frac{1}{17} = \frac{1}{272}$   $\frac{1}{17} \times \frac{1}{18} = \frac{1}{306}$   $\frac{1}{18} \times \frac{1}{19} = \frac{1}{342}$   $\frac{1}{19} \times \frac{1}{20} = \frac{1}{380}$   $\frac{1}{20} \times \frac{1}{21} = \frac{1}{420}$   $\frac{1}{21} \times \frac{1}{22} = \frac{1}{462}$   $\frac{1}{22} \times \frac{1}{23} = \frac{1}{506}$   $\frac{1}{23} \times \frac{1}{24} = \frac{1}{552}$   $\frac{1}{24} \times \frac{1}{25} = \frac{1}{600}$   $\frac{1}{25} \times \frac{1}{26} = \frac{1}{650}$   $\frac{1}{26} \times \frac{1}{27} = \frac{1}{702}$   $\frac{1}{27} \times \frac{1}{28} = \frac{1}{756}$   $\frac{1}{28} \times \frac{1}{29} = \frac{1}{812}$   $\frac{1}{29} \times \frac{1}{30} = \frac{1}{870}$   $\frac{1}{30} \times \frac{1}{31} = \frac{1}{930}$   $\frac{1}{31} \times \frac{1}{32} = \frac{1}{992}$   $\frac{1}{32} \times \frac{1}{33} = \frac{1}{1056}$   $\frac{1}{33} \times \frac{1}{34} = \frac{1}{1122}$   $\frac{1}{34} \times \frac{1}{35} = \frac{1}{1190}$   $\frac{1}{35} \times \frac{1}{36} = \frac{1}{1260}$   $\frac{1}{36} \times \frac{1}{37} = \frac{1}{1332}$   $\frac{1}{37} \times \frac{1}{38} = \frac{1}{1406}$   $\frac{1}{38} \times \frac{1}{39} = \frac{1}{1482}$   $\frac{1}{39} \times \frac{1}{40} = \frac{1}{1560}$   $\frac{1}{40} \times \frac{1}{41} = \frac{1}{1640}$   $\frac{1}{41} \times \frac{1}{42} = \frac{1}{1722}$   $\frac{1}{42} \times \frac{1}{43} = \frac{1}{1806}$   $\frac{1}{43} \times \frac{1}{44} = \frac{1}{1892}$   $\frac{1}{44} \times \frac{1}{45} = \frac{1}{1980}$   $\frac{1}{45} \times \frac{1}{46} = \frac{1}{2070}$   $\frac{1}{46} \times \frac{1}{47} = \frac{1}{2162}$   $\frac{1}{47} \times \frac{1}{48} = \frac{1}{2256}$   $\frac{1}{48} \times \frac{1}{49} = \frac{1}{2352}$   $\frac{1}{49} \times \frac{1}{50} = \frac{1}{2450}$   $\frac{1}{50} \times \frac{1}{51} = \frac{1}{2550}$   $\frac{1}{51} \times \frac{1}{52} = \frac{1}{2652}$   $\frac{1}{52} \times \frac{1}{53} = \frac{1}{2756}$   $\frac{1}{53} \times \frac{1}{54} = \frac{1}{2862}$   $\frac{1}{54} \times \frac{1}{55} = \frac{1}{2970}$   $\frac{1}{55} \times \frac{1}{56} = \frac{1}{3080}$   $\frac{1}{56} \times \frac{1}{57} = \frac{1}{3192}$   $\frac{1}{57} \times \frac{1}{58} = \frac{1}{3306}$   $\frac{1}{58} \times \frac{1}{59} = \frac{1}{3422}$   $\frac{1}{59} \times \frac{1}{60} = \frac{1}{3540}$   $\frac{1}{60} \times \frac{1}{61} = \frac{1}{3660}$   $\frac{1}{61} \times \frac{1}{62} = \frac{1}{3782}$   $\frac{1}{62} \times \frac{1}{63} = \frac{1}{3906}$   $\frac{1}{63} \times \frac{1}{64} = \frac{1}{4032}$   $\frac{1}{64} \times \frac{1}{65} = \frac{1}{4160}$   $\frac{1}{65} \times \frac{1}{66} = \frac{1}{4290}$   $\frac{1}{66} \times \frac{1}{67} = \frac{1}{4422}$   $\frac{1}{67} \times \frac{1}{68} = \frac{1}{4556}$   $\frac{1}{68} \times \frac{1}{69} = \frac{1}{4692}$   $\frac{1}{69} \times \frac{1}{70} = \frac{1}{4830}$   $\frac{1}{70} \times \frac{1}{71} = \frac{1}{4970}$   $\frac{1}{71} \times \frac{1}{72} = \frac{1}{5112}$   $\frac{1}{72} \times \frac{1}{73} = \frac{1}{5256}$   $\frac{1}{73} \times \frac{1}{74} = \frac{1}{5402}$   $\frac{1}{74} \times \frac{1}{75} = \frac{1}{5550}$   $\frac{1}{75} \times \frac{1}{76} = \frac{1}{5700}$   $\frac{1}{76} \times \frac{1}{77} = \frac{1}{5852}$   $\frac{1}{77} \times \frac{1}{78} = \frac{1}{6006}$   $\frac{1}{78} \times \frac{1}{79} = \frac{1}{6162}$   $\frac{1}{79} \times \frac{1}{80} = \frac{1}{6320}$   $\frac{1}{80} \times \frac{1}{81} = \frac{1}{6480}$   $\frac{1}{81} \times \frac{1}{82} = \frac{1}{6642}$   $\frac{1}{82} \times \frac{1}{83} = \frac{1}{6806}$   $\frac{1}{83} \times \frac{1}{84} = \frac{1}{6972}$   $\frac{1}{84} \times \frac{1}{85} = \frac{1}{7140}$   $\frac{1}{85} \times \frac{1}{86} = \frac{1}{7310}$   $\frac{1}{86} \times \frac{1}{87} = \frac{1}{7482}$   $\frac{1}{87} \times \frac{1}{88} = \frac{1}{7656}$   $\frac{1}{88} \times \frac{1}{89} = \frac{1}{7832}$   $\frac{1}{89} \times \frac{1}{90} = \frac{1}{8010}$   $\frac{1}{90} \times \frac{1}{91} = \frac{1}{8190}$   $\frac{1}{91} \times \frac{1}{92} = \frac{1}{8372}$   $\frac{1}{92} \times \frac{1}{93} = \frac{1}{8556}$   $\frac{1}{93} \times \frac{1}{94} = \frac{1}{8742}$   $\frac{1}{94} \times \frac{1}{95} = \frac{1}{8930}$   $\frac{1}{95} \times \frac{1}{96} = \frac{1}{9120}$   $\frac{1}{96} \times \frac{1}{97} = \frac{1}{9312}$   $\frac{1}{97} \times \frac{1}{98} = \frac{1}{9506}$   $\frac{1}{98} \times \frac{1}{99} = \frac{1}{9702}$   $\frac{1}{99} \times \frac{1}{100} = \frac{1}{9900}$

ترجمه: بفرما بمن ای اهورا! زیرا (تنها) تو میدانی آنچه (شدنی هست) پیش از آنکه کشمکش در ذهن من پدید گردد آیا مزدیسنان بر ناراستان پیروز خواهند شد. یقیناً آن مقصد بزرگ این زندگی را نشان خواهد داد. توضیح: زمان پیروزی به دینان را آرزو میکنند.

(۳)  $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$   $\frac{1}{3} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{12}$   $\frac{1}{4} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{20}$   $\frac{1}{5} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{30}$   $\frac{1}{6} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{42}$   $\frac{1}{7} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{56}$   $\frac{1}{8} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{72}$   $\frac{1}{9} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{90}$   $\frac{1}{10} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{110}$   $\frac{1}{11} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{132}$   $\frac{1}{12} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{156}$   $\frac{1}{13} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{182}$   $\frac{1}{14} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{210}$   $\frac{1}{15} \times \frac{1}{16} = \frac{1}{240}$   $\frac{1}{16} \times \frac{1}{17} = \frac{1}{272}$   $\frac{1}{17} \times \frac{1}{18} = \frac{1}{306}$   $\frac{1}{18} \times \frac{1}{19} = \frac{1}{342}$   $\frac{1}{19} \times \frac{1}{20} = \frac{1}{380}$   $\frac{1}{20} \times \frac{1}{21} = \frac{1}{420}$   $\frac{1}{21} \times \frac{1}{22} = \frac{1}{462}$   $\frac{1}{22} \times \frac{1}{23} = \frac{1}{506}$   $\frac{1}{23} \times \frac{1}{24} = \frac{1}{552}$   $\frac{1}{24} \times \frac{1}{25} = \frac{1}{600}$   $\frac{1}{25} \times \frac{1}{26} = \frac{1}{650}$   $\frac{1}{26} \times \frac{1}{27} = \frac{1}{702}$   $\frac{1}{27} \times \frac{1}{28} = \frac{1}{756}$   $\frac{1}{28} \times \frac{1}{29} = \frac{1}{812}$   $\frac{1}{29} \times \frac{1}{30} = \frac{1}{870}$   $\frac{1}{30} \times \frac{1}{31} = \frac{1}{930}$   $\frac{1}{31} \times \frac{1}{32} = \frac{1}{992}$   $\frac{1}{32} \times \frac{1}{33} = \frac{1}{1056}$   $\frac{1}{33} \times \frac{1}{34} = \frac{1}{1122}$   $\frac{1}{34} \times \frac{1}{35} = \frac{1}{1190}$   $\frac{1}{35} \times \frac{1}{36} = \frac{1}{1260}$   $\frac{1}{36} \times \frac{1}{37} = \frac{1}{1332}$   $\frac{1}{37} \times \frac{1}{38} = \frac{1}{1406}$   $\frac{1}{38} \times \frac{1}{39} = \frac{1}{1482}$   $\frac{1}{39} \times \frac{1}{40} = \frac{1}{1560}$   $\frac{1}{40} \times \frac{1}{41} = \frac{1}{1640}$   $\frac{1}{41} \times \frac{1}{42} = \frac{1}{1722}$   $\frac{1}{42} \times \frac{1}{43} = \frac{1}{1806}$   $\frac{1}{43} \times \frac{1}{44} = \frac{1}{1892}$   $\frac{1}{44} \times \frac{1}{45} = \frac{1}{1980}$   $\frac{1}{45} \times \frac{1}{46} = \frac{1}{2070}$   $\frac{1}{46} \times \frac{1}{47} = \frac{1}{2162}$   $\frac{1}{47} \times \frac{1}{48} = \frac{1}{2256}$   $\frac{1}{48} \times \frac{1}{49} = \frac{1}{2352}$   $\frac{1}{49} \times \frac{1}{50} = \frac{1}{2450}$   $\frac{1}{50} \times \frac{1}{51} = \frac{1}{2550}$   $\frac{1}{51} \times \frac{1}{52} = \frac{1}{2652}$   $\frac{1}{52} \times \frac{1}{53} = \frac{1}{2756}$   $\frac{1}{53} \times \frac{1}{54} = \frac{1}{2862}$   $\frac{1}{54} \times \frac{1}{55} = \frac{1}{2970}$   $\frac{1}{55} \times \frac{1}{56} = \frac{1}{3080}$   $\frac{1}{56} \times \frac{1}{57} = \frac{1}{3192}$   $\frac{1}{57} \times \frac{1}{58} = \frac{1}{3306}$   $\frac{1}{58} \times \frac{1}{59} = \frac{1}{3422}$   $\frac{1}{59} \times \frac{1}{60} = \frac{1}{3540}$   $\frac{1}{60} \times \frac{1}{61} = \frac{1}{3660}$   $\frac{1}{61} \times \frac{1}{62} = \frac{1}{3782}$   $\frac{1}{62} \times \frac{1}{63} = \frac{1}{3906}$   $\frac{1}{63} \times \frac{1}{64} = \frac{1}{4032}$   $\frac{1}{64} \times \frac{1}{65} = \frac{1}{4160}$   $\frac{1}{65} \times \frac{1}{66} = \frac{1}{4290}$   $\frac{1}{66} \times \frac{1}{67} = \frac{1}{4422}$   $\frac{1}{67} \times \frac{1}{68} = \frac{1}{4556}$   $\frac{1}{68} \times \frac{1}{69} = \frac{1}{4692}$   $\frac{1}{69} \times \frac{1}{70} = \frac{1}{4830}$   $\frac{1}{70} \times \frac{1}{71} = \frac{1}{4970}$   $\frac{1}{71} \times \frac{1}{72} = \frac{1}{5112}$   $\frac{1}{72} \times \frac{1}{73} = \frac{1}{5256}$   $\frac{1}{73} \times \frac{1}{74} = \frac{1}{5402}$   $\frac{1}{74} \times \frac{1}{75} = \frac{1}{5550}$   $\frac{1}{75} \times \frac{1}{76} = \frac{1}{5700}$   $\frac{1}{76} \times \frac{1}{77} = \frac{1}{5852}$   $\frac{1}{77} \times \frac{1}{78} = \frac{1}{6006}$   $\frac{1}{78} \times \frac{1}{79} = \frac{1}{6162}$   $\frac{1}{79} \times \frac{1}{80} = \frac{1}{6320}$   $\frac{1}{80} \times \frac{1}{81} = \frac{1}{6480}$   $\frac{1}{81} \times \frac{1}{82} = \frac{1}{6642}$   $\frac{1}{82} \times \frac{1}{83} = \frac{1}{6806}$   $\frac{1}{83} \times \frac{1}{84} = \frac{1}{6972}$   $\frac{1}{84} \times \frac{1}{85} = \frac{1}{7140}$   $\frac{1}{85} \times \frac{1}{86} = \frac{1}{7310}$   $\frac{1}{86} \times \frac{1}{87} = \frac{1}{7482}$   $\frac{1}{87} \times \frac{1}{88} = \frac{1}{7656}$   $\frac{1}{88} \times \frac{1}{89} = \frac{1}{7832}$   $\frac{1}{89} \times \frac{1}{90} = \frac{1}{8010}$   $\frac{1}{90} \times \frac{1}{91} = \frac{1}{8190}$   $\frac{1}{91} \times \frac{1}{92} = \frac{1}{8372}$   $\frac{1}{92} \times \frac{1}{93} = \frac{1}{8556}$   $\frac{1}{93} \times \frac{1}{94} = \frac{1}{8742}$   $\frac{1}{94} \times \frac{1}{95} = \frac{1}{8930}$   $\frac{1}{95} \times \frac{1}{96} = \frac{1}{9120}$   $\frac{1}{96} \times \frac{1}{97} = \frac{1}{9312}$   $\frac{1}{97} \times \frac{1}{98} = \frac{1}{9506}$   $\frac{1}{98} \times \frac{1}{99} = \frac{1}{9702}$   $\frac{1}{99} \times \frac{1}{100} = \frac{1}{9900}$

ترجمه: وبه دانشمندان بهترین آموزش آن است که اهورای دانا توسط اشایاموزد، پاک و دانا همه آنانکه آموزگاران آموزش باطنی (روانی) هستند ای مزدا! توسط دانش وهومن گرویده تو میباشند. توضیح: در این قطعه فرموده اولاً بهترین دانش و آموزش آن است که ایزدی باشد و براستی و درستی گفته شود دوم اینکه آموزش روانی آن است که از اهورا توسط وهومن (دانش ایزدی) الهام گردد.

### سرود چهل و هشت

( ۱۴۸ سوره مدثر: ۱۴۸ )

(۱) سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ  
 سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ  
 سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ  
 سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ سَمِيعٌ

ترجمه : در روز پاداش مرد اشائی (راستی) بر ناراستی پیروز میگردد و هرگاه او می یابد آنچه گفته شد که وهم ( و فریب است) برای همه زمان از دیویسنی و مردم آنها پس به سعادتى که ای اهورا از تو می یابد پرستش ( و ارادت ) او افزون خواهد شد .

توضیح : روز پاداش که روز رستاخیز است راستی بر ناراستی پیروز خواهد شد و آن زمان گفته های دیویسنی و وهم فکر آنها که برای همه زمان وهم و فریب است آشکار خواهد شد به این ترتیب نیک از اهورمزد سعادت یافته ارادت او نسبت به آفریدگار افزون خواهد شد .

### خلاصه سرود چهل و هفت

در این سرود در ستایش سپینا ماین یو یعنی استعدادیکه در موجودات بویژه بشر برای پاکی و درستی وجود دارد و آنها را به نظم و خوبی رهنماست گفته شده و ضمناً از دیگر صفات ایزدی یعنی اشا و وهومن و خشر نیز اشاره کرده. این سرود نسبت به دیگر سرودها مختصر است و پس از خواندن هر قطعه باید در مفهوم سپینا ماین یو تأمل کرد و سنجید که چگونه از این بخشهای ایزدی میتوان استفاده نمود و گویی مخصوصاً از ضد این بخشش یعنی اهریمن اشاره فرموده تا در ذهن خواننده یکسوئی باشد.

میشوند به امتیاز اینکه مزدیسنی که اعمالش سپنتا مینوئی هست به استحقاق و دیویسنی که کارش اهریمنی است بدون استحقاق درمی یابد .

(۶) مَسَد . و سَع . دَنَی پَرَسَد . سَد دَر دَج . سَد یَوَسَد . سَد یَوَسَد .  
سَد یَوَسَد . یَوَسَد یَوَسَد . یَوَسَد یَوَسَد . سَد یَوَسَد .  
سَد یَوَسَد یَوَسَد . سَد یَوَسَد یَوَسَد . سَد یَوَسَد یَوَسَد .  
سَد یَوَسَد یَوَسَد . سَد یَوَسَد یَوَسَد . سَد یَوَسَد یَوَسَد .

ترجمه : و این بخششها که ای مزداهورا توسط سپنتا ماین یو دانش (پاک)  
بهره دو گروه مخالف معین می شود و به یاری ارمایتی و اشا بسیاری که خواهشمند  
هستند به کیش مزدیسنی خواهند درآمد .

توضیح: در این قطعه سطر دوم به اندک اختلاف در سرود ۳۱ قطعه ۱۹، گفته

شده است .

در این قطعه سرود ۴۷ به پایان می رسد. در همه قطعه ها از سپنتا ماین یو اشاره  
شده و در آخر می فرماید به پاکی ظاهر و باطن دو گروه قابل هدایت و ناقابل مشخص  
خواهند شد و به یاری ارمایتی روح تسلیم و اطاعت و اشا جوهر راستی و درستی  
آنانکه تا کنون به کیش مزدیسنی در نیامده اند خواهند درآمد .





(۳) نديز دسد. هسازد دوند. ددوع ددند دسد. هسازد ددند دسد. ه  
 دود دسد. ددند دسد. هسازد دوند. هسازد دسد. هسازد دسد. ه  
 سداسد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. ه  
 هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. ه

ترجمه : ( چنین رهنمائی شده ) به بهترین این باکترین نفس ( او گوید )  
 سخنانی به زبانش که مطابق هستند به وهومن و با هر دو دست وظیفه ارمایتی را  
 به انجام می‌رساند ( و ملهم شده ) به یک اندیشه که تنها مزد پدر ( آفریننده ) اشاست .  
 توضیح : او که از نفس پاک رهنمائی شده از زبانش سخنان وهومنی یعنی  
 مهر و مودت شنیده می شوند و زندگی او بر اساس یک اندیشه هست که تنها مزدا  
 واسطه اشا یعنی راستی و درستی و حیات است .

(۳) نديز دسد. هسازد دوند. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. ه  
 هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. ه  
 هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. ه  
 هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. هسازد دسد. ه

ترجمه : یقیناً تو پدر ( آفریننده ) این سپنتا ماینیو ( نفس پاک ) هستی و تو  
 این مادر گیتی شادی آورنده را برای او ساختی و به شبانی او تو ارمایتی رامش  
 دهنده را فرستادی چون او ای مزدا مصاحبه کرد با وهومن ( و به او پیوست شد ).  
 توضیح : خطاب به اهورمزداست که او ( اهورا ) آفریننده نفس پاک و مادر  
 گیتی است و او ارمایتی را رامش دهنده را به شبانی فرستاد، هرگاه او زرتشت با  
 وهومن مصاحبه کرد ( و به او پیوست ) .

## سرود چهل و هفت

این سرود ( یسنا ) در بحر ترشتوپ ( trishtup ) گفته شد . بنا بر نخستین واژه این قطعه را سپتاماین یو نامیده اند .

( ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس )

(۱) ددایس ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس .  
 ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس .  
 ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس .  
 ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس . ویریددایس .

ترجمه : از روح پاک ( رهنمائی شده ) هر که ( بوسیله اشا ) یعنی راستی و درستی ( به بهترین اندیشه و بهترین عمل و بهترین سخن ملهم شود ) مزدا اهورا بوسیله خشر و ارمایتی او را تندرستی و زندگی جاوید خواهد داد .

توضیح: هر که به راستی و صمیمیت بهترین اندیشه و کار و سخن اختیار کرد از اهورمزد خرداد و امرداد یعنی تندرستی و زندگی جاوید خواهد یافت . سپتاماین یو روح پاک حقیقی غیر از اهورمزد است بزبان سنسکرت بمفهوم راستی و پاکی باید گرفته شود .

می کند به او آیینی بیاموزد که وجدانی و اشائی باشد و این قطعه نزد زرتشتیها بسیار مقدس شمرده می شود و هنگام بستن کستی روزانه می خوانند. در قطعه هشتم می فرماید که کینه و آزار از دشمنان به خود آنان باز خواهد گشت و چاه کن چاه در پیش خواهد داشت تنها اهورا شایسته ستایش و پاکترین خداوند راستی و داور بسراعمال ما هست و او می داند آنچه برای ما بهترین است و من مردم را به پرستش او دعوت می کنم تا از روی پل چنود به همراهی سروش و مهر و رشنو بگذریم و تیره های کرپن و کهوا که مخالفان ما هستند از روی آن سرنگون گردند و آن زمان وجدان آنها را سرزنش بکند. در قطعه دوازدهم پیشگوئی می کند که از تیره تورانی بنام فریان (دوست) مردی پدید خواهد شد توانا و ارادت مند به ارمایتی (تسلیم و رضا) و مردم را بسوی دانش و مودت (و هومنی) دعوت خواهد کرد و یاور او اهورمزدا خواهد بود و خطاب به پیروان خود می فرماید که با او همراهی کنند تا پیام نیک را به انجام رسانند و هر که او را یاری کرد زندگی جاوید یافته و به بهشت ایزدی خواهد رسید و خطاب به پیوستگان و خویشان خود می فرماید که میان دانا و نادان و راست و دروغ امتیاز دهند و آئین اهورائی را به پذیرند و به فروشاشترا می فرماید بسا گرویدگان کیش مزدیسنی همراه گردد و آنانرا به روشنائی رهنمائی کند آنجائیکه ارمایتی به اشاپیوست می شود و اراده و دانش اهورمزدی فرمانروا هستند و فرایزدی پدید است و سپس به جاماسپ می فرماید من عمل را می آموزم پس سروش رادر باطن خود جا داده عمل کنید و تنها اهورمزدا را به پرستید و او که در عمل کاملا مخلص است به او پیمان می کنم که از و هومن برگزیده ترین خوش بختی را خواهد یافت و در پایان این سرود می فرماید اکنون اعلام می کنم عمل (پایه) اشائی و بر پایه راستی و درستی باشد تا در پاداش عامل سزاوار زیست جاوید گردد.

### خلاصه سرود ۴۶

این سرود زمانی گفته شده که مخالفان کیش مزدیسنی زبردست و نیرومند و مزدیسان ناتوان بودند. از این است که در آغاز می‌فرماید به کدام زمین گام بردارم و به کجا رو آورم مخالفان مرا از خوبتوش و آریمنه دور کرده‌اند و از ورز نه‌نیز خورسند نیستم کاش که اهورمزد مانند محبوبی به عاشق او که من هستم سعادت بخشد و بوسیله اشادانش و هومنی مرا بیاموزد. اساس آموزش من بر یکتائی اهورمزد است از او که گمراه هست و همواره موانع و شکستگی در پیام من فراهم می‌سازد امید یاری ندارم باید با او مبارزه کرد زیرا تنها رهبریکه با بدان مبارزه می‌کند شایسته رهبری است و او که پیشواست باید نه تنها پیروان خود را هدایت کند بلکه افراد مخالفان نیز چون به او رو آوردند آنانرا به مهر و مودت به‌پذیرد و حقیقت را به آنان آشکار کند و بگذارد که آنها بسنجند و بدانند و راه راست را برگزینند و اگر به آنان یاری نکرد و از خود دور نمود ناراستان گمان خواهند کرد که او یکی از خودشان است و به این ترتیب ممکن است به دام فریب آنان گرفتار گردد و در قطعه هفتم مکرر از اهورمзда آرزوی یاری می‌کند و از مخالفان شکایت دارد و عرض

سرود جهل‌وشش / ۱۶۷

زرتشت چنانکه اراده اوست در پاداش به‌زندگی ( جاوید ) سزاوار خواهد بود و  
نیز همه آرزوهای دل از مادر بسارورگیتی ( اینها حقایقی میباشند ) که ای‌م‌زدا  
دانان‌ترین برمن آشکار کرد .

توضیح: در پایان سرود می‌فرماید که کیش تازه آورده زرتشت را چنانکه  
او خواست به‌راستی و درستی و به‌ورزد عمل بکند زندگی جاوید خواهد یافت و در  
این‌زندگی آرزوهای خود را خواهد یافت و این حقیقی است که اهورمزدا برمن  
آشکار کرد .

(۱۸) او که کاملاً (مخلصانه) بامن است یقیناً من برای او بهترین هستم و پیمان می‌کنم به او برگزیده‌ترین خوش بختی بوسیله و هومن و او که دشمن است (بامن) من نیز دشمن او هستم.

او که کاملاً (مخلصانه) بامن است یقیناً من برای او بهترین هستم و پیمان می‌کنم به او برگزیده‌ترین خوش بختی بوسیله و هومن و او که دشمن است (بامن) من نیز دشمن او هستم.

ای مرزدا! بوسیله اشا مشیت شما را به انجام میرسانم و این است (ارمان من) که و نفس خود من برگزیده‌اند.

توضیح: پاداش خوبی خوبی و سزای بدی بدی است تا مردم تکلیف خود را بدانند. همین فکر را داریوش در سنگ نوشت بیستون تکرار کرده و گفته هر که بامن خوب شد او را سرفراز می‌کنم و هر که بدی کرد او را به سزا میرسانم. کیش زرتشتی زندگی عمل را می‌آموزد و به اخلاق ستوده مشیت تشویق می‌کند.

او که کاملاً (مخلصانه) بامن است یقیناً من برای او بهترین هستم و پیمان می‌کنم به او برگزیده‌ترین خوش بختی بوسیله و هومن و او که دشمن است (بامن) من نیز دشمن او هستم.

(۱۹) او که کاملاً (مخلصانه) بامن است یقیناً من برای او بهترین هستم و پیمان می‌کنم به او برگزیده‌ترین خوش بختی بوسیله و هومن و او که دشمن است (بامن) من نیز دشمن او هستم.

ترجمه: من اعلام می‌کنم هر که به ورزد بوسیله اشا این زندگی تورا برای

(۱۷) و سوسو (س) . وای . سلا یی سس ای . ند یی یی یی یی .  
 یی یی . سلا یی یی یی . ۴۹ - یی سس سس سس . یی یی یی یی یی .  
 یی سس . وای ند سس . وای یی یی یی . ند (سلا یی یی سس) (سوسو یی یی یی) .  
 وای یی یی یی یی . و سس یی یی . سوسو یی یی یی .  
 وای یی یی یی . سس یی یی . سس یی یی . سس یی یی یی .

ترجمه : ای جاماسپ هوگه وای دانامن به شما (زندگی) باعمل آموختم نه بی  
 عملی بنا بر این سروش را در باطن خود جا داده پرستش ( اهور مزدا را ) بجوئید.  
 او که میان دانا و نادان امتیاز میدهد اهور مزدا به اشا حامی وکننده (عجائب  
 و غرائب) ماست .

توضیح: در میان مؤسسن ادیان بزرگ بشر برخی مانند بودا و مسیح اعمال  
 آرام و اخلاق ستوده منفی را پسندیده اند و بعضی مانند زرتشت و کرشنا و محمد  
 فعالیت و اخلاق ستوده مثبت را ترجیح داده اند. بسرای زرتشتی زندگی تنی داده  
 اهورمزداست و از او امانتی است که باید در بجا آوردن اعمال نیک صرف شود  
 از اینرو زرتشتی از زندگی تنی گریزان نیست بلکه میخواهد که دیر بماند تا بیشتر  
 به اعمال نیک پردازد . در اوستا زندگی با فعالیت و زندگی کامل ممدوح  
 است. در قطعه بالا زرتشت خطاب به جاماسپ میفرماید که من شما را زندگی پر از  
 فعالیت در اعمال نیک آموختم باید سروش ( احساس بندگی و پاکی و خلوص  
 را) در خود داشته و پربمانید و به اندازه ای که توانستید در عمران و نیکی بکوشید  
 دانا و نادان را تنها اهورمزدا اشا امتیاز میدهند در این قطعه اشارا dangra کننده  
 اعمال شگفت آور خوانده .





(۱۴) یساروندم اید ونددمون سینه نرید (اوسن چا)  
 وند چا و سینه سدر وچ واند (اوسن اچ ودر سدر و سینه سدر)  
 سینه سدر و سدر و چا وند سدر چا و سدر سدر  
 سینه سدر و سدر سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر  
 و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر

ترجمه: پرسش ای زرتشت! کیست دوست تو و پیرو نیکوئی (که گروه) بزرگ مگارا بر آوازه کند، (پاسخ) او کوی و ستاسپ پذیرنده (کیش نو) دانسته شده. آنرا که اهورا مزدا در جای خود جا داده ای به آنان پیام و هو من خواهم گفت. توضیح: در این قطعه تسلسل سخن قطعه سیزدهم است و از شاه گشتاسپ قلدردانی میکند و میفرماید به آنان که (به کیش بهی گرویده اند) و به بهشت ایزدی مکان خواهند یافت پیام و هو منی یعنی پیام عشق و محبت خواهم رساند.

(۱۵) سینه سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر  
 و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر  
 و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر  
 و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر  
 و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر و سدر

ترجمه: ای پیوستگان می چت اسپا! وای پیوستگان اسپیتاما به شما میگویم ( آنچه بهترین است که بشنوید) و میان دانا و نادان امتیاز دهید و بوسیله آن برای خود اش را بیابید و نیز آئین که ازلی اهورائی است. توضیح: در این قطعه شت زرتشت گروهی از خویشان خود را خطاب

(مردمی) توانا پدید گردند (زندگی) گیتی از ذوق و سرگرمی آنها به ارمایتی پیش رفت خواهد کرد. پس او (فریان) پیوسته میکند آنها را به وهومن و برای بر آوردن آرمانهای آنان اهور مزدا پدید شده یاور خواهد گشت.

توضیح: فری یان نام تیره‌ای از دیویسنی که بر کیش زرتشی درآمدند اشتقاق این نام از VFr1 به سنسکرت VPr1 دوست - خوشنود کردن است در جای دیگر از اوستایکی از فریانه‌ها بنام یواشته Joishta ذکر شده (آبان یشت ۸۱ و فروردین یشت ۱۲۱) و او یکی از هفت کس است که زنده جاوید هستند. کارهای او در نامه‌ای بنام ماتکان یوشت فریان ذکر شده در این قطعه میفرماید از فرزند زادگان فریان مردمی پدید خواهند شد که به کیش بهی ارادت خواهند داشت و مردم را به وهومن یعنی دانش و مهر رهنما خواهند شد و اهور مزدا آنها را به هدف نیکی که خواهند داشت یاری خواهد کرد.

(۱۳) ۴۳۰ . ۴۴۰ . ۴۴۱ . ۴۴۲ . ۴۴۳ . ۴۴۴ . ۴۴۵ . ۴۴۶ . ۴۴۷ . ۴۴۸ . ۴۴۹ . ۴۵۰ . ۴۵۱ . ۴۵۲ . ۴۵۳ . ۴۵۴ . ۴۵۵ . ۴۵۶ . ۴۵۷ . ۴۵۸ . ۴۵۹ . ۴۶۰ . ۴۶۱ . ۴۶۲ . ۴۶۳ . ۴۶۴ . ۴۶۵ . ۴۶۶ . ۴۶۷ . ۴۶۸ . ۴۶۹ . ۴۷۰ . ۴۷۱ . ۴۷۲ . ۴۷۳ . ۴۷۴ . ۴۷۵ . ۴۷۶ . ۴۷۷ . ۴۷۸ . ۴۷۹ . ۴۸۰ . ۴۸۱ . ۴۸۲ . ۴۸۳ . ۴۸۴ . ۴۸۵ . ۴۸۶ . ۴۸۷ . ۴۸۸ . ۴۸۹ . ۴۹۰ . ۴۹۱ . ۴۹۲ . ۴۹۳ . ۴۹۴ . ۴۹۵ . ۴۹۶ . ۴۹۷ . ۴۹۸ . ۴۹۹ . ۵۰۰ . ۵۰۱ . ۵۰۲ . ۵۰۳ . ۵۰۴ . ۵۰۵ . ۵۰۶ . ۵۰۷ . ۵۰۸ . ۵۰۹ . ۵۱۰ . ۵۱۱ . ۵۱۲ . ۵۱۳ . ۵۱۴ . ۵۱۵ . ۵۱۶ . ۵۱۷ . ۵۱۸ . ۵۱۹ . ۵۲۰ . ۵۲۱ . ۵۲۲ . ۵۲۳ . ۵۲۴ . ۵۲۵ . ۵۲۶ . ۵۲۷ . ۵۲۸ . ۵۲۹ . ۵۳۰ . ۵۳۱ . ۵۳۲ . ۵۳۳ . ۵۳۴ . ۵۳۵ . ۵۳۶ . ۵۳۷ . ۵۳۸ . ۵۳۹ . ۵۴۰ . ۵۴۱ . ۵۴۲ . ۵۴۳ . ۵۴۴ . ۵۴۵ . ۵۴۶ . ۵۴۷ . ۵۴۸ . ۵۴۹ . ۵۵۰ . ۵۵۱ . ۵۵۲ . ۵۵۳ . ۵۵۴ . ۵۵۵ . ۵۵۶ . ۵۵۷ . ۵۵۸ . ۵۵۹ . ۵۶۰ . ۵۶۱ . ۵۶۲ . ۵۶۳ . ۵۶۴ . ۵۶۵ . ۵۶۶ . ۵۶۷ . ۵۶۸ . ۵۶۹ . ۵۷۰ . ۵۷۱ . ۵۷۲ . ۵۷۳ . ۵۷۴ . ۵۷۵ . ۵۷۶ . ۵۷۷ . ۵۷۸ . ۵۷۹ . ۵۸۰ . ۵۸۱ . ۵۸۲ . ۵۸۳ . ۵۸۴ . ۵۸۵ . ۵۸۶ . ۵۸۷ . ۵۸۸ . ۵۸۹ . ۵۹۰ . ۵۹۱ . ۵۹۲ . ۵۹۳ . ۵۹۴ . ۵۹۵ . ۵۹۶ . ۵۹۷ . ۵۹۸ . ۵۹۹ . ۶۰۰ . ۶۰۱ . ۶۰۲ . ۶۰۳ . ۶۰۴ . ۶۰۵ . ۶۰۶ . ۶۰۷ . ۶۰۸ . ۶۰۹ . ۶۱۰ . ۶۱۱ . ۶۱۲ . ۶۱۳ . ۶۱۴ . ۶۱۵ . ۶۱۶ . ۶۱۷ . ۶۱۸ . ۶۱۹ . ۶۲۰ . ۶۲۱ . ۶۲۲ . ۶۲۳ . ۶۲۴ . ۶۲۵ . ۶۲۶ . ۶۲۷ . ۶۲۸ . ۶۲۹ . ۶۳۰ . ۶۳۱ . ۶۳۲ . ۶۳۳ . ۶۳۴ . ۶۳۵ . ۶۳۶ . ۶۳۷ . ۶۳۸ . ۶۳۹ . ۶۴۰ . ۶۴۱ . ۶۴۲ . ۶۴۳ . ۶۴۴ . ۶۴۵ . ۶۴۶ . ۶۴۷ . ۶۴۸ . ۶۴۹ . ۶۵۰ . ۶۵۱ . ۶۵۲ . ۶۵۳ . ۶۵۴ . ۶۵۵ . ۶۵۶ . ۶۵۷ . ۶۵۸ . ۶۵۹ . ۶۶۰ . ۶۶۱ . ۶۶۲ . ۶۶۳ . ۶۶۴ . ۶۶۵ . ۶۶۶ . ۶۶۷ . ۶۶۸ . ۶۶۹ . ۶۷۰ . ۶۷۱ . ۶۷۲ . ۶۷۳ . ۶۷۴ . ۶۷۵ . ۶۷۶ . ۶۷۷ . ۶۷۸ . ۶۷۹ . ۶۸۰ . ۶۸۱ . ۶۸۲ . ۶۸۳ . ۶۸۴ . ۶۸۵ . ۶۸۶ . ۶۸۷ . ۶۸۸ . ۶۸۹ . ۶۹۰ . ۶۹۱ . ۶۹۲ . ۶۹۳ . ۶۹۴ . ۶۹۵ . ۶۹۶ . ۶۹۷ . ۶۹۸ . ۶۹۹ . ۷۰۰ . ۷۰۱ . ۷۰۲ . ۷۰۳ . ۷۰۴ . ۷۰۵ . ۷۰۶ . ۷۰۷ . ۷۰۸ . ۷۰۹ . ۷۱۰ . ۷۱۱ . ۷۱۲ . ۷۱۳ . ۷۱۴ . ۷۱۵ . ۷۱۶ . ۷۱۷ . ۷۱۸ . ۷۱۹ . ۷۲۰ . ۷۲۱ . ۷۲۲ . ۷۲۳ . ۷۲۴ . ۷۲۵ . ۷۲۶ . ۷۲۷ . ۷۲۸ . ۷۲۹ . ۷۳۰ . ۷۳۱ . ۷۳۲ . ۷۳۳ . ۷۳۴ . ۷۳۵ . ۷۳۶ . ۷۳۷ . ۷۳۸ . ۷۳۹ . ۷۴۰ . ۷۴۱ . ۷۴۲ . ۷۴۳ . ۷۴۴ . ۷۴۵ . ۷۴۶ . ۷۴۷ . ۷۴۸ . ۷۴۹ . ۷۵۰ . ۷۵۱ . ۷۵۲ . ۷۵۳ . ۷۵۴ . ۷۵۵ . ۷۵۶ . ۷۵۷ . ۷۵۸ . ۷۵۹ . ۷۶۰ . ۷۶۱ . ۷۶۲ . ۷۶۳ . ۷۶۴ . ۷۶۵ . ۷۶۶ . ۷۶۷ . ۷۶۸ . ۷۶۹ . ۷۷۰ . ۷۷۱ . ۷۷۲ . ۷۷۳ . ۷۷۴ . ۷۷۵ . ۷۷۶ . ۷۷۷ . ۷۷۸ . ۷۷۹ . ۷۸۰ . ۷۸۱ . ۷۸۲ . ۷۸۳ . ۷۸۴ . ۷۸۵ . ۷۸۶ . ۷۸۷ . ۷۸۸ . ۷۸۹ . ۷۹۰ . ۷۹۱ . ۷۹۲ . ۷۹۳ . ۷۹۴ . ۷۹۵ . ۷۹۶ . ۷۹۷ . ۷۹۸ . ۷۹۹ . ۸۰۰ . ۸۰۱ . ۸۰۲ . ۸۰۳ . ۸۰۴ . ۸۰۵ . ۸۰۶ . ۸۰۷ . ۸۰۸ . ۸۰۹ . ۸۱۰ . ۸۱۱ . ۸۱۲ . ۸۱۳ . ۸۱۴ . ۸۱۵ . ۸۱۶ . ۸۱۷ . ۸۱۸ . ۸۱۹ . ۸۲۰ . ۸۲۱ . ۸۲۲ . ۸۲۳ . ۸۲۴ . ۸۲۵ . ۸۲۶ . ۸۲۷ . ۸۲۸ . ۸۲۹ . ۸۳۰ . ۸۳۱ . ۸۳۲ . ۸۳۳ . ۸۳۴ . ۸۳۵ . ۸۳۶ . ۸۳۷ . ۸۳۸ . ۸۳۹ . ۸۴۰ . ۸۴۱ . ۸۴۲ . ۸۴۳ . ۸۴۴ . ۸۴۵ . ۸۴۶ . ۸۴۷ . ۸۴۸ . ۸۴۹ . ۸۵۰ . ۸۵۱ . ۸۵۲ . ۸۵۳ . ۸۵۴ . ۸۵۵ . ۸۵۶ . ۸۵۷ . ۸۵۸ . ۸۵۹ . ۸۶۰ . ۸۶۱ . ۸۶۲ . ۸۶۳ . ۸۶۴ . ۸۶۵ . ۸۶۶ . ۸۶۷ . ۸۶۸ . ۸۶۹ . ۸۷۰ . ۸۷۱ . ۸۷۲ . ۸۷۳ . ۸۷۴ . ۸۷۵ . ۸۷۶ . ۸۷۷ . ۸۷۸ . ۸۷۹ . ۸۸۰ . ۸۸۱ . ۸۸۲ . ۸۸۳ . ۸۸۴ . ۸۸۵ . ۸۸۶ . ۸۸۷ . ۸۸۸ . ۸۸۹ . ۸۹۰ . ۸۹۱ . ۸۹۲ . ۸۹۳ . ۸۹۴ . ۸۹۵ . ۸۹۶ . ۸۹۷ . ۸۹۸ . ۸۹۹ . ۹۰۰ . ۹۰۱ . ۹۰۲ . ۹۰۳ . ۹۰۴ . ۹۰۵ . ۹۰۶ . ۹۰۷ . ۹۰۸ . ۹۰۹ . ۹۱۰ . ۹۱۱ . ۹۱۲ . ۹۱۳ . ۹۱۴ . ۹۱۵ . ۹۱۶ . ۹۱۷ . ۹۱۸ . ۹۱۹ . ۹۲۰ . ۹۲۱ . ۹۲۲ . ۹۲۳ . ۹۲۴ . ۹۲۵ . ۹۲۶ . ۹۲۷ . ۹۲۸ . ۹۲۹ . ۹۳۰ . ۹۳۱ . ۹۳۲ . ۹۳۳ . ۹۳۴ . ۹۳۵ . ۹۳۶ . ۹۳۷ . ۹۳۸ . ۹۳۹ . ۹۴۰ . ۹۴۱ . ۹۴۲ . ۹۴۳ . ۹۴۴ . ۹۴۵ . ۹۴۶ . ۹۴۷ . ۹۴۸ . ۹۴۹ . ۹۵۰ . ۹۵۱ . ۹۵۲ . ۹۵۳ . ۹۵۴ . ۹۵۵ . ۹۵۶ . ۹۵۷ . ۹۵۸ . ۹۵۹ . ۹۶۰ . ۹۶۱ . ۹۶۲ . ۹۶۳ . ۹۶۴ . ۹۶۵ . ۹۶۶ . ۹۶۷ . ۹۶۸ . ۹۶۹ . ۹۷۰ . ۹۷۱ . ۹۷۲ . ۹۷۳ . ۹۷۴ . ۹۷۵ . ۹۷۶ . ۹۷۷ . ۹۷۸ . ۹۷۹ . ۹۸۰ . ۹۸۱ . ۹۸۲ . ۹۸۳ . ۹۸۴ . ۹۸۵ . ۹۸۶ . ۹۸۷ . ۹۸۸ . ۹۸۹ . ۹۹۰ . ۹۹۱ . ۹۹۲ . ۹۹۳ . ۹۹۴ . ۹۹۵ . ۹۹۶ . ۹۹۷ . ۹۹۸ . ۹۹۹ . ۱۰۰۰ .

ترجمه: هر که زرتشت اسپیتاما را در انجام رساندن (وظیفه اش یاری میکند) و هر که از میان مردم (جامعه) او را خوشنود میسازد آن مسرد به درستی فرا شنیده خواهد شد و اهور مزدا او را بوسیله وهومن زندگی (جاوید) خواهد داد، و ماحول او را خواهد افزود و یقیناً او دوست (صمیمی) و نزدیک اشا سنجیده خواهد شد.

توضیح: دها و تشویق به مزدبسیان است که زرتشت را در انجام رساندن پیام ایزدی همراهی و یاری کنند.

(۱۱) نَبِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا وَبَدِيٍّ عَزِيزًا وَوَسِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا  
 سَوْسَدِيٍّ وَسِرْدَسْتِيٍّ سَدِيدًا سَبِيحًا عَزِيزًا وَوَسِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا  
 وَبَدِيٍّ عَزِيزًا وَوَسِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا وَبَدِيٍّ عَزِيزًا  
 وَوَسِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا وَبَدِيٍّ عَزِيزًا وَوَسِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا  
 وَبَدِيٍّ عَزِيزًا وَوَسِيٍّ سَلْبًا سَدِيدًا وَبَدِيٍّ عَزِيزًا

ترجمه: به نیروی (خود) جفت خواهند کرد کرپن و نیز کوا مردم را به کار  
 بد تا جان شانرا نمیرانند ( اما ) آنها را روان و وجدان آنان سرزنش خواهد کرد هر  
 گاه به پل چنود برسند ( و در آن سرنگون گردند ) و برای همه زمان ( جاوید ) در  
 مکان ناراستی خواهند ماند.

توضیح: از تیره های کرپن ( که وا ) نکوهش میکند و آنانرا مفسد و تباه کننده  
 جامعه می شمارد و می فرماید سرانجام چون به پل چنود برسند، در آن سرنگون گردند  
 و جاوید در مکان ناراستی بمانند، روان و وجدان آنها سرزنش خواهند کرد تیره  
 کوی یا کی دو بهره بودند بهره ای با زرتشت مخالف چون ارجاسپ و بهره ای گرویده  
 چون شاه گشتاسپ .

(۱۲) سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا  
 سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا  
 سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا  
 سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا  
 سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا سَدِيدًا

ترجمه : هر گاه بوسیله اشا از میان فرزند زادگان و هم ناقان فریان تورانی



(۸) و ساسد هچر ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 هچر ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد

ترجمه : به راستی میگویم او که میخواهد به (مردم) گیتی آزار رساند آتش دشمنی او به من نخواهد رسید (بلکه) به نفرت پیچیده به خود او باز خواهد گشت (و این شعله نفرت) که خود او را از زندگی (خوش) و کامل باز میدارد. ای مزدا! به هیچ وجه او را از زندگی بد باز نخواهد داشت

توضیح : گفته اند چاه کن را چاه درپیش است کسیکه نیت او بر آزار مردم است به خود آزار میرساند و سرانجام مردم بیگناه از آزار و ستم نجات می یابند.

(۹) و ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد  
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد

ترجمه : که هست بزرگ و رادترین که بیاموزد ترا چگونه بشناسم (و ستایش کنم) که تو (معبود) داور پاک بر اعمال ما خداوند راستی از تو هست اشا و از آنچه سازنده گیتی به اشا الهام کرد. برای آنچه از تو هست خواهم کوشید که بوسیله و هو من بدانم. توضیح : اهورا مزدا و سازنده گیتی ( گیوش تشن ) در مفهوم جدا نیستند

ای اهورا! از زمان ازلی که وجدان را آفریدی.

توضیح: اگر شخص نادان برای دانستن حقیقت به سوی شخص توانا و دانشمند بیاید وظیفه توانا این است که او را یاری کند (رهنما گردد) و اگر نکرد ناراستان گمان خواهند کرد که او یکی از آنهاست و هرگاه به نظر آنها عزیز شد به دام فریب آنان درافتاده. پس باید نیکان اورا گرامی دارند تا از نیکان محسوب شود و چنین است از آغاز آفرینش از زمانیکه بشر دارنده وجدان شد.

(۷) و... {...} ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

ترجمه: کدام جوان مرد را ای مزد ابرای چون من (ناتوان) یاورمینمائی. پیروان دروغ از دشمنی (ازهرسو) بر من تاخته اند به جز آذر و وهومن تو که عمل آنان (آئین) اشا را کامل میسازد. آئین مقدسی به من فراگو که وجدانی (روانی) باشد.

توضیح: این قطعه نزد زرتشتیها بسیار مقدس است روزانه چند بارهنگام کستی بستن میخوانند و با این قطعه، قطعه یسنا ۴۴ سطر ۱۶ نیز افزوده میشود و چون جنازه از راهی بگذرد برای پاکی آن نیز خوانده میشود. شادروان بهرام گور انکلساریا با یادداشت سودمند به گجراتی ترجمه کرد.

(۵) وای ای که می‌پذیرد مهر و محبت می‌پذیرد التماس  
 کننده را، خواه بنا بر فرمان ایزدی باشد یا به احساس بشر دوستی—و چنین دانشمند پیرو  
 راه راست (در صورتیکه خود) به درستی و راستی زندگی میکند ناراست را (از خود  
 دور نمیزارد بلکه به مهربانی می‌پذیرد) و باسنجش به او آشکار میکند دانشی را که  
 به اعتماد بر خود رهنماست و از تباهی نجات میدهد.

ترجمه: هر که نیرومند است به ملاحظه (مهر و محبت) می‌پذیرد التماس  
 کننده را، خواه بنا بر فرمان ایزدی باشد یا به احساس بشر دوستی—و چنین دانشمند پیرو  
 راه راست (در صورتیکه خود) به درستی و راستی زندگی میکند ناراست را (از خود  
 دور نمیزارد بلکه به مهربانی می‌پذیرد) و باسنجش به او آشکار میکند دانشی را که  
 به اعتماد بر خود رهنماست و از تباهی نجات میدهد.

توضیح: شخص توانا و دانشمند از مزدبستیان چون یکی از دیوبستیان پناهنده  
 به دوستی سوی او بیاید باید به مودت او را به پذیرد و بر او حقیقت را آشکار کند و  
 بگذارد که او آنرا بسنجد و از گمراهی در آید.

(۶) وای ای که می‌پذیرد مهر و محبت می‌پذیرد التماس  
 کننده را، خواه بنا بر فرمان ایزدی باشد یا به احساس بشر دوستی—و چنین دانشمند پیرو  
 راه راست (در صورتیکه خود) به درستی و راستی زندگی میکند ناراست را (از خود  
 دور نمیزارد بلکه به مهربانی می‌پذیرد) و باسنجش به او آشکار میکند دانشی را که  
 به اعتماد بر خود رهنماست و از تباهی نجات میدهد.

ترجمه: ولی مرد توانا که نرسد (به یاری) او که (یاری) می‌خواهد خود او  
 بدام فریبندگان گرفتار خواهد شد زیرا که خود او بداست (اگر) در نظر ناراستان  
 نیک شمرده شود و یقیناً او که در نظر راستان گرامی است از نیکان است چنین است





سزای اعمال خود را می بیند به خاطر می آورد و برعکس مفهوم این قطعه ، نخستین قطعه یسنای چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده میکند به نظر می آورد.

(۲) و سزای اعمال خود را می بیند به خاطر می آورد و برعکس مفهوم این قطعه ، نخستین قطعه یسنای چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده میکند به نظر می آورد.

ترجمه: ای مرزا! میدانم (علتی که) چرا من بیچاره هستم (بسبب) کم نوائی و (بسبب) کم بودن پیروان (من هست) پس در این باره به تو فریاد میکنم نیک توجه فرما ای اهورا! آرزومند سعادت می هستم که از دوستی به دوستی میرسد بوسیله اشامرا نیروی و هومن بیاموز.

توضیح: میفرماید بیچارگی و نبودن پیش رفت من از بینوائی و از کم بودن پیروان است پس ای اهورا در اینصورت مرا بوسیله اشا ( راستی و درستی ) عزم و هومن بیاموز یعنی در کار تبلیغ استقامت و عزم ثابت به بخش

(۳) و سزای اعمال خود را می بیند به خاطر می آورد و برعکس مفهوم این قطعه ، نخستین قطعه یسنای چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده میکند به نظر می آورد.

ترجمه: کی ای مرزا آن روزها روشن گردند و کی برای نگه داشت

## سرود ۴۶

(۱۴۶) (سرود ۴۶) (سرود ۴۶)  
 (۱) وچو... وچو... وچو... وچو...  
 وچو... وچو... وچو... وچو...  
 وچو... وچو... وچو... وچو...  
 وچو... وچو... وچو... وچو...  
 وچو... وچو... وچو... وچو...

ترجمه: به کدام زمین گام بردارم - به که رو آورم - آنها مرا از خویتوش و آریمنه دور کرده‌اند و از آنچه از ورزن به من میرسد نیز خورسند نیستم و نهم (از) فرماندهان کشوری که پیروان ناراستان هستند پس چگونه ای مزدا اهورا تورا خوشنود سازم.

توضیح: این قطعه زمانی گفته شده که سه طبقه از پیروان زرتشت توانائی یاری به او نداشتند و فرماندهان کشور دیویسنی بودند میفرماید پس کجا بروم و به که رو بیاورم که مرا یاری کند تا ای اهورا مزدا ترا خوشنود سازم.  
 چنین مینماید که هنوز شاه گشتاسپ به کیش مزدیسنی نه‌گرویده بود و یاران ایشان ضعیف بودند بنابراین روایت زرتشتی این قطعه را روان شخص گنه‌کار زمانیکه

و هومن ( دانش کل ) و اشا (نفس کل) ممکن میشود و چون عمل با مشیت ایزدی هم رنگه و هم آهننگ گشت آن عمل بشر نیست ، بلکه ایزدی است. در بند پنجم اشاره میکند که اهورمزدا خیر محض است آغار و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی او رهسپار است به او میرسد و هیچ نیروئی وجود ندارد که از آن مانع گردد. در آن مقام که روان بشر به حضور اهور مزدامیرسد ، مکان روشنائی و توانائی و فکرودانش است. بند هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید اگر وجدان پاک باشد گوئی آئینه ایست که عقل کل (وهومن) در آن تجلی نموده پرسشهای ما را پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه به وجدان باید رجوع کرد و فرمان از او گرفت. در بند نهم میگوید بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه تن مستعار نداشتم با خداوند.

من می آموزم الهام ایزدی است و وای بر او که به آن ایمان نیاورد. آموزش من از روی سنجش و دانائی است و در آن هیچ گونه سرکشی و عصیان نیست بلکه به الهام ارمایتی یعنی تسلیم و رضا است. اهورمزدا بر اندیشه و اعمال ما محیط است و ما نمیتوانیم او را بفریبیم، بنابراین بدانید گفته من به نیت اصلاح و خوبی است و از ما ترا یعنی کلمه حق است که عامل آن از اهورمزدا تن درست و زندگی معنوی جاوید خواهد یافت اهورمزدا را توسط اعمال نیک ستایش میکنم و ایمان خود را نسبت به او توسط و هو من ثابت مینمایم او مرا بسوی خود راهنما خواهد شد.

رادان و نیکان چه آنانکه در گذشته و چه آنانکه هستند و چه آنانکه در آینده خواهند بود آنکه راه نجات را جوینده شد در انجام روانش از آلودگیها پاک گشت به سرود ستایش اهورمزدا را بسوی خود متوجه میسازم و در آن حال گوئی به چشم بصیرت او ارامی بینم و بوسیله اندیشه نیک و سخن راست و اعمال شایسته به او نزدیک میشوم و امیدوارم در انجام نیازم را در بهشت جاوید به او تقدیم کنم. درد و شادی از اوست و ما باید به نیروی او تسلیم شویم و بندگی کنیم و توسط دانشیکه او بما بخشیده آبادی و نظم را در میان هم نوع بیافزاییم و به تسلیم و رضا او تعالی را بخواهیم تا ما را سرافراز کند و عظمت او را بیابیم او بما وعده فرموده که نیکان را نیروی ایزدی و درستی تن و زندگی جاوید عطا فرماید و نیز سعادت پرتو ایزدی و زیست بردانش و هومنی.

این سرود که به مناجات آغاز میشود در دو قطعه آخر به اساس کیش زرتشتی

اشاره شده یعنی:

۱ - یگانه بودن پروردگار اهورمزدا ۲- از عمل اشائی تندرستی و سکون ذهن می یابیم ۳- و دانش و هومنی، ذهن ما را روشن میسازد و روان را از آلودگی پاک نگه میدارد ۴- ارمایتی تسلیم و رضا است ۵- خسترا نیروی اراده است و بشر هر چند که زورمند باشد که نیک فرجام گردد تا اراده اش قوی نیست آرزو را نخواهد یافت. در بند سوم میفرماید هدف ما باید پیوستگی و هم آهنگی کامل به مشیت ایزدی باشد که تحصیل آن بوسیله

## خلاصه سرود چهل و پنج

قطعه اول و دوم این سرود متمم فکری هستند که در قطعه دوازدهم و سیزدهم سرود چهل و چهار فرمود. اینکه دو حزب مخالف در ثبوت درست و راست بودن خود دلایلی می آورند و خود را بر حق و حریف را بر باطل نشان میدهند و برای او که خارج از دو حزب است بسیار دشوار است که حقیقت را درک بکند مگر اینکه کاملاً بیطرف بشود و به نظر تحقیق و تجسس در گفته هر دو مطالعه کند و این فکر در قطعه اول و دوم این سرود واضح و قطعی گفته شده. میفرماید اکنون فرما گویم به شما چه آنانکه در حضور من هستید و چه آنانکه نیستند و حقیقت را آشکار میکنم در آن تأمل نمائید و امیدوارم در ایمان چنان ثابت گردید که آموزگاران مخالف نتوانند بار دیگر شمارا گمراه سازند. چنانکه بدی خوب نمیشود و خوب بدی نمیگردد و امتیاز میان این دو به اندک سنجش مسیر است هم چنان آموزش من و مخالفان من چه در نفس و چه در نوع آموزش و چه در امتیاز دادن میان بد و خوب و چه در اندیشه و چه در سخن و چه در عمل و چه در وجدان و چه در روان یکسان نیست. ما مانند سپنتا ماینیو و اهریمن کاملاً از هم جدا هستیم و عکس یکدیگر میباشیم یکی تاریکی و جهل است و دیگری روشنائی و دانش، آنچه











توضیح: عبارت قطعه واضح است میفرماید آنچه میگوییم الهامی است که از اهورمزدا بمن شده و هر که به آن ایمان نیاورد و عملی نکرد در پایان عمر بسراو وای خواهد بود .

(۴) سوم او ارمایتی نیکوکار است .  
اول بوسيله اشا من اهورمزدا را که بمن این آموزش الهام کرد دانستم .  
دوم او پلتر علت همه ورزنده وهومن است .  
سوم ودخت او ارمایتی نیکوکار است .  
چهارم اهورا برهمه محیط است و هیچ کس هرگز نتواند اورا بفریبد .

ترجمه : و برترین هدف این زندگی (تنی) را توضیح میدهم .  
 اول - بوسیله اشا من اهورمزدا را که بمن این آموزش الهام کرد دانستم .  
 دوم - او پلتر (علت) همه ورزنده وهومن است .  
 سوم - ودخت او ارمایتی نیکوکار است .  
 چهارم - اهورا برهمه محیط است و هیچ کس هرگز نتواند اورا بفریبد .  
 توضیح: آموزش زرتشتی بر پایه استوار کردن نیروی زیست یعنی پیروی از اشا و استعمال کامل عقل یعنی وهومن است . خصوصیت عقل فعالیت است از اینرو وهمن را وهمن ورزنده فرموده و سوم احساس بندگی و نیکوئی و تسلیم (یعنی پیروی از ارمایتی است) از صفات ایزدی اشا وهومن و خستر به صیغه تذکیر و امرات و خرداد و ارمایتی به صیغه تأنیث گفته شده اند . بنابراین از روی استعاره یکی را پسر و دیگری را دختر فرموده اهورمزدا برهمه اینها محیط است .

(۲) سَمْعٌ لَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ سَمْعًا وَبَصَرًا تَرَوْنَ  
 وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ  
 وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ  
 وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ  
 وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ

ترجمه : و فرا گویم از گوهران توام و جاوید (ازلی) از آنها او که پاك است  
 به او که ناپاك است چنین گفت: مانه در نفس و نه در آموزش و نه در خرد ، نه در اندیشه و  
 نه در سخن و نه در کار ، نه در وجدان و نه در روان یکسان نیستیم .  
 توضیح : نکته مهم در این قطعه این است که خواننده باید در نظر بیاورد :  
 آنچه بیان شده صفات بشری هستند پس گوینده بشر است و خطاب به مخالفین میگوید  
 چنانکه کیفیات نيك و بد یکسان نیستند هم چنان آموزش شما دیویسنی ها کاملاً جداگانه  
 هست .

(۳) سَمْعٌ لَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ سَمْعًا وَبَصَرًا تَرَوْنَ  
 وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ  
 وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ  
 وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ  
 وَبَصَرًا تَرَوْنَ وَبَسْمًا تَسْمَعُونَ وَبَصَرًا تَرَوْنَ

ترجمه : اکنون فرا گویم از چگونگی برترین زندگی آنکه به من داناترین  
 اهورمزدا برگفت و او که میان شما سخن مرا نه ورزید و عملی نکرد چنانکه من دانسته ام  
 و چنانکه فرا گویم برای چنین کس در پایان زندگیش وای خواهد بود .

سرود ۴۵

(تسمتداتب . نوسددمر . ۱۴۵)

(۱) نبع . لاسنوسنوسررس . لک . لکوسرلکوسر . لک . نالکوسر .  
 نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس .  
 لک . لک . لکوسررس . نوسنوسررس . لک . لکوسررس .  
 لکوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس .  
 نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس .

ترجمه : فرامیگویم، اکنون به سخنانم گوش دهید بشنوید .  
 چه آنانکه نزدیک هستند و چه آنانکه دور میباشند اگر خواستند اکنون یقیناً  
 همه (نکات شنیدنی) آشکار می شوند شما بسنجید، مبادا بار دیگر آموزنده بدجان شمارا  
 تپاه سازد و گمراه کند او که برگزیننده راه کج است پیرو دروغ و درسخن پریشان است.  
 توضیح : عبارت این دو قطعه و قطعه بعد به اشخاصیکه درست در آن نسنجیدند  
 و مقصود را درک نکردند بمفهوم ثنویت گرفته شده .

سرود چهل و چهار / ۱۴۳

اوسنگ و کوا Kava بودند شکایت میکند .

این سرود در شماره گر چه چهل و چهار است ولی ممکن است که نخستین سرود

فرموده‌ی خودزرتشت باشد .

اشاره‌ها هستند که در آنها تأمل بکند. در قطعه دهم بهترین دین برای بشر کدام است و در پاسخ میفرماید آنکه به الهام از ارمایتی اطاعت و تسلیم به فرمان‌بزدی صورت گیرد و برای بازگشت به سوی اهورمزدا رهنما باشد. در قطعه یازدهم میفرماید طبیعت هر فردی را استعداد مخصوص بخشیده و هم‌چنین رهبر و مصلح‌دین استعداد معین دارد که از ارمایتی (تسلیم و رضا) به اورسیده و او وظیفه خود را نیک دانسته و البته مقابل او یک‌گمراه‌کننده نیز پدید می‌شود که قصد او اصلاح نیست بلکه خرابکاری و خنثی‌نمودن اصلاحات رهبر واقعی است و در قطعه دوازدهم سلسله قطعه یازدهم ادامه دارد که چون دو تن ادعای رهبری میکنند امتیاز دادن میان آنان که کدام بر صواب و کدام بر خطاست تنها به عقل سلیم ممکن است. باید کوشید تا راست و ناراست ممتاز شود برخی ساده‌دل هستند که بدی را نمی‌خواهند ولی به سخنان گمراه‌کنندگان گوش می‌دهند و از راه راست منحرف می‌شوند، پس دانا اوست که از چنین بندگان دوری کند گفته‌ایست (صحبت طالح ترا طالح کند) در قطعه چهاردهم می‌رسد چگونه ممکن است که ناراستان را هدایت کرد و دشمنی آنها را دور نمود و در پاسخ میفرماید سخنان مقدس ماترا چندان باید تکرار بشوند که در دل سخت آنها رخنه کنند و جا گیرند و از ورزیدن کینه و حسادت باز آیند. در قطعه پانزدهم و شانزدهم به درگاه اهورمزدی مناجات می‌کند که دین راست را نیرو دهد و مخالفین آنرا زبون سازد و سر و شو و هومن را به یاری می‌خواهد و در قطعه هفدهم آرزو می‌کند که بوسیله اعمال نیک به دو نعمت برسد یکی سکون باطنی و دیگر پیوست به پروردگار. و در آخر می‌فرماید پاداش سرودگویی از جامعه یک شتر و یک اسب و ده مادیان است ولی او یعنی زرتشت بجای پاداش مادی از جامعه پاداش روانی از اهورمزد می‌خواهد و آن نعمت پیوستگی به خرداد و امرداد یعنی تندرستی و زیست جاوید معنوی است و خطاب به پیروان خود می‌فرماید او که به شما خدمت می‌کند حق خدمت یعنی مزد به او بدهید (گویا اشاره به این است که من شما را خدمت کردم و راه راست نشان دادم و در پاداش می‌خواهم که رهنمائی مرا عملی سازید) و بعد از فرقه مخالف که از تیره کرپن و

آفرید تا بشر از آن استفاده کند و غیر خود را بشناسد و کیست که زمین را دور خورشید میچرخاند و روز را شب و بیداری را خواب میکند تا بشر اوقات کار و آرام را بداند و بروقت معین وظیفه خود را بجا آورد و در قطعه ششم از اهورمزد میپرسد آیا آموزشی که من به جامعه بشر پیش نهاد میکنم درست و راست است و آیا چنین نیست که از اطاعت و نظم و راستی و درستی دانش و نیروی اراده کاملتر میگردد و کیست که این جهان تاریک را بارور و شادی دهنده نمود. بنا بر آموزش زرتشتی جهان تن جای مصیبت و آلام و درد نیست بلکه نعمت ایزدی است که بشر باید کاملاً از آن استفاده کند. در این عالم بشر غیر خود رامی بیندوبه او آشنا میشود و هستی او کاملتر میگردد همین فکر در سنگ نوشت داریوش نیز می یابیم که خداوند را می ستاید و می گوید اهورمزدا در این زمین برای ما شادی آفرید و این فکر پیغمبر ایرانی برعکس افکار و بدبینی بودا و رهبانان مسیحی و مرتاضین هند است در قطعه هفتم سلسله پرسش ادامه دارد و میفرماید کیست که به ما ارمایتی یعنی احساس رضا و تسلیم و خشنود نیروی اراده بخشید و کیست که پدر را بر پسر مهربان و پسر را فرمانبردار پدر نموده و می گوید مقصود از این پرسشها این است که بوسیله سپنتا ماینو یعنی روان روشن و پاک تو را که آفریدگار ما هستی نیک بیشناسیم. به این ترتیب در آموزش زرتشتی بشر باید بکوشد که به آفریدگار خود نزدیک گردد و نزدیک شدن به او آگاهی از آفرینش اوست. در قطعه هفتم سلسله پرسش ادامه دارد و البته پاسخ باید از وجدان شنونده برسد. سکون و آرام باطن را میجوید و آرزو دارد که با مشیت ایزدی هم آهنگ گردد و هدف زندگی را توسط دانش (وهومن) و نیروی زیست (اشا) بداند تا به برترین مقام روانی برسد و در قطعه نهم میخواهد وجدانش از آلودگیها پاک باشد تا برترین دانش و نیرومندترین اراده در آن تجلی کند و با دانش وهومن و هستی اشا و اراده (خشنود) ایزدی در بهشت برین مقام نغمه و سرور جاوید بماند. در این بند اشاره میکند که رستگاری تنها در عمل وجدان است، البته همه پرسشها و آرزوها که در این سرود گفته شده به خواننده

### خلاصہ سرود ۴۴

در ہفدہ سرود گانا ہر سرودی يك فكر اساسی دارد کہ باید خوانندہ بہ آن متوجہ شود و بسنجد۔ از جملہ در سرود ۴۴ تشویق بہ دانستن رموز طبیعت و چگونگی مظاہر آسمانی است۔ در قطعہ نخستین این سرود از اہورامزدا یاری می جوید کہ بہ اورہنمائی بکند چگونہ نزدیک شود و چگونہ از اشا ( راستی و نظم ) و از وھومن ( دانش ایزدی ) بہرہ مند گردد۔ و در قطعہ دوم میخواند انجام زیست تنی را بداند کہ چگونہ برای کامل شدن آن بکوشد و کامیاب گردد و در پاسخ وجدانش میگوید کہ اشایمنی راستی و درستی گل و گوہر بشریت است و نگہبان و یار حقیقی روان اوست و در قطعہ سوم بہ مظاہر آسمانی متوجہ میسازد کہ باید بہ وقت مطالعہ شوند و بشر بہ چگونگی آنها آگاہ گردد و آنها را بشناسد تا بہ حقیقت ذات خویش نیز آشنا شود و میفرماید اشا چیست؟ خورشید و سیارگان را کہ در افلاک بہ گردش آورده و کہ ماہ را ہلال و بدر میسازد و ہم چنین از اہورامزدا خواستار است کہ بشر را از رموز طبیعت آگاہ کند کہ کیست کہ زمین را در فضای آسمانی محفوظ نگہداشته و کیست کہ آنها را بہ گیاہ نزدیک مینماید تا سبز و خرم بمانند و ابراہا را سریع السیر نموده کہ ہر جائیکہ لازم است برسند و بہ بارند و زمین آنجا را سیراب کنند و کیست کہ دانش را



نمیدهد به چنین کس اکنون چه سزائی میرسد! و میدانم که انجام او چه خواهد شد.  
توضیح : معلوم نیست به چه اشاره شده ، غالباً به مفهوم عموم است که  
سزاوار پاداش را باید پاداش بدهند و اگر ندادند ستم کرده اند .

(۲۰) مردی است که سزای او را ندانم و میدانم که انجام او چه خواهد شد.  
توضیح : معلوم نیست به چه اشاره شده ، غالباً به مفهوم عموم است که  
سزاوار پاداش را باید پاداش بدهند و اگر ندادند ستم کرده اند .

ترجمه : ای مرد! چگونه دیوان نیرومند شده اند و نیز می پرسم اینان که  
صف کشیده اند تنها به سود خودشان است، بنابراین (تیره) کرپن و اوسگ در گیتی نفرت  
پدید کرده اند و تیره کوا آنرا به بند و ناله سپرده اند. چرا اینان هدف اشار نمی خواهند  
که فزونی امنیت است .

توضیح : تیره های کرپن و اوسگ و کوا از مخالفین سرسخت و سرودگوی  
دیوینتی بودند . میفرماید اینها از خود غرضی در گیتی هرج و مرج و آشوب پدید  
کرده اند، چرا دوست نمیدارند به امنیت و آسایش که آئین اشاست مردم زندگی کنند.



آنچه از آن وجود دارد آشکارا بمن بر گو، بگذار سرش و وهومن سوی او که تو دوست میداری بیایند .

توضیح : ورترا جام کشته دیو ورترا بمفهوم پیروز بردشمن و قهرمان میفرماید ای استاد دانا کدام قهرمان است که به آموزش تو از ما نگهداری کنداو را که دوست داری آرزو دارم که سرش و وهومن سوی او بیایند .

(۱۷) سوسنم ککسند نه (ا)دند (ا)وید چار واندنرسند سندناسد  
وندنسد سوسوسند (ا)سد نرسنسد نرسنسد نرسنسد  
سندوسوسند نرسنسدوسوسند نرسنسد چار سوسنسد واندنسد  
سوسنسد

دند (ا) چار واندنرسند نرسنسد (ا)دندسد سوسنسد  
سوسنسد سوسنسد و سوسنسد (ا)دند چار سوسنسد نرسنسد

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا ا

ای مزدا به رهنمائی از شما چگونه به مقام وجد و خرسندی برسم و چگونه با شما کاملاً پیوسته گردم تا سختم پرائر بشود در آینده برای رهنمائی بسوی خرداد و امرداد بوسیله اشا و واژه مقدس ماترا .

توضیح : دو آرزو دارد یکی سکون کامل باطنی که وجد و خرسندی روانی است و دوم اصل کامل و بوسیله اشا و خواندن واژه مقدس ماترا صحت روانی و زیست جاویدان را آرزو میکند .

## خلاصه سرود پنجاه و یکم

این سرود در بیست و دو قطعه در شش سطر و هر سطر در هفت سیلاب گفته شده. آغاز می‌شود از اینکه نیروی ایزدی گران بهاست که از اهورمزدا بر جهان پرتوافکن شده و در همه موجودات کم و بیش نمایان است و باطن موجودات را روشن و توانا میکند و هر که از آن استفاده کند خوش بخت است. پیمبر ایران می‌فرماید که من با این نعمت ایزدی تصمیم گرفته‌ام که به هم نوع خدمت کنم و امیدوارم در این عزم ارمایتی مرا یاری کند و وهومن سعادت پرستش به بخشد و برای آبادی گیتی از اشاکه زبان اهوراست به من همراهی شود و برای آموزش دین از وهومن الهام یابم - آموزنده حقیقی اهوراست. به مهر و مودت و پاکی و نظم کارها نیک و منظم می‌شوند و این صفات خجسته را از پروردگار برای افراد جامعه آرزو می‌کنم. در قطعه پنجم از خود می‌پرسد که چگونه در جامعه راستی و درستی پدید خواهد شد و پاسخ می‌دهد از او که پیام ایزدی را به فروتنی و دانائی آشکار میکند تا رهبر نیک نباشد نمی‌تواند افراد جامعه را به نیکی رهنما گردد او باید جامعه را از به، بهتر سازد و اگر برعکس خود بد باشد بد را بدتر خواهد کرد و سرانجام

به سزای بدی خود خواهد رسید. از اهورمزدا خواستار است که بوسیله منش پاک او را عمر طولانی و تندرستی عطا فرماید تا مهلت بیابد و بتواند وظیفه اصلاح جامعه را به تکمیل رساند و در گیتی اشائی آبادی و شادابی و شادی فراهم سازد در قطعه هشتم می فرماید ناراست به شکیبائی در آزمایشهای سخت که به فلز گذاخته شباهت دارند کوشنده به هدف و مرام خود می رسد. مخالفان می کوشند که جامعه را فاسد کنند و من خواهم کوشید که اشاسوی جامعه بیابد و مهر و خوش بختی بیاورد. مزدیسنی باید اشائی باشد و به ارمایتی یعنی تسلیم و رضانزدیک گردد و به هومن و نیکان ارادتمند باشد و خود را فردی از افراد برادری مگابشمارد.

در قطعه دوازدهم می فرماید دیویسنیهای کوی شادی را در هوس و لذات مادی می دانند در صورتیکه شادی طبیعی و معنوی از ذوق روانی میسر می شود و این حقیقت را آنان زمانی خواهند دانست که از روی پل چنود باید بگذرند و در آن زمان وجدانشان سرزنش کند (وزشت از زیبا ممتاز گردد) کوی و کرهن به آئین اشائی احترام نمی گذارند و بجای اینکه مادر گیتی را شبانی کنند پرستنده آنها به آموزش ناراست میفریبند.

من به یاران مگا وعده می کنم بهشت گرو نمان که مگان نغمه و سرور است و هومن و اشا برای نیکان طرح کرده اند و شاه گشتاسپ از نیروی برادری مگا و از ستودن هومن بوسیله اشا خواهد یافت.

به پیشگاه اهورمزدی خواستار است که پیروانش را به راه روشن رهنا گردد در قطعه دیگر به فداکاری فروشاسترا اشاره شده و در قطعه هجدهم توصیف جاماسپ دانا نموده دعا میکند که او به آرزوی نیکش برسد و در قطعه نوزدهم از مدیوماه اشاره شده که به زندگی راست گام زن است و نیکوئی را نه تنها به سخن بلکه به عمل می آموزد و در آخر خطاب به امشاسپندان و اهورمزد عرض میکند که به پیروانش

سرود پنجاهویک / ۴۱۷

خوش بختی و راستی اشائی و دانش وهومنی به بخشند و می افزاید که ارادتمند  
ارمایتی باید پاک باشد و به اندیشه و سخن و عمل راستی را (در جامعه) بیافزاید  
آنانکه در نماز اهورمزد بوسیله اشا ستایش میکنند چنین نیکان را چه آنانکه هستند  
و چه آنانکه در گذشته اند گرامی هستند و با ارادت به آنان پیوست خواهیم شد .

## سرود پنجاه و سوم

واپسین سرود پنج گاتاهاست بنام وهشتاشتی (Vahisha ishti) و این کلمه در آغاز این قطعه گفته شده بمعنی «بهترین آرزو» و معلوم نیست در چه بحری گفته شده ترتیب تقسیم سیلاب در زیر بنا بر انتخاب شادروان دکتر ایرج - تاراپوروالاست.

( ۵۳ )

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

(۱) ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

ترجمه: بهترین آرزوی زرتشت اسپتاما شنیده شده (یا به پایان رسید) و

او سعادت‌ها داده شد از اهورمزدا بوسیله اشا جاوید برای زندگی پاك .

توضیح: ظاهر آگوبنده این سرود کسی غیر از زرتشت است که پس از وصال پیغمبر گفته و مفسرین گمان کرده‌اند که او جاماسپ است ولی ممکن است که از خود زرتشت باشد و به صیغه غایب فرموده. زمانی است که دین او انتشار یافته و وظیفه تبلیغ او به پایان رسیده. برای پیغمبر اسلام نیز چنین وقتی رسید که در قرآن می‌فرماید: - (اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دنيا ۵/۵) (بزبان پروردگار) امروز به پایان رساندم و کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما بخشش خودم را و برای شما دین اسلام را پسندیدم. در این قطعه می‌فرماید آنانکه باز زرتشت سخت مخالفت کردند در انجام تسلیم شدن و به حقیقت و حقانیت و سود اندیشه نيك و سخن نيك و کار نيك پی بردند .

(۲) یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .  
 یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع . یسوع یسوع .

ترجمه: بنا بر این (همه) بکوشند در اندیشه و سخن و کار ( نيك ) برای خوشنودی (اهوزا) مزدا و برای پرستش و ستایش (او) برگزیند کوی گشتاسب







مردا اهورا جاويد به بخشيد نيکان کيش را .

توضيح: پس از تمهيد مختصر در سه قطعه گذشته مي فرمايد که در کيش زرتشتي وظيفه صاحب خانه و نگهدارنده جامعه و بزرگان تعيين شده و اين کيش براي کسانی است که از راستي و درستي پيروي مي کنند و رخشنده ميراث و هومني يعني امتياز صحيح ميان بد و خوب مي دهند و در پايان دعا مي کند که اهورمردا جاويد آنان را به بخشيد و موفق سازد .

(۵) ددسوم پي . ولس درسد (سدرج .  
 وسدر درج . ولسط .  
 نلنننننننننننن . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .  
 ولس ولس ولس . ولس ولس ولس .

ترجمه : اين سخن ميگويم به دوشيزه گانيکه عروس مي شوند و به شما ( نوجوانان ) که داماد ميگرديد و خواستارم به ذهنتان بسنجيد ، و به نفس خود درك كنيد که همواره عشق تان را به هومن عملي سازيد و هريك از شما بکوشيد که در راستي برتري جويد و براي آن به هريك از شما پاداش نيکو هست .



(۷)  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$   $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$

ترجمه : بصورت دیگر پاداش شما از اخوت مگای (زرتشتی) هست، تا زمانیکه (شما) جفت (زن و شوهر) با هم نهایت علاقه و جوشش دارید، خواه آن علاقه مادی باشد خواه روانی (اعلی یا ادنی) آیا این اخوت را رها میکنید؟ پس (اعلام میکنم) که آخرین سخن پر درد شما وای خواهد بود .  
 توضیح: در قطعه گذشته فرمود که شادیهائیکه ناراستان نشان میدهند موقتی و سطحی است و آنچه آموزش زرتشتی نشان میدهد حقیقی و معنوی هستند و در این قطعه می فرماید که پاداش محبت معنوی و روانی باجنسی و مادی هر دو از اخوت مگائی زرتشتی به شما خواهد رسید ولی اگر آنرا ترک کردید انجام شما سخن (وای) و افسوس خواهد بود .

(۸) ساسدند. سد. وركه (سای) ساسدند. ساسدند.  
وسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.  
سلسل ساسدند. ساسدند. ساسدند.

ترجمه : پس یقیناً بدکاران فریب خورده ( در تحیر ) بمانند و به مسخره شدن  
یکدیگر راسرزنش کنند. دوشیزگان و جوانان ما از پیشوایان نیک ( یاری ) خواهند  
یافت ( خداوند ) به این راستیها امن بدهد و رنج از مردم شاد ناپدید گردد و او خداوند  
مرگ و بزرگترین زود بسوی ما باز گردد .  
توضیح: در این قطعه اشاره به پیشوائی هست که رحلت کرده یا ناپدید شده  
و گوینده امیدوار است که باز گردد و رنج مردم از بازگشت او دور شود و مفسدین  
گمان میکنند که اشاره به زرتشت است و البته گمان است ثبوتی نیست .



### سرود پنجاه و سه / ۲۲۷

ولی او که خداوند نیکی است با چنین بدکاران مبارزه میکند ( با همه نیروی زیست و با کمال آزادی ) و اهورمزدا نیز چنین نیکان فروتن را به پیروزی ایزدی خود بهترین پاداش خواهد داد. در قطعه هشت بویژه سطر آخر مفسرین تصور کرده‌اند که پس از رحلت زرتشت گفته شد .



## خلاصه سرود پنجاه و سه

از نکات مهم این سرود :

اولا - اشاره به اینکه وظیفه تبلیغ دین مزدیسنی به انجام رسید .  
دوم - اندرز به پسران جوان و دوشیزگان که در جوش جوانی و غلبه احساس  
تنی راستی و درستی را از دست ندهند و مادی محض نگردند بلکه ظاهرشان تنی  
و مادی و باطنشان روانی و معنوی باشد .

سوم - در قطعه هشتم می فرماید ( امید که ) او خداوند بر مرگ به زودی بسوی  
ما برگردد و میان ما باشد و مفسرین گمان میکنند که مقصود از رحلت زرتشت  
است و امید اینکه دوباره او به تن یا روان به سوی جامعه بازگردد یعنی روح او در  
جامعه زرتشتی جاوید بماند .

دو این شکی نیست که عبارت سرودهای گاتا از اصل فرق کرده و چنانکه  
گوینده گفته بمانرسیده چه الفاظ و چه سیلاب کم و بیش شده اند. برعکس سرودهای  
رگ و یدا که سالم تر مانده اند زیرا هندوان سخت مقید بودند و احتیاط میکردند  
که دست به ترکیب الفاظ یا عبارت نزنند و از خود لفظی کم یا بیش نکنند و از

اصل دورنگردند و متاسفانه در صورتیکه از زمان باستان برای زبان سنسکرت دستور زبان و علم عروض وجود داشت در ایران نبود و اگر بود از آن آگاه نیستم و اوستا شناسان ناچار شدند که برای زبان اوستا از زبان سنسکریت دستور و علم عروض را بوجود بیاورند و بدیهی است که با وجود نزدیکی و از یک اصل بودن لازم نیست که نثر و شعر ایران کاملاً مانند نثر و شعر هند باشد. در ترجمه و تفسیر اوستا میان مترجمین و مفسرین چه اروپائی و چه شرقی اختلاف است و هر کس به سلیقه و تمایل خود بنوعی تفسیر و ترجمه کرده است بنابراین میدان تحقیق و تفحص هنوز پابرجاست و ممکن است دانشمندانیکه در آینده پدید خواهند شد این کار را بیشتر عملی بکنند و بحقیقت نزدیکتر گردند .

## سرود پنجاه و چهارم

ترجمه : ابریمای بسیار گرامی در این (جشن) شادی بیابید بسوی جوانان و دوشیزگان ( مردان و زنان ) زرتشتی که وهومن را خوش کند. او که وجدان دارد پاداش گران بها می یابد. از اشا خواستارم (دعا میکنم) برای خوش بختی (اینکه) آرزوی (همه) هست در علم اهورمزدا (وجود دارد) انجام میدهد .

توضیح: این قطعه تکمیل افکاری است که در سرود پنجاه و سوم بیان شده اند ابریما نام ایزد تندرستی و نیز نام سوم طبقه زرتشتی و بمفهوم دوست است و ضمن دعاهاثیکه در مراسم کتخدائی خوانده میشود به انواع معانی ترجمه و تفسیر شده است.

سرودهای گاتا در اینجا به پایان میرسند .

## واژه نامه

Vāstā	نظم - باور - حامی
Khshmat	شما
anyō	جز - دیگر
Atha	بنا بر این
Moi	بمن
Sastā	آشکار کنید - برگزینید
Vohū	خوب
Vāstryā	شپان - نجات دهنده
Vas	از ریشهٔ وس

## سرود ۲۹ بند ۱

khshmaidya	به شما
geush urva	روان گاو (گیتی ، زمین)
	میگرید - میتالد - شکایت می کند
gerezda	
kahmai	برای چه

## سرود ۲۹ بند ۲

Ada	ایدون - پس
Tasha	آفریننده - سازنده
geush	گاو (گیتی)
Peresat	پرسود
Ashem	ازاشا
Kathā	که - از چه نوع - چگونه
Tōi	تو
gavoi	برای گاو (گیتی)
Ratush	رتو - خداوند - پیشوا

ma	مرا
ThwaruzdŪm	آفریدید - ساختید
Ke ma	که مرا
Tashat	درست کرد - ساخت
a ma	از همه سومرا
aeshmo	خشم
	نیز غارت - ربایش - تباهی
hazas cha	
remo	نور تعدی - ستم - کینه
a hishāya	فشار کامل
deresh cha	آزار
Tevish cha	زور - توانائی
nōit moi	نه برای من

Shavaité	صف آرا گردد - بشود
ā dreng	برخلاف - مقابل بدکیشان
Ereshvanhō	نیکان
	جانداران - میزندگان - آدمیزاد
Hātām	
hvō	او
Aojishto	برترین - توانا ترین
Yahmai Zavēng	که دعوت او
jlmā	پاسخ دهیم
Keredushā	به شتاب

Hyat	تا که - او که
Him	اورا
Dātā	دهد
	بتوانید - توانائی - خداوند
Khshayantō	
	ترجمه الفاظ - با - و گذشته بران
Hadā	چراننده ، یآوری ، حمایت ، نگهداری
Vāstrā	
Gaodāyō	دهش گاو بانی
Thwakhshō	جوشش - پویندگی
Kem	که را
Hōi	برای او - به او
Ushta	خواهش - روشن - خرسندی
Ahurem	خداوند
ye	او که
Dregvōdebish	بدکیشان - ناراستان
Aeshemem	خشم
Vādāyōit	پس راند - باز دارد

### سرود ۲۹ بند ۴

Mazda	مزدا
Sakhvare	نماز - درخواست - سخن
Māirishtō	بهتر - می‌سنجد
Ya-zi	که برستی
Vāverezoi	ورزیده شد - گفته شد
Pairi	در زمان گذشته - باستان
Chith it	در زمان گذشته، باستان
Daevaish - cha	چه از دیوان
Mashyaish-cha	چه از آدمیزاد
ya - cha	نیز آنچه
	ورزیده میشود - گفته میشود
Vareshaite	
Aipi-chit it	در زمان بسیار آینده
Hvō	او (تنها) یگانه
Uichirō	دادور - برگزیننده
Ahurō	اهورا
Athā ne	پس، به ما
Anhat	باید (بشود)
Yathā	چنانکه - آنچه
Hvō	او (تنها)
Vasat	میخواهد - فرمان میدهد

### سرود ۲۹ بند ۳

Ahmai	به او
Ashā	اشا
Nōit	نه
	بازدارنده یگانگی - رها کننده - یاور
Sarejā	
Advaeshō	دوست - بی آزار
Cavoi	به گیتی
Paiti-mrvat	پاسخ داد
	از آنانی که (اینجا هستند)
Avaēshām	
Nōit	نه
Viduyē	دانسته شده
Yā	او که

واژه‌نامه - سرود ۲۹/۲۳۳

Noit aeava	نه یگ
Ahu	اهو (خداوندجان)
Uisto	دانسته شده (خداوند روان) و نه یگرتو
Naeda ratush	
Ashāt - chit hachā	ازاشا
At zi	برای این
Thwa	تورا
	نیز شان - نگهدارنده
Fshuyantae-cha	
Vastryai - cha	یاورا
Thworeshta	آفریننده
Tatasha	ساخت - تعیین کرد

سرود ۲۹ بند ۷

tem	آن
Azutōish	نیاز
Ahurō	اهورا
	افسونی - سخن مقدس - ماترا
Mathrem	
Tashat-Asha	ساخت-فرمود به انا
Hazaoshō	دوست - هم اراده
Mazda	مزدا
Gavoī	مادرگیتی
	نوز شیرین - شیرینی
Khshvidem - cha	
Hvo	او
Urushaueibyō	یاوران (او)
Spento	نیکان
Sasnayā	آئین - آموزش
Kas tè	که را از تو
Vohu mananha	ای وهومن
Yei dāyāt	که یقیناً بیاورد- بدهد

سرود ۲۹ بند ۵

At Va	بنا برین - کنون
Ushtanaish	با بلند کرده
Ahvā	دلها (مادو)
Zastaish	ودستها
	خواستاریم - التماس میکنیم
Frinemnā	
AhuraHyā	ازاهورا
Me urva	روان من
Geush-cha	} ونیز گاو (بارور)
Azyā	
Hyat	{ چنوب
Mazdam	به مزدا
Dvaidi	خطاب - روانداشتن
ferasābyō	(به پذیرفتن) - التماس
Nōiterezejyoi	هرگز به جانداران نیک
Frajyaitish	آزار
	نه به شان - نگهدارنده
Noit Fshuyenté	
{Dregvasu	{ ناراستان میان }
{Pari	

سرود ۲۹ بند ۶

at e	یس
Vaochat	گفت
Ahura mazda	اهورا مزدا
Vidva	میدانند - آزموده - دانا
Vafush	گفته‌ها - حقایق
Uyanaya	علم باطن - بینائی - بصیرت

Geush Urvā روان گاو  
Raosta ناله کرد ، گریه کرد  
ye یس  
تحمل ، برداشت ، کمزور ، ناتوان

Anaeshem  
Radem یاری ، رادی  
Vāchem سخنان  
Neresh مردی  
بدون همت ، بدون شهامت ، ناتوان

Asurahya  
Yem ā در صورتیکه  
Vasemi میخواستم  
Ishā پیشوا ، خداوند  
Khshathrem نیرومند  
Kada کی ، چه وقت  
yava گاه که ، هر گاه  
Huō او ، یکی چنین  
Anhat پدید شود ، باشد  
Ye hoi او که به من  
Dadat بیاورد ، دهد  
یاری دست دار ، زبردست

Zastavat avō

### سرود ۲۹ بند ۱۰

Yazem شما  
Aeibyو ده اینها  
Ahurā ای اهورا  
Aog1 نیروی زیست  
Dātā به بخش ، بده  
Ashā ای انا  
نیز خشن ، توانائی

Khshathrem-cha  
Avat آنکه

eāvā یاری  
Maretaeibyō میرندگان - آدمیزاد

### سرود ۲۹ بند ۸

Aem یکی (چنانکه میخواهد)  
Mōi بمن  
Ida اینجا  
Visto آشناست - دانسته شده  
Ye او  
Ne بهما  
Aevo تنها  
Sāsnā آموزش - فرمان  
gushata گوش داده - شنیده  
Zarathushtrō (واو) زرتشت  
Spitamō اسپتاما (هست)  
Hvo او تنها  
Ne یقینا  
Mazda از مزدا  
Vashti مایل است ، خواهشمنداست  
Ashai-Cha و نیز از انا

Carekerethrā بواسطه سرود ستایش  
بشوند ، اعلام بکند ، آشکار کند

Sravayenhē  
Hyat Hōi بنابراین به او  
Hudemem شورینی دلکشی  
dyai داده شود  
Vakhedhrahya از سخن

### سرود ۲۹ بند ۹

At cha اما آنکاه - پس آنکاه

واژه‌نامه - سرود ۲۹ / ۲۲۵

Yūshmāvatām  
بمانند شما - به شما

سرود ۲۸ بند ۱

Ahya (کتون) اورا  
Yasa میستایم  
Nemanha نماز میبرم  
Ustāna Zastō دستها بلند کرده  
سعادت ، خورسندی ، شادی  
Refedhrahyā  
Mainyush مایشو ، روان ، نیرو  
Mazda ای مزدا  
Paurvim نخستین - باستانیترین  
SPentahya سپنتا - پاک  
Asha اشا  
Vispeng همه  
Shyaothanā کار  
Vanheush وهو  
Khratum خود  
Mananhō (وهومن) منه  
Ya Khshnevisha تاخوشنودسازم  
Ceush-cha نیزگاو زمین  
Urvanem روان

سرود ۲۸ بند ۲

ye من (براستی)  
Vā به شما  
Mazda Ahurā ای اهورامزدا  
نزدیک خواهم شد - خواهم رسید  
Pairijasai  
vohu mananha بواسطه وهومن

Vohu mananhā (به او) ای وهومن  
Ya که  
Husheitish به شادی خوش  
Rāmām-cha ونیزرامش  
dāt رهنما گردد ، دهد  
Azem-chit ما ، من  
Ahyā mazdā اورا ای مزدا  
از تو می‌پذیرم ، میاندیشم  
Thwam menghi  
Paourvim بهترین ، باستانی‌ترین  
Vaødem یافت شده ، حاصل ، آفرینش

سرود ۲۹ بند ۱۱

Kudā چه وقت ، کی  
Ashim اشا  
Vohu cha mananha ونیز وهومن  
Khshathrem cha ونیز خشتر  
At ma بسوی من  
Masha بشتاب بیایند  
Yuzem شما  
Mezda ای مزدا  
Frakhshnenē برای آموزش (نو)  
Mazōi magai تیره بزرگ مگا  
A به  
Paiti zānatā شناسائی - پذیرفتگی  
Ahtra ای اهورا  
NŪ کتون  
Na بما  
Avare باری (رسید)  
Ehmā ما خواهیم بود  
مشتاق به بندگی ، آماده به بندگی  
Rātoish



سرود ۲۸ بند ۴

Ye	به راستی
Urvānem	روان را
men gairé	بهشت برین - مکان بلند
Vohu Mananha	وهومن
Dadē	راهنمایی خواهم کرد ، خواهم داد
Hathrā	پیوسته
Ashim-cha	نیز به اشا
Shyaothananam	کارها
Vidush	دانسته - آگاه شده
Mazda shurahya	مزدا اهورا
yavāt	تازمانیکه
Isāi	دارای اراده هستم
Tava - cha	نیز توانائی دارم
Avat	تا این زمان
Khsai	خواهم آموخت (به مردم)
Aeshē	سکوشند
Ashahyā	برای اشا - راه اشارا بگیرند

سرود ۲۸ بند ۵

Ashā	ای اشا
Kat	کی - چه زمان
Thwā	تورا
daresāni	خواهم یافت - خواهم دید
Manas cha vohū	و نیز وهومن
Vaedemnō	دانش رادانسته
Gatum cha	راه
Ahurai	اهورائی
Sevishtai	نیرومند - توانا - زن شیرده
Seraoshem	سروش

Maibyo	که (بمن)
Dāvōi	داده شود - بخشیده شود
Ahva	در هر دو جهان
Astvatas-cha	چه جهان تن
Hyat cha	و چه آنکه
Mananhō	از جهان روان است
Āyaptā	سعادت
Ashāt hachā	بواسطه اشا - از اشا
Yaish	تا که
Rapantō	گرویدگان را
Daidish	رهنمائی کنید - به نهید
	به جهان روشنائی - به مکان روشنائی
Khvāthre	

سرود ۲۸ بند ۳

Ye	من بر راستی
Va	به ، تو
Asha	ای اشا
Ufyani	می سزایم ، می یافم
Manasvohu-cha	و نیز به وهومن
Apaourvim	از زمان باستان - از پیش
	و نیز مزدا اهورارا
Mazdām - cha ahurem	
Yaeibyō	(که به مهر بانی) شما
Khshathrem cha	و نیز خشتش
	جاوید - نابودنشدنی
Aghzaonvamnem	
Varedaiti	افزون کند - ببالد
Armaitish	ارمایتی
Amoi	اینجا به ما - به من
Rafedhrai	سعادت کامل
Zaveng	به دعوت (ما) به خواندن
Jasata	بباید

### سرود ۲۸ بند ۷

Daidi	بده
Asha	ای اشا
Tām	آن
Ashim	سمات ، جوی
Vanheush mananho	وهومن
Ayapta	پاداش
daidi	بده
Tu	تو
Armaite	ای ارمایتی
Vishtāspai	بهوشتاسپ (گشتاسپ)
Ishem	خواهش ، آرزو
Maibyā cha	دبیزبه (پهروان) من
das	فرمان ترا
Tu	تو
Mazda	ای مزدا
Khshaya cha	به خداوندی ، شاهی
yā	تا که
Ve	ما
Mathra	سخنان ، فرمان ترا
Srevimā	بشنویم ، اجرا کنیم
Rādā	بندگان گرویده

### سرود ۲۸ بند ۸

Vahishtem	بهترین
Thwa	از تو
Vahishta	برترین ، بهترین
yem	از او ، از تو
	اشا برترین ، اشاوشت ، اردی بهشت
Ashā Vahishta	

Mazdai	مزدائی
Anā	این
Mathra	سخن مقدس - منتره
Mazishtem	برترین ، بهترین
Vauroimaidi	برگردانیم
Khrafstrā	زنده ، وحشی ، پادان
Hizva	به زبان

### سرود ۲۸ بند ۹

{	Vohu-	بها
	Gaidi	وهومن
	Mananha	بده
daidi	اشا	
Asha	بخشش	
Dā	جاوید ، طولانی ، بادوام	
daregayū	مقدس ، راست	
Ereshuaish	تو ، به راستی	
Tu	سخنان	
Ukhdhaish	ای مزدا	
Mazda	به زرتشت	
zarathushtraī	مواج ، زیست باطن ، روانی	
Aojonghvat	شادی	
Rafeno	نیز به ما	
Ahmaibyā cha	ای اهورا	
Ahura	تا که	
yā	دشمنان	
daibishvato	بر مخالفت ، بر نفرت	
dvaesha	و چیره گردیم	
Taurvayāmā		

yuzem	به شما که	خوش جوشش ، یگانه ، هم‌اندیشه
zevishtayanho	سزاوارترین هستید به ستایش	Hezaoshem
isho	نیرومند	Ahurem
Khshathrem - cha	خشتر نیز	yāsā
Sravanhām	درنماز - درشنیدن نماز	Vaunush
		Naroi
		Ferashaoshtrai
		maibye . Cha
		Yaeibyas cha
		Ranhanhoi
		Vispai
		yavē
		Venheush }
		Mananho }

### سرود ۲۸ بند ۱۰

At	بزرگان سنسکرت Atha	و چون واو عطف
yeng(yam)	آنانکه	
Ashāt cha	اشائی ، نیک	
voistā	(آزریشه vaed به معنی دانستن) میدانم	
Vanheush cha	وهومن	
datheng	دانا ، دانشمند	
mananho	وهومن	
Erethweng	راست ، نیکوکار	
mazda Ahurā	ای مردا اهورا	
Aoibyō	برای آنها	
Perena	پس ، کامل	
Āpanaish	به کامیابی	
kāmem	آرزو ، کام ، خواهش	
at ve	برای اینکه یقینا	
Khshmaibyā	شما	
Asānā	بی پاسخ	
Vaedā	میدانم	
Khvarnaithyā	برای هدف نیک	
Vaintyā	باگرویدگی ، گرویده ، مشتاق ، نیازمندانه	
Srava	نماز ، شنیده	

### سرود ۲۸ بند ۱۱

ye	پس ، چون
----	----------

Hezaoshem	از اهورا
Ahurem	دعا میکنم ، التماس میکنم
yāsā	به آرزو ، به اشتیاق
Vaunush	قهرمان ، جوانمرد
Naroi	فرشا و شتره
Ferashaoshtrai	و نیز به مردمن
maibye . Cha	و آنانکه
Yaeibyas cha	خواهی بشوید
Ranhanhoi	در همه
Vispai	زمان ابد
yavē	(سمادت) وهومنی را
Venheush }	
Mananho }	

### سرود ۲۸ بند ۹

Ahaish	به اینها
Va	تورا
noit	هرگز ، نه
Ahura mazda	ای اهورا مزدا
Ashem chā	و نیز اشا
yanaish	نیایش
zaranaema	برانگیخته خواهیم کرد ، خشمناک خواهیم کرد
Manas cha	و نیز وهومن
hyat	اوکه
Vahishtem	بهترین است
yōi	ما (که)
vē	به شما

مشتاقانه ، آرزومندانه میکوشیم

yoithemā	که پیش کنیم ، تقدیم کنیم
daseme	سرود ستایش را
Stutām	

واژه‌نامه - سرود ۳۰/۳۹

humazdrā	طریق مزدیسنی - تعلیم نیک. آموزش نیک
Ashai cha	نیز اشائی
yā	تا کی
raochebish	جهان روشن - روز
	به بینید - بیاوید - برسید
daresātā	
Urvaza	بالیده - کامل شده

سرود ۳۰ بند ۲

Sraota	بشنوید
geushaish	باگوشهاتان
Vahishta	بهترین - برترین
Avaenāta	بسنجید (آنها را)
{ Sucha	باذهن ، بادلتان
{ Mananhō	روشن
ävarenā	میان دوراه
	بیش ابر برگزیدن - تصفیه نمودن

Vichithahyā	
narem narem	مرد به مرد بامرد وزن
Khvakhyai	{ برای خود
Tanuyē	{ شخص
Para	بیش (این)
	دوره بزرگ - اجتماع بزرگ
Maze yanho	
ahmai	این (پیام)
nē	یقینا
Sazdyai	انتشاردهید - پراکنده کنید
baodantō	بیدار شوید
Paiti	هریک (از شما)

aish	بوسيله (اینها)
ashem	اشا
Nipanhe	برای خود داشته باشم
Manas cha vohu	و نیز وهومن
yavaetaite	برای همیشه - جاوید
tvem	آیا تو
Mazda Ahura	ای مزدا اهورا
fro - sisha	بیاآموزی - خواهید آموخت
mā	بمن
Thwahnāt	خودت
Vachanhē	آشکار کنم. اعلام کنم بگویم
Manyeush	بوسيله ماینوی تو
Hacha	کوئی از
Thwā	خود تو
eeanhe	دهن (باشد)
Yaish	از کجا
ā anhush	آفرینش به وجود پدید
Pouruyō	از ازل
bavat	شد - آمد

سرود ۳۰ بند ۱

At ta	اکنون از دو
Vakhshyā	خواهم گفت
Ishento	به خواهش منند - به مشتاق
yā	که
Mazdātha	آفریده مزدا هستند
hyatchit	این همه (آموزش)
Vidushe	برای دانایان
	برای اهوراست ستایشهائیز
Staota cha Ahurāi	
	نیایش به وهومن ، از وهومن
Vanheush mananho	

Ajyaitimcha	تهز مرک
Yatha cha	چنون
Anhat	انجام خواهد شد ، خواهد بود
Apemem	اراده ، قصد
Anheush	آفرینش - زیست
Achishtō	بدترین
dregvatām	برای ناراستان
et ashaune	اما برای نیکان
Vahishtem	
mano	بهترین حالت ذهنی ، دھومن

### سرود ۳۰ بند ۵

Ayā	از این دو
Mainivā	ماینیو
Varetā	در موگزیند
ye dregvā	او که ناراست است
Achishtā	بدترین را
Verezyō	می‌ورزد (بدترین عمل)
Ashem	اشا . راستی
{mainyus	یا کترین نفس
{Spenishto	
ye	هر که
	تباہ نشدنی - مامردنی

khraozdishteng	
aseno	به روشنائی
Vaste	می‌پوشاند خود را
yae cha	وهر که
Khshnaoshen	حوشنود میکند
Ahurem	اهورا را
haithyaish	به راست - درست
Shyaothanaish	اعمال
Fraoret	پس برگزیند
mazdām	مزدا را

### سرود ۳۰ بند ۳

At ta	این دو
Mainyu	کیفیت ، گوهر ، ماینیو
Pouruye	از ازل
yā	آن (دو)
yema	جفت توام
Khvafena (khva - apana)	فعال
asrvatem	خود را آشکار کردند
manahi-cha	چه به ذهن - اندیشه
Vacha hi chá	چه در سخن
Shyaothana-cha	چه در کار
hi	این دو
Vahyo	خوب ، به
akem	بد
as . cha	نیز از این دو
Hudanhō	دانا ، خوش‌دانش
	آنچه درست هست - راست را برگزینند
ereshvishyātā	
Noit tu	امانه
duzdānho	نادان - بددانش

### سرود ۳۰ بند ۴

At cha	واکتون
Hyat	هر گاه
tā	این
Hem mainyu	دو ماینیو
jasetem	پدید شدند - آمدند
Paourvim	از ازل ، نخستین
dazdē	دادند ، آفریدند
Gaem-cha	نوز زیست

mananha vohu	و دهومن
Asha. cha	نیز اشا
at kehrpem	و کالبد - تن
utayuitish	بی دریغی - جاوید
dadāt	دهد
Armaitish	ارمایتی
ānmā	مهربان - فهاض، مهربان
aeshām	آنهارا
toi	به تو
a	یقینا
anhat	خواهد بود، هست
yatha	همچنان - گویا
ayanhā	آهن
ādānaish	آزمایش
	از ازل، از نخستین، کامیاب
Pouruyō	

### سرود ۳۰ بند ۸

At cha	اما - ولی
yadā	زمانیکه هرگاه
aeshām	بر آنها
kaenā	سزا، کین
jamaiti	بیاید
aenanhām	برای گناهان
at mazda	آنکاه - پس ای مزدا
taiibyō	بر آنان
Khshathrem	خشتر - نیروی (تو)
Vohu mananha	از دهومن
Voividaité	

واضح - پدید خواهد شد

aeibyō	بر آنها - به آنها
Sasté	آموزش (داده خواهد شد)
Ahura	ای اهورا

### سرود ۳۰ بند ۶

aya	از این دو
noit	نه
eresh	راست - نیک
Vishyātā	میگزیند
daeva-china	ناراست
hyat	زیرا
ish	به آنها
ā debaomā	فریبده نزدیک شد
Peresmaneng	شک، تردید - حال پرسش

upā	}	بپاهد
jasat		

hyat	به این ترتیب
verenātā	برگزیند
achishtem-manō	نفس بدرا
at	پس
aeshmem	(بسوی) خشم
hen dvarentā	با او درویند - ساختند
yā	چنین
banyen	آلوده کردند - پلید کردند
ahum	زندگی - جان
maretanō	مردم را

### سرود ۳۰ بند ۷

Ahmai-cha	نوز به چنین (کس)
Khshathra	خشتر
jasat	خواهد آمد

سرود ۳۰ بند ۱۰

Ada	هرگاه
Zi	بقینا
avā	بر - بروی
drujo	ناراستان
avo	} فروآید - برافتد
bavaiti	
Skendō	تباهی - شکست
Spayathrahyā	پهروزی شان
at	آنکاه
asishta	} آرزوی باطن را آنان خواهند یافت
yaojanté	
	اتصال - یوغ-پیوستگی
	راست به مکان برکت - راست به مکان سعادت
ahushitoish	
Vanheush mananhō	وهومن
mezda	مزدا
ashahyā-cha	نیز اشا
yōi	در حالیکه - در صورتیکه
Zazantē	پیوسته کوشان باشند
Vanhāu	(برای) نیک، به
Sravahi	شنیده شده - آوازه، نام

سرود ۳۱ بند ۱

ta	این - اینها
vē	از شما
urvata	آئین
	یاد داشته - از بر کرده - به خاطر سپرده
marento	
agushtā	ناشنیده - گوش نداده

yōi	تا که
Ashai	اشا
dadēn	داده شوند
Zastayō	بدست
Drujem	ناراستان

سرود ۳۰ بند ۹

At. cha	دهم چنهن - باین ترتیب
Tōi	از تو
Vaem	ما
khyāmā	بشویم ، باشیم
yōi	او که
im	این
Fērashem	(Fresh) ، تازه، نو
Kerenaun	میکند
ahum	جهان تن را ، جان را
{ mazdas cha	} خداوند آفریده شدگان
{ ahuranho	
a. branā	خداوند جان
mayastrā	زندگی بکنیم
asha. cha	به رفاقت، پراز عشق
hyat	بوسیله اشا
hathra	چنین
manā	یکسر
bavat	در ذهن (mind) در دل
yathra	(هریک از ما) بشور
chistish	هرگاه که
anhat	نبروی نمیز
maethā	هست
	در شک و تردید

Ahurō	(او که) اهورا	Vachā	پیام- سخن
mazda	مزدا	Senghāmahi	می‌آموزیم - اعلام میکنیم
vaedā	دانسته شده - برقرار شده	aeibyō	به آنها
aya	میان هر دو	yōi	که
āsyā	گروه	urvataish	به آئین - گفته - آموزش
yā	تا که	drujō	ناراستان
Ashāt	اشا	ashahyo	اشائی
hacha	از (طبق)	gaethā	گیتی
javāmahi	زندگی بکنیم		مومیرانند ، تپاه میکنند

### سرود ۳۱ بند ۳

yām	آنچه
dā	میدهی
mainyu	} بوسيله روانی - مقدس } آتش
āthra. cha	
Asha. cha	اشا
coish	پیمان نموده‌ای
rānoi bya	به هر دو گروه
Khshutem	خورشندی، شادی، سعادت
hyat	آنچه
urvatem	آئین
chazdonhvadebyō	برای دانشمندان کامل - امتیاز دهند
tat	آن
ne	بما
mazdā	ای مزدا
vidvanoi	برای روشن کردن (فکر)
vaocha	بگو - اعلام کن
hizva	به سخن - به زبان
thwahya	خودت
anhō	و به دهن

Vimerenchaitē	
at chit	اما به ویژه
aeibyō	برای آنان
vahishtā	بهبتر از همه
yōi	او که
Zarazdā	دلش را
anhen	سپردم دارد
mazdai	به مزدا

### سرود ۳۱ بند ۴

yezi	از آنجا که
aish	بسیب این
noit	نه
urvāne	برای برگزیدن
adva	راه
aibi	واضح
dereshta	در نظر
vakhya	بهبتر
at va	بنابراین برای شما
vispeng	همه
ayōi	آمده‌ام
yathā	به (وظیفه)
Ratum	آموزگار (روانی)



Vaocha	برگو	yājvantō	تا که زندگان را
hyat	چه	vispeng	همه
mōi	برای من - به من	vāuraya	گرویده کنم - راهنمایی کنم
ashā	(بوسوله) اشا		
dāta	فرموده‌ای		
vahyo	بہتر، بہ		
viduyē	کہ بدانم		

### سرود ۳۱ بند ۴

vohu	} ازوهومن	yadā	هر گاه
mananha		ashem	اشا
	نیز برتر احساس کنیم	Zevim	متوجه
men cha daidyai		anhen	هستند
yehyā	در هر چه	mazda cha	نیز مزدا
mā	بر من	ahuranho	اهورا
ereshish	نیک، راست، خوب	ashi - cha	یاک
ta-chit	اینها	armaiti	ارمایتی
mazda	} ای مزدا اهورا	vahishta	بهترین
ahura		ishasa	جست، خواهم خواست
yā	آنها	mananhā	وهومن
vā	خواه	maibyō	برای خودمان
anhat	برسند - بشوند	khshathrem	خشتر
	نرسند، خواه نشوند	aojonghvat	نیرومند
noit anhaiti va		yehya	از او که
		vereda	فزون، بالیده خواهد شد
		(Vin)	پیروز - چهره خواهیم گشت
		vanaēmā	
		drujem	بر ناراستان

### سرود ۳۱ بند ۶

Ahmai	به او
anhat	هست - خواه بود
vahishtem	بهترین
yemōi	او که از من
vidva	دانشمند
vaochat	انتشار دهد، بگوید

### سرود ۳۱ بند ۵

tat	آن
mōi	به من
	تسمیم بگیرم - تا انتخاب کنم - برگزینم
Vichidyai	

واژه‌نامه - سرود ۳۱/۲۴۵

mainyu	به نفس (پاک تو)
	(باطن مادا) بالیده کن ، روشن کن
ukhshyō	
ye	که
ā nūrem chit.	تا کنون
Ahura	ای اهورا
hāmō	همان است (که بود)

Haithim	(آموزش) راست (مرا)
mathrem	ماترا (سختن پاک)
yim	که (رهنما هستند)
Haurvatātō	به خرداد
Ashahyā	و به اشا
Ameretatas cha	نوزبه امرداد
mazdai	از مزدا - مزدائی
avat	چنین
khshathrem	خشتر - نیروی مزدائی
hyat	که
hōi	در او (باطن او)
	افزون خواهد شد - می‌بالد - افزون می‌گردد
Vakhshat	
mananha	بوسیله و هومن

سرود ۳۱ بند ۸

yat	تا که
thwā	ترا
menghi	بشناسم بدانم ، بیاندیشم
Pourvim	قدیم ، آغاز ، ازلی
mazda	ای مزدا
yezim	جوانترین
Stōi	همیشه ، جاوید
mananhā	اندیشه‌ام ، فکرم ، در ذهنم
Vanheush	و هومن را
mananho	
Patarem	پدر
hyat	تا که
thwa	ترا
hem	کاملاً ، با همه
Chashmaini	بینائی ، چشم
hen grabem	برگورم
haithim	حقیقی ، راست
Ashahya	اشارا
Dāmim	آفریننده
anheush	جانداران ، موجودات
	بسرترین دادور - دادور بزرگ
Ahurem	
shyaothanaeshu	کارها ، اعمال

سرود ۳۱ بند ۷

yas ta	او که ، از آن
manta	فکر کننده - اندیشه
Pouruyō	آغاز ، قدیم ، ازل
raochabish	روشنائی ، روز
roithwen	در آید - بجهد - روان شود
khvathrā	روشنائی (آسمانی)
Hvō	خود او
Khrathwā	خود او ، در دانش او
Damish	آفریننده
Ashem	نیکی ، آئین
yā	بوسیله آن
dārayat	جاوید میدارد
	و هومن ، بهترین نفس
vahishtem mano	
ta	از آن (روشنائی)
mazdā	ای مزدا

vāstrim	شبانى
aKhyai	برای خود
Fshayantem	که شبانى کند
Ahurem	خداوند - اهورائى
ashavanem	دارنده‌راستى، نيك
vanheush mananho	وهومن
Fshinghim	افزاینده
noit mazda	نه - هرگز، اى مزدا
	شبان دروغ، شبان خود ساخته، نا شبانى
avastryō	
davās	پرهیزگار
china	گرچه
humeretoish	پیام پاک - پیام ایزدى
	بخشد - آورد، بهره مند گردد
bakhshta	

### سرود ۳۱ بند ۱۱

hyat nē	از آنجا بیکه برای ما
mazda	ای مزدا
paourvim	از آغاز - اول
gaethās. Cha	تنها، گیتی
tashō	آفریدی، ساختی
daenās. cha	روان، وجدان
thwa	تو
mananha-cha	نیز اندیشه - فکر
khratush	خرد، نیرو
hyat	از آنجا بیکه
astvantem	در قفس تن - گوشت
dadā	دادی - نهادی
ushtanem	روشنائی، شادی - زندگی
hyat	از آنجا بیکه
Shyaothnā-cha	نیز کارها را

### سرود ۳۱ بند ۹

thwoi	از تو
as,	هست، بود
armaiti	ارمایتی
thwe	از تو
ā	نیز
geushtasha	گیتی، سازنده‌گاو
as	هست، بود
Khratush	خرد، دانش
manyeush	نفس
mazda	} مزدا اهورا
Ahura	
hyat	زیرا
akhyai	به او (گیتی)
dadā	داده‌ای
Pathām	آزادی برگزیدن - راه
Vastryāt	از شبان - از حامی
vā	یا
āitē	بیرون شدن - ترك کردن
ye va	یا او که
nōit	نه
anhat	بود
vāstryō	حامی - شبان

### سرود ۳۱ بند ۱۰

At hi	پس او (گیتی)
aya	از این دو گروه
Fravaretā	برگزیند

سرود ۳۱ بند ۱۳

yā	هرگاه
Frasa	شك ، پرسش
Avishya	آشکار
yā	هرگاه
vā	یا
mazda	ای مزدا
	(ارمایتی) میپرسد بحث میکند
peresaite	
tāyā	نهان
ye	هرگاه
vā	یا
kaseush	کوچک
aènanho	گناه
à mazishtem	متحمل میشود - بزرگترین
yamaitē	کفاره ، ریاضت
ta	این
chashmeng	به چشم
thwisrā	درخشنده تر
Harō	مهیائی - مراقب هستی
aibi	به نزدیک ، به وقت
Asha	با اِشا
vaenahi	می بینی
vispa	همه

سرود ۳۱ بند ۱۴

Ta	اینها - این
Thwa	از تو

senghās-cha	سخنان آموزنده
yathra	بنا برین
vareneng	هردینی
vasā	که خواست
	یکی میتواند برگردد - به پذیرد
dāyēté	

سرود ۳۱ بند ۱۳

Athrā	بنا بر این
vāchem	سخنش ، آوازش
baraiti	بلند میکند ، میبرد
va	خواه
mithah	وهمی ، دروغ
vacha	گو - گوینده
Eresh	راست
vacha	گوینده
vidva	دانا
vā	خواه
evidvā	نادان
vā	خواه
ahyā	هریک
Zereda-cha	نیز دل
mananhā-cha	به اندیشه ، به خیال
Anush	نزدیک ، پهلو
hakhsh	ایستاده
Armatish	ارمایتی
mainyū	روان
peresaite	بحث میکند ، میپرسد
yathrā	هرچائیکه
Maethā	شك دارد

Ahuro	ای اهورا
yé	اوکه
noit	نه
iyotūm	درزندگی
hanar	سود ، لایق ، سزادار
vinasti	می‌بیند ، می‌باید
vastryehyā	نگهدارنده ، رهنما ، شان
aenanho	مکر در جدائی
eush	چاممه } از بیشتر
vir	
at-cha	
adrujyantō	راست ، نادروغ ، دوست دارنده

### سرود ۳۱ بند ۱۶

peresa	می‌پرسم
avat	این
yatha	اگر
hvō	مردی
ye	اوکه
hudanush	

خوش دانسانست - دانشمند است

demanahyā	درنمان
	برای خداوندی تو ، برای (نیروی) تو - شاهی تو

khshathrem	
viso	درشهر
shoithrahyā	دراستان
vā	و
dakhyeush	درکشور
	برای فزونی اشائی - نهکی

Ashā - Fradathai	
asperezata	صمیمانه میکوشد

Peresa	پرسم
Ahura	ای اهورا
yā Zi	چگونه - یقیناً
aiti	برآمد، شد
Jenghati-cha	
	آرزو نیز خواهد شد - خواهد آمد
yā	چه - کدام
ishudō	آرزوی باطنی - اندرونی
dadante	سنجیده میشوند
dathranām	درنامه‌های زندگی
hacha	از
ashaunō	نیکن
yas - cha	و نیز چه
mazda	ای مزدا
dregvōbedyō	ازنا راستان
yatha tā	چگونه اینها
anhēn	خواهند بود
Hen .Kereta	
	کامل شوند - کمال - به پایان برسند
Hyat	هرگاه

### سرود ۳۱ بند ۱۵

peresa avat	این می‌پرسم
yā	چه
maenish	سزا
yē	به اوکه
dregvaitē	ناراست - دروغ
khshathrem	خشتر - نیرو
	پیش‌رفت می‌دهد ، حفظ میکند ، آماده می‌سازد

hunaiti	
	بدکار - کننده ناراستی
dush - shyaothana	

### سرود ۳۱۵ بند ۱۸

mā-chish	} نباید یکی (از شما)
at ve	
dregvatō	به ناراست
athras. cha	به سخنانش
gushatā	گوش دهید
sāsnās. cha	و نیز به آموزش او
azi	زیرا او
demānem	نمان
visem vā	و جای سکونت دایمی - ده
shoithrem vā	و شهر
dakhyūm vā	و استان
ādāt	پر تاب میکند
dusnitā. cha	تباهی - آزار
markaé. cha	بلکه نیز به مرگ
ish	بنا بر این
atha	با اینها
Sāzdūm	مبارزه کنید
Snaithisha	با افزار در دانی،

### سرود ۳۱۵ بند ۱۹

gushta	گوش دهد
ye	او که
manta	درک کند
ashem	اشارا
ahumbish	

thwavās	مستغرق در تو - جذب در تو
yadā	چگونه
hvō	چنین کس - او
anhat	خواهد شد
yā	چگونه

### سرود ۳۱۵ بند ۱۷

katārem	کدم یک ازدو
ashavā	نیکان
va	یا - خواه
dregva	بدان
va	خواه
verenuitē	برمیگزیند
mazyō	برتر است ، که بهتر است
vidvā	دانا ، آگاه
vidushe	به دانایان
meraotū	توضیح میدهد - میگوید
mā	نخواهد شد
evidvā	نادان را
aipi-debāvayat	به گمراهی رهنما
zdi	باش تو - شو تو
nē	بما
mazda	} ای اهورامزاد
Ahura	
vanheush	} و هومن را
mēnanhō	
Fradakhshta	پدیدکننده

avaētās	} ناله ، درد } } سخن }	زاری
vacho		
tem		به چنین
vā		یقیناً
ahūm		جان ، زندگی
dregvato		بد
Shyaothanaish		اعمال
khvaish		از خود ، خویش
daenā		دین ، وجدان
naeshat		رهنما خواهند شد

### سرود ۳۱ بند ۲۱

Mazda Ahura	مزدا اهورا
dadāt	میدهد
Haurvato	تندرستی - کمال - عاقبت
Ameretātā	نیز زندگی جاوید، نمیرندگی
buvoish	فراوانی - سعادت، پری
ā	از
Ashā	اشا
khshathra	خشتر
sarō	الهامی
vazdvarē	روزی دهندگی - ازروزی دادن
yē	اوکه
hōi	به او
mainyu	به اندیشه - به روان
shyaothnaish - cha	نیز به عمل
urvatho	ارادت مند - صمیمی - مطوع

vidvā	دانا
ahura	ای اهورا
Erezukhdai	
	سخن راست - آموزش راست
vachanhām	سخنان
khshayamnō	لایق ، توانا ، خداوند
khizva	زبان
vasō	روان - فصیح
thwa	ارتو
Athra	آتش
Sukhrā	تابناک - سرخ
mazdā	ای مزدا
	نصیب میدهید - قسمت میکنید

Vanhā vidātā	
ranayā	به دوگروه

### سرود ۳۱ بند ۲۰

yē	اوکه
āyat	پیروزی میکند
ashavanem	آموزگار، نیک را
divanem	روشنائی
hōi	از او - او را
apareṃ	پس از این (زندگی)
khshayō	مسکن - مقام
daregem	دراز
ayō	عمر، زمان
temanhō	درتاریکی

بدخوردنی ، ناپدید به روشنائی، بدروشنائی

dushkhvarethem

hamōi manoi	به همان نیت.
AhuraHyā mazda	اهورمزدا
urvāzemā	برای یافتن برترین سعادت
Thwoi	از تو ، به تو
dŪtanhō	پیامبر
ānhāmā	کاش بشویم
Teng	تا آنرا
dārayo	پس دانیم
Yōi	که
Vā	به شما
daibishenti	نفرت کننده، نادوست، دشمن

### سرود ۳۲ بند ۲

aeibyō	به آنان
mazda Ahura	مزدا اهورا
Saremnō	اتصال - الهام کرد
Vohu mananha	(بوسیله) وهومن
Khshathrāt	وخشتر
hachā	از
Paitimraot	پس گفت ، پاسخ داد
Asha	با اشا
hush - hakha	دوست خوب ، رفیق نیک
Khvenvatā	روشن ، بافر ، باجلال
Spentām - armaitim	سپنتا ارمایتی
Vē	برای شما
Veremaidi	برگزیدیم
ha	او (ارمایتی) را
ne	ازما
anhat	باشد ، بشود

### سرود ۳۲ بند ۳

At	اما
Yush	شما

### سرود ۳۱۵ بند ۲۲

chilhrā	آشکار - واضح
i	(آموزش) این - اینها
Hudānho	دانا - خداوند دانش
yathanā	وهم چنین
vaedemnāi	به او که درک کرده
mananhā	دزهن
vohu	وهومن را
hvo	چنین شخص
	به خشتراى ایزدی - به خشتراى خوب
khshathra	واشا
Ashau	بزیبان - به سخن
vachanha	نوز به عمل
shyaothna . cha	تجلیل میکند - بزرگ میسازد
hapti	واو، وچنین شخص
hvo	به تو
tōi	
mazda	} مزدا اهورا
Ahura	
vazishto	لایق - سزاوار - بسیار با کفایت
anhaiti	خواهد شد، هست
	رفیق - موافق - همراه - کارکن - یاور
astish	

### سرود ۳۲ بند ۱

Ahya	و نیز به او
	او که بر خود اعتماد دارد، خویش، خود توانا
Khvaetush	نماز مهربان - میستاید
Yāsat	به او
Ahya	همکار ، ورزیده
Verezenem	با
mat	بهمی خواه ، دوست
airyamnā	به او
Ahya	دیویستی
daēvā	



Khrateush	خرد - اراده	Daeva	ای دیو (یسنها)
nasyantō	روگردان - گمراه	Vispanhō	همه
Ashāat - cha	از اشا	AKat mananho	روان ناپاک - اهریمن

### سرود ۳۳ بند ۵

Ta	بدین سان	mash	بسهار - بزرگ
debenacta	فریب دادید	Yazaite	گرامی دارد
mashim	مردم را	drujas-cha	از ناراستی
hujyatoish	به زندگی خوش	Pairi-matoish-cha	واژ خود غرضی
ameretātas-cha	و نیز جاوید	Shyaomnām	کارها - اعمال
hyat	همچنان که	aipi	بلکه
vā	شما	daibitāna	فریب - دورویی
aka mananha	از اهریمن	Yaish	آنجا
yeng	شما	asrūdūm	معروف - پر آوازه
Daeveng	دیویسنها	bumiya	دربوم
Akas mainyush-cha	از اهریمن	hapaithe	هفت
aka	ناراست		

به این روش زندگی - به این کارها

shyaothnem	
Vachan ha	سخن
ya	هر گاه
fra-chinas	آموخت ، پیمان کرد
dregvantem	به ناراستان
khshyō	برتری ، خداوندی

### سرود ۳۳ بند ۶

pouru-aenā	سخت گنه کار - پر گنه کار
fenakhshta	(ممکن است) کامیاب گردد
yaish	پر آوازه کند - (و خود را) شهرت دهد
srāvayēite	

### سرود ۳۳ بند ۴

Yāt	بدین سان - چنین
Yush	شما
ta	اینها
framimatha	فاسد شدند
Yā	تا آنجا که
mashya	مردم را
achishta	بدترین (میکنند)
vakhshente	مخاطب میشوند - نامیده شدند
Daeva	دیو (یسنها)
Zushtā	دوست ، عزیز ، گرامی
vanheush mananho	از وهومن
Slzdyamnā	خود را جدا
mazda ahurahyā	مزدا اهورا

واژه‌نامه - سرود ۳۲ / ۲۵۳

mazda	ای مزدا
{ vaedishto	میدانی
{ ahi	بهر

yezi	گرچه
taish	به آن روش (زندگی)
atha	به آن اندازه - به اندازه‌ای
hātā-mar-anē	آگاه هستی - به یاد داری
Ahura	ای اهورا

سرود ۳۲ بند ۸

aesham	میان اینها
aenanhām	مادی - گنه کاران
Vivanhusho	وی ون وت
Sravi	شنیده شده ، گفته شده
yimas-chit	ونیز بیما
ye	اوکه
mashyeng	میرندگان - مردم
chikhshnusho	خوشنود ساخت
ahmaKeng	ما

vahishta	بهترین
voista	میدانی
mananha	ذهن - نفس
thwahmi	درتو - از تو
Vē	به راستی
mazda	ای مزدا
khshathroi	توانائی ، خداوندی ، شاهی
Ashae-cha	و نیز اشا
	دسغور ، فرمان روان خواهد شد
Senghō - vidām	

geush	جهان تن - گیتی
hagā	بخت ، بهبودی ، خوشنما
khvaremno	روشن
aesham chit	از اینها
{ ā	ممتاز ، جدا
{ ahmi	شمرده میشوم ، هستم
{ thwahmi	نزد تو - به تو
{ mazda	ای مزدا
{ vichthoi	ممتاز ، جدا
api	روز واپس

سرود ۳۲ بند ۷

aeshām	میان آنان
aenanhām	گنه کاران
naē-chit	هیچ کس ، هیچ چیز
Vidvā	میدانند ، میدانند
aojō	بلندی ، پیش رفت
hādrōyā	به کوشش
yā	چنانکه
jōyā	از زندگی
Senghaite	آموخته شد
yaish	همچنان
Srāvi	میکوئید
{ khvaēna	به آنماش آهن گداخته
{ ayanha	

سرود ۳۲ بند ۹

Dush-astish	آموزگار بد
Sravi	نوشته دینی - شنیده شده
morehdat	تباه میکند - میمیراند
hvō	او (یقیناً)
iyateush	زندگی

yaeshām	از چنین آنان
Tu	تو
Ahura	اهورا
irikhtem	انجام

dsdāt	میدهد - برمیگرداند	sehghanaish	به آموزش خود
yas - cha	نیز او	Khratum	روش ، نقشه ، طرح
vashtra	توانائی روانی ، غذای روانی	apā	دور
vivāpat	پلید ، مسموم	mā	یقیناً
yas-cha	نیز او	ishtim	خداوندی ما ، ارب ما ، نیروی ما
vadarē	این افزار (رزم)	yanta	دور میسازد
voizdat	می افکند ، می پراند	berekhdhām	گران بها
ashaune	برنیکان	haithim	پی بردن ، دانستن
		vanheush mananho	دانش ایزدی و هومن

### سرود ۳۲ بند ۱۱

taē - chit	مردمی مانند اینها	ukhdha	سخن
mā	یقیناً	manyeush	دل ، باطن
morenden	تباه میکند - فاسد میکند	mahyā	از من
iyotūm	(روش) زندگی ما	mazda	ای مزدا
yōi	آنان	Ashai-cha	نیز اشا
dregvato	ناراستان	yushmaibyā	هر دو شما
mazibish	بزرگی - شکوه	gereze	{ شکایت ، فریاد میکنم { التجا میکنم
chikoiteresh	تصور میکنند - میپندارند		

### سرود ۳۲ بند ۱۰

anuhish - cha	چه در زنان بلندرتبه	Hvō	او - چنین
anhvas - cha	چه در مردان بلندرتبه	mā	یقیناً
apayeiti	ناز میدارند	nā	کس ، شخص
raēkhenanhō	صلییدن - ترک کردن	srava	نوشته الهامی ، نامه دینی ، شنیده شده
vaēdem	به رسیدن - هدف	morenodat	تباه میسازد
yoi	آنان	ye	هر گاه
vahishtāt	از برترین - بهترین	achistem	سخت گناه
ashaunō	نیکان را	vaenanhē	دیدن
mazda	ای مزدا	gām	گیتی - زمین
Rāreshyan	جدائی - آزار - پیوسته قانع میشوند	ashibyā	با چشم
mananhō	نفس را - ذهن را	hvare - chā	نیز خودشید - نیز خود

### سرود ۳۲ بند ۱۲

yā	به چنین	dasheng	روان پاک - دارنده ذهن روشن
		dregvato	پیرو ناراستی - دروغ

yaē-cha	و آنان	ranhayen	آنان روگردان میشوند
mazda	ای مزدا	sravanhā	شنیده شده ، آموزش
jigerezat	فرباد خواهند کرد	vahishtat	از بهترین
kāme	و التجا خواهند نمود	shyaathanat	از کار
thwahya	از این (پیام‌دهنده) تو	maretanō	مردم - میرندگان
mathranō	سراینده سرود	aeibyo	از اینها
dutim	برام پیام	mazdā	مزدا
ye ish	او، از آنان	mraot	فرموده ، سخن‌گفته
pāt	خواهد پائید	aka	پاداش ، سزا ، مکافات
dareshāt	تهدید	yoi	آنان
Ashahyā	به‌اشا	Geush	آفرینش ، درگیتی
		morenden	فاسد میکنند ، تباہ میسازند
		urvakhsh	از دلکش

### سرود ۳۲ بند ۱۴

ahya	اورا	ukhti	سخت‌ان
grehmō	گرهه	jyotum	زندگی
ā hōithōi	به‌دام افکند	yaish	تا که
ni dadat	متوجه کرده‌اند - داده‌اند	grehma	نام رهبر دیویستی ، گرهه
kavayas : chit	و نیز کوی	ashāt	بجای اشا
Khratush	خرد ، ذهن	varetā	برتری میدهد
varechāhi - cha	برز، و نیز کوشش آنان	karapa	تیره دیویستی را نیز، کرپه را
fraidivā	از زمان باستان	khshathrem - cha	نیز نیرو
hyat	زیرا که ، برای	ishanām	پی‌چیزی‌رفتن ، خواهش ، جنبش
visenti	نزدیک شده‌اند	drujem	آنانکه پی‌بندی هستند ، ناراستان
gaush	مادی ، جهان‌تنی ، گوشتی		
dregvantam	به ناراستان		
avō	برای یاری		
hyat	و نیز زیرا که		
jaidyai	به‌مرگ		
mraoi	گفته‌شده ، اعلام‌شده ، محکوم‌شده		
yē	به‌امید که		
	ناشکست - تباہ‌نشدنی ، یکی از القاب هوم		
duraoshem			
saochayat	بشتابند		
avō	برای یاری		

### سرود ۳۲ بند ۱۳

Ya	هرچه
khshathra	نیرو
grehmō	رئیس دیویستی ، گرهه
hishasat	امیدواراست که بپاید-میخواهد
Achishtahya mananho	اهریمن-نفس‌بد
demane	احاطه ، نمان ، خانه
anheush	زیست
marekhtārō	تباہ‌کننده
ahyā	از او

mazda }	مزدا اهورا
Ahura }	
Yehyā	هرکه
mā	بهمن
aithish }	نقشه‌ها
chit }	
dvaetha	بسیار - گوناگون
hyat	دشمنی - نفرت
hyat	بنا برین
aenanhe	در آزار - درستم - در گناهکاری
dregvato	ناراستان
Eeanū	سوی
Ishyeng	ارادت‌مندان
anhaya	بازداشتن - زنجیر - پابندی

### سرود ۳۲ بند ۱۵

Anaish	به این ترتیب ، چنین
ā	یقیناً
	کاملاً به ناکامی - کاملاً به نابودی
vinenāsā	این
yā	چه کویه
Karapōtās-cha	چه کوی
Kevitas-cha	توسط همین‌ها
avaish	که آنان مقرر داشتند
aibi-dainti	به آنان که
yeng	نه
nōit	بر زندگی
jayateush	شاهی - خداوندی
Khshayameng	کاملاً
Vaso	اینها
tōi	از توام - از جفت
ādyā	برنده - برده
bairyānte	و هومن
Vanheush }	مکان ، نماز
mananho }	
demane	

### سرود ۳۳ بند ۱

yathaish	بنا بر این‌ها - به وجب اینها
Itha	اینجا (در گیتی)
Vareshaite	خواهد ورزید
yā	اینها
dātā	داد ، آئین
anheush	از زندگی
Paouruyehya	از ازل، از باستان، اساسی
Ratush	رهبر دینی
Shyaothnā	عمل خواهد کرد
razishta	به کمال راستی (داد)
	به دیویسنی ، به آنانکه ناراست هستند

### سرود ۳۲ بند ۱۶

dregvatae - cha	و هم چنین
hyat cha	به مز دیسنی ، به نیکان
ashaune	هرکه
Yehya - cha	آمیخته شده اند
hem e myāsaiti	به ناشایستگی - اغلاط - اشتباه
mithahyā	و نیز هم چنان
ya cha	از آنان
hōi	

Hamem	یگانه ، هم رنگ ، هم مانند
tat	این (هست)
Vahishta-chit	بهترین مکان - بهشت
ye	بنا برین
ushuruye	به پیروی
Syas .chit	آموزش راست
dahmahyā	از دانشمندان
Khshayās	تو توانا هستی - خداوند هستی

واژه نامه - سرود ۳۳ / ۲۵۷

Verezenyo	ورزن
airyamna	یا اریمنه
Ahura	ای اهورا
Vidās	پرورش - مکیدن - تنذیه
Va	با - خواه
th wakhshanha	با جوشش - به صمیمیت
Gavoi	گاوگیشی - گیتی
at	یقیناً
hvō	او - چنین کس
ashahya	با اشا
anhat	میماند - هست
Vanheush . cha	و نیز در وهومن
mananho	
Vastre	جای ماندن ، پناهگاه ، چراگاه

سرود ۳۳ بند ۴

yē	بنا بر این
thwat	از (پرستنده) تو ، از تو
Mazda	ای مزدا
asrushtim	نشیدن ، بی ایمانی
{akam . cha	و نیز بدی
{manō	اندیشه
yazai	نماز میبرم - دعا میکنم
apā	دور شوند
Khvaetush-cha	و نیز از خویبتوش
	تکبر ، ناگرویدن ، افکار فاسد - گمراهی
taremaitim	
Verezenakhya	واژ ورزنه
mazdishtam	نزدیکترین (خویش)
drujem	دروغ ، مخالفت
airyamnas-cha	واژ اریمنه
{mantum	مسامحه ، بی اعتنائی (توجه - اعتنا
{achistem	بداعتنائی - بدپشتیبانی (بد
nadentō	تهمت ، دشنام

ārezvā امتیاز ، راستی ، شایستگی

سرود ۳۳ بند ۲

At	نیز - و
Ye	هر که
akem	خنثی کردن - مانع شدن - بدی
dregvaitē	پیروان ناراست - دیویستی
Vachanha	به سخن
Vā	خواه
at vā	خواه بلکه به
mananha	به اندیشه
Zastoibya	به دست ، یعنی به عمل
Vā	خواه
Vareshaiti	می ورزد - عملی میسازد
Vanhau	به (راه) خوبی به (راه) راست
vā	خواه
choithaite	به دستوردادن - آموختن
astim	رفیق ، دوست ، همکار را
tōi	آنان
Varai	مقصود - اراده (ترا)
rādenti	بجا می آورند - کامیاب میکنند
Ahurahya	برای اهورا
{Zaoshé	از روی ارادت - محبت
{mazda	مزدا

سرود ۳۳ بند ۳

Ye	هر که
ashaune	به نیکان
Vahishtō	بهترین (رفتار میکند)
Khvaetu	خواه خویبتوش (باشد)
vā	یا
at va	خواه کسی از

ahmāt	از او
avā mananha	از او بوسیله وهومن
ye	آن
verezyeidyai	به انجام برسانم ، به ورزم
	تصور شده ، اندیشه شده ، چنانچه نقشه کشیده
mantā	
Vāstryā	شبابی ، پاسبانی ، نگهداری
ta	بنا برین
toi	از تو
izyai	تنامایکنم ، خواستارم
Ahura Mazda	ای اهورمزدا
darshoish cha	دیدار (تو)
	مکالمه ، هم‌پیوستگی ، وصال
hem – parshtoish	

### سرود ۳۳ بند ۷

ā	به
mā	سوی من
aidum	بیا
Vahishta	ای بهترین
Khvaithyā-cha	در شخص خود
Mazda	ای مزدا
dareshat-cha	کاملاً آشکارا، دیده شده
Asha	نیز - ای اشا
Vohu mananha	و ای وهومن
yā	تا
Sruye	شنیده شوم
pare	آنسوی
magaunō	برادری مگا
avish	پدید
mā	بما
antare	اندر ؛ میان
hentu	و بشود

geush . cha	گاو، نیز از کیتی
Vastrāt	شبابی ، نگهداری ، چراگاه

### سرود ۳۳ بند ۵

Yas	بنا برین
tē	از خودت
	توانا تر از همه - بزرگتر - بوسیله اشا ، برتر از همه
Vispe mazishtem	
Seraoshem	سروش
Zbayā	دعا خواهد کرد . خواهد خواست
	برای رسیدن به هدف ، برای کامیابی
avanhāne	
apāno	ناپل شده ، رسیده
darego-jyaitim	زیست دراز
ā	تا
Khshathrem	به کشور ، به مکان
Vanheush mananho	وهومن
Ashāt	به وسیله اشا
ā erezush	به راست
pathō	راه
yaeshū	آنجائیکه
Ahura Mazda	اهورمزدا
Shaeti	میماند ، شاعی میکند

### سرود ۳۳ بند ۶

Ye	بنا بر این			
Zaota	موبد، خواننده سرود			
asha	دراشا			
erezush	مستقیم - استوار ، راست			
hvō	او (با کلمه توجه)			
{	manyesh	اندیشه ، روان ، مینو		
			a - Kayā	دعا میکند
			vahishtāt	بهترین

واژه‌نامه-سرود ۳۳/۲۵۹

mainyō	نیروی ایزدی	nemakhvaitish	پراز نماز - ارادت
	فزون‌کننده اشا (راستی)	chithra	آشکار ، روشن ، واضح
asha okhshayanta		rātayō	وظایف
Khvathrā	توسط روشنائی ایزدی		
maethā	برسم ، بیایم		
mayā	و دانش		
Vahishta	} بهترین } عقل ، سینه ، اندیشه		
mananha		و هومن	
ayā	این دو	Frō	به توجه ، به دقت ، در بهترین صورت
āroi	از یلندی	moi	ازما
hākurenem	خوشبختی توأم ، سعادتمند توأم		ملاحظه ، قضاوت ، توجه ، داوری
baratu	بهاورد	Fravolzdūm	
Yayā	آنانکه	aretha	مقصود ، قصد
hachinte	یکسان	tā	همه
urvanō	روان (کار میکند)	Yā	آنکه
		Vohu mananha	و هومن
			جنبش ، حرکت ، پیروی خواهم کرد

سرود ۳۳ بند ۸

سرود ۳۳ بند ۱۰

Vispās	همه
toi	از تو (هستند)
Hujitayō	نیکان ، زیست خوش ، زندگی نیک
Ya Zi	که یقیناً
anharē	بوده‌اند
Yās - cha	و کدام
henti	هستند
Yās - cha	و کدام
Mazda	ای مزدا
bavainti	خواهند بود
thwahmi	از تو
hish	همه (اینها)
Zaoshe	جوشش ، عنایت ، مهربانی
abakhshōhvā	بهره‌مند کنید - بخش کنید
Vohu mananha	و هومن
ukhshyā	بالیدگی ، افزونی
Khshathra	بوسیله خشن

Frō	به توجه ، به دقت ، در بهترین صورت
moi	ازما
	ملاحظه ، قضاوت ، توجه ، داوری
Fravolzdūm	
aretha	مقصود ، قصد
tā	همه
Yā	آنکه
Vohu mananha	و هومن
	جنبش ، حرکت ، پیروی خواهم کرد

Shyavāi	پرستش
yasnem	ای مزدا
mazda	(نیروی) مانند شما ، مانند شما
khshmvavato	و هم چنین
at vā	از اشا
Ashā	ستایش
Staomyā	سخن
Vacha	دهید شما
dā tā vē	هم چنین امرداد
ameretatas - cha	زیست جدید
utayuiti	خرداد
Haurvatāt	سعادت ، برکت
draonō	

سرود ۳۳ بند ۹

at tōi	از تو یقیناً
mazda	ای مزدا
te	این دو



پاداش ستایش من - پاداش نماز من	Asha - cha	ونیز اشا
Zavō ada (adazavō)	ushta	به خورسندی، به روشنائی
(Zava = hava (نماز، خواندن)	tanŪm	به خودمان - به شخص ما
Asha		توسط اشا
hazo		توانائی، جنبش، فعالیت
Emavat (کاملا (بده)		(توانائی، فعالیت)
Vohu mananha		وهومن
FeseratŪm		یاری به همه، همدردی عمومی، مهر (به زندگان)

### سرود ۳۳ بند ۱۱

ye	تو (هستی)
Sevishto	توانا ترین
Ahurō	اهورا، خداوند وجود
Mazdas	نیرمزا - خداوند دانش
armaitish - cha	نیز ارمایتی
manas - cha vohu	نیز وهومن
khshathrem - cha	نیز خشتر
ashem - cha	نیز اشا
fradat-gaethemcha	نیز برکت دهندۀ زندگی

### سرود ۳۳ بند ۱۳

Rafedhral	رامش - خورسندی سعادت
Vouruchashāne	همه بین، دوربین
doishi	آشکارشو
moi	بمن
yā	از آنها
Ve	از تو
abifra	(بخشش؛ ارمغان) گران بها
ta	آنها
Khshathrahyā	از خشتر
ahurā	ای اهورا
yā	آنکه
Vanheush mananhō	وهومن
ashish	سعادت، خوشبختی
Fro	واضح
Spenta armaitē	ارمایتی پاک
Asha	توسط اشا
Fradakhsaya	
ما را به حقیقت آگاه کن ( که به وجدان آگاه	
گردیم - معرفت باطنی به ادراک ما درآید)	
daenā	وجدان

Sraōta	} بفریاد من برسید؛ بشنوید
moi	
meresz- dātā	} بر من رحم کنید
moi	
ādāi	چون قسمت کنید (پاداش)
kahya chit	هریک
paiti	به هریک

### سرود ۳۳ بند ۱۴

us uzareshva	در آ، طلوع کن، بر آ، دید شو
moi	بمن
Ahura	ای اهورا
armaiti	توسط ارمایتی
tevishim	نیروی روانی
dasvā	به بخش - بده
Spenishta	توسط سپنتا ماینتیو
Mazda	ای مزدا
vonhuyā	خوبی، بهی

tōi	از تو
ahura	اری اهورا
Ehmā	بمانیم
pourutemās	صمیمی‌ترین - فعال‌ترین
destē	به تقدیم

### سرود ۳۳ بند ۱۴

at	بنا برین
rātām	(بصورت) نیاز
zarathushtrō	زرتشت (پیش‌میکشد)
tanvas - chit	همه تن
khvakhya	از خود - خود را
ushtanem	باطن - وجود - نیروی زندگی
dsdaiti	اهدا میکند
paurvatatem	برجسته‌ترین نتیجه عملش
mananhas - cha vanheush	بهترین اندیشه
mazdai	به مزدا
Shyaothanahya	و (بهترین) کار
Ashai - cha	به اشا
ukhdakhya-cha	و (بهترین) سخن
Seraoshem	(وصمیمی‌ترین) ارادت
khshathrem	به خشت (اهورمزدی)

### سرود ۳۴ بند ۲

at cha	و نیز
i	فقط - تنها
tōi	در تو
Mananha	توجه، اندیشه
Mainyeush vanheush cha	نیز و هومن
vispā	همه
dātā	آئین - داده شده - آموزش
spentahya cha neresh	پاک مردان
Shyaothna	کارها - اعمال
yehyā	از آنکه، آنانکه
urvā	روان
ashā	با اشا
hachaite	یکسان، هم‌رنگ
pairi gaithē	راهنمایی کن به نزدیکی
khshmavatō	به شما
vahmē	در نماز در پرستش
Mazda	ای مزدا
garōbish	توسط خوانندگان -
stūtām	نغمه‌گو - آوازخوان ( به هندی گائی دالی ) - توسط خوانندگان - سرودها

### سرود ۳۴ بند ۱

ya shyaothanā	به اعمال - کار
ya vachanhā	به سخن‌ها
ya yasna	به پرستش، ستایشی
ameretātem	امرداد، زیست جاوید
ashem-cha	و نیز اشا
taeibyō	سوی (آدمیزاد)
danhā	می آورم
Mazda	ای مزدا
khshathrem - cha	و خشت
haurvatatō	کمال (توسط) کامل شدن خرداد
aeshām	(امشاسپندان) از آنها

### سرود ۳۴ بند ۳

At	و
----	---

daibish yante	در باره منکران-ناگرویدگان	toi	به تو
zasta - ishtaish	بر گرداندن دست - به اشاره دست	mizdem	سزاوار - پاداش - داده شود
dareshtā	می بیند	Ahura	ای اهورا
aenanhem	(به نگاه) ند - گنده کار	nemanha	به فروتنی و نیاز
		Ashai	به اشا
		dāmā	خواهیم پرداخت، خواهیم داد
		gaethā	زیست ها، گیتی
		vispa	همه
		ā	اندر
		khshathroi	زمین تو، کشور (تو)
		ya	آنکه

### سرود ۳۴ بند ۵

kat	چه اندازه (بزرگ است)	vohu mananshā	وهومن
vē	از شما	thraoshtā	به انجام می رساند
khshathrem	نیرو- توانائی	āroi	در فضای دور در کشور بریں - بهشت
ka	چه اندازه (عمیق است)	zi	زیرا
ishtish	آرزو- خواستاری (من)	vispaish	چوینده، حقیقت، به دانستن، به بیننده، با بصیرت
shyaothnai	برای خدمت	mazda	همواره، همه وقت
mazda	ای مزدا	khshnavasū	ای مزدا
yatha	تا که	savō	میان شما شادی، سعادت
va	باشما		

hakhmi	یگانگی بشوم - به پیوست باشم، درست باشم
asha	(نیز) به اشا
vohu manaha	و نیز با وهومن
thrāyōidyāi	برای پاسبانی، حمایت
drigūm	درویش، ارادتمندان، نمازگزار
yushmakem	از شما
parē	برتر
vā	از شما
vispaish	(دیگر) همه
pare	برتر - جدا
Vaokhemā	ما خواهیم گفت
Daevaish-cha	چه از دیوها (دیویسنیها)
mashyaish-cha	و چه از مردم
khrafstraish	بدکار

### سرود ۳۴ بند ۴

At	و
toi Atrem	برای آتش تو
ahurā	ای اهورا
aoJonhvantem	نیرومند، بلندرتبه
asha	توسط اشا، از اشا
usemahi	خواهش مندیم، آرزوداریم
asishtem	که شایسته آرزوست
emavantem	و تواناست
stoi	همواره
rapantē	به گرویدگان - به مومن
chithrā avanhem	دهنده باری آشکار
ət	اما
mazda	ای مزدا

واژه‌نامه — سرود ۳۴ / ۲۶۳

mazda	ای مزدا		
yōi	آنانکه		
Vanheush mananhō	وهومن را		
Vaēdemnā	دانسته		
Senhush	به آموزش		
raekhenā	از میراث حقیقی ما		
aspen chit	در نبودن بخت — بدبختی		
Sadra-chit	و در پریشانی — سختی		
{	chakhrayō ساخته‌اند ushī هوش urū از او		
		nae-chim	نه یکی
		tem	از آنان
ānyēm	دیگر		
yushmāt	جز شما		
Vaēdā	میشناسم — میدانم		
Asha	توسط اشا		
atha	بنا بر این — همچنان		
nā thrazdūm	بما پناه می‌دهید		

سرود ۳۴ بند ۶

yezi	از آنجا نیکه
atha	چنین هستید
Stā	هستید
haithim	حقیقت، راست
mazda	ای مزدا
asha	ای اشا
vohu mananha	ای وهومن
at	بنا برین
tat	چنین
moi	بمن
dakhshtem	رهنمائی
dātā	دهید
ahya	از این
anheush	زندگی تن
vispa	همه
maethā	تحولات، تغییرات
yatha	چنانکه
vā	از شما
yazemanas - cha	پرستنده
urvaidya	بندهای روانی — زنجیرهای روانی
stavas	ستاینده
ayeni paite	بازگشت، من آزاد باشم

سرود ۳۴ بند ۸

Taish	از اینها
Zi	یقیناً
nā	از ما
shyaothnaish	کارها، فعالیت
byentē	آیا ترسیده‌اند
yaish	آنانکه
as	—
aoJa	بلند، توانا
naidyanhem	ستم دیده — بدآزاردیده
thwahyā	از تو
mazda	ای مزدا

سرود ۳۴ بند ۷

Kuthra	کجا
toi	هستند، اینها
aredrā	با احساس، گرویدگان، ارادت‌مندان

سرود ۳۴ بند ۱۰

Ahya	به چنین
vanheush mananho	وهومن
shyaothnā	کار (او)
vaochat	می آموزد، میگوید
gerebām	بگیرند
hukhratush	پارسای دانشمند
spentem - cha	} ارمایتی پاک
armaitim	
dāmim	آفریده شده، مخلوق، ریشه
vidvā	دانسته (اوراکه هست)
haithyām	همیشه موجود، حقیقت، راست
ashahya	از اشا
ta - cha	و آنان
vispā	همه
ahura	ای اهورا
thwahmī	از تو
Mazda	ای مزدا
Khshathroi	بخشتر، نیرو
ā vōyathrā	توسط (این) دانش - آگاهی

سرود ۳۴ بند ۱۱

at	و
Thoi	از تو
ube	هر دو
haurvas - cha	چه خرداد
Khvarethai	روبه روشنائی - سوی روشنائی

āstā	نفرت، سرتابی
urvātahyā	آئین
yoi	اوکه
noit	نه
ashem	اشا را
	به ذهن دارد، توجه میکند
mainyantā	
aeibyō	از آنان
duire	دور (مهماند)
vohu mano	وهومن

سرود ۳۴ بند ۹

yoi	اوکه
spentem armaitim	ارمایتی پاک را
Thwahya vidush	پارسای دانشمند تو
berekhdhām	گران بها، گرامی
dush - shyaothanā	(اوکه) به کاربرد
	مورد، سرتابی میکند، ملوث، کثیف میکند
avazazat	
vanheush mananho	به وهومن
evisti	از نادانی
aeibyō	از چنین کس
mash	(خود را) ...
ēsha	با اشا
syazdat	دور میشود - جدا میشود
yavat	چنانکه
ahmat	از ما
aurunā	وحشی، بی تربیت، بی فرهنگ
	حشرات، موزی، بدکاران
Khrafstra	

vidāyāt	بهره ما (بشود)
ashish	پاداش، سعادت
rashnām	فرمان تو - دستور تو
sisha	رهنمائی کن
nā	ما را
asha - patho	به راه اشا
Vanheush mananho	توسط دهومن
Khvaēteng	(راه) خود شناسی

ameretatās cha	چه امرداد
vanheush mananho	} دهومن
Khshathrā	
	توسط نیروی دهومنی دهومن
	بالیده خواهند نمود ، فزون خواهند کرد

vakhshat	
Asha	اشا
mat	با
armaitish	ارمایتی
utoyuiti	جاوید زیست تو
tevishi	وتوانائی (روانی)
taish ā	وتوسط اینها
Mazda	ای مزدا
vidvaesham	بردشمن تو - برضد تو
Thwoi	پیروز
ahi	خواهی بود - هستی

### سرود ۳۴ بند ۱۳

Tem	آن
advānem	راه
ahurā	ای اهورا
yēm	آنکه
moi	بمن
mraos	نشان داده‌ای - گفته‌ای
vanheush mananho	از دهومن
daēna	آموزش ، دین
Saoshyantām	نجات دهنده - سوشینت
ya	یعنی آنکه
hū - kareta	کار نیک
ashā	(ملهم شده) از اشا
urvakhshat	بالیده میشود - تا دور میرود
hyat	آن ، آموزش ، آنکه
chivishtá	طرح شده ، اندیشه شده، تهیه شده
hudābyō	برای روشن بینان - دانایان
mizdem Mazda	و به پاداشی رهنمایت ای مزدا
tū dathrem	} که هدف آن توهستی } اساسی - بهره

### سرود ۳۴ بند ۱۲

Kat	چه
tōi	(هست) از تو
rāzare	هدف اساسی ، دستور، فرمان
Kat	چه (هست)
Vashi	خواهش ، اراده
Kat	چه (هست)
Vā	در باره
stutō	ستایش ، ستون
Kat va	چه (هست) در باره
Yasnahyā	پرستش ، نماز
sruidyai	برای شنیدن (و عمل کردن)
Nazda	ای مزدا
Frāvaochā	بفرما برگو
yā	برای بکنه ، تا

moi	بعن
vahishta	بهترین
sravas cha	وشنیده شده - سخن
Shyaothanā - cha	و عمل - کار
Vascha	سخن - پیاموز - فراگو
Ta	(هر دو) اینها
Tu	یقیناً
vohumananhā	(توسط) وهومن
Asha cha	واشا
ishudem	(پدید خواهند کرد) آرزو
stuto	نمازها - ستایشهای مرا
	بوسیله اراده - بوسیله نیروی تو
Khshmake	
ahura	ای اهورا
	انقلاب اخلاقی ، بهتری / تازه ، تجدید
Ferashem	

### سرود ۴۳ بند ۱

	شاه یا خداوند با اراده - توانا
Vase Xsayas	
dayāt/ḍo	بخشیدن ، دادن
utayuiti	زندگی نو، همواره
tevishim	توانائی
gatoi یا gattoi/ḡam	
	(gatom) پیش رفت ، گام زدن ، ابر رفتن
vasemi/vas	خواستن
wish	به سنسکرت - vasm - به انگلیسی
daredyal/dar	برداشت ، نکه داشت
	به سنسکرت /dhr به یافتن

### سرود ۳۴ بند ۱۴

Tat	آن
zi	یقیناً
Mazda	ای مزدا
Vairim	گران بها ، برگزیده
astvaité	تنی
ushtānai	زیست ، روان ، جان
dātā	داده خواهد شد
	برای کارملمهم شده از وهومن - برای کار وهومنی
vanheush mananho }	
thyaothnā }	
yoi zi	برای آنکه
geush	مادرگیتی را
verezene	می‌ورزند - خدمت میکنند
azyā	با نتیجه - بابر
Khshmakam	وازشما
hu - chistim	نقشه پاک - نقشه خوب
ahura	ای اهورا
Khrateush	با اراده شما - باخرد (شما)
ashā - Fradō	فزون‌اشائی
Verezena	همکاری - با هم ورزی

### سرود ۳۴ بند ۱۵

Mazda	ای مزدا
at	بنا برین

واژه‌نامه - سرود ۴۳/۴۶۷

savas = savahz = سنسکرت  
 Patho به انگلیسی Path راه  
 sishoit/sah = sk . sās

نشان دادن ، آموختن  
 هندیست ، سچ - راستی ، درستی

Haithyeng . sk . satyau

stish جهان ، وجود ، هستی

āshaeiti/sī + a = sk/āksi

اقامت کردن ، ماندن

Aredrō وفادار ، بیباک ، ارادت‌مند

ThWāwas ماندند تو

سرود ۴۳ بند ۴

شناسائی ، اندیشه ، خواهش

menghai /men = Sk . mansai

taxmem تهم ، توانا ، تخم

spentem پاک

hyat آنکه

zasta نیرو ، دست

پیش رفت دادن ، بر آوردن

hafsi /hap = sk . sep

ava آرمان ، آرزو

ashish پاداش - سعادت - آئین

Eng. warm و sk.gharm = روشن ، گرم

Garema

توانا بوسیله اشا ، برتر بوسیله اشا

Asha aojanhō

hazē = SK . Sahas توانائی ، نیرو

jimat /gam می آید

Rzyō و Ray شکوه ، اشعه ، پرتو ، ثروت

به پهلوی ، ریومند ، به سنسکرت rai شکوه ،

Rayō و Ray اشعه ، پرتو ، ثروت

ashis بخشش ، سعادت

gaem زیست

سرود ۴۳ بند ۲

At cha به همان ترتیب ، هم چنین

Ahmai برای او ، به او

Vahisstem بهترین

xvathroyā کوشش ، یافتن روشنائی

xvathrem فر ، سعادت ، روشنائی ، سعادت

Daiditā /da = sk/dhā میرسد ، میباید

chichi thwā /cit = sk/cit

دانا ، دانسته

تقدیر نموده ای - فرموده ای - داده ای

Dā /dā = sk/dhā

سعادت ، مایه ، علم لدنی ، دانش ایزی

māyā سعادت ، مایه ، علم لدنی ، دانش ایزدی

Ayarē هنگام روز ، زمان

Daregō Jyātoish دراز زندگی

بالیدگی sk/vrdh فروزی ، بالیدگی ، مهر ، شادی

urvādanhā

سرود ۴۳ بند ۳

vahyō خوبی ، بهی

albijamyāt/gam + aidi =

sk . abhi-gam رسید

Erezūs راست

Savanhō شادی ، سعادت



Dabayeti /dab =sk . dabh

### سرود ۴۳ بند ۷

menghi	دانستن، اندیشیدن، شناختن
hyat . ma	چون، به من
Pairi jasat	آمد، درآمد
Peresat	پرسید
chis ahi	چه هستی
kāhya ahi	از که هستی
Katha	کدام
Daxshara	وسيله، علامت، نشان
√daxs	نشان دادن، دستوردادن
Ferasayāi	برش √Peres =
=sk /Prech-	آموختن، خبردادن، نشان دادن
Disha /dīsh	
Gaēthāhu	آبادی - گیتی
tenus	خوبستن، تن

### سرود ۴۳ بند ۸

Hoi	آنچه از او هست
aoji	گفتم - پاسخ دادم √ugh
=sk/ūh	تصور کردن - اعلام کردن
Paourvim	از آغاز - ازال
Haithyo dvaesha	دشمن حقیقی
ishoyā/īssk/īss	تا بتوانیم، توانائی شاهي
dregvaiti	ناراستمان
Refanō aojonghvat	بانوانائی، شادی، باوری استوار، سرور باطنی

### سرود ۴۳ بند ۵

Spentem	ایزدی، پاک پذیرفتن، درک کردن، اندیشیدن
menghi = sk. menesi	
Hyat	چون
zathōi	پدیدشد، ولادت یافت، زاد
√dares =sk . √drs	دیدم، یافتم، دیدم
Daresem	
paourvim	نخستین، قدیم، ازلی، باستانی
Mizdavan	پاداش، مزد
Akem akai	بدی را بدی
Ashim	(پاداش نیک)، نیکی، اشائی
Hunara	دانش، نیرو، هنر
urvaēse	نهایت، پایان، بازگشت، هدف واپسین
Apemē	دورترین

### سرود ۴۳ بند ۶

urvaese-	رسیدن، بهد
jaso /gam	آمدن، رفتن
Gaetha	کجهان، جهان تن، گیتی
Frādante / Frād	فزونی، پیش رفت - رفت
Aeibyō	به اینها
Ratus	رهنمای روانی
senghaiti / saḥ =sk. sham	نشان دادن - آموختن
Xrateus	خرده، اراده
yem	اینکه
naechis	هیچ کس
	بهم فریب دادن، فریفتن

پیروی ، همسازی ، موافقت ، همراهی  
 Hachimnō/√nac-sk . sac  
 ārem پیوسته‌ام ، آمده‌ام  
 ya برای اینکه  
 Ehma/√ah sk asma ما بشویم  
 Parsta آزموده شده ، پرسیده شده  
 yathēnā گوئی بوده  
 tat emavatām از توانا - آن از نیرومند  
 Xshayās خداوند ، شاه  
 برتر ، نیرومند ، دارنده اراده (دارنده خواهش  
 aeshem داده شده ، ساخته شده ، شده

dyāt/√dā = sk/√dha  
 Emavantem توانا

### سرود ۴۳ بند ۱۱

xshma uxdaish آموزش شما، سخنان شما  
 Pairi . jasat آمد  
 نشان دادن ، درخشیدن ، آموختن  
 Didainhe/√dāh =  
 پریشانی ، دشواری ، سختی ، بدبختی  
 sādrā  
 رهنما شد ، سبب شد ، تأثیر کرد و گفت  
 Zrazdaitish/√zraz -  
 ایمان  
 -da sk sraddha  
 عمل  
 Verezyeidyāi/√verez  
 آموختن ، گفتن  
 mraota/√mru sk/√brū

من میشوم  
 xyem, hyem /√ah = sk syām  
 چنین  
 hyat  
 یافتن ، رسیدن  
 ādyā  
 جاوید ، زمان آینده  
 Bushtish  
 نیروی بی پایان  
 Vasase xshathrahya  
 وقف کردن ، تقدیم کردن  
 â stāumi  
 سرودن ، سرائیدن ، بافیدن  
 ufyā /√vař

### سرود ۴۳ بند ۹

Ferasēm /√perese = Fras =  
 جویاشدن ، پرسیدن  
 sk praech  
 به که  
 Kahmai  
 پرستیدن، گرامی داشتن ، تصفیه کردن، دانستن  
 Vividuyē/√vid - vaed =  
 خواستن  
 Vashi/√vas = sk vas ' us  
 خواهش  
 sk iecha  
 از آنگاه  
 Atha  
 آتش تو  
 Thwahmai athre  
 پیش کش ، نیاز ، بخشش پاک  
 Rātām  
 فروتنی ، نماز  
 nemanhō  
 توانستن  
 ishai /√ish = sk-ish  
 توجه تام ، گرامی داشتن ، اندیشیدن  
 manyāi /√man

### سرود ۴۳ بند ۱۰

نشان دادن  
 Daish /√dish = sk-dis  
 دعا نمودن، خواندن  
 zaozaomi/√zu - zav = sk/√hū

سرود ۴۳ بند ۱۲

سرود ۴۳ بند ۱۳

aretha هدف ، آرمان ، منظور  
 Voizdyai/vid تحقیق کردن ، دانستن  
 yaos زیست  
 dāresht مجبور کردن، جرأت  
 /dāresh sk/dhrsh جرأت  
 vairya سعادت ، برگزیده  
 vachi/vach گفته شده ، گفتن، واژه

mraosh /mru sk/bru گفتن  
 jaso/gam پیروی کردن ، رفتن  
 Fraxshneneh/xsna + Fra =  
 =sk Pra-jna شناختن دانستن، دانش  
 tu moi تو مرا  
 asrushta } نافرمان-ناشنیده  
 pairy aoghza } فرمان  
 از این دو لفظ مقصود اینست که چون فرمودی  
 از ایشا فرمانبرم دیگر لازم نیست که فرمائی چه  
 نکنم. زیرا هر که به فرمان ایشا پیروی کرد گوئی  
 فرمان اهورمزدا را به جا آورده .

سرود ۴۳ بند ۱۴

hyat آنچه  
 hā مهربان جوانمرد ، بزرگ  
 Fryai دوست Fuend به انگیسی  
 vaedemno/ird دانا ، دانستن  
 Isva خداوند ، توانا  
 /ish = sk/ish توانائی ، شاهی  
 daidit /dā دادن  
 maibyō از مردم من ، از من  
 Rafenō برکت ، سعادت  
 Fraxshnenem دانش  
 Frashtā گرد آمدن، فراهم شدن  
 uz ireidyāi رفتار، فعالیت ، جنبش  
 پشتونبانهای دلیر، دفاع کننده دلیر  
 Saredanō  
 azē دفاع ، همراهی ، یاری ، پشتونانی  
 Senghahyā آموزش  
 mat vispais با همه  
 tais آنانکه  
 marento دردل دارند ، جدی، باتوجه

رفتار، فعالیت ، جنبش ، حرکت دادن  
 uzireidyai-uz+iri  
 para hyat پیش ازین  
 ajimat/gam در آید ، بیاید  
 seraosha سروش  
 ashi sk Laxmi سعادت، فراوانی، برکت  
 فرایزدی، روشنائی ایندی، باشکوه، بزرگ، پرازگنج  
 maza rāyā دوستی ، همراهی  
 hachimno/hac hax sk/sac  
 ya چون ، هرگاه  
 dāyāt بدهد  
 ashish جزا ، پاداش  
 rānoi byā حزب ، گروه  
 Savōi سزا - کیفر

peresa	پرسم	mathra	فرمان، سخن مقدس
Vaocha	بگو	yōi tōi	آنکه از تو
Eresh	راست		
nemanho	نماز برم		
neme	نیاز، نماز		
Yatha	چگونه		
fryā	محبوب، دوست		نشان دادن، آموختن
Khshmvāvato	مانند شما	Dax Shat/√daxs	
Saxyat	بیاموزد	uxshyai/√vaxs. uxs	بالیدگی
thwāvas	مانند تو		(نام بانوئی پارسا) تفکر، تسلیم، سکوت، مراقبه
mavaitē	(به ارادت مندی) مانند من	tushna maitish	
nē ma dazdyai	بدهد	angreng	دشمن
hakurenā	کارخوش، یاری	ashaunō	نیکان
jimata	بیاورد	ādare	پنداشتن، گرفتن، یافتن
		pourūsh	پیشوا، رهنما، پر، کامل
		cixshrushō	رضامند ساختن، خوشنود کردن

### سرود ۴۳ بند ۱۵

### سرود ۴۴ بند ۲

Katha	چگونه
Kātē	روان آرزومند
	به بالیدگی، به سعادت، به سود
Suidyāi /√su Sk/√shu . shva . Svi	
Paiti shāt	جویندگی، تلاش، بکوشش
Ye i	او که یقیناً
	مرده ربیک، ارت، پیش رفت، پس گذاشتن
Irixtem /√ric . rik = Sk /√ric	
Vispoibyō	از همه (بشر)، همه
Hārū	نکهبان
	(Hārō mainyū)
mainyū	گوهر، نفس، به نفس
ahumbish	شفادهنده
urvathō	دوست (مهربان)

### سرود ۴۳ بند ۱۶

Hvo	برای خود او
Verente /√var	برگزیدن
Yaste	که از تو
chis cha	که یقیناً
astavat	مجسم، پیکری، تنی <sup>۲</sup>
	زندگی و پراز توانائی
ushtānā aojenghvat	
xveng	خورشید
Daresoi	پدیدار، روشن، تابنده
Daidit	(اشاره به ارمایتی) بدهد
ashim	پاداش-برکت، بخت، سعادت

### سرود ۴۴ بند ۱

tat	آن	thwa	از تو
-----	----	------	-------

vatāi – sk vāfa باد  
 dvanmaibyas—cha—dun ابر  
 sk dhvan— دماوند عرش  
 damarand پوشیده، ابر  
 جفت کردن، یوغ

Yaoget  $\sqrt{yug}$ —sk yuj  
 آهونام جا نور معروف در اصل به همین معنی واز  
 همین ریشه هست، سریع، تیز، تندرو  
 Āsū—sk āsu داده، آفریده

Damis  $\sqrt{dā}$  , sk  $\sqrt{dhā}$  =

### سرود ۴۴ بند ۵

سازنده خوب، کاربردگر  
 Hvapā= sk , svāpas  
 درخشیدن، روز، روشنی  
 raocas— $\sqrt{ruc}$  sk  $\sqrt{ruc}$   
 ساختن، آفریدن، دادن  
 dāt  $\sqrt{dā}$ —sk  $\sqrt{dha}$   
 تاریکی  
 temas sk tamas خواب، خفتن  
 xvafnem= sk svapna بیدار، بیداری  
 Zaēm  $\sqrt{zi}$ —sk  $\sqrt{hi}$   
 نیمه از شب تا برآمدن خورشید، بامداد، سحر،  
 شیکر  
 ushā= sk ushas هنگام روز تخمیناً از ساعت ده پیش از ظهر تا ساعت  
 ۳ بعد از ظهر  
 arem—pithwa شب  
 xhapā آگاه میکند، متنبه میسازد  
 manotrhis— sk manotr  
 امتیاز دادن – در ذهن نگهداشتن  
 Cazdōnghvantem  $\sqrt{cis}$ —dē  
 (Artha (قصد، اراده  
 arethahya وظیفه

### سرود ۴۴ بند ۳

Kasna کدام کس  
 زاد، پدیدکننده، آفریننده  
 Zathā (Zāthar skjonitar)  
 پدر  
 pātā \_sk , pta (pa+ta)  
 ستاره  
 Starem=sk stār , tāra  
 ساختن، دادن  
 dāt  $\sqrt{dā}$  sk  $\sqrt{dha}$   
 فلک، راه  
 advanem  
 از که، بوسیله که  
 kē Yā  
 ماه  
 mao  
 به تو  
 thWāt  
 خور، درخشنده

xveng . xvan , hvar sk svar  
 اینها همه  
 ta chit  
 خواهش انگلیسی  
 Vasemi  $\sqrt{vas}$ —sk  $\sqrt{vas}$  , us , Wish  
 دیگر چیزها (رازها)  
 anyā ehā  
 داناشوم، دانستن  
 Viduye  $\sqrt{vid}$

### سرود ۴۴ بند ۴

عمل کردن، نگاه داشتن، برگرفتن  
 Derefā $\sqrt{dar}$ —sk  $\sqrt{dhr}$   
 زمین  
 Zam sk Ksm  
 بلکه، زیر  
 ade=sk adhah  
 نیز آسمانها  
 nabās cha  
 افغادن  
 avapastōis=ava+pat=  
 sk ava+pat  
 که  
 Kē  
 آب آ  
 apo sk āp  
 زمین شاداب  
 urvārā  
 گیاه  
 urvaras

واژه‌نامه - سرود ۴۴ / ۲۷۳

avāmi / av sk / av  
 vispanām همه sk vishvānam  
 خداوند ، دادار  
 dātārem sk dhatāram

سرود ۴۴ بند ۸

مراقبه . خورسندی باطنی ، مستی ، وجد  
 mendaidyai sk mandadhyai  
 آموزش ، فرمان  
 adishta sk. smad dishti  
 ux̄dha سخن  
 Frashi / peres جویندگی - پرسش  
 arēm / ara sk / ara درست  
 برای آگاهی ، آگاهی ، دانش  
 vaedyai / vid sk. vidya  
 یدش رفت / vraj. sk / vraj  
 خواه‌درسید  
 āgemat ta

سرود ۴۴ بند ۹

katha به چه ترتیب ، چگونه  
 وقف نمودن ، یوغ کردن ، بستن  
 yaosh / yu sk / yu  
 دین ، قوه‌مميزه ، وجدان ، پیشش  
 Daēnam / dī sk / dhī  
 Yam این  
 مرتب‌ترین دانش  
 Hūdā naosh sk. sudhi  
 paitish sk. patih خداوند  
 Saxyāt / sah sk. sasyat آ. وختن  
 Ereshva sk. rshva. یقین ، بلند  
 thwāvas. مانند تو

سرود ۴۴ بند ۶

Fravaxshyā / vach + Fra = sk pra-  
 vakhshya  
 Yezi (yedhi) sk yadi اگر ، یا  
 ta-atha همه ، چنین  
 haithya sk satya داستی  
 بالیدن ، افزودن ، یاری  
 Debazaiti / vāz - de - bāz  
 taibyo آنهارا  
 chinas / chish آموزیدنیها - بیما آنها  
 Kaibyō برای که  
 azim بارور  
 rānyo - sk eretim - دهنده شادی  
 / ran + / kar kereti  
 gam زمین ، گیتی ، گاو  
 tasho / tash sk / taksh کردن ، ساختن

سرود ۴۴ بند ۷

ارزش دادن - ارجمند کردن  
 Berexdham / bareg - barez  
 taish چنین  
 tasht / tash آفریدن - ساختن  
 برداشت ، ملاحظه ، فرمانبر  
 uzemēm / uz sk / uh  
 Vyānayā sk vyāua نفس‌زندگی ، دم  
 puthrem پور  
 pithre پدر  
 thwa تو  
 Fraxshni فراشناسی ، شناسائی  
 لطف ، برتری ، ترجیح

دین، وجدان، الهام، وحی؛ آنچه از خداوند  
Daenā پدید می‌شود

یافتن، دانستن

Fravōvīde / vid + Fra =  
sk / vid + pra

vispeng همه

anyeng sk . anya دیگران

spasya / spas- بی‌بردن، دیدن

dvāshanha دشمنی

### سرود ۴۴ بند ۱۲

yaish با او که

peresai / pere هم‌سخن شدن، پرسیدن  
کدام جانب، کدام سو

Katārem sk. kataram

بخشش، سعادت، جزا

savā - sk, savas.

paiti ereta / ar - ضد، مخالفت  
آیا هست آن

Cyan hat = ci + anhat = sk kim =

ayēm این

mainyatē می‌پندارد، می‌اندیشد

دارنده نیکی، دارنده‌اشا

ashava. sk, rtavo

### سرود ۴۴ بند ۱۳

Katha چگونه

Drujem بی‌ایمان، ناراست، دروغ

گریزاندن

nish = nashāmā / nash + nish =

آرزو، تمنا، خواستن

asishtish / sās + a = sk / ā + sas

hademoi مکان، جا

shyas / si = sk / ksi بودن، ماندن

### سرود ۴۴ بند ۱۰

Fam از تو

آنچه از خداوند پدید می‌شود، وجدان، دین

daēnām

hātām موجودات، زندگان

Vahishta بهترین، دهشت

Gaethā ( Daena ) جهان‌تنی یا ( جهان‌روانی )

انجام دادن، به تکمیل رساندن

Frādoit = Fra + da = sk pra + dha

hacemnā / hac - رفاقت، همراهی

Daidyat راهنمایی کردن، نهادن، دادن

maxya ازمن

Cistōish ادراک، قوه‌تعمین، عقل

thwā به تو

ishtish = sk و icch = خواهش

به انگلیسی wish

usen / vas - بازگشت

### سرود ۴۴ بند ۱۱

teng ā اندرون آنها

رفتن، جدا شدن

vijēmyat / gam + vi = sk vi - gam

yaeibyō به او که

thwōi از تو

اعلام خواهد شد، آشکار خواهد شد

vashyete / vac = sk. ueyate

dvafseng  $\sqrt{du}$  — درد ، آزار ، رنج  
 mashe  $\sqrt{nash}$  آوردن ، کشیدن  
 astās فغرت ، دشمنی

### سرود ۴۴ بند ۱۵

از آنجا که ، گرچه ، اگر  
 Yezi = sk yadi  
 ahyā اینها  
 Poi  $\sqrt{pā}$  sk  $\sqrt{pā}$  حمایت کردن ، پائیدن  
 mat sk mat با  
 Xshayehg  $\sqrt{Khshi}$  توانائی ، شاهی کردن  
 hyat انگاره که  
 بهم مورسند ، بهم میآیند  
 hēm — jamāeti — sk , sam — gam  
 spāda سپاه

سرود ستایش ، دعا ، مناجات  
 anaocanhā  $\sqrt{anu} + vach$   
 avaish بنا برین  
 urvatāish قانون ، آئین  
 برقرار شده ، نهاده شده  
 diderezō  $\sqrt{darez} = sk. druh$   
 kuthra کجا  
 ayao از دو (گروه)  
 Kahmai به کدام  
 Win کامیابی ، پیروزی ، کامرانی ، به انگلیسی  
 Vananām  $\sqrt{van}$   
 dadao میبخشی ، میدهی

### سرود ۴۴ بند ۱۶

Rv. Vrtra — han دشمن کس ، پیروز با

ahmat — ā = sk. asmat. ā ازما  
 'fehگ آنها  
 ava دور  
 Yōi اوکه  
 ashrushtōish — سرکشی ، عصیان ، بددینی  
 perenanhō  $\sqrt{pr}$  پر کردن  
 فرستادن ، پرتاب کردن ، انداختن

adivyeinti  $\sqrt{dyu} + a$   
 بهم آوردن — پیوستگی

hacēnā  $\sqrt{hac} . hak.$   
 پرسش

Frasayā  $\sqrt{Frasā} = Sk , precha$   
 چشیدن ، خواهش کردن  
 { caxnarē  $\sqrt{kan} = sk \sqrt{kan} —$   
 (cākena) ارمان ، کام  
 kam — sk. kam

### سرود ۴۴ بند ۱۴

Katha چگونگی  
 dyām  $\sqrt{da}$  بدهم ، دادن  
 Zastayō sk , hasta به دست  
 محو کردن ، پاک کردن ، برانداختن  
 nihim merezdyaī  $\sqrt{merez} + ni$   
 از تو  
 thwahyā سخن روانی ، واژه مقدس  
 mathraish آموزش  
 Senghahyā = sk Shamsa نیرومند ، توانا  
 Emavaitim  $\sqrt{Emavat} =$   
 آنها را  
 ish تباهی ، خفتی شدن ، برافتادن

Sinam  $\sqrt{si} = sk \sqrt{si}$   
 آوردن ، دادن  
 dāvōi  $\sqrt{da}$   
 از پیرو ناراستی  
 dregvasū



Yē	آنکه	Verethrem—jā	پیروز برودترا
rāthemō	بهترین رهنما	Pōi	حامی ، یاور ، نگهبان
		Sen ghā	آئین ، آموزش
		henti	هست ، موجود
		chithra—Rv. chitram	آشکار
			برقرار کردن ، نشان دادن
		dām √a <sup>-</sup> =sk √dha <sup>-</sup>	استادیکه روانرا پاک میکند ، استاد جان بخش
mizdem	مزد	ahumbish—ratum	
	تحصیل اجر ، پاداش	chizdi √chish	پدید کردن
hanāni √han <sup>-</sup> =sk √san <sup>-</sup>			احساس طاعت به خداوند ، ایمان ، نگهبان نیکان ،
dasa د aspa	مادربان	seraoshō—	سروش
arshnavaitish kr.vrshanvati	اسپنر	jantū	می آید
apivaiti √api + vat	فهم ، ادراک	ahmāi—Yahmai	به یکی که او را
Yatha—hi	آنها ، هر دو	Vashi √vas <sup>-</sup> =sk √vas <sup>-</sup>	دوستی
danha √da	گذاشتن ، نهادن	Kahmai—chit	برای همیشه
taeibyō	همه (همنوع) همه (بشر)		

### سرود ۴۴ بند ۱۸

### سرود ۴۴ بند ۱۹

Yastāt	اوکه مزد را
	سزاوار - مستحق
hanenti √han <sup>-</sup> =sk . √san <sup>-</sup>	
daiti √da	دادن
Yeit—sk—id	هرگاه - یقیناً
ErezuKhdhā	سخن راست ، واژه راست
nō daite √uād	برمی رود
	افزار جنگ ، پرتاب کردنی ، سزا
maēnish—sk , nreni	
anhat	خواهد رسید ، خواهد شد ، خواهد آمد
avam	آن
apēmā	در پایان ، در انجام

### سرود ۴۴ بند ۱۷

	کشش ، عشق ، خرسندی ، وجد
Zarem. sk haras √har , hr	
	جنبش ، چریدن ، رسیدن ، رفتن
charāni √car <sup>-</sup>	
Xshmat	با شما
	پیوستگی ، وصل ، علاقه ، ارادت
as (kei) tim=sk √a <sup>-</sup> —sae	
Xshmākam	شما yashmākam
	سخن ، لفظ ، واژه ، آواز
vaxsaē so √vac	
Sarōi=sk √shra—snri	پیوستگی ، یاری
būzdyāi √bū=sk √bhu	شدن ، بودن
ava	بنا بر این
manthra	واژه مقدس

isa tha	اگر خواستند
durāt	دور
chithrē	آشکار ، پدیدشده
√maz=man-	دانش ، سنجیدن
mazdanho dum	سنجش ، آگاهی
Daibitim	بار دوم
dush-sastish	بدآموزگار ، بدآموزنده
Ahum	جان
sk √mrc.	تباهی ، مرگ
merā shyāt	تباه‌کند
Aka varena	بدعقیده ، بددین
hizvā	زبان
	راه غلط اختیار کرده ، پوشاننده ، برگزیده
averetō	

### سرود ۴۵ بند ۲

Anheush	موجود یا وجود، گوهر
Paouruyē	ازپارین ، ازآغاز ، ازازل
Yayā	اوکه
spanya	پاک ، نیک
uti	sk. iti این ، چنین
mravat	sk. Bravat (bhavat) گفت
Yēm	آن
angrem	برغلط ، بد
mana	نفس ، ذهن
senghā	آموزش
xratavo	نیروی‌آمیز ، خرد
Varanā	عقیده ، اندیشه
uxdha	سخن (ا خدا)
naeda	نه
shyaothanō	کار
sk dīn	dharmā یا
daena	دین ، وجدان
√nac	یکسان ، هم‌رنگ ، هم‌گام
hacainte	موافق

### سرود ۴۴ بند ۲۰

cithenā=cith+nā	چگونه
	شاهی نیک
hukhshathra=sk , sukshatra	
anharē √ah=	شدن ، بودن
	دیدن ، آرایش ، زینت
pishyeinti√pis=sk √pis	
aeibyō	برای آنها
Kam	تنها ، فقط
Yaish	به‌بهره او ، برای او
gām	گاوجهان ، گیتی ، گاو
Karpa=sk , kalp	سرودگوی دیویستی
	توره روحانیون دیویستی، آرزو، خواهش

usixsh, rv. usij=√vas	
aeshemai	نفرت ، خشم
urūdōyatā	زبونی ، ناله ، فریاد
	تلقیح ، فشاندن ، مه ، میخ
mizēn √miz=sk √mih	
vastrem	حمایت ، چوپانی
Fra dainhe √Fra+da-	فراوانی
him	(مؤنث) آن‌را

### سرود ۴۵ بند ۱

Fravakhshya	فراگویم
nu	اکنون
√gūsh = sk √ghus	گوش‌دادن
gushodūm	گوش‌دهید
√sru=sk √sru	شنیدن
sraota	بشنوید
Yaeca asnāt	آنانکه نزدیک هستند

### سرود ۴۵ بند ۵

Hyat	که
mraot	گفت
spento—temo	پاکترین
dam $\sqrt{da}$	خواهدداد
$\sqrt{cāy}=sk \sqrt{kāy}=$	برگزیدن، چیدن
	شایسته ستایش، محترم و برگزیده
chyaa—cha	
$\sqrt{gam}+upa$	نزدیک شدن
upajimen	رسیده، دانسته شده
syao thanaish	به اعمال، با کارها
sruidyai $\sqrt{sru}$	برای شنیدن، شنیدن
seraoshem	بندگی، سروش
maretaeibyō	موجودات بشر - میرندگان

### سرود ۴۵ بند ۳

Vidva	دانشمند، علامه، همه دانا
Vaochat	گفت
im	او که
Ve	میان شما
itha	چنین
mathrem	سخن مقدس، واژه
vereshenti/ $\sqrt{varež}$ —	ورزید، ورزیدن
$\sqrt{man}-sk \sqrt{man}$	فکر، اندیشه
menai chā	می‌اندیشم
vaocha—cha	می‌گویم
avōi	ویل، وای
anhat	خواهد بود
apemem	در پایان، در انجام
aeibyō	به چنین

### سرود ۴۵ بند ۶

Vispanam	همه را
mazishtem	م هست
stavas $\sqrt{stu}$	میستایم - ستودن
Hu dā	دانا، پرازدانش، خوش‌داده
Yōi	او که
henti	موجود است؛ هست
sraotu $\sqrt{sra}$ —	بشنود، شنیدن
Yehya	برای او که
Vahme $\sqrt{vah}=sk \sqrt{vas}$ —	جای روشن، روشنائی، مهر، خوانندگی، دعا
$\sqrt{peres}=$	برسیدن
Frashi	دستور داده، آموخته

### سرود ۴۵ بند ۴

Anheush	از زندگی
vaēda i vid	دانستن
dāt $\sqrt{da}$ —	آفرید، داد
ptarem	چون پدر
Varezayantō $\sqrt{varež}=$	فعالیت، ورزیدن، ورزیکر
Hōi	او
dugedā—sk—duhitr	دختر
hūshyaohthana	نیکوکار، کارنیک
$\sqrt{dah}-sk \sqrt{dabh}$	فریب‌دادن
Diwzaidyāi	بفریب
	بر همه محیط، همه رهنما، همه بهنده
Vispa hishas	

chashmaini به چشم  
 $\sqrt{daresh} + vi = sk \sqrt{drsh} + vyā$   
 vyādaresem می‌بیند  
 vidush آشکار دیدم ، دانستم ، پی‌بردم  
 Yēm او را  
 Vahmēng نیاز، گرویدگی، دعا، خواستن  
 بلندی‌کوه ،  $sk \sqrt{sr}$  = نغمه ، آواز  
 Garo demāna  $\sqrt{gar}$ ،  
 این کلمه بمعنای مکان نغمه یا بهشت برین است.

### سرود ۴۵ بند ۹

tem آن nē برای ما mat با  
 chixshnushō- $\sqrt{xshnu}$  خشنود کردن  
 Yē (ne) برای ما او را  
 usēn  $\sqrt{vas}$  - اراده به خواهش  
 corēt+  $\sqrt{kar}$  میکند، می‌سازد  
 $\sqrt{spa} = sk \sqrt{sva}$  بر آمدن ، بالیدگی  
 spen-cha خوش‌بختی ، وشادی  
 aspen-cha کاهش ، بدبختی ، و درد  
 Varezi چابکی ، ورزیدن  
 dyāt برقرار می‌کند ، میدهد  
 Erada thāi پیش‌رفت ، فزونی ، فراوانی  
 دانائی ، دانش عمیق ، خوش‌دانش  
 haozāthwāt-ā (Hu+Zathwa)  
 sk. su+gnā

### سرود ۴۵ بند ۱۰

Yē او nē او که  
 Yasnaish به نیاز ، توسط یسنا  
 $\sqrt{matg} = sk \overline{mah}$  پرستیدن عظمت دادن ،  
 mimaghzō بزرگ کردن

### سرود ۴۵ بند ۷

yehya از او که  
 Savā نجات ، سود  
 خواهند خواست  
 ishanti  $\sqrt{ish} + enti = sk. \sqrt{is. iech}$   
 $\sqrt{rād} = sk \sqrt{radh}$  راد، بذل‌کننده، جوینده  
 Rādanhō  
 Yoi او که  
 jva  $ji + va$  زنده‌ست  
 anhare cha می‌باشد - بود  
 Bvainti-cha خواهد بود  
 ameretaiti جاوید - نمی‌رندگی  
 aēsho باسعادت ، پیروز ، خوش  
 utayūta افزون ، همیشه  
 sādra درد ، آزار  
 nerash مرد  
 Dregvatō بد  
 tācha آن  
 damish آفریننده

### سرود ۴۵ بند ۸

tem آن  
 staotaish با ستایشها  
 nemanho نماز  
 تعایل بازگشت  
 $\sqrt{varez} + vi = sk \sqrt{vrj} + ā$   
 بکوشد که بیاورد ، به‌ورزد که برسد  
 vivarashō  
 nu اکنون  
 Zit زمی ، برای

Anmā  $\sqrt{\text{nam}}+a=$  توجه ، خم شدن  
توانای خسته نشدنی ، جاوید ، نیرو داشته

anmeni  
srāvi دانسته شده ، شنیده شده  
برقرار نمودن ، واگذاشتن ، پیمان کردن

coisht  $\sqrt{\text{cis}}$ —  
hōi او که  
ahmai آنهارا  
اخلاق ستوده ، همواره ، دنیا ، جا ، زمین

stōi  
dān خواهد داد  
tevishi توانائی ، نیرو  
utayuiti نوبه نو ، ثبات ، استقامت

## سرود ۴۶ بند ۱

kām کجا - به کدام  
nemōi گام بردارم - خم شوم  
Zam کشور - زمین  
Kuthrā به کدام سو - به کجا  
ayeni (nemoi) گام بردارم که بروم  
(از خویبتوش) اعلی ترین طبقه از پیروان مزدیسنی  
Khvaitush  
pairi dadaiti جدا نکه داشته اند  
ائیریم نه (طبقه دوم از مزدیسنی) دوست  
airyamna

نیست خورسندی برای من

nōit ma khshnaush  
ya که hachā از  
verezenāt (سوم طبقه مزدیسنی) بوسیله ورزن  
naedā dakhyeush نه کشوری  
yōi که  
sāstare فرماندهان  
دیویستیان (هستند) ، پیروان ناراستان  
dregvantō

## سرود ۴۶ بند ۲

Vaedā دانم ، میدانم  
Tat آن (علت)  
Yā ahmi چرا من هستم  
anaeshō ناتوان ، بیچاره  
ma Kamna—Fshvā (بعلمت) کمی دارائی  
من و نیز از کم بودن پیروان (مردان) هست  
hyat cha kamna—nā ahmi

## سرود ۴۵ بند ۱۱

daeveng دیروان دیویستی ، دیوان  
yastā از اینرو  
aparō sk. aparam پس از این ، مخالف  
sk martyām—cha مردم

mashyas—cha  
tarē—masta  
sk  $\sqrt{\text{tare}}+man$  نفرت ، مخالف در عقیده

anyeng دیگر  
manyātā  $\sqrt{\text{man}}$  می اندیشد می بندارد

tare—mainyantā مخالف در فکر  
arem mainyātā تسلیم شده  
saoshyanto ناجی ، نجات دهنده

patoish — Deng  $\sqrt{\text{dā}}(y)$  خداوند  
dēng جا ، منزل  
urva thō دوست  
brāta پتا برادر vā یا

واژه نامه - سرود ۴۶ / ۲۸۱

Kaeibyō به کدام - به که  
maibyo برای (آموزش) من

سرود ۴۶ بند ۴

Yeng او که - آنانکه  
Vazdrēng یاور ، پشتیبان  
Pāt (این کلمه به دو معنی ترجمه میشود) حامی - مانع  
ga موجودات - چارپایان  
Frōre toish پیش رفت  
Shoithrahya استان  
استان بزرگ ، ده ، زمین ، کشور

Dakhyeush  
duz azoba برای خواندن (به یاری)  
has  $\sqrt{ah}$  = او هست ، بودن  
ahēmusto نادوست ، مخالف  
Yastēm هر که او را  
بانیروی روان - بانیرو و جان

khshathrāt jyateush  
moithat  $\sqrt{msth}$  = sk. mith  
Teng آنهارا  
پیشوا - پیش آهنگ

Frō gā = sk. purogah  
Pathmēng راه  
اراده پاک - دانش نیک ، آموزش خوب  
Hu chishtoish

$\sqrt{char}$  رفتن ، چریدن  
charat میرو ، میچرد

سرود ۴۶ بند ۵

Khshayās شاهي ، توانائي ، نیرو  
 $\sqrt{khshi}$  = sk  $\sqrt{kshi}$

hā پیروان ، مردان  
gerozōi آلتاس میکنم - فریادمیکنم  
toi ā it به تو در این باره  
āvaenā توجه کن ، به بین  
Rafedhrem سعادت ، خوشبختی  
chagvā چشیدن ، آرزو ، ارمان  
آنکه ممشوق به عاشق می بخشد  
hyat Fryō Fryai daidit  
akhsō نشان ده (مرا) بیاموز  
asha بوسیله اشا  
ishtish توانائی ، نیرو  
vanheush mananhō دھومنی

سرود ۴۶ بند ۳

Kada چون ، هرگاه  
بر آمدن ، روشن شدن ، تابیدن - بالیدگی

ukhshanō  
(azan = sk , ahas = روز  
روزها  
asnām موجودات ، آفریدگان

anheush برای برداشت ، برای تحمل ، برای تکه داشت

Dare thrai  $\sqrt{dar}$  = sk  $\sqrt{dhr}$  =  
برمی آید ، بر آید ، خواهد تابید

Profarente  $\sqrt{ar}$  + Frā = sk  $\sqrt{ar}$  + pra  
متأثر ، با تأثیر ، توانائی ، فزونی ، بالیدگی

verezdaish  $\sqrt{vared}$ ,

Khratavo دانش ، خرد

uthai به یاری ، یاری

jimat بهاید  
به انجام رساندن ، برای دستور ، برای آموزش

Sas trai  $\sqrt{sand}$  , sah

verene = sk vrne برگزینیم

Senghaish (با) آموزش

payum	حامی ، پناه‌دهنده ، یاور	drita	پذیرفتن ، برداشتن ، برگرفتن
	تعیین کرده‌ای - داده‌ای	adās	پذیرفتن
dadā یا dadāt	$\sqrt{dā} = sk\ dha$		پناهانده‌شدن ، یاری‌خواستن ، آمدن
	درشتی نموده‌اند ، تهدید کرده‌اند	ayantem	
didareshata	$\sqrt{daresh} = sk\ \sqrt{dhra} -$	mithroibyō }	پیمان ، دوستی
aenanhe	ناختن ، ستم ، حمله	urvatōish }	بشر دوستی
thraoshta	$\sqrt{thru}$ انجام‌دادن، کامل نمودن	Rashna	درستی ، راستی
	$\sqrt{dah} = sk\ \sqrt{deus} -$	jvas	$\sqrt{ji} = sk\ \sqrt{jiv}$ زیستن
dāstavām	آموزش ، آئین	ashava dregvantem	راست و ناراست
daenayai	وجدانی ، روانی	vichiro }	سنجیدن ، چیدن ، برگزیدن
Fra vaochā	صریح برگو - آشکارا فرآگو	has }	قضاوت و سنجش
		Fro-mruyāt	آشکارا کند ، فراگوید
		uzūithyōi	حفظ ، نجات
		Khvaetavē	بر خود خدائی ، خود اعتمادی
		Khrunyāt	زخم‌زدن ، تباہی ، حمله

### سرود ۴۶ بند ۸

gaetha	موجودات ، چارپایان ، گیتی
dazde	میخواهد ، میدهد
aenanhē	دشمنی ، آزار
athris (ha)	شعله ، آتش
Frosyāt	می‌یابد ، میرسد
paity yaoget	می‌پیچد
	$= sk\ gaechāt$ می‌آید ، میرود
jasōit	$\sqrt{gam}$
dvaeshanha	نفرت - دشمنی
tanvem	شخص ، خود ، خودی ، تن
Hujyatoish	زندگی کامل ، زندگی خوش
	حفظ ، بازداشتن از بد یا از خوب
payāt + $\sqrt{pā}$	
duzajyatoish	زندگی ناخوش ، زندگی بد

### سرود ۴۶ بند ۹

aredrō	پرازجوشی ، با بصیرت، داد
--------	--------------------------

### سرود ۴۶ بند ۶

Yas tem	اوکه - سوی او
isemnō	$\sqrt{ish}$ توانائی
āyāt	رفتن - آمدن
dāmām	آفریدگان ، موجودات
haithahyā	فریبندگان
āgat	$\sqrt{gam}$ خواهد آمد
daena	دین ، وجدان
pouruyā	از ازل - از آغاز
dā-sk	$\sqrt{dha}$ آفرینش

### سرود ۴۶ بند ۷

Kem. na	که با کدام جوانمرد را
na =	جوانمرد ، مرد
mavaite	چون من - مانند من

### سرود ۴۶ بند ۱۱

Khshathraish	به نیرو
$\sqrt{yuj} = sk \sqrt{yuj} = yoke$	
Yujen	یوغ شده جفت گشته ،
	تیره ای از دیویسنها که با آموزش زرتشت سخت
Karpan	مخالف بودند
	تیره دیگر مخالف زرتشت ولسی مسیان آنها
Kavaya	گرویدگان به زرتشت نیز بودند ، کیان ، کهوا
ahum	زندگی ، جان
	تباه کردن ، میراندن ، مرگ

merengeidyai	$\sqrt{merək}$
mashim	مردم را
Kvē	خود
	sk $\sqrt{kruhd}$ کدورت ، شکنجه ، آزار
Khraodat	$\sqrt{khrud} =$
urva-daena	روان - وجدان
hyat	چون ، هرگاه
Yavōi-vispai	برای همه زمان - جاوید
demānai-	مکان - نمان
	جان ماندن ، سکن ، جای ایست ، استان
$\sqrt{sta} = sk \sqrt{a. stha}$	
astayō	وجود ، هستی

### سرود ۴۶ بند ۱۲

hyat	هرگاه
us	بر آیند ، پدید شوند
naptyaeshu	از نوها ، از فرزندانگان
nafshu	خویشان نزدیک ، هم نافع

Choithat	$\sqrt{cith}$	آموزد
$\sqrt{zu} - zba$		دعا ، خواندن
Zevish tim		ستوده شده ، خوانده شده
		داوری ، سنجیدن
uzemōhi	$\sqrt{uz} = sk \text{ uh} -$	
Ahurem		خداوند جان ، اهورا
		سازنده گیتی ، سازنده جهان تن
Geush-tasha		
		خواهش ، کوشش
ishenti	$\sqrt{ish} = sk$	د icchanti

### سرود ۴۶ بند ۱۰

va moi		براستی میگویم
$\sqrt{zan} = sk \sqrt{jan} - ja$		زائیدن
Gena		زن
anheush		زندگی ، جان
ashim		سعادت ، پاداش
$\sqrt{vid} = sk \sqrt{vettha} -$		دانستن
voista		دانی ، پنداری ، فرض کنی
		همراهی ، راهنمایی
HaKhshai	$\sqrt{hae} , hak = sk \text{ Sac}$	
khsh māva tam,		چون شما ، شما
Vahmāi		پرستش
Fro		فرا ، آنسو
Taish vispaish-		با همه آنها
		پل برچیدن ، پل امتیاز ، پل برگزیده ، پل جنود
chinvatō peretum		
Frafrā	$\sqrt{par}$	درگذشتن ، فرارفتن



### سرود ۴۶ بند ۱۴

Kaste ashava کیست پیرو نیکی  
 اخوت مکای بزرگی که مؤسس آن زرتشت بود و  
 ۱) اید نخستین نامی است که پیروان او اختیار  
 mazoi magai کردند  
 مشهور ، فراشئیده شده ، پر آوازه  
 Frasruidyai  
 Yahi پذیرنده  
 Hademoi درمکان تو، درجای تو  
 جادادن ، نهادن ، برقرار کردن  
 minas  $\sqrt{mi}$ =  
 Zbayā خطاب کردن ، بر زبان آوردن ، گفتن  
 ukhdaish پیام ، آموزش ، سخنان

### سرود ۴۶ بند ۱۵

همه اینها که بهترین (سودمند ترین) هستند  
 برای شنیدن  
 (ابن سطر دراصل نیست)  
 Vispa Fā Vē Sruidyai Vahishta :  
 دارنده اسپ شسته شده (بهاری)  
 Haechat-aspā  
 hyat تاکه  
 راست - ناراست - دانا - نادان  
 dathēng-adāthās  
 $\sqrt{chi}$ -ki چیدن ، جدا کردن  
 Vichayatha امتیاز دهید ، جدا کنید  
 daduyē  $\sqrt{dā}$ =sk  $\sqrt{dha}$  می یابید  
 dataish داد ، آئین که

turahyā تند ؛ سریع Tur از تورانیها  
 uz-jen خواهد آمد - پدید خواهد شد  
 این نام شبیه است به پیران شاهنامه ، تیره ای از  
 تورانی که به کیش زرتشت گرویدند  
 Fryan توانا ترین ، سزاوار شهرت ، شایسته بلندی  
 aojaeshū  
 Frādō ترقی ، فزونی ، پیشرفت  
 Thwakhshānha سرگرمی ، ذوق  
 پیوستگی ، پیوستن ، بهم آمدن  
 aibi moist  $\sqrt{mith}$ +aibi  
 $\sqrt{Rabh}$ - ارمان ، سعادت ، شادی ، دستگیری  
 Rāfedhrāi  $\sqrt{rap}$  یاری  
 یاری ، آشکار شدن ، آموزش  
 Sastē  $\sqrt{sah}$ -

### سرود ۴۶ بند ۱۳

خوشنود ، رضایت ، به انجام رساندن  
 Rādaha.  $\sqrt{radh}$ =sk  $\sqrt{radh}$   
 Khshnaush خوشنودی  $\sqrt{khshnu}$   
 فراشئیده شده ، آوازه ، شهرت  
 Frasruidyai  $\sqrt{sru}$ +fra-  
 erethwō شایسته ، درست ، راست  
 ahum زندگی ، جان  
 Gaetha وسایل زندگی ، ماحول ، گیتی  
 پیشرفت ؛ فزونی  
 Frādat+ $\sqrt{dā}$ +Frā-sk  $\sqrt{pra}$ +dha  
 mehmaidī  $\sqrt{man}$ - سنجیده ، سنجیدن  
 دوست صمیمی ، دوست نزدیک  
 Hush hakhaim

dangra دوراندیش  
mantū مشاور ، نگهبان ، حامی

سرود ۴۶ بند ۱۶

سرود ۴۶ بند ۱۸

yaosh کاملاً  
ishtoish سلطه، شاهی، خوش‌بختی، تملک  
برگزیدن، پیمان، چیدن  
choishem  $\sqrt{chi}=ki=sk \sqrt{chi}$   
āsteng دشمنی، نفرت، کینه  
astai نفرت، مخالفت  
خودرا دادن، تصمیم  
Daidita  $\sqrt{dā}=sk \sqrt{dha}$   
 $\sqrt{var}$  برگزیدن  
Vārem اراده، خواهش  
رضامندی، خوشنودکردن  
Khshnaoshemno  $\sqrt{khshnu}=$   
Khrateush خرد  
Vichithem برگزیدن، تصمیم  
mananhas نفس

aredraish با - همراه  
Idi برو  
این‌نام همسر زرتشت نیز بوده - پدر جاماسب  
و فرشا و شتره دارنده گاوان خوب -  
Hvogvā  $\sqrt{Hu}+gu$   
بزبان‌پهلوی حیوب  
usvohi  $\sqrt{vas}=sk \sqrt{vas}$   
می‌خواهیم، خواستن  
ushta سکون‌باطنی، روشنائی، خوردسندی  
بمفهوم زیست جاوید، وجود، همیشه، جاوید  
Stoi رفاقت، یکسانی، همراهی  
hachaitē  $\sqrt{hac}=$   
 $\sqrt{ish}=sk \sqrt{ish}=$  تسلط، شاهی  
ishti تصرف، تملک  
فر، بزرگی، فزونی، بالیدگی  
Varedemām  $\sqrt{vared}=sk \sqrt{vrđh}-$   
Shaēti میماند  
Yathra آنجا که

سرود ۴۶ بند ۱۹

Ye moi (برای من) آشکار میکنم  
Haithim به‌راستی  
Hachā از  
Vareshaiti به‌ورزد  
به‌لهجه هخامنشی Vashna - اراده بنا بر اراده  
Vasna= بموجب اراده - خواهش  
تازه‌ترین - نو - جدیدترین  
Farāshōtemem  
hanentē  $\sqrt{han}-$  سزاوار - شایسته

سرود ۴۶ بند ۱۷

این کلمه را دکتر ایرج ناراپور والا از خود  
افزوده که سیلاب کم نشوند - من  
(azem) کار و بیکاری، ناپیمانی، پیمان  
afshmani-ana fshmani  
دانه اسپ تربیت شده  
jāmāspa-  
dathem-adathem دانا - نادان  
کننده کارهای فوق‌العاده، آموختن  
 $\sqrt{dān}=sk \text{dams}-$

Chisti	دانش، اندیشه	زندگی اخروی - زندگی آینده
hvō	فقط، تنها	parāhūm (Para-ahum)
Pta (pata)	آفریننده، اصل، علت، پدر	manē vistaish ارمان، آرزوی دل
		اشاره به مادر گیتی - جفت گاو - آبستن شده
		Gava azi

### سرود ۴۷ بند ۳

spento manyeush	نفس پاک
tvem ahi pta	تو هستی پدر (آفریننده)
ahmai	به او، به ما
	گیتی شادی آورنده
Gām rānyo skeretim	
hem-tshat	ساختن - ساخت + $\sqrt{tash}$
hem=sk	$\sqrt{sam} + taksh =$
vastrai	نکهبانی، شبانی
Rāma da	رامش دهنده
	$\sqrt{peres} + hem = sk / \sqrt{prch} + sam$ مصاحبه
hem Frashta	هم پرسش

### سرود ۴۷ بند ۴

	خود را آزار دیده شمردن، رها کردن
rāreshyantē	$\sqrt{rah} = sk / \sqrt{raksh} -$
itha	چنین - یقیناً
ashaune	نهک
kaseush-chit	کم، کاسته، کم مایه
nā	مرد
	تمایل، خواستن
kathe-anhat	$\sqrt{kan} =$
ishvā chit	اما خداوند
hās	$\sqrt{hah}$ باشد، هست
paraosh	نروتمند، پر مایه، پر
Akō dreg vaitē	بد میشود، به بدان میگرداید

	آموختن - آشکار کردن
Sās	$\sqrt{sah} = sk / \sqrt{sams} -$
Vaēdishtō	داناترین

### سرود ۴۷ بند ۱

	نیک ترین اندیشه - بهترین اندیشه
mananha-vahishta	
shyaothanā	نیک ترین کار
vachanha	نیک ترین واژه یا نیک ترین سخن
	تندرستی، بی نقص، کامل، بی نقصی
Haurvātā	
Ameretātā	زندگی جاوید - نمیرندگی
khshathra	اراده ایزدی
armaiti	تسلیم، اطاعت

### سرود ۴۷ بند ۲

Ahya	این
	پاکترین نفس
spenishtahyā manyeush	
aeānū	بنابر، به موجب، بر طبق
hizvā	زبان
ukhdhaish	سخنانی که
Zastoibya	دو دست
verezyat	$\sqrt{verez}$ به انجام رساند، ورزد
ōyā	یگانه - یک

سرود ۴۸ بند ۱

adaish	پاداش
venghaiti $\sqrt{van}=sk \sqrt{vah}$	پیروزی
asushuta	نایل شدن ، یافتن
daibitānā	ریا ، فریب ، دورویی
	اعلام ، فراگفتن
Fraokhta $\sqrt{vach}+Fra-$	
ameretaiti	برای همه‌زمان ، جاوید
	دیویستی و مردم آنها
Daevaish-mashyaish-	
Savaish	خوش‌بختی ، برکت ، سعادت
Vehmem	پرسش
Vakhshat	افزون خواهد شد

سرود ۴۸ بند ۲

vaocha moi	بگو بهمن
vidva	میدانی
para hyat	پیش از آنکه
meng $\sqrt{man}-$	در ذهن من ، ذهن
pertha	کشمکش
venghat $\sqrt{van}=$	پیروزی
Vista $\sqrt{vid}=$	نشان دهد ، دانستن
	مقصد ، تجدید کار ، صورت واپسین ، پیام
ākeretish	
jimaiti	آغاز خواهد شد ، خواهد آمد
vanuhi	بزرگ

سرود ۴۷ بند ۵

ashāunē	مزدبسنی ، نیک
choish $\sqrt{chi}-ki=sk \sqrt{ki}$	
	پیمان ، آموختن ، تربیت دادن
chi-cha	همه اینها
	کامیاب ، بهره‌مند ، پاداش
Hanar یا Hanare	
Zaoshāt	محبت ، مهر ، جوشش
Bakhshaiti	بهره‌مند شدن ، بخش ، بهره
$\sqrt{Bakhsh}=sk \sqrt{Bhakshi}$	
	نفس بد ، اهریمن ، بدعتش
akat mananho-	
ā shyas	سکونت ، ماندن
ahya	از (عمل) خود او

سرود ۴۷ بند ۶

ta da	این که خواهی داد
vanha	نصیب ، بخشش ، بهره
Ranvibyo	دو گروه مخالف
$\sqrt{vi} dae=sk \sqrt{vi}+dha$	تعیین کردن
vidaitē	ممین میشود
	یاری ، فزونی ، بزرگی
pourush	بسیار ، پر
(de) bazan hā $\sqrt{vaz}=sk \sqrt{bamha}$	
ishento $\sqrt{ish}=sk \sqrt{iech}=$	خواهش
	درآمدن ، گزیدن ، برگزیدن ، بازگشت
vauraitē $\sqrt{var}=$	

سرود ۴۸ بند ۵

khshantem	شاهی $\sqrt{khshi}$ -
mā ne	نه بما
dush - khshathra	شاهی به
Hu khshathra	شاهی خوب
Vanhuya	نیک ، خوب ، به
chistoish	آموزش ، فکر ، اندیشه
	به تکمیل رساندن - کامل کردن - وقف کردن
yaoz - dā	
mashyai	مرد ، بشر
Zathem	از ولادت ، در زندگی
Cavoi	گیتی ، گاو
	نکهداری ، شبانی ، در زندگی
verezyatham	فرهی ، بالیدگی ، پرورش
Fshuyô $\sqrt{Fshu}$	
khvarathai	روشنائی ، خوراک

سرود ۴۸ بند ۶

ne	برای ما ، ازما
	جای سکونت ، سایه بان ، پناهگاه ، کشت
Hushoithemā $\sqrt{shi} = sk \sqrt{kshī}$	
utayuitim	جاوید ، بی دریی
dāt	دادن $\sqrt{dā}$ داده
tevishim	توانائی ، نیرو
berekhdhe	گران بها ، گنج
urvara	سبزه - گیاه
vakhshat	پوشش ، بالیدگی
Zathoi	از زاد - از برآمدن
Pouruyehyā	از ازل - از آغاز

سرود ۴۸ بند ۳

vaēdemnāi	دانشمند
sāsnanām = sk shasna	آموزش
	بیاموزد ، آموختن
sāsti $\sqrt{sāh} = sk \sqrt{shas}$ .	
gūzra sen	آموزگار... (مرموز)...
$\sqrt{guz} = sk. guh$	پنهان کردن ، پوشاندن
	ارادت مند به مانند تو ، از تو ، گرویده به تو
thwāvās	
	توسط دانش و هومن - الهام ایزدی
khraithwā - mananho-	
Hudā	خداوند دانش (یکی از القاب و هومن)
yae-chit	هم آنانکه

سرود ۴۸ بند ۴

Dāt	ساختن ، دادن
manō	دل ، نفس
vahyō	بهتر ، به ، خوب
ashyas	بدتر ، بد ، نه خوب
daēnām	وجدان
vachanha	سخن ، واژه
Zaosheng	دوستی ، جوشش
ushtish	خواهش ، اراده
vareneng	خواستہ ، برگزیده
hachaiti	تابع ، یکسان
khрата	دانش ، خرد
apemem	پایان ، انجام
	واضح ، آشکار ، ممتاز خواهد بود
nanā - anhat	

aredreng ishyā  
javarō  
سنجش، یاری کردن

anheush  
جان، زندگی

### سرود ۴۸۵ بند ۹

kada درجه زمان ... کجا  
vaēdā به یقین خواهم دانست  
yezi اگر  
chahya بر همه  
khshyatha شاهی میکند  
aithish دسیسه، نقشه، اندیشه  
dvaēthā تهدید  
آشکار شدن  
ucham  $\sqrt{vach}$  = سخن گفتن Erezucham  
Eresh mōi به راستی به من  
نمونه، نقشه اندیشه، طرح‌ریزی، یافتن  
Vafush  $\sqrt{vat}$   
باید بداند، میداند، خواهد دانست  
vidyāt  
سعادت روان خواهد شد، خوش بختی، کامیابی  
هست، برکت هست، سعادت هست (عملی میشود)  
ushish anhat

### سرود ۴۸۵ بند ۱۰

mānarōish پیام، برای انتشار  
سوشینت، باوران، قهرمانان، جوانمردان  
narō  
نزدیک شدن، یافتن، رسیدن، دانستن  
visentē  $\sqrt{vid}$  = sk  $\sqrt{vish}$

### سرود ۴۸۵ بند ۷

paiti. remem بر روی ستم  
سخت ایستادگی کنید ... پولادین باشید  
paiti syōdum  
ni aeshmō درخشم  
ni dyatam تحت تسلط، در تسلط، دوری  
استوار گرفتن، استوار داشتن -  
Didraghzoduye  $\sqrt{draghza}$  =  
sk  $\sqrt{drth}$   
پیوستگی، چسبندگی، فزونی  
گستردن  
vyām  
علاقه، بستن  
hithaush = sk.setu =  $\sqrt{hāy}$  =  
nā آموزگار، جوانمرد  
dāmām مردم، گروه  
Thwahmi از تو  
dām منزل، جا، مکان

### سرود ۴۸۵ بند ۸

ka چه  
vanheush خوب، به  
ishtish اشتیاق، آرزو، خواهش  
بهره، نصیب، پاداش، بخشش، سعادت  
ashoish  
به نظر آوردن، شناسائی  
aka  $\sqrt{kās}$  = sk. kas  
خوش به ارادت مندان - خوش به گرویدگان

khshnum	ادای وظیفه ، رضایت ، خوشنودی	از میان بردن ، تپاه نمودن ، زدن =	
hachante/hach -hak	پیروی ، هم رنگی ، یکسانی	ajen/√zan+a =	
senghahyā	دستور ، فرمان ، آموزش	muthrem	ادرار ، کثافت
dāta /√dā = sk/√dha	تعمین نمودن ، نامزد کردن ، آفریدن ، دادن		حماقت ، مستی ، شیفتگی ، تحمیق
$\left\{ \begin{array}{l} \text{hamaeshtarō/√maēd+ham} \\ \text{mith} \end{array} \right.$	نسلط ، پیروزی ، چیره گی	madahya	نیت بد
	استادگی در رزم = mith یا از	angraya	فربد دادن ، به خود کشیدن ، جلب کردن ، منظره ،
aeshemahya	برخشم - از خشم	urupayeinti/√rupa	هیکل -
			نام تهمورت نیز از دو کلمه اروپا + هیکل -
			اندام و تهم یا تخم = توانا ترکیب شده و
			مفهوم آن دارای منظره یا اندام تواناست .
		khratū	خرد (بد) خرد
		dushekhshathra	ورمانده بد - خداوندید
		dakhyunām	دهها ، کشورها

### سرود ۴۹ بند ۱

Pafrē	مانع شدن ، گذر کردن ، مخالف
Dush - erethrish	گمراه - راه بد
chikhshnushā	آرام ، راضی ، خوشنود
vanuhi	به ، خوب
ādā	(لقب ایزدانی و نوهی) یاداش ، بخشش
	گام بردارید - بنائید
Gaidi /√gam - sk - gahi	
arapa	بی آزاد ، مهربان ، یاری
aeshō	رخشنده ، شکست
vidā	یافتن ، رسیدن
yava - ahya	همواره - ازاد

### سرود ۴۹ بند ۲

	نگرانی ، اندیشه ، فکر
mānayeiti /√man = sk . man	
Tkaeshō	کیش ، آموزش ، آموزگار

### سرود ۴۸ بند ۱۱

jimat /√gam	می آید
Husheitish	جای خوش - جای امن
	سایه بان - جزاگاه - پناهگاه
Vāstravaitē	
khrraish = sk krura	خونخوار
Rāmām	امن ، رامش
	برداشتن - گرفتن
dānte /√dā = SK/√dha	
kēng	به آنانکه
chistish	بصیرت - دانش

### سرود ۴۸ بند ۱۲

anhen	خواهند بود
saoshyant	یاور راستی ، نجات دهنده

واژه‌نامه- سرود ۴۹ / ۲۹۱

Hizubish	برزبانها	Dregvā	دیویستی، دروغ، ناراست
Fshyaru	یاوران، دوست چرندگان، شبانی	Daibita	دوتی، ریا، دورویی
	مانع، دشمن چرندگان، ناشیان	Rāreshō	$\sqrt{rak}$ = دورشده، رها شده
Afshuyanto			نکه داشتن - برگرفتن
Hvarshtaish	ورزنده بد، بدکار	Doresht	$\sqrt{dar} = ak/\overline{dhr}$
Dān	مکان، جا $\sqrt{dan}$ = باری کردن، برگرفتن	Ahmai	برای او (اشاره به اشا)
Daena	باطن، اندیشه باطن، وجدان	Stoi	همه‌زمان، هیچ‌گاه، همواره
Vās	خواهش، آرزو، اشتیاق		ییوستگی، پرستی و یاسخ، مصاحبه، مشورت
khvaish	از خود آنان	Frashta	
yōi	او که		

سرود ۴۹ بند ۳

سرود ۴۹ بند ۵

iza	کوشش، ذوق	Ahmai	اینها همه
	کوشش باطنی، بالهدگی، فراوانی، فریبی	varena1/ $\overline{var}$	برچیدن، برگزیدن
azuitish		Nidatem/ $\overline{dā}$	دادن، نهادن
daenām	وجدان، دین		بالهدگی، فزونی، سود
sarishta/ $\overline{sar}$	اتصال، ییوستگی	Suidyai/ $\overline{su} = sk/\overline{sdu}$	
Huzentush	دانا، تمیز دهنده خوب	Tkaēshāi	کیش، آموزش
Taish	آنها	Rāshayenhē	بالغ شدن، ریش، آزار
Vispaish	همه	Drukhsh	اهریمنی، ناراستی، باطل
	قدرت ایزدی، اراده ایزدی، خشتی تو =	Sarē/ $\overline{sar}$	آرزو
ThWahmi khshathrōi		Antare mruyē	احتراز کردن
		Vispeng	همه
		Hakhmeng/ $\overline{hak} - hach$	همراهی، دوستی

سرود ۴۹ بند ۶

سرود ۴۹ بند ۴

Fro fraeshyā	خواستارم، التماس میکنم		
Mruite	آشکار کنید، بگوئید		بدبینی، اراده بد، خرد بد
	به اراده شما، به علم شما، به خرد شما، در خرد شما	Dush. khrathWa	
khshmakahya khratesh		aeshmem	خشم
Eresh	صحیح، راست، درست	Rāmem	رشک



نیرو ، اراده ، خشترباک ، اراده ایزدی  
 Vanhāu khshathrōi  
 برای همه زمان  
 yavōi vishāi  
 بسیار گرامی ، الهام‌پذیر ، دوست داشتن  
 Fraeshtānhō √pri- Fri  
 باشیم  
 Anhāmā

اندیشه، طرح، نقشه  
 ā mananhō  
 آموخته شود. اعلام گردد ؛ شنیده شود =  
 sravāyaemā √sru=sk √sru  
 امتیاز دادن . برگزیدن ، چیدن  
 vichidyāe √ch + vi=sk vi-chi  
 ارزشما  
 khshmāvato

### سرود ۴۹ بند ۹

بشنود ، گوش دهد  
 Sraotā  
 آموزش  
 Sasna  
 باور - فزونی‌دهنده  
 Fsenghyō  
 سود ، بالیدگی  
 Sūy ē=√su-  
 آفریده شده ، ساخته شده  
 tashto/ tash= sk/ taks-  
 نزدیکی . پیوستگی  
 Saram  
 توجه ، دید  
 Didas/ dā(y)-  
 تا که  
 hayt  
 وجدان ، دین  
 Daena  
 به پیوند ، جفت گردد ، بوغ شود  
 yujen  
 پاداش ، مزد  
 mizdē  
 جفت به اشا ، پیوست به اشا  
 asha-yukhta  
 آغاز عصر زرتشتی رستاخیز ، آغاز زمان جدید،  
 آغاز ، برآمدن  
 yāhi

### سرود ۴۹ بند ۱۰

در اندرون مکان، تو  
 Thwahmi ā dām  
 روان  
 uruna  
 نیکان  
 ashaunām  
 خانه  
 nemas  
 آرزو ، ذوق باطنی  
 ize  
 اراده ایزدی ، خشتربزرگ ، نیروی ایزدی ،  
 maibya

### سرود ۴۹ بند ۷

بشنوید ، شنید  
 Sraotū √sru-  
 شنید ، گوش دادن  
 Gūshvā/ gush-  
 طبقه دوم از جامعه مزدیسنی  
 Airyama  
 ورزنده، طبقه سوم جامعه مزدیسنی، کارگر  
 Khvaetush  
 طبقه اعلای جامعه مزدیسنی  
 Verezenai  
 بنا بر آئین زندگی میکنند، بنا بر آئین هستند  
 Dataish anhat  
 تا که  
 ye  
 نمونه ، بند ، رهنمائی، شهرت  
 √sah + Fra  
 Ferasastim

### سرود ۴۹ بند ۸

نزدیعیمن بسیار گرامی و برادر جاماسب بود  
 Ferashaoshtra  
 بزرگترین شادی ، برارنده ترین ، باسعادت ترین  
 urvazishtām  
 ده  
 Dā  
 پیوستگی  
 Sarēm  
 به بندی آسا - التماس ، آرزو  
 yāsā  
 به کسان من ، به مردم من  
 maibya

واژه‌نامه - سرود ۵۰ / ۲۹۳

vahishtem	دهشت ، بهترین	maza khshathra	نیروی بزرگی
		vazdanhā	یاری ، همواره ، پیوسته
		Avemira	به‌بشاشت ، باخنده‌روئی ، دوستانه

سرود ۵۰ بند ۱

kat	که
mōi	ازمن
urva	روان
ise √is	نفوذ، تسلط ، شاهی
chahya	بریکی
Avanhō	یاری
paseush	پیرو ، رمه
Thratā/Thra = sk √Tra	حامی ، یاور
visto/vid	دانستن
anyo	جز ، دیگر
ThWat	خودتو
	به‌ایمان خوانده شود، به‌صدق دل خوانده‌شود ،
azda zuta	به‌راستی‌خوانده‌شود

سرود ۴۹ بند ۱۱

	فرمانروایان بد ، شاهان بد
Dush – khshathreng	
Dnsh – shyaothneng	بدکاران
Dvz – vachanhō	بدسخنان
Duz - daenēng	بددینان، بد وجدانان
{Akaish	بد
{khvarethaish	بینش، بصیرت، غذا
	کم بینش ، بی‌بصیرت
	روانها پس‌می‌آیند ، روانها بازگردند
paiti urvanō yeinti	
Haithya	یقیناً ، به‌راستی
astyō	ساکنان ، ماندگان

سرود ۵۰ بند ۲

	شادی آورنده‌گویی
Rānyō sKeretim gam	
	آرزو ، خواستن ، خواهش
ishasōit √ish = sh √is – ich –	
Vastrvaitim	جای امن ، چراگاه
stoi	جاوید ، همیشه
	خواست ، خواهش
usyāt √vas = sk vash	
Erezejish	راست دزدندگی
	روشن از خور ، به‌بنده‌خور

سرود ۴۹ بند ۱۲

	به‌زبان آوردن ، دعا کردن، خواندن
zbayente/zbay = sk hve	
avanho	یاری
kat	چه
	عزیز ، گرامی
Frinai/Fri = sk/pri –	
	پرسیدن ، التماس کردن ، خواستار شدن
yāsas √yas	
	خواست ، خواهش
ishtā تملك √ish = sh/ich	

Seraoshānē	گوش دهد. بشنود	Hvarē pishyasū	جای آشکار
		ākā steng	خواهی بخشید ، خواهی داد
		Nishyāsyā	دانشمند ، مردم با داد
		Dāthem	مکان
		Dāhvā	برای خود
		ahmai	

### سرود ۵۰ بند ۵

Arōi	جهان اعلی ، جهان بلند ، آن جهان
khshumā	از شما
hyat	جون ، هرگاه
(yishmakai)	بسه خواننده سرود بسه شما
Māthrāne	الفاظ سرود - خواننده سرود
aibi dereshta	درست دیده میشود
avishyā	بدید ، آشکار
Zashta ishtā	خواهش نزدیک ، دم دست
Khvathre	روشنائی
	رهنما خواهد بود (به مکان)
dāyāt / dā = sk / dhā	
vaorazathā	شما شادی می آورید
avanha	یاری

### سرود ۵۰ بند ۶

	خواننده یا سراینده سرود - آواز بر آورد
mathrā vachem varaiti	
urvatho	دوست شود
nemanha	نمار
Dātā khrataush	دهنده خرد
hizvō	زبان
raithim stoi	راه - همواره
mahya	بهمن
	اصول دین ، اصول رهنمائی ، روشن
Razeng / rāj = sk / rāj	
Sāhit	بیاموزد

### سرود ۵۰ بند ۳

Anhaiti / ah	خواهد آمد
Choist	پیمان کرده ای
Ashoish	برکت ، نام ایزدبانوی سمادت
Aojanha	
Varedayaētā	پیش رفت ، بالیدگی
Nazdishtām	نزدیکترین (خویشان)
gaethām	نمین ، گیتی
	به تصرف در آور ، بده ، به بخش
Bakhshaiti	
dregva	دیویسنی ، ناراست

### سرود ۵۰ بند ۴

stavas	ستودن ، ستاید ، $\sqrt{stu} = sk \sqrt{stu}$
	جویندگی ، خواهش
isho / ish = sk / icch	
ā Paithi	بر راه
stanhat / sta	توقف کند ، ایستد
	الهام شده ، آنچه بر ارادت مندید شده -
Ākā aredreng	
Demane Garō	بهشت ، مکان نغمه

nemanhā نماز  
hunaretātā هنرمندانه ؛ دانش‌شکفت آور  
izayā وجدانی ، اشتیاق باطن

## سرود ۵۰ بند ۷

## سرود ۵۰ بند ۹

taish vā این بشما  
yasnāish سرودها  
stavas ستایش  
paiti ayeni بازگردم  
yadā هرگاه ، چون  
vase Khshye کاملاً رسیدم ، یافتم  
Mahyā ازمن  
پاداش ، هدف ، مرام ، سعادت ، بخت  
ashoish درست ، دانش خوب  
Hudanaosh – ادراك (y) √dā ، برترین دانش ، بصیرت  
ishyās/ish آرزو، خواهش  
آرزو، التماس فریاد – √geres بدوستگی سخت  
Gerezda √gered = sk.grdh  
khyēm-Hyem/ah = sk/syam بشو

سزاوارترین که خواننده شوید

Zevishtyeng حافظ آزادی ، نگهدارنده آزادی تندروترین  
urvato (aurvato) اسپها ، اسپهای فر به  
به یافتن ، کامیابی ، پیروزی ، اشاره  
Jyaish درآئید، بیایید ، پل ، درآمدن  
peretush ستایش پرستش  
vahmahye به شما  
yushmā – Kahya (ای‌مزدای) توانا  
ugreng تا که  
yaish پیشوای (ما کرده)  
azāthā شما بشوید  
khyātā(hyātā) یاوران(ما)  
avanhē یوغ ، جفت کردن، √yuj ، می‌پیوندم، جفت  
yaojā میکنم

## سرود ۵۰ بند ۸

## سرود ۵۰ بند ۱۰

Vareshā می‌ورزم ، ورزیدم  
Pairi aish گذشته آینه ، پیش‌وپس  
chashmām چشم  
arejat ارزش‌مند ، ارجمند  
Raocha اشعه (روز)  
khveng خورشید  
asnam ukhsha دربر آمدن روز

mat به ، با  
padaish قطعه از سرود ، پا ، شعر  
vā بشما  
Frasrutā شایسته شنیدن ، فرا شنیدن  
pairi jasāi نزدیک میشویم  
دستها را گسترده ، دست‌ها را بلند کرده ،  
ustāna zastō به‌گریدگی ، به‌ادامتند ، به‌ایمان  
aredrakhyā

iza chit	ذوق و شوق باطن	aerush	ملازم ، لطیف
antare-charaiti	فعالیت اندرونی	Vahmai	ستایش ، پرستش
vahishtem	بهترین	yacha	آنکه
nu chit	اکنون و همیشه	khashmakai	برای (فر) شما
خواهیم ورزید ، کوشیدن ، ورزیدن			
Vare shāne			

### سرود ۵۰ بند ۱۱

### سرود ۵۱ بند ۲

Paourvim	از ازل ، اولاً ، از آغاز
Taibya	بشما نمائید ، نمودن ، نشان دادن
Dōisha	$\sqrt{dīsh} = sk/\overline{dis}$
ishtoish Khshathrem	نیروی اراده
Khshmākem	شما
Vahmāi	پرستش ، پرستنده
Savanhō	نجات ، سعادت ، آزادی

### سرود ۵۱ بند ۳

Geush	گاو ، گیتی متفق شوند، همراهی کنند ، بهم می‌آیند
Hemyantū	
yōi	آنانکه
shyao thnaish	در کار شما (همراه) هستند
Hizva	آموزش ، سخنان ، زبان
ukhdaish	سخنان
yaēshām	از اینها
Paouryo	از آغاز ، از ازل
ta	تو
	آموزنده بودی ، آموزنده هستی
Fradakhshta ahi	

staota	ستایش
anha	خواهد بود اعلام نمودن ، آشکار کردن =
aojai/uj – ug = sk/uh	
yāvat	تا زمانیکه
dāta anheush	دهنده زیست ، آئین زیست به انجام رساندن ، بجا آوردن ، عملی کردن
aredat/ared = sk/rdh	
	راست کردن ، کامل نمودن ، تکمیل
haithyā vareshtām	
	{ که مشیت ، که اراده که تجدید کامل، چنانکه اراده (ایزدی است) Feroshotemem توانایی دارم و اراده دارم =
Tavacha isai cha	

### سرود ۵۱ بند ۱

Vairim	گران‌ها ، برگزیده
Bagem	سعادت ، بخشش
	رساندن، آورده شدن، به بهترین صورت نقل میشود
aibi – bairishtem	خود را تقدیم کردن ، بجا آوردن
vidishemnāi	

واژه‌نامه، سرود ۵۱ / ۲۹۷

khshyās خواهی توانست  
آشکارکنی ، پدید گردد ، نشان دهد  
Chishta  
ashivā سعادت بیاورد ، خوشبختی بیاورد

توحد مساعی ، همکاری ، همراهی  
Sārentē

سرود ۵۱ بند ۴

سرود ۵۱ بند ۶

vahyō vanheush از به ، بهتر  
dazdē میسازد ، میدهد  
Hoi rādat او که ایفا میکند  
= برگزیدن ، هدف ، بهره  
Varai √var  
akāt ashyō بد ، بدتر  
noit vidaiti نمی‌پرورداند  
apemē درانجام  
anheush زندگی  
urvāesē آخر ، واپسین

kuthra کجا  
aroišh/ari پسرستانه ، پارسا ، مهربان  
Araika در کتیبه بهستون (دشمنی) نفرت ،  
دشمنی = √ari  
Fseratush پاداش ، محبت ، شبانی  
merezdika مهربانی ، آموزش ، بخشش  
توجه ، واقع شود ، یاری ، روان  
Akhshtat  
yaso hyen ashem اشارا خواهند یافت  
Spenta پاک  
Thwa از تو

سرود ۵۱ بند ۷

Gām tashe سازنده گیتی  
apas cha آبها  
urvaras cha گیاهها  
Tevishi توانائی (روانی)  
utayuiti جاوید  
پاکترین گوهر ، پاکترین مایه‌نیو، سپنتا مایه‌نیو  
Spenishta mainyu  
Senghē قضاوت ، فرمان ، سخن ، آموزش  
Daidi mōi عطاکن ، بمن بده

vispā همه  
Peresas پرسیده  
yatha چنانکه  
چگونه زندگی اشائی به پرورد  
gām vidat ashat  
Vastryō یاری ، حمایت ، شبانی  
ereshvō نیکان ، نیک ، راست  
shyas thnaish کارها  
Hās hukhratush دانش نیک یافته  
Nemamhā از فروتنی ، از نماز  
Dāthaeibyō به دانشمند  
آموزنده راستی  
Eresh ratum یا ratush

ashavanem راستان ، نیکان

### سرود ۵۱۵ بند ۸

### سرود ۵۱۵ بند ۱۰

nā مرد ، جوانمرد  
میکوشد فاسد کند ، میکوشد بمیراند  
merekhshaitē  
anyāthā عکس ، دیگر  
ahmāt به این  
dāmōish دنیایی  
hunu=sk sūnu به انگلیسی son فرزند (دروغ = drujō)  
duzdā ضعیف‌العقل ، نادان  
yōi henti همه این‌چنین  
maibyō برای کسانی‌من  
gatē /gam— که بیاید (آمدن، رفتن)  
Vanhuyā ashi بامهر و سعادت  
zbayā خواهد خواند

### سرود ۵۱۵ بند ۱۱

urvatho دوست  
nā جوانمرد ، مرد  
مشورت میکند، هم‌سخن است، ارتباط دارد، پرسد  
afrāshta / Peres + ā =  
achista مصمم است ، می‌شمارد  
magāi نام آن‌چنین زرتشتی  
Ereshvō نیکان ، راستان

vakhshye خواهم گفت ، اعلام خواهم کرد  
vidushē (mruyāt) به داناشعند  
ناراست dregvaitē بدبختی ، بخت بد  
akōyā اعتصام ، چسبندگی ، پیوستگی —  
Dādrē /dar=sk /dhr  
mathra واژه پاک  
shyatō شاد خواهد بود  
mruyāt خواهد گفت ، اعلام خواهد کرد  
ushta روشنائی ، خوردند  
mavaiti اعلام میکند ، میگوید

### سرود ۵۱۵ بند ۹

yām این ، چه ، که  
khshnutem پاداش ، خوشنودی  
Rānoibya dā دو گروه مخالف  
Thwa athra آتش تو  
sukhrā برافروخته ، سرخ  
آزمایش سخت ، فلز گداخته  
ayenhā khshustā  
aibi (نشان میدهد ، اشاره میکند) رهنماست  
احساس وجدانی ، احساس روانی، حس باطن  
ahvāhū نشان میدهی ، اشاره میکنی  
dakhshtem dāvōi  
ناراست را dregvantem تپاه میکند ، ریش  
Rashayenhē میکند  
Savayō سعادت خواهند یافت

chinvato Pereta

جائیکه بد از خوب ممتاز میشود ، بل چنود

## سرود ۵۱ بند ۱۲

### سرود ۵۱ بند ۱۴

urvata-urvatha	احکام
Dātoibyas cha	نیز آئین (داد)
vāstrāt	شیانی - نکهیانی
Gavōi	زمین - جهان تن - مادر گیتی
arem	احترام گذاشتن - فرمان بردن
aroish	به پرستنده
senda(ā)	پوشاندن - فریبنده
senghaish	آموزش ، قضاوت sengho آموزش
apemem	در انجام
drujō demāne	مکان ناراست ، مکان دروغ
ādāt	گذاشتن ، نهادن

Khshnaush	رضایت ، خوشنودی
vaepayō	بمفهوم دشنام این کلمه را مترجم پهلوی غلام باره ، ترجمه کرده ، دورویی ، فریب خوردن
Peretō	درگذشت ، مرور
zemo	جهان ، زمین
urūraost	(کلمه دوم معنی است) کامیاب شدن ، بالیدن ، مانع شدن
ashtō	سایه ، نجات ، پناه
carata s-cha √char	فعالیت ، جنبش ، تحریک ، چربیدن
aoderesh-cha	اشتیاق ، ذوق
zoishenū	خوش
Vāzā	همت ، خلق ، نفس

## سرود ۵۱ بند ۱۳

### سرود ۵۱ بند ۱۵

choisht √ckī-Ki	کنار گذاشتن ، پیمان
para	آنسو
jasat √gam	pouruyō رسیدن ، یافتن =
savaish	سعادت
choishi	قصد ، طرح کردن
mizdem	یاداش ، مزد
magavabyō	برادری مگا
Garō demānē	مکان نغمه ، بهشت

meredaitē	مهمیراند ، تپاه میکند
√mered.	مرگ
daena	وجدان ، دین
haithim=sk. satyam	راستی ، راست
erazaosh	راه راست
	خشم - ملامت ، سرزنش =
khraodaiti √khrud=	
Ākā	پدیدگردد ، آشکار شود
hizvas	سخن ، زبان
shyaothanaish	کار ، عمل
	گمراهی ، کجروی ، راه کج ، ناراست
nāsvā √nas=sk. nash - patho	



### سرود ۵۱ بند ۱۶

ishtoish	آرزو ، اشتیاق ، ثروت	Tām	آن ، این
khvarenō	روشنائی ، فرشاهی	khshathra	(نیروی ایزدی) نیرو
varente $\sqrt{\text{var}}$	پرگزیده ، چیده-	maga	اخوت زرتشتی
vidō $\sqrt{\text{vid}}$	دانستن ، یافتن	nāsat $\sqrt{\text{nas}} = \text{sk nās}$	یافتن ، رسیدن
hyat	تاکه	padebish	سرود ، نغمه سرائی ، راه
	ارادت ، پناهندگی ، پیوستگی-		اندیشید ، طرح کردن ، اندیشیدن
Rapen $\sqrt{\text{rap}}$		manta $\sqrt{\text{man}}$	آموزش ، رهنمائی
chishtim	دانش	sazdyāi	روشنائی ، خورسندی
Daidi	بده ، به بخش	ushta	

### سرود ۵۱ بند ۱۷

Ahmai	آنان ، به آنان	Berekhdhām	قیمتی ، گرانبها
	خواهید داد ، وقف میکنی خود را میدهی	Hvōgvō	نام خانواده جاماسب و فرشاوشره
Dazdē		Daedōisht	نشان دادن ، تسلیم ، اشتیاق
ahum	که به زندگی	kehrpem	نفس ، تن ، کالبد
	درباطن احساس کند ، وجدانا بداند	Daenāyāi	وجدان ، دین
Daenaya vaedemnō		vanhuyāi	به ، خوب ، پاک
ishasas	مینخواهد ، میکوشد	yām hōi	این او را
aiibi (ahum)	بسوی زندگی		خواهش را بدهد ، آرزو بدهد
Dātā	آئینها	ishyām dātū	اعتصام بخشش ، پیوستن
mraot	خواهد آموخت ، خواهد گفت	Gerezdem $\sqrt{\text{gered}} - \text{sk.grdh}$	رسیدن ، یافتن
gayehyā	به زندگان	azdyāi	
shyaothnaish	به عمل		
vahyō	بهر		

### سرود ۵۱ بند ۱۸

### سرود ۵۱ بند ۱۹

واژه‌نامه - سرود ۵۱/۳۰۱

ashim سعادت  
yāsā آرزومندم ، خواستارم ، دعایمیکتم

سرود ۵۱ بند ۲۰

سرود ۵۱ بند ۲۲

Paiti همه ، هر يك  
anhare /ahr بودند  
henti هستند ، وجود دارند  
yazai محترم ، ستوده ، گرامی  
بنام خودشان ، بنام خویش  
khvaish nemenish  
pairi به سوی  
در هر نماز : مبدانند یا مایشناسد  
yesne paiti Vaeda  
jasai خواهام روت ، خواهام رسید  
vantā به ارادت  
yehyā به او که

Tat ne این‌بما  
هم‌جوشر ، یکدل ، هم‌اراده  
Hazaoshanhō  
در بعضی نسخ vipanho بمعنی همه  
vispanho  
Daidyai /dā به‌دادن  
savō سعادت ، خوش‌بختی  
ukhdhā آموزش ، سخن  
yaish بدان‌وسیله  
آرزومندیم ، خواستن ، آرزو کردن—  
chagedo/chag ستایش‌کنندگان ، پرستش—  
yazem nanhō /yaz  
nemanhā بانماز ، بانیاز  
Rafedhrem برکت ، سعادت

سرود ۵۳ بند ۱

ishtish خواهش ، آرزو  
sravi کامیاب‌گشت ، شهنیده‌شد  
āyapta /āp+a بخشش ، یافته  
hvan hevīm = huranhu زندگی‌خوب  
yavōi vispāi ā برای‌همه‌زمان  
مخالفت ؛ فریب =  
Daben /dab = sk /dabh  
sashken /sāk آموختند  
Daenayā vanhuya به‌دین ، دین‌به

سرود ۵۱ بند ۲۱

nā ارادت‌مند  
spento پاک  
hvō او (یقیناً)  
chisti اندیشه ، دانش  
ukhdaish آموزش ، سخن  
shyaothanā عمل‌کار  
Daena دین ، وجدان  
spinvat می‌گسترده ، می‌افزاید  
ashem کاراشارائی ، راستی  
dadāt به‌بخشد ، بدهد  
Tem vanuhēm برای‌چنین‌بزدی

سرود ۵۳ بند ۲

Zi.sk.hi	برای اینکه	جوئیدن، کوشیدن
speredā /spered = sk.Sprdh	غیرت، شوق، باسنجش، عمداً	Scantu /nac-hak = sk/sae
varāni /var	برگزیدم، برگزیدن	khshnum
Fedhroi	یدر	vahmai
	تمییز، تخصیص، سپردن =	Fraoret /ver
vidāt /da + vi = sk vi-dha		
paithyaē	خواجه‌نمان، خداوند، شوهر	
vastryaēibyō	شیابها	
khvaetaovē	خواجگان، بزرگان	
	رخشیدن، درخشیدن -	

khvēnvat /khvan /khvan	
ashavabyō	پیروان راستی
Hanhush	سود، میراث
vanhuyai	خوب، به
yavōi Vispai	جاوید، برای همه‌زمان
dadāt	به‌بخشد، بدهد

سرود ۵۳ بند ۵

sakhēni /sah = sk/saius	فرمان، آموزشی، سخن =
vazyābyo /vaz = sk /vah	به‌هندی بیاه vivaha عروسی
ainim	مطرب، خواننده، گوینده، خواستن،
vademno /vad =	سخن گفتن
/kam	عشق، محبت در فارسی کنونی کنیز
Kainibyō = kaini	

سرود ۵۳ بند ۳

	دانش کامل، کهنترین دخت زرتشت
povru-chista	
yezvi	کهنترین- وایسین
dudedrām	دخت
paity āstem	اعتماد کامل
taibyō	به آنان
dāt	میدهد
Sarem	اتصال، پیوستگی
atha	بنا برین
Hem Ferashvā	ارتباط، هم‌سخن
thwā	با خود تو
khratwā	فهروی باطن، خرد
spenishta	بهترین، برترین
Hudānū	آگاهی واضح، بینش واضح - الهام

$\left\{ \begin{array}{l} \text{دروغ‌پسند ، نفرت‌کننده از راستی} \\ \text{(dregvōdebyō)} \\ \text{jit aretaeibyō} \end{array} \right.$	nən-cha	ذهن ، سنجش ، تأمل ، تفکر
	mazdazdum	تأمل به نفس پی بردن ، دانستن =
anaish	چنین	Vaēdodūm / vid
manahim	روحانی ، روانی	abyastā / yat + aibi
ahum merengedyé	جان رانیاه میسازد	یا / vah = sk.as + aibi

به هندی ، ابھیاس-روان کردن

ahūm	محبت ، جان
anyo	دیگر
ainim	یکدیگر
	کامیاب شدن ، برتری جوئیدن ، سبقت

vivenhatv	
$\sqrt{van} = sk \sqrt{van} - vivāsatu$	
Hushenem	پاداش نیک
hōi	به هر کدام

### سرو ۵۳ بند ۷

at.cha	بصورت دیگر
mizdem	پاداش
anhat	هست
magahya	از مگا
yavat	نازمانیکه
azush	ذوق ، اشتهاق ، جوشش
zerazdishto	با علاقه‌ترین
bunoi	بنیان ، اساس ، به ویژه
hakhtayā	جفت (زن و شوئی)
paracha	ممنوی ، خواه ، اعلی
mraochās	عمل شود
aora cha	مادی ، جنسی ، ادنی
(parā) ivizayathā	آیا ترک خواهد کرد
magem	اخوت مگارا
vayōi	وای
anhaiti	خواهد بود
apememvachō	سخن آخر
yathra	هر کجا
nāsat	روان است ، وجود دارد

### سرو ۵۳ بند ۶

ithā	در این
haithyā = sk.satya	حقیقت ، راستی
narō jenayō	جوانان ، دوشیزگان
rāthemō	کشیش ، رهنما
	بیش ، تصور
spashuthā / spas = sk / spas	سود ، پیشرفت =
Fraidim / da + Fra = sk.para + dha	
āyase	خود را علاقه‌مند کردن ، رسیدن
tanvo para	دور از خود
	بار رنج دارند - آنانکه رنج متحمل میشوند =
vayū beredubyō / beret = sk.bhrt	
$\left\{ \begin{array}{l} \text{nasat} \cdot \sqrt{nas} \text{ رسیدن ، روان شدن} \\ \text{dush-khvarethem} \end{array} \right.$	روشنائی
	قیره ، ناپدید ، روشنائی ضعیف
khvathrem	روشنائی

سرود ۵۳ بند ۹

Dush-varenaish	با گمراهان، با بدکاران
vaeshō	نفرت
Rasti	رهنماست، میکشاند
Narepiśh	به محکوم نمودن
Arejish	ارجمندان
Aeshayā	بنده خواهشهان نفسانی
jit areta	تحقیر کننده راستی
	در کشمکش تنی، تن آزار دهندگان
Peshō-tanvō	
vyateush	با نیروی روانی او
ish	آنانرا
Himithyāt	مبارزه خواهد کرد
vase-itoish	با کمال آزادی، با همه آزادی
	فوک کرداران، نیکان، نیک زندگی کنندگان
Erezejyoi	
dāhi	میدهی
vahyo	برترین پاداش، بهترین پاداش
Drigasve	افتاده، فروتن

سرود ۵۴ بند ۱

ishyo	گرامی، بسیار مطلوب
Rafedhrai	خوشی، یاری
jantū	بیاید
	مردان، زنان، جوانان و دوشیزگان
nerebyas - nairibyas	
vairim	برگزیده، مطلوب
hanāt mizdem	پاداش مییابد
yasa ashim	دعا میکنم برای خوشبختی
	آرزوی (همه) یا بسیار خواسته شده (از همه)
yām ish yam	
masatā	و میدهد یا خواهد داد

سرود ۵۳ بند ۸

anaish	به این ترتیب، چنین
	بدور زندگان - بدکاران
Duz-vareshnanhō	
	سزاوار فریب $\sqrt{dab}$ فریب میخورند
Da fsh nyā	
Hentu	$\sqrt{ah}$ خواهند بود
Zakhyā	sk.hasya استهزاء
	خود را سرزنش خواهند کرد
khraosentāmupā	
	نیک پیشوایان - راهنمایان نیک
Hukhshathraish	
jē-narām	دوشیزه - جوانان
Rāmām	آرام، امن
dadātū	بدهد
sheitibyō	$\sqrt{shya}$ خوشی، شادی
vizibyō	$\sqrt{vis}$ مردم، شهر -
	ناپدید شدن، رفتن
iratu ish	$\sqrt{ar-sk}$ $\sqrt{ar}$
Dvafshō	رنج، درد
	بستن - $\sqrt{aarez}$ مسلط، پیروز، بندش، زنجیر
Dereza	
merethyaush	پیروز بر مرگ
mazishstō	برترین
moshū	sk mokshō زود، سریع
astu	باز گردد، بیاید

## پایان نامه

به اهورمزدا نماز بردم (ویاری خواستم)

اهورمزدا مرا یاری فرمود

هفده سرود ستایش - یا ۱۷ها.

این است ترجمه و تفسیر هفده یسنا که از میان هفتاد و دو یسنا انتخاب شده اند و در زمان مختلف الهام گشته اند. هم چنانکه بوسیله این سرودها زرتشت ملت آریانزاد را براه راست رهنمائی فرمود، اینها اکنون هرگاه میخوانیم نام زرتشت را در ذهن ما زنده میکنند. بنابراین لازم نیست بدانیم زرتشت کجائی بود چه، زمانی بود، پدرش که بود، مادرش کجائی بود. کافی است در نظر آوریم که این سرودها را یکی سرائیده و هدفی داشته و نام بالقب او زرتشت را به معنی روشنائی زرین خورشید بوده و چنانچه هفده سرود را موجود می بینیم و میخوانیم و می سنجمیم یقین داریم که گوینده آنها زرتشترا نیز وجود داشته.

ترجمه و تفسیر سرودهای گاتا از نگارنده منحصر به این نامه نیست بلکه در نامه های دیگر نیز انتشار یافته از جمله:-

(۱) در ایران نامه - جلد اول - تاریخ ایران عصر هخامنشیان که در سال ۱۹۱۳

نوشتن آن آغاز شد و در سال ۱۹۲۵ انتشار یافت - اکنون کم یاب است.

(۲) در ایران نامه، عصر اشکانیان. در سال ۱۹۲۱ ش - ه از جانب وزارت فرهنگ

ایران انتشار یافت.

(۳) کیش زرتشتی - عصر ساسانیان در سال ۱۲۵۰ به چاپ رسید.

(۴) عصر اوستایی . در سال ۱۹۵۰ ش - ه. به طبع رسید

(۵) در تألیفم بنام out lines of islamic Culture

(۶) در نونوشت ایران نامه - جلد اول - به افزودن برخی مطالب و تصحیح بعضی

دیگر - این نامه هنوز به چاپ نرسیده و در سرود ۴۳ بنداول میفرماید: -

( آفریدگار همه موجودات) روشنائی به او می بخشد که او نیز به دیگران برساند  
و ذهن آنها را روشن سازد و اینک امانتی که یافتیم خوانندگان گرامی کردم امیدوارم  
که آنچه میخوانند از بنده ندانند بلکه از اوستا که نزد آنها گرامی است  
سپاس گزارم از آقایانی که در طبع این نامه بنده را یاری و همراهی فرمودند به  
ویژه آقای دکتر فریدون ورجاوند که اگر ایشان همراهی نمی کردند و دوست عزیز  
خود آقای رستم سروری را به دادن مصرف طبع تشویق نمی نمودند این نامه وجود  
نداشت.

و آقای هوشنگ خرمی که جوانی است پاك سیرت که تصحیح و تنظیم چاپ  
کتاب به ایشان واگذار شده بود.

به سپاس و ستایش اهورامزداى مهربان عرض خود را پایان میدهم

ع. شوشتری مهرین

شهریور ۱۳۵۴

(۷) سَعِ . فَاغِ . وَبَطْنِ سَعِ . عَدَدِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .  
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . فَاغِ سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ .  
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .  
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ .

ترجمه: و یقیناً جفت خواهم کرد شما (ای) حافظ آزادی و سزاوارترین که خوانده شوید و به ستایش شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن تا که پیشوای ما شده یاوران ما گردید.

توضیح: ترجمه علامه بارتلومه چنین است . برای شما جفت خواهم تندروترین اسبهای فربه و نیرومند را بوسیله ستایش شما و گویا مقصود از آن به دلکش ترین عبارت شمارا ثنا خواهم گفت تا که شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن ما را راهنمایی بکنید و یاور ما گردید.

(۸) سَعِ . فَاغِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .  
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .  
 سَعِ . فَاغِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ .  
 سَعِ . فَاغِ . فَاغِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ .

ترجمه: ای مزدا! با سرائیدن سرود پر ذوق (وجدانی) شایسته شنیدن، هر دو دست را بلند کرده بانماز ارادت مندانه بوسیله اشا و دانش شگفت آور و وهومن به- شما نزدیک میشوم.







## خلاصه سرود ۵۰۵

در برخی از سرودهای گاتا پیمبر آرزوی خود را بیان میکنند و در بعضی پرسشی میکنند و خود پاسخ میدهد یا پاسخ را به شنونده آن واگذار مینماید. از جمله در آغاز این سرود از اهورا مزدا میپرسد که کدام کس یاور او و پیروان او خواهد شد و در پاسخ میگوید که اشایعی راستی و نظم و وهومن یا بهترین بینش بشرطیکه آنها به نیت خالص خوانده شوند و در قطعه دوم میپرسد چگونه جای امن و جامعه ایرانی محیط راستی و درستی خواهد شد و پاسخ را به خواننده واگذار می-کند و جایی میخواهد که بر آن خور بتابد و افراد جامعه آسوده زندگی کنند و به امن خاطر به وظایف زندگی برسند. جهان تن که در دیگر ادیان جای دردورنج است برای زرتشت آورنده شادی است و پیمبر امیدوار است که ارماینی با اشا و خشترو وهومن بسوی او خواهند آمد و از یاری ایزد بانسوی خوش بختی پیش خواهند رفت. میفرماید ای مزدا! تنها ترا میستایم و میپرستم و آرزو مندم که جوینده تو به راه راست گام بردارد و به آنچه بر من ارادت مند تو پدید شده گوش دهد ای مزدا! تو از جهان بلند برای ما شادی می آوری و یاری تو آشکار و اشاره های تو ما را بسوی روشنائی رهنماست. نظر پیمبر ایران همواره بر الهام ایزدی است و تمنا میکند که آنچه او میگوید به الهام ایزدی باشد. میگوید ای مزدا! تو انا! ترا به دلکش ترین عبارت ستایش میکنم تا با اشا و وهومن ما را راهنمایی کنی و یاور ما گردی و هر دو

دست را به نیاز و نماز بلند کرده امیدوارم که بوسیله اشا و دانش شگفت و هومن  
بشما نزدیک شوم و به سرود ستایش بسوی شما بازگشته هرگاه کاملاً به مرام خود  
رسیدم آرزومندم که دارای دانش عالی گردم آنچه در گذشته گفته‌ام و در آینده خواهم  
گفت امید که به الهام و هومن باشد در بر آمدن روز و تجلی اشعه لطیف خور هم  
عظمت و فر شما را ستایش میکنند و در پایان عرض میکنند که همواره اهور مزدا  
را خواهد ستود و تا زمانیکه اشا و خشتر ایزدی اراده مرا نیرو میدهند در تبلیغ  
دین بهی که از الهام ایزدی یافتم خواهم کوشید و کامیابی وابسته به مشیت ایزدی  
است .

### سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

منحصر به يك سرود است در ۲۲ قطعه و هر قطعه در ۶ پادا كه مجموعاً ۱۳۲ پادا ميشوند و هر پادا در هفت سيلاب گفته شده.

( سرود ۵۱ بنام وهو خشترا )

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

(۱) سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

ترجمه : نیروی ایزدی گران بهاست. و بخششی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا. او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بوسیله عمل (به بلند ترین مقام میرسد) (و برای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهم کوشید. (یا خواهم ورزید) .

توضیح: خشترا یعنی نیروی ایزدی به هر که رسید او نعمت گران بها یافت و باطن او توانا شد. اگر خوش بخت باشد به نوع خود خدمت میکند و تنها از عمل



اهورا شما از ازل آموزنده هستی .

توضیح: برای آبادی گیتی بشر باید به فرمان اهورمزدا ( که بوسیله طبیعت پیوسته ) آشکار میشود همراهی کند. اشا یعنی راستی و نظم گوئی زبان اهور است که سخنان یا آموزش دین را بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی برمیگوید و از ازل آموزنده اصل اهورمزداست .

(۴) ورتا اسی . سدا چا دیند . سدا دد اسی دیند .

ورتا اسی . اسی ایلک و دوس . سدا دیند سدا .

ورتا اسی . وس سدا چا . سدا دد . سدا دد .

وچ . دد اسی . سدا دد اسی دیند .

ورتا اسی . اسی چا . سدا دد اسی دد .

ورتا اسی . اسی دد . سدا دد اسی دد . سدا دد .

ترجمه : کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو و کجا مهربانی روان است و کجا اشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و ( بهترین منش ) وهومن را وای مزدا ! (خشتر) اراده توانای تو را .

توضیح: به مهر و مودت و پاکی و نظم و بهترین منش و اراده توانا کارها نیک و منظم میگردند. پیمبر این صفات را از اهورمزدا برای جامعه آرزو میکند .

(۵) چا دد اسی . سدا . اسی ایلک و دد . وس سدا اسی .

سدا دد . سدا دد . سدا دد . سدا دد .

سدا دد اسی . وس دد اسی . سدا دد اسی .

سدا دد . سدا دد اسی دیند . اسی دد .

سدا . وس سدا اسی . اسی دد . سدا دد .

سدا دد اسی . سدا دد اسی . سدا دد اسی .

ترجمه : همه اینها را پرسیده ( میخواهم بدانم ) چگونه زندگی اشائی را





(۷)  $\frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{4} \frac{1}{5} \frac{1}{6} \frac{1}{7} \frac{1}{8} \frac{1}{9} \frac{1}{10}$   
 $\frac{1}{11} \frac{1}{12} \frac{1}{13} \frac{1}{14} \frac{1}{15} \frac{1}{16} \frac{1}{17} \frac{1}{18} \frac{1}{19} \frac{1}{20}$   
 $\frac{1}{21} \frac{1}{22} \frac{1}{23} \frac{1}{24} \frac{1}{25} \frac{1}{26} \frac{1}{27} \frac{1}{28} \frac{1}{29} \frac{1}{30}$   
 $\frac{1}{31} \frac{1}{32} \frac{1}{33} \frac{1}{34} \frac{1}{35} \frac{1}{36} \frac{1}{37} \frac{1}{38} \frac{1}{39} \frac{1}{40}$   
 $\frac{1}{41} \frac{1}{42} \frac{1}{43} \frac{1}{44} \frac{1}{45} \frac{1}{46} \frac{1}{47} \frac{1}{48} \frac{1}{49} \frac{1}{50}$

ترجمه : ای مزدا ! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هروتات و امرتات را بمن وسیله سپنتا ماینیو عطا کن و نیز بوسیله وهومن جاوید نیروی روانی و زندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکار شد .  
 توضیح : هروتات و امرتات یعنی تندرستی و زیست جاوید را آرزو میکند که اهورمزد بوسیله سپنتا ماینیو به او عطا کند و بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی جاوید توانائی روانی و از کیش مزدیسنی که زندگی نو نامیده چنانچه به الهام ایزدی بهشت زرتشت رسیده آگاه سازد .

(۸)  $\frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{4} \frac{1}{5} \frac{1}{6} \frac{1}{7} \frac{1}{8} \frac{1}{9} \frac{1}{10}$   
 $\frac{1}{11} \frac{1}{12} \frac{1}{13} \frac{1}{14} \frac{1}{15} \frac{1}{16} \frac{1}{17} \frac{1}{18} \frac{1}{19} \frac{1}{20}$   
 $\frac{1}{21} \frac{1}{22} \frac{1}{23} \frac{1}{24} \frac{1}{25} \frac{1}{26} \frac{1}{27} \frac{1}{28} \frac{1}{29} \frac{1}{30}$   
 $\frac{1}{31} \frac{1}{32} \frac{1}{33} \frac{1}{34} \frac{1}{35} \frac{1}{36} \frac{1}{37} \frac{1}{38} \frac{1}{39} \frac{1}{40}$   
 $\frac{1}{41} \frac{1}{42} \frac{1}{43} \frac{1}{44} \frac{1}{45} \frac{1}{46} \frac{1}{47} \frac{1}{48} \frac{1}{49} \frac{1}{50}$

ترجمه : اکنون از جانب توای مزدا ! بر میگویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بدتهدید میکند و به او که با اشاست و راست است خورسندی (روشنائی) می آورد و تنها او از واژه (ماترای) پاک شاد خواهد بود که

به دانشمند برگوید .

توضیح: پیمبر میفرماید که از جانب اهورمزدا اعلام میکنم که :

- ۱- ناراست رابخت بدتهدید و بهراست روشنائی (وجدانی) میبخشد .
- ۲- تنها مردیکه واژه پاک را به مردم دانا برمیگوید دانا وشاد خواهد بود .

(۹) سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .  
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .  
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .  
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .  
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .  
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .

ترجمه : پاداشیکه ای مزدابوسيله آتش سرخ (برافروخته) به دو گروه (مخالف) بوسيله آزمایش (سخت) فلز گداخته میدهی رهنماست به زندگی وجدانی (ما) که ناراست را تباه میکند و بهراست سعادت میبخشد .

توضیح: آتش برافروخته یا فلز گداخته را باید بمفهوم آزمایش سخت و رنج آور گرفت که به دو گروه مخالف در کشمکش میرسد و هر کدام که در آن شکیبائی ورزید و تحمل کرد کامران و سعادت مند و هر که نتوانست تحمل گردد تباه خواهد شد.

(۱۰) سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .  
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .  
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .  
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .  
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .  
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .

ترجمه : مردیکه میکوشد (جامعه را) بمیراند (فاسد کند) بر ضد این



(۱۲) چای دق . سوس . س . نایع سوسون . واسوع سوسونچ .  
 و سوسچ . سوسچ . سوسچ . سوسچ .  
 سوسچ سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ . سوسچ . سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ . سوسچ . سوسچ سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ

ترجمه : خوشنود نباشد زرتشت اسپتاما از (روش) فریبانه کوی درمروراز  
 این جهان زیرا که او ( به اندیشه اش ) نجات را ( تنها در اعمال ) دنیوی میدانند  
 ( در صورتیکه ) آن به فعالیت ذوق روانی پر جوش میسر میشود .  
 توضیح: سرودگویان کوی عقیده داشتند که ثروت و خوش گذرانی بهترین  
 راه زندگی است و زرتشت اسپتاما این طریق رانمی پسندید بعقیده او اعمالی باید  
 وجدانی و به ذوق و جوشش روانی بجا آورده شوند در صورتیکه کوی یکپارچه مادی  
 بودند زرتشت جنبه معنوی را می پسندید .

(۱۳) سوس . واسوع سوسچ . سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ .  
 سوسچ سوسچ . سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ  
 سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ سوسچ

ترجمه : به این ترتیب ناراست تباه میکند وجدان خود را به ( نیافتن )  
 حقیقت راه راست که چون بر او پل چنود پدید گردد روان او سرزنش خواهد کرد  
 ( واو ) به عمل و به زبان ( سخن ) خویش از راه اشا منحرف شود ( و گمراه





خوش بختی ، راستی و دانش و هومنی به بخشند و چنین سعادت را از مزدا آرزو داریم .

(۲۱) سدا نسه سدا چا دن بد . سدا . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .

ترجمه : ارادتمند ارمایتی پاک است - او به دانش ( اندیشه ) و سخن و عمل و وجدان اشا ( راستی ) را می افزاید و ( اورا ) اهورا به وسیله و هومن خستر ( نیرو ) می بخشد و برای چنین سعادت دعا میکنم ( خواستارم ) .  
 توضیح: ارادت مند ارمایتی ( تسلیم و رضا ) باید پاک باشد چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار و وجدان و راستی را ( در جامعه ) بیافزاید و ( نیکو منش را ) اهورا دانش و نیروی ایزدی می بخشد و من چنین سعادت را ( از او ) خواستارم .

(۲۲) دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .  
 دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد . دنه سدا چا دن بد .

ترجمه: من اورا که بوسیله اشا و هشت همه ستایش مزدا اهورا رامیداند در هر نماز چه آنها که بودند و چه آنان که وجود دارند به نامهای خودشان ستوده گرامی خواهم داشت و به ارادت به آنان خواهم رسید .  
 توضیح: در این قطعه برخی از واژه های دعای ینه هاتام yenne hatam گفته شده اند گوئی متمم دعای نامبرده است ( رجوع شود به دعای ینه هاتام ) .